

www.publaw.blogfa.com

بخش اول

مقدمات

اصل اول

جمهوری و قلمرو آن: (۱) پاکستان یک جمهوری فدرال خواهد بود که با عنوان «جمهوری اسلامی پاکستان» شناخته شده، از این پس تحت عنوان پاکستان به آن اشاره خواهد شد.

(۲) قلمرو پاکستان شامل مناطق ذیل است:

الف) ایالات بلوچستان، سرحدات شمال غربی، پنجاب و سند،

ب) منطقه پایتختی اسلام آباد که از این پس تحت عنوان پایتخت کشور از آن نام برده خواهد شد،

ج) نواحی قبیلہ‌ای تحت مدیریت حکومت مرکزی:

د) ایالات و مناطقی که در محدوده کشور پاکستان قرار دارند و یا ممکن است در آینده به شکل الحاق یا به نحو دیگر به آن بپیوندند.

(۳) مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند به موجب قانون و با توجه به اوضاع و احوال و شرایطی که مقتضی بداند ایالات یا نواحی تازه‌ای را جزو فدراسیون بپذیرد.

اصل دوم

اسلام دین رسمی کشور: دین رسمی کشور اسلام می‌باشد.

اصل دوم- الف

قطعنامه اهداف به عنوان بخشی از مقررات اساسی: اصول و مقرراتی که در «قطعنامه اهداف»- منتشره در پیوست- ذکر شده بخش اساسی قانون اساسی را تشکیل داده، و مطابق با آن اعتبار خواهد داشت.

اصل سوم

حذف استثمار: دولت حذف هر نوع استثمار و اجرای گام به گام اصل بنیادی «هر کس به تناسب توانایی خود تا هر کس به تناسب کار خود»، را تضمین خواهد نمود.

اصل چهارم

حق افراد در برخورداری از رفتار قانونی با آنان: (۱) برخورداری از حمایت قانون و رفتار قانونی، حق مسلم و غیر قابل انتقال هر شهروند، در هر کجا که باشد- و هر شخص دیگری که موقتاً در پاکستان به سر برد، می باشد.

(۲) علی‌الخصوص:

الف) هر گونه اقدامی که به زندگی، آزادی، شهرت، جان یا مال افراد لطمه برساند، انجام نخواهد یافت، مگر اینکه مطابق با قانون باشد.

ب) هیچ کسی از انجام آنچه که به موجب قانون ممنوع نشده، منع یا بازداشت‌نخواهد شد.

ج) هیچ کسی مجبور به انجام آنچه که قانون وی را ملزم به انجام آن نمی‌کند، نخواهد شد.

اصل پنجم

وفاداری به کشور و اطاعت از قانون اساسی و دیگر قوانین: (۱) وفاداری به کشور وظیفه اصلی هر شهروند است.

(۲) اطاعت از قانون اساسی و دیگر قوانین وظیفه اجتناب ناپذیر هر شهروند - در هر کجا که باشد - و هر کسی که موقتاً در پاکستان به سر برد می‌باشد.

اصل ششم

خیانت به کشور: هر کسی که قانون اساسی را نسخ یا سعی و توطئه به منظور نسخ آن نماید، و یا با توسل یا تظاهر به زور و هر وسیله غیر مشروع دیگر آن را لغو یا سعی و توطئه به لغو آن نماید، به خیانت به میهن متهم خواهد شد.

(۲) هر کسی که اعمال مذکور در بند (۱) را حمایت یا تحریک و تشویق نماید، به خیانت به میهن متهم خواهد شد.

(۳) مجلس شورا (پارلمان) طبق قانون، مجازات افراد متهم به خیانت به میهن را تعیین خواهد کرد.

بخش دوم

حقوق بنیادین و اصول سیاست

اصل هفتم

تعریف دولت: در این بخش، به غیر از مواردی که متن معنای دیگری ایجاد کند، منظور از «دولت» حکومت فدرال، مجلس شورا (پارلمان)، حکومت ایالتی، مجلس ایالتی و مراجع و مقامات محلی و مانند اینها در پاکستان خواهد بود که به موجب قانون اختیار وضع عوارض یا مالیات را دارند.

فصل اول

حقوق بنیادین اساسی

اصل هشتم

الغای قوانین ناسازگار یا مغایر با حقوق بنیادین: (۱) هر قانون، رسم یا عرفی که قدرت قانونی دارد، در صورتی که با حقوق تفویضی به موجب این فصل مغایر باشد، موارد مغایر ملغی می‌گردد.

(۲) دولت، قانونی را که حقوق تفویضی مزبور را لغو یا محدود کند، وضع نمی‌کند و اگر قانونی برخلاف این بند وضع گردد، مواردی که مغایرت داشته باشد، ملغی خواهد شد.

(۳) مقررات این اصل شامل موارد ذیل نمی‌گردد:

الف) قوانین مربوط به پرسنل نیروهای مسلح، پلیس یا سایر نیروهای که مسؤول برقراری نظم عمومی هستند، و هدف آن قوانین تضمین حسن انجام وظیفه آنها یا برقراری نظم میان آنها می‌باشد.

ب) هر یک از؛

۱- قوانینی که در پیوست اول بلافاصله قبل از روز آغاز لازم‌الاجرا بوده یا طی قوانین مصرّحه در آن پیوست اصلاح گردیده‌اند؛

۲- سایر قوانینی که در بخش نخست پیوست اول بیان شده‌اند،

(۴) بدون توجه به آنچه که در بند (ب) اصل سوم آمده، قوه مقننه ذیربط ظرف مدت دو سال از روز آغاز قوانین مصرّحه در بخش دوم پیوست اول را با حقوق تفویضی به موجب این فصل هماهنگ خواهد ساخت.

مع هذا، قوه مقننه ذیربط می‌تواند دو سال مزبور را حداکثر تا ۶ ماه دیگر طی تصمیمی تمدید نماید.

تبصره: اگر در مورد تصویب قانونی، قوه مقننه ذیربط مجلس شورا (پارلمان) باشد، چنین تصویبنامه‌ای، تصویبنامه مجلس ملی خواهد بود.

(۵) حقوقی که به موجب این فصل تفویض می‌شود، به حال تعلیق در نخواهد آمد، مگر اینکه قانون اساسی تعلیق آن را صراحتاً مقرر نماید.

اصل نهم

امنیت شخص: هیچکس از زندگی و آزادی محروم نخواهد شد مگر به موجب قانون.

اصل دهم

حمایت از حقوق اشخاص در صورت دستگیری و توقیف: (۱) کسی که دستگیر می‌شود، نباید بدون اینکه علت دستگیری در اسرع وقت به وی اطلاع داده شود، بازداشت، و زندانی گردد یا از حق مشاوره و داشتن وکیل قانونی به‌انتخاب خودش محروم گردد.

(۲) هر کس که دستگیر و بازداشت شود باید ظرف بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری، بدون احتساب زمان لازم برای سفر از محل دستگیری به دادگاه نزدیکترین حوزه قضایی، باید در یک حوزه قضایی به وضع وی رسیدگی شود و فرد بازداشت شده بیشتر از مدت مزبور بدون مجوز دادگاه در بازداشت نخواهد ماند.

(۳) هیچ یک از مفاد بندهای (۱) و (۲) در مورد شخصی که به موجب قانون توقیف احتیاطی، دستگیر یا بازداشت می‌شود، اعمال نخواهد شد.

(۴) قانون توقیف احتیاطی فقط در مورد اشخاصی وضع می‌شود که رفتاری مغایر یکپارچگی، امنیت یا دفاع از پاکستان یا هر بخشی از آن یا مغایر با سیاست خارجی پاکستان، نظم عمومی، یا ارائه کالاها و خدمات داشته باشند. قانون مزبور نباید توقیف شخص را برای مدتی بیشتر از سه ماه مجاز دارد مگر اینکه هیأت ذیصلاح تجدیدنظر بعد از استماع اظهارات وی قبل از خاتمه دوره مزبور پرونده وی را مجدداً بررسی و گزارش نماید که از نظر هیأت مذکور بازداشت وی موجه می‌باشد؛ و مدت بازداشت در صورتی از سه ماه بیشتر می‌شود که هیأت مزبور قبل از پایان هر مدت سه ماهه پرونده وی را مجدداً بررسی و گزارش نماید که دلایل کافی برای بازداشت موجود می‌باشد.

تبصره اول: در این اصل منظور از «هیأت ذیصلاح تجدیدنظر» عبارت است از:

الف) در مورد شخصی که به موجب قوانین کشوری بازداشت می‌شود، هیأتی است که توسط رئیس دیوان عالی کشور تشکیل شده و مرکب است از رئیس و دو نفر دیگر که هر یک قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی بوده یا می‌باشد،

ب) در مورد شخصی که به موجب قانون ایالتی بازداشت می‌شود، هیأتی است که توسط رئیس دادگاه عالی ذیربط تشکیل شده و مرکب است از رئیس و دو نفر دیگر که هر یک قاضی دادگاه عالی بوده یا می‌باشد.

تبصره دوم: نظر هیأت تجدیدنظر باید بر طبق نظر اکثریت اعضای آن اعلام شود.

(۵) هر گاه شخصی در اجرای حکمی براساس قانون توقیف احتیاطی بازداشت شود مقامی که حکم را صادر می‌کند باید ظرف پانزده روز از تاریخ بازداشت، دلایل صدور حکم را به شخص توقیف شده اطلاع داده و در اسرع وقت به وی فرصت دفاع از خود را در برابر حکم بدهد.

مع هذا، مقامی که چنین حکمی را صادر می‌کند، می‌تواند مدارک و حقایقی را که به نظر وی افشای آنها به صلاح عامه نباشد، اعلان ننماید.

(۶) مقام صادر کننده حکم، باید کلیه مدارک مربوط به موضوع را به هیأت تجدیدنظر ذیربط ارائه نماید، مگر اینکه یک وزیر حکومت ذیربط با امضای یک گواهی اعلام نماید که ارائه مدارک به صلاح عامه نیست.

(۷) ظرف مدت بیست و چهار ماه از آغاز اولین روز بازداشت فرد در اجرای حکم صادر شده براساس قانونی که توقیف احتیاطی را مجاز می‌داند، شخصی که به جرم اعمال مغایر با نظم

عمومی بازداشت شده، نباید در کل بیش از هشت ماه و در سایر موارد، بیش از دوازده ماه به موجب حکم مزبور توقیف گردد.

مع هذا، این بند موارد ذیل را شامل نمی‌شود: کسی که در خدمت دشمن است یا برای وی کار می‌کند و یا بنا به دستور او عمل می‌نماید؛ کسی که علیه وحدت، امنیت یا دفاع از پاکستان یا هر بخشی از آن اقدام یا سعی به اقدام می‌کند؛ کسی که عملی را مرتکب می‌شود یا سعی به ارتکاب عملی می‌نماید و عمل مزبور بنا به تشخیص قوانین کشوری اقدامی ضد میهنی است؛ کسی که عضو گروهی است که اهداف آن ضد میهنی است یا به فعالیتهای ضد میهنی مبادرت می‌ورزد.

(۸) هیأت تجدیدنظر ذیصلاح باید محل بازداشت شخص توقیف شده را معین و کمک هزینه متعارفی برای خانواده وی مقرر نماید.

(۹) مفاد این اصل، شخصی را که موقتاً متحد دشمن باشد، شامل نمی‌شود.

اصل یازدهم

بردگی، کار اجباری و مانند اینها ممنوع می‌باشند: (۱) بردگی موجودیت ندارد و ممنوع می‌باشد و هیچ قانونی نمی‌تواند برقراری بردگی را در پاکستان مجاز یا تسهیل نماید.

(۲) کلیه اشکال کار اجباری و خرید و فروش انسان‌ها ممنوع می‌باشد.

(۳) کودکان کمتر از ۱۴ سال نباید در کارخانجات، معادن یا در هر شغل مخاطره‌آمیز دیگر به کار گماشته شوند.

(۴) هیچ‌یک از مفاد این اصل تاثیری بر خدمت اجباری در موارد ذیل نمی‌گذارد:

الف) خدمت اجباری کسی که به جرم تخلف از قانون محکومیتی را می‌گذراند.

ب) خدمت اجباری که به موجب قانون برای یک هدف ملّی الزامی گردد.

مع هذا، هیچ نوع خدمت اجباری نباید دارای ماهیت بیرحمانه یا ناقض منزلت انسانی باشد.

اصل دوازدهم

حمایت در قبال عطف به ماسبق شدن مجازات: (۱) هیچ قانونی مجازات افراد به دلایل ذیل را اجازه نخواهد داد:

الف) به خاطر عمل یا قصوری که طبق قانون در زمان انجام آن عمل یا قصور قابل مجازات نبوده است،

ب) به خاطر جرمی با مجازاتی شدیدتر یا متفاوت از مجازاتی که قانون در زمان ارتکاب جرم برای آن معین کرده بود.

(۲) مفاد بند (۱) و یا اصل دویست و هفتادم در مورد قانونی اعمال نخواهد شد که تخلف یا عدول از قانون اساسی لازم الاجرای پاکستان را در هر زمانی از تاریخ بیست و سوم مارس سال یک هزار و نهصد و پنجاه و شش (۱۹۶۷) جرم به شمار می آورد.

اصل سیزدهم

مصونیت از مجازات مضاعف و اجبار به اعتراف:

الف) هیچکس برای یک جرم بیش از یکبار تحت تعقیب قرار نگرفته یا مجازات نخواهد شد،

ب) هر گاه کسی به جرمی متهم شود، علیه خود به اعتراف مجبور نخواهد شد.

اصل چهاردهم

غیرقابل تعرض بودن حرمت انسانی: (۱) حرمت افراد و طبق قانون حریم‌خانه اشخاص غیر قابل تعرض خواهد بود،

(۲) هیچکس برای ادای شهادت مجبور یا شکنجه نخواهد شد.

اصل پانزدهم

آزادی نقل مکان و غیره: با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون با توجه به منافع عموم وضع می‌نماید، هر شهروند حق ورود آزادانه، سفر و سکونت و اقامت در هر بخشی از پاکستان را خواهد داشت.

اصل شانزدهم

آزادی اجتماعات: با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون با توجه به منافع عموم وضع می‌کند، هر شهروند حق تشکیل اجتماعات آرام و غیر مسلحانه را خواهد داشت.

اصل هفدهم

آزادی تشکیل انجمنها: (۱) هر شهروند، با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون به منظور حفظ حاکمیت یا تمامیت ارضی پاکستان نظم و اخلاق عمومی وضع کرده است، حق تشکیل انجمنها یا اتحادیه‌ها را خواهد داشت.

(۲) با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون به منظور حفظ حاکمیت یا تمامیت ارضی پاکستان وضع کرده است، هر شهروندی که شاغل در دستگاه دولتی کشور نباشد، حق تشکیل احزاب سیاسی یا عضویت در آنها را دارد. قانون مزبور مقرر خواهد کرد که هر گاه حکومت مرکزی اعلام کند که تشکیل یا فعالیت هر حزب سیاسی مخل حاکمیت و تمامیت ارضی کشور

می‌باشد، ظرف پانزده روز از این‌اعلام، حکومت مزبور موضوع را به دیوان عالی ارجاع خواهد کرد تا تصمیم‌نهایی توسط دیوان اتخاذ شود.

(۳) احزاب سیاسی حساب منابع مالی خود را طبق قانون اعلام خواهند نمود.

اصل هجدهم

آزادی تجارت، کسب و پیشه: با رعایت برخی شرایط که توسط قانون معین می‌شوند، هر شهروند حق اشتغال به هر نوع کسب یا تجارت قانونی را خواهدداشت.

مع هذا، هیچ چیز در این اصل مانع از انجام امور ذیل نمی‌شود:

الف) تنظیم هر نوع تجارت یا حرفه بوسیله سیستم صدور پروانه،

ب) تنظیم تجارت، بازرگانی یا صنعت به منظور ایجاد رقابت آزاد در آن،

ج) انجام هر نوع تجارت، کسب و پیشه، صنعت یا خدمات توسط حکومت مرکزی یا ایالتی یا شرکت تحت کنترل یکی از حکومت‌های مزبور بطوری که به صورت کلی یا جزئی مانع سایر افراد شود.

اصل نوزدهم

آزادی بیان و غیره: هر شهروند حق برخورداری از آزادی بیان و گفتار را خواهد داشت، با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون برای احترام به ساحت اسلام یا تمامیت ارضی، امنیت یا دفاع از پاکستان یا هر بخشی از آن، و احترام به روابط حسنه با دولتهای خارجی، و نظم عمومی و احترام به آداب و اخلاق عمومی، ممانعت از اخلاف در دادگاه، ارتکاب یا تشویق جرمی وضع می‌نماید، مطبوعات نیز آزاد خواهند بود.

اصل بیستم

آزادی انجام شعائر مذهبی و اداره مؤسسات مذهبی: با رعایت قانون، نظم اخلاق عمومی:

الف) هر شهروندی حق گرایش، ادای فرایض و ترویج دین خود را خواهدداشت.

ب) هر گروه مذهبی و فرقه‌های آن حق تشکیل، ایجاد و اداره مؤسسات مذهبی خود را خواهد داشت.

اصل بیست و یکم

معافیت از پرداخت مالیات به منظور یک مذهب خاص: هیچکس مجبوره پرداخت هیچ نوع مالیات خاصی که حاصل آن برای ترویج و تبلیغ و اداره مذهبی غیر از مذهب وی صرف شود نخواهد بود.

اصل بیست و دوم

حمایت از مقررات مربوط به مذهب در مؤسسات آموزشی: (۱) شخصی که وارد یک مؤسسه آموزشی می‌شود مجبور به فراگیری تعالیم دینی، یا شرکت در مراسم و عبادات مذهبی غیر از مذهب خود نخواهد بود.

(۲) در مورد مؤسسات مذهبی، از لحاظ اعطای بخشودگی یا دادن امتیاز در خصوص وضع مالیات، نسبت به هیچ گروهی تبعیض وجود نخواهد داشت.

(۳) با رعایت قانون:

الف) برای هیچ گروه دینی یا فرقه مذهبی، در زمینه ارائه تعالیم مذهبی به پیروان دین یا فرقه مزبور، در هر مؤسسه آموزشی که کاملاً توسط آن گروه یا فرقه مذهبی تأسیس شده باشد ممنوعیتی وجود نخواهد داشت،

ب) هیچ شهروندی صرفاً به دلیل نژاد، دین، طبقه اجتماعی یا محل تولد، از ورود به مؤسسات آموزشی که از بودجه دولت کمک دریافت می نمایند، محروم نخواهد شد.

(۴) مفاد این اصل مانع از آن نمی شود که مسئولین دولتی برای پیشرفت طبقاتی از شهروندان که از لحاظ اجتماعی یا آموزشی عقب افتاده اند، تدابیری اتخاذ نمایند.

اصل بیست و سوم

مقررات مربوط به اموال: هر شهروند حق بدست آوردن، نگهداری و واگذاری اموال در هر بخشی از پاکستان را با رعایت قانون اساسی و محدودیت‌های متعارفی که قانون برای مصلحت عموم تعیین می‌نماید، خواهد داشت.

اصل بیست و چهارم

حفظ حقوق اموال: (۱) هیچکس را نمی‌توان به زور از مال خود محروم کرد مگر به موجب قانون.

(۲) هیچ مالی با توسل به زور تصرف یا مصادره نخواهد شد، مگر اینکه برای یک منظور عام‌المنفعه و توسط یک دستگاه قانونی باشد که غرامت آن را وضع و نیز مبلغ غرامت را تعیین و یا اصول و نحوه تعیین و پرداخت آن را مشخص می‌نماید.

(۳) هیچ یک از مفاد این اصل بر اعتبار قوانین ذیل تأثیر نخواهد گذاشت:

الف) قانونی که اجازه تصرف و مصادره اجباری هر مالی را برای ممانعت از بروز خطری علیه جان و مال و سلامت عموم بدهد،

ب) قانونی که اجازه استرداد مالی را می‌دهد که توسط شخصی به طریق نامشروع و غیر قانونی تحصیل یا تصرف شده است.

ج) قانون مربوط به تصرف، اداره یا واگذاری مالی که به دشمن تعلق داشته یا خواهد داشت، و یا از نظر قانون مال متروکه باشد، (البته مالی نباشد که طبق قانون از حالت متروکه خارج شده است).

د) قانونی که اجازه اداره یک مال توسط دولت را برای مدتی محدود می‌دهد، اعم از اینکه به نفع عامه و یا به منظور تأمین اداره صحیح مال و یا به نفع صاحب آن باشد.

ه) هر قانونی که اجازه تصرف دسته‌ای از اموال را به دلایل ذیل می‌دهد:

((۱)) فراهم ساختن کمکهای درمانی و آموزشی برای همه یا برای گروه معینی از شهروندان،

((۲)) تهیه مسکن، امکانات عمومی و خدماتی از قبیل راهها، آب، فاضلاب، گاز و برق، برای همه یا برای گروه معینی از شهروندان،

((۳)) تأمین معاش کسانی که در اثر بیکاری، بیماری، ناتوانی یا کهولت سن قادر به اداره زندگی خود نیستند.

و) قوانین موجود یا قوانینی که در اجرای اصل دویست و پنجاه و سوم وضع شوند.

((۴)) میزان یا دیگر شرایط جبران خسارات حاصله به موجب قوانین مشروح در این اصل یا خسارات حاصله در اجرای قوانین فوق‌الذکر در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

اصل بیست و پنجم

تساوی شهروندان: (۱) همه شهروندان از نظر قانون برابر و از حمایت یکسان قانون برخوردار می‌باشند.

(۲) هیچ گونه تبعیضی به علت جنسیت وجود نخواهد داشت.

(۳) مفاد این اصل مانع از آن نمی‌شود که دولت تمهیدات ویژه‌ای برای حمایت از زنان و کودکان قائل شود.

اصل بیست و ششم

عدم تبعیض در استفاده از اماکن عمومی: (۱) برای استفاده از محلهای سرگرمی و تفریحگاههایی که فقط جنبه مذهبی نداشته باشند برای هیچ شهروندی از لحاظ نژاد، مذهب، طبقه اجتماعی، جنسیت، محل سکونت و یازادگاه تبعیض وجود نخواهد داشت.

(۲) مفاد این اصل مانع از این نمی شود که دولت تمهیدات ویژه ای برای حمایت از زنان و کودکان قائل شود.

اصل بیست و هفتم

عدم تبعیض در دستگاههای دولتی: (۱) هیچ شهروندی در صورت واجد شرایط بودن برای انتصاب در دستگاه دولتی، از لحاظ نژاد، مذهب، طبقه اجتماعی، جنسیت، محل سکونت و یا زادگاه مورد تبعیض واقع نخواهد شد.

مع هذا، سمت های دولتی را می توان برای مدت حداکثر بیست سال از روز آغاز، برای افراد طبقات و نواحی مختلف تا فراهم شدن شرایط مناسب آنان برای انتصاب در دستگاه دولتی پاکستان، ذخیره نمود.

همچنین علیرغم آنچه گذشت، با توجه به مصلحت دستگاه مزبور می توان سمت های خدمات خاصی را برای اعضای هر دو جنس ذخیره کرد مشروط بر آنکه سمت ها یا خدمات مورد نظر

شامل انجام وظایف یا نقش‌هایی باشد که اعضای جنس مخالف نتوانند به شکل مناسب از عهده آنها برآیند.

(۲) مفاد بند (۱) مانع از این نمی‌شود که حکومت ایالتی یا هر نهاد محلی و مانند آن در یک ایالت، در مورد سمت یا بخشی از خدمات تحت اختیار خود، شرط اقامت حداکثر سه سال در ایالت را برای انتصاب در دستگاه مزبور تعیین نماید.

اصل بیست و هشتم

حفظ زبان، خط و فرهنگ: با رعایت اصل دویست و پنجاه و یکم، هر طبقه‌ای از شهروندان که دارای زبان و خط و فرهنگ مستقلی باشد، حق حفظ و تقویت آن را دارد و می‌تواند با رعایت قانون مؤسساتی را بدین منظور ایجاد نماید.

فصل دوم: اصول سیاست

اصل بیست و نهم

(۱) اصول سیاست: اصولی که در این فصل مطرح می‌شوند به عنوان اصول سیاست شناخته خواهند شد و هر دستگاه و مقام دولتی و هر شخصی که وظایفی را از سوی یک دستگاه یا مقام دولتی انجام می‌دهد موظف می‌باشد که بر طبق اصول مزبور در حدود وظایف دستگاه یا مقام مربوطه عمل نماید.

(۲) از آنجا که رعایت هر یک از اصول ویژه سیاست، ممکن است به منابع موجود برای این منظور بستگی داشته باشد، اصول مزبور باید با رعایت موجود بودن منابع در نظر گرفته شوند.

(۳) رئیس‌جمهور در مورد امور کشور، و فرماندار هر ایالت در مورد امور ایالت خود، گزارش سالانه‌ای را در مورد رعایت اجرای اصول سیاست تهیه و آن را به مجلس ملی یا بنا بر مورد به مجلس ایالتی تسلیم خواهد نمود. در آیین‌نامه دادرسی مجلس ملی یا بنا بر مورد، مجلس ایالتی، تمهیداتی برای بحث پیرامون گزارش‌های مزبور پیش بینی خواهد شد.

اصل سی‌ام

مسئولیت در قبال اصول سیاست: (۱) مسئولیت تشخیص مطابقت اعمال یک دستگاه یا مقام دولتی و یا نماینده آنها، با اصول سیاست به عهده دستگاه یا مقام دولتی مزبور یا نماینده ذیربط‌شان می‌باشد.

(۲) اعتبار یک عمل یا قانون به علت عدم انطباق با اصول سیاسی ساقط نمی‌شود و در این مورد نیز علیه دولت، دستگاه یا مقام دولتی و یا نماینده مزبور اقامه دعوی نخواهد شد.

اصل سی و یکم

آیین زندگی در اسلام: (۱) هر کس بطور فردی و جمعی برای کمک به منظورتنظیم زندگی خود و مسلمانان پاکستان براساس اصول بنیادی و مفاهیم پایه‌ای اسلام و تسهیل درک مفاهیم زندگی در قرآن و سنت تلاش خواهد کرد.

(۲) دولت به منظور تحقق موارد ذیل برای مسلمانان کشور، تلاش خواهد کرد:

الف) آموزش قرآن مقدس و شریعت اسلام را اجباری ساخته، و فراگیری زبان عربی را تشویق و تسهیل و چاپ و انتشار صحیح و دقیق قرآن را تضمین نماید.

ب) تحکیم وحدت و رعایت معیارهای اخلاقی اسلام.

پ) تضمین سازماندهی مناسب زکات (عشر)، اوقاف و مساجد.

اصل سی و دوم

تشویق تشکیل مؤسسات دولتی محلی: دولت مؤسسات حکومتی محلی را که از نمایندگان نواحی مربوطه تشکیل می‌شوند، تشویق می‌نماید و در مؤسسات مزبور نمایندگی ویژه برای دهقانان، کارگران و زنان در نظر گرفته خواهد شد.

اصل سی و سوم

تقبیح تعصب محلی و سایر تعصبات مشابه: دولت تعصبات ایالتی، قبیله‌ای، نژادی، فرقه‌ای و محلی بین شهروندان را تقبیح خواهد نمود.

اصل سی و چهارم

حضور کامل زنان در صحنه ملی: کوشش خواهد شد تا حضور کامل زنان در کلیه جوانب زندگی ملی تضمین گردد.

اصل سی و پنجم

حمایت از خانواده و غیره: دولت از ازدواج، خانواده، مادر و فرزند حمایت می نماید.

اصل سی و ششم

حمایت از اقلیت ها: دولت از حقوق و منافع مشروع اقلیت ها از جمله حضور کامل آنان در دستگاه های ایالتی و کشوری، حمایت خواهد نمود.

اصل سی و هفتم

گسترش عدالت اجتماعی و ریشه‌کنی فساد اجتماعی: دولت:

(الف) با توجه خاصی امکانات اقتصادی و آموزشی طبقات یا نواحی مستضعف را ارتقا خواهد بخشید.

(ب) بیسوادی را ریشه‌کن و تحصیلات متوسطه اجباری و آزاد را ظرف کوتاه‌ترین زمان ممکن تأمین خواهد نمود.

(ج) آموزش فنی و حرفه‌ای را برای همگان ارائه خواهد داد و تحصیلات عالی را براساس استعداد، برای همه آحاد ملت فراهم می‌کند.

(د) تضمین اجرای صحیح عدالت با مخارج اندک.

(ه) اقداماتی را برای تأمین فرصت‌های اشتغال انسانی و عادلانه انجام خواهد داد، و اشتغال زنان و کودکان را در مشاغل متناسب با جنس و سن آنان و همچنین مزایای دوران بارداری را برای زنان شاغل تضمین خواهد نمود.

(و) از طریق آموزش، تربیت، توسعه صنعتی و کشاورزی و سایر روشها، برای همه مردم نواحی مختلف، امکان مشارکت کامل در اشکال مختلف فعالیت‌های ملی، از جمله اشتغال در دستگاه دولتی پاکستان را فراهم می‌سازد.

(ز) فحشا، قمار، مواد مخدر، چاپ و انتشار و توزیع و نمایش مطالب و تبلیغات مستهجن را ممنوع می‌نماید.

(ح) از مصرف مشروبات الکلی برای غیر مصارف پزشکی و نیز توسط غیرمسلمانان، و برای آیینهای مذهبی جلوگیری به عمل خواهد آورد.

(ط) از تمرکز مدیریت در حکومت جلوگیری خواهد نمود تا انجام صحیح خدمات خود را برای ایجاد آسایش و رفع نیازهای عمومی تسهیل نماید.

اصل سی و هشتم

بالا بردن رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم: دولت امور ذیل را انجام خواهد داد:

(الف) بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، با بالا بردن سطح زندگی مردم، جلوگیری از انباشتن ثروت و ابزار تولید در دست اقلیت بطوری که مغایر با منافع عامه باشد، و با تضمین تنظیم عادلانه حقوق متقابل کارفرمایان، کارگران، و موجران و مستأجران، رفاه مردم را تأمین خواهد نمود.

(ب) براساس میزان منابع موجود کشور، برای تمام شهروندان تسهیلات کار و معاش کافی، استراحت و تفریح متعارف فراهم خواهد آورد.

(ج) برای همه افرادی که در دستگاههای دولتی پاکستان و غیره شاغل می باشند، تأمین اجتماعی را از طریق بیمه اجتماعی اجباری و دیگر راهها فراهم می سازد.

(د) بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، برای همه شهروندانی که برای همیشه یا مدتی قادر به تأمین معاش خود بر اثر ناتوانی، بیماری یا بیکاری نباشند، نیازهای اولیه زندگی از قبیل غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و درمان را فراهم خواهد نمود.

(ه) اختلاف سطح درآمد و عایدی افراد را از جمله اشخاصی که در بخشهای مختلف دستگاه دولتی پاکستان اشتغال دارند، کاهش خواهد داد.

(و) ربا را در اسرع وقت از بین می برد.

اصل سی و نهم

مشارکت مردم در نیروهای مسلح: دولت امکان شرکت مردم تمام بخشهای پاکستان در نیروهای مسلح کشور را فراهم خواهد ساخت.

اصل چهارم

تحکیم پیوندها با جهان اسلام و تشویق صلح جهانی: دولت برای حفظ و تحکیم روابط برادرانه بین کشورهای اسلامی، براساس وحدت اسلامی کوشش می نماید و از منافع مشترک ملل آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین حمایت، و صلح و امنیت جهانی را تشویق، حسن تفاهم و روابط دوستانه بین همه ملتها را ترغیب و رفع اختلافات بین المللی از طرق مسالمت آمیز را تشویق خواهد نمود.

بخش سوم

فدراسیون پاکستان

فصل اول - رئیس جمهور

اصل چهل و یکم

رئیس‌جمهور: (۱) در پاکستان رئیس‌جمهوری وجود خواهد داشت که رئیس‌کشور و نماینده وحدت جمهوری خواهد بود.

(۲) برای نیل به مقام ریاست جمهوری، شخص باید مسلمان و دارای حداقل چهل و پنج سال سن و واجد شرایط عضویت در مجلس ملی باشد.

(۳) رئیس‌جمهوری که بعد از انقضای دوره تعیین شده در ماده (۷) باید انتخاب شود، براساس مفاد پیوست دوم بوسیله اعضای هیأت انتخابات مرکب از افراد ذیل برگزیده خواهد شد:

الف) اعضای مجلس

ب) اعضای مجلس ایالتی

(۴) انتخابات ریاست جمهوری نباید زودتر از ۶۰ روز و دیرتر از ۳۰ روز قبل از انقضای دوره رئیس‌جمهور وقت برگزار شود.

مع هذا، اگر به علت انحلال مجلس ملی، انتخابات ظرف مدت مزبور برگزار نشود، ظرف سی روز پس از انتخابات عمومی مجلس فوق برگزار می‌گردد.

(۵) وقتی سمت ریاست جمهوری بطور ناگهانی بلاتصدی شود، انتخابات جانشینی باید ظرف حداکثر سی روز از رویداد مزبور برگزار گردد.

(۶) اعتبار انتخابات ریاست جمهوری در هیچ دادگاهی مطرح نشده یا بوسیله هیچ مرجعی مورد اعتراض قرار نخواهد گرفت.

(۷) بدون توجه به آنچه در این اصل و اصل چهل و سوم قانون اساسی یا در هر قانون دیگری آمده، ژنرال محمد ضیاءالحق به موجب همه پرسی که در نوزدهم دسامبر سال یکهزار و نهصد و هشتاد و چهار [۲۱]) برگزار شد از روز نخستین جلسه مجلس شورا (پارلمان) در نشست مشترکی که بعد از انتخابات مجالس شورای اسلامی (پارلمان) برگزار می گردد، به سمت ریاست جمهوری کشور انتخاب و به مدت پنج سال در سمت مزبور باقی خواهد ماند. اصل چهل و چهارم و سایر مفاد قانون اساسی بر همین مبنا اجرا خواهند شد.

اصل چهل و دوم

سوگند رییس جمهور: رییس جمهور قبل از تصدی سمت خود در برابر رییس دیوان عالی کشور به نحو مقرر که در پیوست سوم آمده سوگند ادا خواهد کرد.

اصل چهل و سوم

شرایط تصدی سمت ریاست جمهوری: (۱) رئیس جمهور نباید در دستگاه دولتی سمتی انتفاعی اختیار نموده یا منصب دیگری اشغال نماید که مستلزم دریافت حقوق و مزایا در ازای ارائه خدمات باشد.

(۲) رئیس جمهور نباید در انتخابات مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی نامزد نمایندگی شود؛ و اگر عضوی از مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی به مقام ریاست جمهوری انتخاب شود، کرسی او در مجلس شورا (پارلمان) یا بنا بر مورد مجلس ایالتی از روزی که وی سمت جدید را عهده دار می شود خالی خواهد شد.

اصل چهل و چهارم

طول دوره ریاست جمهوری: (۱) با رعایت قانون اساسی، رئیس جمهور به مدت پنج سال از روزی که این سمت را تصدی می نماید، در مقام مزبور خواهد بود.

مع هذا، رییس جمهور بدون توجه به انقضای دوره ریاستش، تا وقتی که جانشین وی تصدی امور را عهده دار شود، همچنان در مقام خود باقی خواهد ماند.

(۲) با رعایت قانون اساسی، شخص عهده دار سمت ریاست جمهوری، حق انتخاب مجدد به مقام مزبور را خواهد داشت. لیکن هیچکس نمی تواند برای بیش از دو دوره متوالی سمت مزبور را تصدی نماید.

(۳) رییس جمهور می تواند طی دست نوشته خود خطاب به رییس مجلس ملی از مقام خود استعفا دهد.

اصل چهل و پنجم

اختیار رییس جمهور برای عفو و غیره: رییس جمهور دارای قدرت عفو مجرمین، تخفیف و تعلیق مجازات، بخشش، تغییر و تعویض هر نوع محکومیتی است که توسط هر دادگاه، محکمه یا مقام مسؤول دیگری مقرر گردیده باشد.

اصل چهل و ششم

وظایف نخست وزیر در قبال رئیس جمهور: نخست وزیر موظف است:

(الف) کلیه تصمیمات هیأت وزیران در مورد اداره امور کشور و لوایح قانونی پیشنهادات قانونگذاری را به آگاهی رئیس جمهور برساند.

(ب) اطلاعات مربوط به اداره امور کشور و پیشنهادات قانونگذاری را به درخواست رئیس جمهور، تهیه کند.

(ج) در صورت انجام چنین درخواستی از سوی رئیس جمهور، هر مسأله‌ای را که نخست وزیر یا وزیر دیگری در مورد آن تصمیم گرفته، ولی توسط هیأت وزیران بررسی نگردیده جهت بررسی به هیأت مزبور تقدیم نماید.

اصل چهل و هفتم

عزل یا احضار رئیس جمهور به دادگاه: (۱) بدون توجه به آنچه که در قانون اساسی آمده رئیس جمهور را می‌توان طبق مفاد این اصل به خاطر ناتوانی جسمی یا روحی عزل و یا به جرم عدول از قانون اساسی یا انجام عملی غیرقانونی به دادگاه احضار نمود.

(۲) حداقل یک دوم کل اعضای دو مجلس می‌توانند طی یک یادداشت کتبی، قصد خود را برای تصویب تصمیمی جهت عزل یا بنا بر مورد، احضار رئیس‌جمهور به دادگاه، به رئیس مجلس ملی یا بنا بر مورد به رئیس مجلس سنا تقدیم نمایند؛ اعلان مزبور باید حاوی دلایل عدم صلاحیت یا نوع اتهام وارده به وی باشد.

(۳) هر گاه به موجب ماده (۲) یادداشتی به رئیس مجلس سنا تقدیم شود، وی آن را سریعاً به رئیس مجلس ملی ارائه خواهد داد.

(۴) رئیس مجلس ظرف سه روز از دریافت یادداشت مذکور در ماده (۲) و (۳) یک نسخه از آن را به رئیس‌جمهور ارسال خواهد نمود.

(۵) رئیس مجلس ظرف حداقل ۷ روز و حداکثر ۱۵ روز از دریافت یادداشت مجلسین را برای تشکیل جلسه مشترک فرا خواهد خواند.

(۶) جلسه مشترک مزبور می‌تواند علت یا اتهامی را که براساس آن، یادداشت مذکور تنظیم گردیده بررسی نماید یا دستور تحقیق و بررسی در مورد آن را بدهد.

(۷) رئیس‌جمهور یا نماینده وی در مراحل انجام تحقیقات حق حضور در جلسه مشترک را خواهند داشت.

(۸) اگر بعد از بررسی نتایج تحقیقات احتمالی، در جلسه مشترک قطعنامه‌ای بابیش از دو سوم کل اعضای مجلس شورا (پارلمان) به تصویب برسد، و در آن اعلام شود که رئیس‌جمهور به علت ناتوانی قادر به حفظ سمت خود نمی‌باشد و یامتهم به تخطی از قانون اساسی یا انجام عمل خلاف قانون می‌باشد، بلافاصله پس از تصویب قطعنامه از سمت خود برکنار خواهد شد.

اصل چهل و هشتم

اعمال رئیس‌جمهور براساس مشورت: (۱) رئیس‌جمهور در انجام وظایف خویش با مشورت هیأت وزیران یا نخست وزیر عمل خواهد نمود.

مع هذا، رئیس‌جمهور می‌تواند از هیأت وزیران یا نخست وزیر بخواهد که نظریشهادی خود را مجدداً بررسی نمایند تا وی بعد از بررسی مزبور به موجب آن نظر عمل نماید.

(۲) بدون توجه به آنچه در ماده (۱) آمده، رئیس‌جمهور در مورد هر مسأله‌ای که به موجب قانون اساسی در حیطه اختیار اوست، با صلاحدید خود عمل خواهد کرد، و ارزش و اعتبار این قبیل اقدامات رئیس‌جمهور در هر زمینه که باشد موردسؤال قرار نخواهد گرفت.

(۴) مسأله موجود و یا نوع نظر مشاوره‌ای که از سوی هیأت وزیران، نخست وزیر یا وزیر کشور به رئیس‌جمهور ارائه می‌شود، در هیچ دادگاه، محکمه یا مرجع دیگری مطرح نخواهد شد.

(۵) هر گاه رئیس‌جمهور مجلس ملی را منحل نماید، با صلاح‌دید خود مورد ذیل را انجام خواهد داد:

الف) تاریخی را حداکثر تا نود روز پس از انحلال برای انتخابات عمومی مجلس تعیین خواهد کرد.

ب) هیأتی را برای نظارت و مراقبت تعیین خواهد کرد.

(۶) اگر زمانی رئیس‌جمهور با صلاح‌دید خود و یا براساس نظر مشورتی نخست‌وزیر تشخیص دهد که یک مسأله مهم ملی باید به همه پرسى گذاشته شود، می‌تواند مسأله مورد نظر را برای دریافت پاسخ «بلی» یا «خیر» به همه پرسى ارجاع دهد.

(۷) مقررات مجلس شورا (پارلمان)، شیوه و نحوه برگزاری همه پرسى و گردآوری و جمع‌بندی نتایج آن را تعیین خواهد کرد.

رئیس مجلس سنا یا مجلس به عنوان کفیل رئیس جمهور: (۱) اگر سمت ریاست جمهوری به دلیل فوت، استعفا یا عزل رئیس جمهور، بلا تصدی شود، رئیس سنا و اگر وی قادر به انجام وظایف رئیس جمهور نباشد، رئیس مجلس، تا موقعی که به موجب ماده (۳) اصل چهل و یکم رئیس جمهور انتخاب شود، به عنوان کفیل وی انجام وظیفه خواهد کرد.

(۲) هر گاه رئیس جمهور به دلیل عدم حضور در پاکستان یا هر دلیل دیگر قادر به انجام وظایفش نباشد، رئیس سنا و اگر او نیز حضور نداشته و یا قادر به انجام وظایف ریاست جمهوری نباشد، رئیس مجلس وظایف رئیس جمهور را انجام خواهد داد تا موقعی که وی به پاکستان مراجعت نموده یا بنا بر مورد انجام وظایف خویش را برعهده بگیرد.

فصل دوم

مجلس شورا (پارلمان)

ترکیب، مدت دوره، و جلسات مجلس

اصل پنجاهم

مجلس شورا (پارلمان): مجلس شورای پاکستان (پارلمان) مرکب است از رئیس جمهور و دو مجلس که به ترتیب با عنوان مجلس ملی و مجلس سنانامیده می شوند.

اصل پنجاه و یکم

مجلس ملی: (۱) مجلس ملی از دویست و هفت نفر عضو مسلمان که باقانونی، مستقیم و آزاد انتخاب می شوند، تشکیل می گردد.

(۲) هر شخص زمانی حق رأی دارد که:

الف) تبعه پاکستان باشد.

ب) حداقل بیست و یکسال سن داشته باشد.

ج) در فهرست انتخاباتی نام وی ذکر شده باشد.

(د) هیچ دادگاه ذیصلاحی وی را محجور نشناخته باشد.

(۲- الف) علاوه بر کرسیهایی که در ماده (۱) آمده، در مجلس ملی ده کرسی اضافی به شرح ذیل برای کسانی که در ماده (۳) اصل یکصد و ششم به آنها اشاره شد، اختصاص خواهد یافت:

- مسیحیان ۴ کرسی

- هندوها و افرادی که به گروههای اجتماعی طبقه‌بندی ۴ کرسی

شده تعلق دارند

- جوامع سیک، بودائی، فارسی و سایر غیر مسلمانان ۱ کرسی

- افرادی که به گروه کوادیان یا گروه لاهوری (که خود ۱ کرسی

را احمدیان می‌نامند) تعلق دارند

(۳) کرسیهای مجلس ملی براساس تعداد جمعیت طبق اعلام رسمی نتایج آخرین سرشماری نفوس، به ایالات، نواحی قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت فدرال و پایتخت کشور اختصاص خواهد یافت.

(۴) تا خاتمه مدت ده سال از روز آغاز یا برگزاری سومین انتخابات عمومی مجلس ملی - هر کدام که زودتر باشد - بیست کرسی علاوه بر تعداد کرسیهای قید شده در ماده (۱) به موجب قانون اساسی برای زنان ذخیره می‌شود و به ایالات تخصیص خواهد یافت.

(۴-الف) اعضای مورد نظر برای تکمیل کرسیهای مذکور در ماده (۲-الف) همزمان با اعضای برگزیده شده برای کرسیهای مذکور در ماده (۱) و بطور جداگانه با رأی مستقیم و آزاد رأی دهندگان طبق قانون انتخاب خواهند شد.

(۵) بعد از انتخابات عمومی مجلس ملی، در اولین فرصت اعضایی که باید کرسیهای ذخیره زنان را که به موجب ماده (۴) به یک ایالت تخصیص یافته، تصدی نمایند، طبق قانون و براساس سیستم نمایندگی نسبی بوسیله رأی قابل انتقال انجمن انتخاباتی مرکب از افراد منتخب ایالت ذیربط برای مجلس برگزیده خواهند شد.

(۶) بدون توجه به هر آنچه در این اصل آمده، رئیس‌جمهور می‌تواند طی فرمانی مقرراتی را وضع نماید که برای تکمیل کرسیهای اختصاصی نواحی قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت مرکزی لازم می‌داند.

اصل پنجاه و دوم

طول دوره مجلس مّلی: دوره مجلس مّلی به مدت پنج سال از روز نخستین جلسه آن آغاز و در صورت عدم انحلال در زمانی زودتر از موعد مزبور تا آخر دوره ادامه می‌یابد و در خاتمه آن منحل خواهد شد.

اصل پنجاه و سوم

رئیس و نایب رئیس مجلس مّلی: (۱) مجلس مّلی بعد از انتخابات عمومی، در نخستین جلسه خود، بدون بحث در مورد هر مسأله دیگر، از میان اعضای خود رئیس و نایب ریسی را انتخاب خواهد نمود، و هر گاه که سمت رئیس یا نایب رئیس بلامتصدی شود، مجلس مّلی عضو دیگری را به عنوان رئیس یا بنا بر مورد نایب رئیس انتخاب خواهد کرد.

(۲) عضو انتخاب شده به عنوان رئیس یا نایب رئیس، قبل از تصدی سمت مزبور در برابر مجلس مّلی به شرحی که در پیوست سوم آمده سوگند ادا خواهد کرد.

(۳) هر گاه سمت رییس مجلس بلاتصدی باشد و یا وی حضور نداشته، یا بنا به هردلیلی قادر به انجام وظایف خویش نباشد، نایب رییس به جای وی عمل خواهد کرد. و اگر در زمان مزبور نایب رییس نیز حضور نداشته یا بنا به هر دلیلی قادر به انجام وظیفه به جای رییس مجلس نباشد، عضوی که طبق ضوابط مجلس تعیین می شود ریاست جلسه مجلس را عهده دار خواهد شد.

(۴) رییس یا نایب رییس مجلس نباید ریاست جلسه ای را که در آن مسأله عزل وی از مقامش مطرح می شود، عهده دار گردد.

(۵) رییس مجلس می تواند طی دست نوشته خود خطاب به رییس جمهور از سمت خویش استعفا دهد.

(۶) نایب رییس مجلس می تواند طی دست نوشته خود خطاب به رییس مجلس از سمت خویش استعفا دهد.

(۷) سمت رییس یا نایب رییس مجلس در موارد ذیل بلاتصدی می شود:

الف) اگر آنها از سمت خود استعفا دهند.

ب) اگر از عضویت مجلس خارج شوند

ج) اگر به موجب رأی مجلس که حداقل هفت روز از اعلام آن گذشته و با رأی اکثریت کل اعضای مجلس تصویب شده باشد، از سمت خود معزول گردند.

(۸) هر گاه مجلس ملی منحل شود، رئیس آن تا زمانی که جانشین وی که توسط مجلس جدید انتخاب می شود کار خود را شروع نماید همچنان در سمت خود باقی خواهد شد.

اصل پنجاه و چهارم

فراخوانی یا تعطیل مجلس شورا (پارلمان): (۱) رئیس جمهور می تواند هر از چند گاه یک یا هر دو مجلس از مجلس شورا (پارلمان) را به نشست مشترک در زمان و مکانی که وی مناسب بداند، دعوت و یا به همین نحو مجلس را موقتاً تعطیل نماید.

(۲) مجلس ملی در هر سال حداقل سه بار تشکیل جلسه خواهد داد و نباید بین آخرین نشست مجلس در یک جلسه و تاریخ تشکیل اولین نشست در جلسه بعدیش از یکصد و بیست روز فاصله باشد.

مع هذا، مجلس ملی باید حداقل یکصد و سی روز کاری در هر سال، تشکیل جلسه بدهد.

تبصره: در این بند «روزهای کاری» هم شامل ایامی است که جلسه مشترک برگزار می‌شود و هم مدتی را که از دو روز تجاوز نمی‌نماید، و در طول آن مجلس مّلی موقتاً تعطیل می‌شود، در برمی‌گیرد.

(۳) براساس درخواستی که به امضای حداقل یک چهارم کل اعضای مجلس مّلی رسیده باشد، رئیس مجلس در هر زمان و مکانی که مناسب بداند، ظرف چهارده‌روز از دریافت درخواست مزبور مجلس مّلی را جهت تشکیل جلسه فرا خواهدخواند و در چنین حالتی که رئیس مجلس را فرا می‌خواند تنها خود وی می‌تواند مجلس را تعطیل نماید.

اصل پنجاه و پنجم

رأی گیری در مجلس و حد نصاب آرا حاضر: (۱) با رعایت قانون اساسی، کلیه تصمیمات مجلس مّلی با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی دهندگان اتخاذ خواهد شد. و شخصی که ریاست جلسه را به عهده دارد، رأی نخواهد داد مگر در مواردی که تعداد آرا مساوی باشد.

(۲) اگر زمانی در طول جلسه مجلس مّلی، رئیس جلسه متوجه شود که کمتر از یک‌چهارم کل اعضا در مجلس حضور دارند، مجلس را موقتاً تعطیل یا جلسه را تازمانی که تعداد یک چهارم اعضا حضور یابند، به تعویق خواهد انداخت.

اصل پنجاه و ششم

نطق رییس جمهور در مجلس: (۱) رییس جمهور می تواند در هر یک از مجلسین یا جلسه مشترک آنها سخنرانی نماید و بدین منظور خواستار حضور اعضا گردد.

(۲) رییس جمهور می تواند پیامهایی را در مورد لایحه مطروح در مجلس شورا (پارلمان) و یا سایر موارد به یکی از مجلسین ارسال نماید. و مجلس مزبور در اسرع وقت موضوعی را که در پیام، درخواست شده مورد بررسی قرار خواهد داد.

(۳) رییس جمهور در آغاز نخستین جلسه بعد از انتخابات عمومی مجلس ملی و نیز در نخستین جلسه آن در هر سال، در جلسه مشترک مجلسین سخنرانی کرده و مجلس شورا (پارلمان) را از دلایل تشکیل و فراخوانی مجلس آن آگاه خواهد کرد.

(۴) در مقررات تنظیم دستور کار مجلس و اداره آن مفادی برای تعیین زمان بحث و بررسی مسایلی که رییس جمهور در نطق خود به آنها اشاره می کند وضع خواهد شد.

اصل پنجاه و هفتم

حق نطق در مجلس شورا (پارلمان): نخست وزیر، وزیر کشور، وزیر دولت و دادستان کل کشور حق سخنرانی در مجلس یا شرکت در مذاکرات هر یک از مجلسین یا جلسه مشترک یا هر یک از کمیته‌های آنها را دارند که در این صورت به عنوان عضو محسوب خواهند شد ولی حق رأی نخواهند داشت.

اصل پنجاه و هشتم

انحلال مجلس ملی: (۱) رئیس‌جمهور به پیشنهاد نخست وزیر مجلس ملی رامنحل خواهد نمود. مجلس فوق در خاتمه چهل و هشت ساعت پس از اعلام نظر نخست وزیر منحل می‌گردد، مگر اینکه زودتر از آن منحل شده باشد.

تبصره: نخست وزیری که در مجلس ملی علیه وی تقاضای رأی عدم اعتماد صادرولی هنوز در مورد آن رای‌گیری به عمل نیامده و یا اینکه چنین تصمیمی به تصویب رسیده باشد، و یا نخست وزیری که بعد از استعفا یا بعد از انحلال مجلس ملی همچنان در سمت خود ابقا شده باشد مشمول این اصل نمی‌گردد.

(۲) بدون توجه به ماده (۲) از اصل چهل و هشتم، رئیس‌جمهور می‌تواند در موارد ذیل مجلس ملی را با صلاح‌دید خود منحل نماید:

(الف) با تصویب رأی عدم اعتماد به نخست‌وزیر، و هیچیک از دیگر اعضای مجلس ملی نتواند رأی اعتماد اکثریت اعضای مجلس ملی را مطابق مفاد قانون اساسی، در جلسه ویژه مجلس که به همین منظور برگزار می‌شود، بدست آورد.

(ب) موقعیتی پیش آید که در آن اداره حکومت کشور مطابق با مقررات قانون اساسی مقدور نباشد و رجوع به آرا عمومی ضروری شده باشد.

اصل پنجاه و نهم

مجلس سنا: (۱) مجلس سنا از هشتاد و هفت عضو با ترکیب ذیل تشکیل می‌شود:

(الف) چهارده نفر را اعضای مجالس ایالتی انتخاب می‌کنند.

(ب) هشت نفر را نمایندگان «مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت مرکزی» در مجلس ملی انتخاب می‌نمایند.

(ج) سه نفر از پایتخت کشور، به نحوی که رئیس‌جمهور طی فرمانی مقرر می‌نماید انتخاب خواهند شد.

(د) پنج نفر را اعضای هر یک از مجالس ایالتی از میان علما، اهل فن و سایر متخصصان انتخاب می‌نمایند.

(۲) به منظور تکمیل کرسیهای اختصاص یافته سنا برای هر ایالت، انتخابات براساس نظام نمایندگی نسبی و به موجب رأی واحد و قابل انتقال برگزار خواهد شد.

(۳) مجلس سنا منحل نخواهد گردید؛ لیکن دوره نمایندگی اعضای آن شش سال خواهد بود و به شرح ذیل بازنشسته می‌شوند:

(الف) از اعضای مذکور در بند (الف) از ماده (۱) هفت نفر بعد از خاتمه سه سال نخست و هفت نفر دیگر بعد از انقضای سه سال دوم بازنشسته خواهند شد.

(ب) از اعضای مذکور در بند (ب) چهار نفر بعد از انقضای سه سال نخست و چهار نفر بعد از انقضای سه سال بعد بازنشسته خواهند شد.

(ج) از اعضای مذکور در بند (ج) یک نفر بعد از انقضای سه سال نخست و سه نفر بعد از انقضای سه سال دوم بازنشسته خواهند شد.

(د) از اعضای مذکور در بند (د) دو نفر بعد از انقضای سه سال نخست و سه نفر پس از انقضای سه سال دوم بازنشسته خواهند شد.

مع هذا، مدت نمایندگی شخصی که برای تکمیل کرسی خالی اتفاقی، انتخاب می شود، باقیمانده مدت نمایندگی شخص یا عضوی خواهد بود که وی به جای او انتخاب می گردد.

اصل شصتم

رئیس و نایب رئیس مجلس سنا: (۱) مجلس سنا بعد از اینکه بطور قانونی تشکیل گردید، در نخستین جلسه خود و بدون پرداختن به هر مسأله دیگری، رئیس و نایب رئیسی را از میان اعضای خود انتخاب خواهد نمود، و هر گاه سمت رئیس یا نایب رئیس سنا بلامتصدی گردد، مجلس مزبور عضو دیگری را به عنوان رئیس یا بنا بر مورد نایب رئیس انتخاب خواهد کرد.

(۲) مدت خدمت رئیس یا نایب رئیس سنا از روزی که تصدی سمت را عهده دار گردد سه سال خواهد بود.

اصل شصت و یکم

سایر مقررات مربوط به مجلس سنا: مفاد مواد (۲) الی (۷) از اصل پنجاه و سوم، مواد (۲) و (۳) اصل پنجاه و چهارم، و نیز اصل پنجاه و پنجم در مورد مجلس سنا و مجلس ملی بطور یکسان اعمال خواهد شد و در این صورت، اشاره به مجلس ملی، رئیس و نایب رئیس مجلس ملی به ترتیب به مثابه اشاره به مجلس سنا، رئیس و نایب رئیس مجلس سنا بوده و در شرط مذکور در ماده (۲) اصل پنجاه و چهارم، به جای کلمات «یکصد و سی» کلمه «نود» جایگزین خواهد شد.

مقررات مربوط به اعضای

مجلس شورا (پارلمان)

اصل شصت و دوم

شرایط لازم برای عضویت در مجلس شورا (پارلمان): هر فرد برای انتخاب یا عضویت در مجلس شورا (پارلمان) باید دارای شرایط ذیل باشد:

(الف) شهروند پاکستانی باشد.

(ب) برای عضویت در مجلس ملی، کمتر از بیست و پنج سال سن نداشته باشد و نامش به عنوان رأی دهنده در فهرست انتخاباتی برای انتخاب به عنوان یک کرسی مسلمان یا بنا بر مورد یک کرسی غیر مسلمان در مجلس مزبور، ثبت شده باشد.

(ج) برای عضویت در مجلس سنا کمتر از سی سال نداشته باشد و نامش به عنوان رأی دهنده در ناحیه‌ای در یک ایالت و یا بنا بر مورد در پایتخت کشوری یا نواحی قبیله‌ای تحت حکومت فدرال، که وی خواستار عضویت آن است ثبت شده باشد.

(د) فردی متشخص بوده و به عنوان ناقض احکام اسلامی شناخته نشده باشد.

(ه) دانش کافی از تعالیم اسلامی داشته باشد و به وظایف واجبی که اسلام توصیه نموده عمل کند مانند پرهیز از گناهان کبیره.

(و) فردی با فراست، صالح، پرهیزگار، درستکار و امانتدار باشد.

(ز) سابقه محکومیت به جرم فساد اخلاقی یا ادای شهادت دروغ نداشته باشد.

(ح) بعد از ایجاد کشور پاکستان، علیه وحدت آن اقدامی نکرده و یا با ایدئولوژی پاکستان مخالفت ننموده باشد.

مع هذا، عدم صلاحیت‌های مذکور در بندهای (د) و (ه) شامل افراد غیرمسلمان نخواهد شد، مع الوصف افراد مزبور باید به حسن اخلاق معروف بوده و

(ط) سایر صلاحیت‌های لازم را که قانون مجلس شورا (پارلمان) معین می‌نماید، داشته باشند.

اصل شصت و سوم

شرایط عدم صلاحیت برای عضویت در مجلس شورا (پارلمان):

(۱) افرادی که دارای شرایط ذیل باشند، واجد صلاحیت انتخاب برای عضویت در مجلس شورا (پارلمان) نخواهند بود:

(الف) دادگاه صالحی وی را محجور اعلام نموده باشد.

(ب) ورشکسته‌ای که بدهیهای خود را بازپرداخت نکرده باشد.

(ج) از تابعیت پاکستان خارج شده و تقاضای تابعیت کشور دیگری را نموده باشد.

(د) در دستگاه دولتی پاکستان دارای سمتی انتفاعی است که قانون متصدی آن رافاقت صلاحیت تشخیص داده است.

(ه) در خدمت یک نهاد قانونی یا هر نهاد دیگری است که به دولت تعلق دارد، یا توسط آن کنترل می‌شود و یا اینکه در آن دارای سهم یا نفع کنترلی می‌باشد.

(و) به عنوان یک شهروند پاکستانی به موجب بخش «(۱۴-ب) قانون تابعیت پاکستان مصوب سال ۱۹۵۱» [۳] (شماره دوم ۱۹۵۱) «عجالتاً طبق قانون حاکم در منطقه آزاد جامو و کشمیر فاقد شرایط لازم برای عضویت در مجلس قانونگذاری منطقه مزبور شناخته شده باشد.

(ز) مروج ایده‌ای باشد یا مرتکب عملی گردد که به نحوی به ایدئولوژی، حاکمیت، وحدت و امنیت پاکستان یا اخلاق و حفظ نظم عمومی یا وحدت و استقلال قوه قضاییه پاکستان خدشه وارد ساخته و یا به سیستم قضایی نیروهای مسلح کشور توهین نموده و یا آن را مورد استهزا قرار دهد.

(ح) به اتهام جرمی که به نظر مأمور عالی انتخابات فساد اخلاقی است به بیش از دو سال زندان محکوم شده باشد، مگر اینکه مدت پنج سال از آزادی وی بگذرد.

(ط) به علت تخلفی، از دستگاه دولتی پاکستان اخراج شده باشد؛ مگر اینکه مدت پنج سال از زمان اخراج وی بگذرد.

(ی) به علت تخلفی، از دستگاه دولتی پاکستان عزل و یا اجباراً بازنشست شده باشد، مگر اینکه سه سال از عزل یا بازنشستگی وی بگذرد.

(ک) در خدمت دستگاه دولتی پاکستان یا نهاد قانونی یا هر نهادی که متعلق به دولت یا تحت کنترل دولت بوده و یا اینکه دولت سهم یا نفع کنترلی در آن داشته باشد، بوده است، مگر اینکه دو سال از انفصال وی از دستگاه مزبور بگذرد.

(ل) به موجب قانون وقت به فساد یا عمل نامشروع متهم شده باشد، مگر اینکه مدت پنج سال از تاریخ اجرای حکم بگذرد.

(م) به موجب بخش هفتم قانون احزاب سیاسی سال ۱۹۶۲ ([۴]) (ش.۳- سال ۱۹۶۲) محکوم شده باشد، مگر اینکه مدت پنج سال از محکومیت مزبور بگذرد.

(ن) خود، شخصاً و یا توسط شخصی یا گروهی از اشخاص تحت تکفل خویش و یا به نفع خود یا به عنوان عضو یک خانواده متفق هندو و در یک معامله غیر از معامله بین یک گروه تعاونی و حکومت جهت تهیه کالاها برای حکومت و یا اجرای قرارداد یا ارائه خدمتی توسط حکومت، سهم یا نفعی داشته باشد

مع هذا، شرایط عدم صلاحیت مذکور در این بند در مورد شخصی با شرایط ذیل اعمال نخواهد شد:

۱- هر گاه سهم یا سود قرارداد بواسطه توارث، جانشینی و یا به عنوان موصی له، وصی یا مدیر تصفیه، به وی انتقال یابد، مگر اینکه ۶ ماه از تاریخ انتقال مزبور گذشته باشد.

۲- هر گاه شرکتی یا نماینده آن به نحوی که در قانون سال ۱۹۸۴ [۵] شرکتها مقرر شده، به قراردادی ملحق شود که سهامدار آن باشد ولی به عنوان مدیر سمتی انتفاعی را در شرکت تصدی ننماید.

۳- هر گاه عضو یک خانواده متفق هندو باشد، و عضو دیگری از خانواده مزبور ضمن دارا بودن شغل مستقل دیگری که وی در آن سهم نداشته یا ذینفع نباشد، به قرارداد مزبور ملحق شده باشد.

تبصره: در این اصل «کالاها» محصولات کشاورزی یا اجناسی را که توسط شخصی مزبور پرورده یا تولید می شوند، یا کالاهایی که وی به موجب امریه حکومت یا قانون جاری وقت، موظف یا متعهد به تهیه آن باشد، شامل نمی گردد.

(س) دارای سمتی انتفاعی در دستگاه دولتی پاکستان غیر از سمت‌های ذیل باشد:

۱- سمتی که تمام وقت، دارای پاداش، حقوق یا اجرت نباشد.

۲- سمت لامباردار([۶])، با همین عنوان یا عنوان دیگر

۳- قومی رازاکارها([۷])

۴- هر سمتی که متصدی آن بواسطه سمت مزبور، به آموزش یا خدمت نظامی تحت قانونی که امکان تشکیل یا ایجاد یک نیروی (نظامی) رافراهم ساخته، فرا خوانده شود.

(ع) موقتاً، فاقد شرایط لازم برای انتخاب و گزینش به عنوان عضو مجلس شورا(پارلمان) و یا مجلس ایالتی به موجب قانون وقت باشد.

(۲) هر گاه مسأله‌ای مطرح شود، مبنی بر اینکه آیا عضوی از اعضای مجلس شورا(پارلمان) صلاحیت عضویت در مجلس را از دست داده یا خیر، رئیس مجلس ملی یا بنا بر مورد رئیس سنا موضوع را به مأمور عالی انتخابات ارجاع خواهد نمود و اگر نظر مأمور عالی انتخابات بر این باشد که عضو مزبور فاقد صلاحیت گردیده، عضو فوق از عضویت مجلس خلع و کرسی وی خالی خواهد شد.

اصل شصت و چهارم

خالی شدن کرسیهای نمایندگی: (۱) هر یک از اعضای مجلس شورا (پارلمان) می تواند طی دست نوشته خود خطاب به رئیس مجلس یا بنا بر مورد رئیس سنا از کرسی خود استعفا دهد، که در این صورت کرسی مزبور خالی خواهد شد.

(۲) اگر عضوی بدون اجازه مجلس به مدت چهل روز متوالی از جلسات آن غیبت نماید، مجلس کرسی وی را خالی شده اعلام خواهد کرد.

اصل شصت و پنجم

سوگند اعضا: کسی که به عضویت مجلس انتخاب می شود، تا زمانی که به نحو مقرر در پیوست سوم در برابر مجلس سوگند به جای نیاورد حق رأی یا شرکت در جلسات مجلس را نخواهد داشت.

اصل شصت و ششم

امتیازات اعضا و غیره: (۱) با رعایت قانون اساسی و مقررات مجلس شورا (پارلمان)، اعضای مجلس آزادی بیان داشته و به خاطر سخنی که بگویند یا رأی که در مجلس شورا (پارلمان) بدهند، در هیچ دادگاهی محاکمه نخواهند شد. همچنین هیچکس به خاطر انتشار گزارش، روزنامه، آرا و یا مشروح جلسات توسط مجلس شورا (پارلمان) و یا از طرف مجلس مزبور، مشمول محاکمه فوق نخواهد گردید.

(۲) از لحاظ دیگر، اختیارات، مصونیت‌ها و امتیازات مجلس شورا (پارلمان) و مصونیت‌ها و امتیازات اعضای مجلس شورا (پارلمان) به شرحی خواهد بود که هر از چند گاه توسط قانون تعیین می‌شود، و تا آن موقع به گونه‌ای که بلافاصله قبل از روز آغاز مجلس ملی پاکستان، کمیته‌ها و اعضای آن برخوردار بوده‌اند خواهد بود.

(۳) هر یک از مجالس می‌تواند برای مجازات کسانی که از ادای شهادت یا ارائه مدرک در برابر کمیته‌های مجلس - در صورت درخواست رییس کمیته - اجتناب نمایند، مقرراتی را طبق قانون وضع کند.

مع هذا، قانون مزبور:

(الف) می‌تواند اختیار مجازات شخصی را که از ادای شهادت یا ارائه مدرک اجتناب می‌ورزد به دادگاه بدهد.

(ب) با رعایت فرمان رییس‌جمهور مبنی بر حراست از افشای موضوعات سری‌تنفیذ خواهد شد.

(۴) اصل حاضر هم در مورد اعضای مجلس و هم در مورد کسانی که حق سخن گفتن یا حضور در مذاکرات مجلس شورا (پارلمان) را دارند بطور یکسان اعمال خواهد شد.

(۵) در این اصل منظور از مجلس شورا (پارلمان) شامل هر دو مجلس، یا جلسه‌مشتراک و یا کمیته‌های آنها می‌باشد.

کلیات رویه کاری

اصل شصت و هفتم

مقررات مربوط به دستور کاری: (۱) هر یک از مجلسین می‌تواند با رعایت قانون اساسی، مقرراتی را برای تنظیم دستور کاری و اداره امور خود وضع نماید، و بدون توجه به هر گونه خلاء در کرسیهایش قدرت عمل داشته باشد. مذاکرات مجلس تنها به دلیل اینکه افراد غیر مجازی در جلسه حاضر شده یا رأی داده و یا به نحو دیگری در مذاکرات شرکت کرده‌اند از اعتبار ساقط نمی‌گردد.

(۲) تا زمانی که به موجب ماده (۱) بالا مقرراتی وضع شود، رویه کاری و اداره امور مجلس طبق مقرراتی که رییس جمهور تعیین می کند، تنظیم خواهد شد.

اصل شصت و هشتم

محدودیت بحث های مجلس شورا (پارلمان): در مجلس شورا (پارلمان) هیچ بحثی راجع به عملکرد قضات دیوان عالی یا دادگاه در زمینه انجام وظایفشان مطرح نخواهد شد.

اصل شصت و نهم

ممنوعیت تجسس در مورد مذاکرات مجلس شورا (پارلمان) برای دادگاهها: (۱) اعتبار مذاکرات مجلس شورا (پارلمان) به دلیل نامنظم بودن رویه کاری مورد تردید قرار نخواهد گرفت.

(۲) مقام یا عضوی از مجلس شورا (پارلمان) که به واسطه یا به موجب قانون اساسی اختیاراتی جهت تنظیم رویه کاری یا اداره امور و یا برقراری نظم در مجلس شورا (پارلمان) به وی تفویض می گردد، به لحاظ اعمال اختیارات مزبور مشمول صلاحیت قضایی هیچ دادگاهی نخواهد شد.

(۳) در این اصل اصطلاح «مجلس شورا (پارلمان)» همان معنای مصرّحه در اصل شصت و هشتم را دارد.

رویه قانونگذاری

اصل هفتاد

پیشنهاد و تصویب لوایح: (۱) هر لایحه مربوط به هر موضوعی در فهرست قانونگذاری کشوری یا فهرست قانونگذاری مشترک می‌تواند در یکی از مجلسین پیشنهاد، و در صورت تصویب در مجلس مزبور به مجلس دیگر نیز ارسال شود و اگر این مجلس نیز بدون اصلاح آن را به تصویب برساند جهت توشیح به رییس جمهور تقدیم خواهد شد.

(۲) اگر لایحه‌ای که به موجب ماده (۱) بالا به مجلس ارسال می‌گردد، رد شده، یا ظرف ۹۰ روز از دریافت آن به تصویب نرسد و یا با اصلاح تصویب شود بنا به درخواست مجلس پیشنهاد کننده در جلسه مشترکی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

(۳) اگر به موجب ماده (۲) بالا درخواستی شود، رییس جمهور مجلسین را برای جلسه مشترکی فرا خواهد خواند. اگر لایحه در جلسه مشترک با اصلاح یا بدون اصلاح و با رأی اکثریت کل اعضای دو مجلس به تصویب برسد جهت توشیح به رییس جمهور تقدیم خواهد شد.

(۴) در این اصل و مقررات آتی قانون اساسی، منظور از «فهرست قانونگذاری کشوری» و «فهرست قانونگذاری مشترک» عبارت از فهرست‌های مذکور در پیوست چهارم تحت همین عناوین خواهد بود.

اصل هفتاد و یکم

«محذوف» [۸].

اصل هفتاد و دوم

دستور کاری جلسه مشترک: (۱) رئیس‌جمهور پس از مشاوره یا مشورت بارییس مجلس ملی و رئیس سنا می‌تواند مقرراتی را در زمینه دستور کار جلسات مشترک و ارتباط بین مجلسین وضع نماید.

(۲) در جلسه مشترک ریاست جلسه با رئیس مجلس ملی و در غیاب وی با شخصی که طبق قواعد مندرج در ماده (۱) بالا تعیین می‌شود خواهد بود.

(۳) قواعد مندرج در ماده (۱) بالا در جلسه مشترک مطرح خواهند شد و در جلسه مزبور می‌توان چیزی بدان افزود، یا آن را تغییر داده اصلاح یا جایگزین نمود.

(۴) با رعایت قانون اساسی کلیه تصمیمات جلسه مشترک با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی دهنده به تصویب خواهد رسید.

اصل هفتاد و سوم

تشریفات مربوط به لوایح مالی: (۱) بدون توجه به آنچه در اصل هفتاد آمده، لایحه مالی باید در مجلس ملی مطرح و پس از تصویب، بدون ارسال به مجلس سنا جهت توشیح به رئیس جمهور تقدیم شود.

(۲) از لحاظ این فصل یک لایحه یا اصلاحیه زمانی مالی محسوب می‌گردد که حاوی مقرراتی راجع به تمام یا بخشی از موضوعات ذیل باشد:

که از مجلس ملی آغاز و پس از اینکه توسط مجلس تصویب شد بدون انتقال به سنا، جهت توشیح به رئیس جمهور ارائه شود.

الف) وضع، لغو، بخشودگی تغییر یا تنظیم مالیاتها

ب) استقراض پول یا تضمین از سوی دولت فدرال و یا اصلاح قوانین مربوط به تعهدات مالی دولت مزبور

ج) تولیت صندوق تلفیقی فدرال و پرداخت یا برداشت وجه از آن صندوق

د) واگذاری هزینه‌ای به صندوق تلفیقی فدرال یا لغو و تغییر هزینه مزبور

ه) دریافت وجوه از حساب «عمومی فدراسیون» تولیت یا صدور چنین وجوهی

و) رسیدگی به حسابهای دولت فدرال یا دولت ایالتی

ز) موضوعات مربوط به موارد مذکور در بندهای فوق

(۳) لایحه‌ای که متضمن یکی از موارد زیر باشد، لایحه مالی محسوب نخواهد شد:

الف) وضع یا تغییر هر گونه جریمه یا مجازات نقدی، مطالبه یا پرداخت هزینه پروانه، اجرت و یا هزینه خدمات ارائه شده.

ب) وضع، لغو، بخشودگی، تغییر یا تنظیم هر نوع مالیات توسط هر مرجع یا مقامی برای اهداف محلی.

(۴) اگر سؤالی در مورد مالی یا غیر مالی بودن لایحه‌ای طرح شود، تصمیم نهایی رارئیس مجلس ملی اتخاذ خواهد کرد.

(۵) هر لایحه مالی که جهت توشیح به رئیس جمهور تقدیم می‌گردد منضم به گواهی رئیس مجلس ملی مبنی بر مالی بودن آن خواهد بود و گواهی مزبور از هر لحاظ قطعی بوده و مورد تردید قرار نخواهد گرفت.

اصل هفتاد و چهارم

لزوم رضایت دولت فدرال برای تدابیر مالی: هر لایحه مالی یا لایحه عادی و یا اصلاحیه‌ای که در صورت عملی شدن یا به اجرا درآمدن متضمن صرف هزینه از محل صندوق تلفیقی فدرال و یا

برداشت از حساب عمومی فدراسیون خواهد بود و یا پول رایج و ارز پاکستان یا اساسنامه و وظایف بانک مرکزی پاکستان را تحت تأثیر قرار خواهد داد، نباید در مجلس شورا (پارلمان) مطرح یا پیشنهاد شود مگر اینکه دولت فدرال رضایت خود را اعلام نماید.

اصل هفتاد و پنجم

توشیح لوایح توسط رئیس جمهور: (۱) هر گاه لایحه‌ای جهت توشیح تقدیم رئیس جمهور شود وی ظرف سی روز:

الف) باید با لایحه موافقت کند، یا

ب) در مورد لایحه غیر مالی آن را همراه پیامی به مجلس شورا (پارلمان) عودت داده، خواهد خواست که لایحه یا مقررات خاصی از آن مجدداً مورد بررسی قرار گیرد و هر اصلاحیه‌ای که در پیام بدان تصریح شده، مد نظر قرار گیرد.

(۲) وقتی که رئیس جمهور لایحه‌ای را به مجلس شورا (پارلمان) عودت می‌دهد، مجلس شورا (پارلمان) آن را در جلسه مشترکی مجدداً مورد بررسی خواهد داد، و در صورتی که با اصلاح و یا بدون اصلاح توسط مجلس مزبور و با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی دهنده دو مجلس

مورد تصویب قرار گیرد، به موجب قانون اساسی توسط هر دو مجلس تصویب شده محسوب می‌شود و به رییس جمهور تقدیم خواهد شد و وی نباید از توشیح آن امتناع ورزد.

(۳) هر گاه رییس جمهور لایحه‌ای را توشیح نماید، لایحه مزبور به صورت قانون درمی‌آید و عنوان قانون مجلس شورا (پارلمان) را بخود می‌گیرد.

(۴) اگر قانون مصوب مجلس شورا به توشیح رییس جمهور برسد و قانون اساسی برای تصویب آن ضمانت اجرای قبلی یا جلب رضایتی را تجویز کند، صرف عدم رعایت آن موجب بطلان این گونه قوانین مصوب یا مقررات مندرج در آن نخواهد بود.

اصل هفتاد و ششم

عدم تأثیر تعطیلی مجلس بر اعتبار لوایح: (۱) لایحه‌ای که در هر یک از دو مجلس در دست رسیدگی است به دلیل تعطیل شدن مجلس از اعتبار ساقط نخواهد شد.

(۲) لایحه‌ای که در مجلس سنا در دست رسیدگی است و به تصویب مجلس ملی نرسیده، در اثر انحلال مجلس ملی از اعتبار ساقط نخواهد شد.

(۳) لایحه‌ای که در مجلس ملی در دست رسیدگی است یا لایحه‌ای که به تصویب مجلس ملی رسیده و در سنا در دست رسیدگی است، در صورت انحلال مجلس ملی از اعتبار ساقط خواهد شد.

اصل هفتاد و هفتم

وضع مالیات به موجب قانون: هیچ مالیاتی نباید در فدراسیون وضع شود مگر به موجب اجازه مصوب مجلس شورا (پارلمان) آن مجلس.

امور مالیه

اصل هفتاد و هشتم

صندوق تلفیقی فدرال و حساب عمومی: (۱) کلیه درآمدهای حاصله دولت فدرال و تمام وامهائی که اعطا می‌نماید. و نیز کلیه وجوهی که در بازپرداخت هر وامی توسط آن دریافت می‌گردد، باید بخشی از یک صندوق مشترک تحت عنوان «صندوق تلفیقی فدرال» را تشکیل دهد.

(۲) سایر وجوهی که:

الف) توسط دولت فدرال یا به نیابت از آن دریافت می‌گردد،

ب) بوسیله دیوان عالی کشور یا هر دادگاه دیگری که تحت اختیار دولت فدرال تشکیل گردیده دریافت و یا نزد آن به ودیعه نهاده شده باشد، باید به حساب عمومی فدراسیون واریز شود.

اصل هفتاد و نهم

تولیت و سایر امور مربوط به صندوق تلفیقی فدرال کشور و حساب عمومی: تولیت صندوق تلفیقی فدرال، پرداخت پول به صندوق مزبور، برداشت پول از آن، تولیت بر سایر وجوهی که توسط دولت فدرال یا نیابت از آن دریافت می‌شود، پرداخت و برداشت آنها از حساب عمومی فدرال و کلیه مسائل مربوط به موضوعات مذکور باید، براساس قانون پارلمان و تا زمان وضع مقرراتی از سوی پارلمان بر مبنای مقرراتی که رییس جمهور وضع می‌نماید تنظیم شود.

اصل هشتاد

صورت وضعیت بودجه سالانه: (۱) دولت فدرال باید صورت وضعیت تقریبی دریافت‌ها و هزینه‌های خود را در هر سال مالی که در این بخش به عنوان «صورت وضعیت بودجه سالانه» به آن اشاره می‌شود، به مجلس ملی ارائه دهد.

(۲) صورت وضعیت بودجه سالانه موارد ذیل را به تفکیک نشان خواهد داد:

الف) مبالغ لازم برای تأمین هزینه‌هایی که در قانون اساسی به عنوان هزینه‌های تأمینی از صندوق مشترک کشور تعریف شده‌اند.

ب) مبالغ لازم برای تأمین سایر هزینه‌هایی که تأمین آنها از محل صندوق مشترک کشور پیش بینی شده است.

اصل هشتاد و یکم

هزینه‌های تأمینی از صندوق تلفیقی فدرال: هزینه‌های ذیل از محل صندوق تلفیقی فدرال تأمین خواهد شد:

الف) حقوق رئیس‌جمهور و سایر هزینه‌های مربوط به سمت او به علاوه حقوق پرداختی به

۱- قضاات دیوان عالی کشور

۲- مأمور عالی انتخابات

۳- رئیس و نایب رئیس سنا

۴- رئیس و نایب رئیس مجلس ملی

۵- حسابرس کل

ب) هزینه‌های اداری شامل حقوق پرداختی به مقامات و کارمندان دیوان عالی کشور، بخش حسابرسی کل و اداره امور عالی انتخابات، هیأت انتخابات و دبیرخانه‌های سنا و مجلس ملی

ج) کلیه دیونی که به عهده دولت فدرال بوده شامل سود، وجوه استهلاکی، بازپرداخت یا استهلاک سرمایه و سایر هزینه‌های مربوط به دریافت وامها و خدمات فک دین با وثیقه صندوق تلفیقی فدرال می‌شود.

د) هر گونه وجهی که برای پرداخت مبلغ حکم، رأی، و قراری که توسط هر دادگاه یا محکمه‌ای علیه پاکستان صادر شده لازم باشد.

ه) سایر وجوهی که در قانون اساسی یا قانون مصوب مجلس شورا (پارلمان) برای این قبیل موارد در نظر گرفته شود.

اصل هشتاد و دوم

امور مربوط به صورت وضعیّت بودجه سالانه: (۱) آن بخش از صورت وضعیّت بودجه سالانه که به هزینه‌های تأمینی از صندوق تلفیقی مربوط می‌شود، می‌تواند در مجلس ملی مطرح گردد، ولی به رأی مجلس مزبور گذاشته نخواهد شد.

(۲) آن بخش از صورت وضعیّت بودجه سالانه که به سایر هزینه‌ها مربوط می‌شود، به شکل درخواست اعتبار به مجلس ملی ارائه خواهد شد، و مجلس ملی اختیار تصویب یا رد هر درخواست یا تصویب آن را مشروط به کاهش میزان مبلغ تعیین شده در آن خواهد داشت.

مع هذا، برای یک مدت ده ساله از روز آغاز یا برگزاری دومین انتخابات همگانی مجلس ملی، هر کدام که مسبوق باشد، یک درخواست بدون هر گونه کاهش از مبلغ معین شده در آن قابل تصویب خواهد بود، مگر اینکه با رأی اکثریت کل اعضای مجلس مزبور مشروط به کاهش مبلغ معین شده در آن، رد یا تصویب شود.

(۳) هر گونه درخواست اعتبار فقط بنا به توصیه دولت فدرال ارائه خواهد شد.

اصل هشتاد و سوم

تائید فهرست هزینه‌های مجاز: (۱) نخست وزیر فهرستی حاوی موارد ذیل را با امضای خود تائید خواهد نمود:

الف) اعتبارات واگذار شده یا در حین واگذاری توسط مجلس ملی به موجب اصل هشتاد و دوم

ب) برخی مبالغ لازم برای پرداخت هزینه‌های محوله به صندوق تلفیقی فدرال، که میزان هر مبلغ از مقدار مصرّحه در صورت وضعیت از پیش ارائه شده به مجلس ملی تجاوز نخواهد نمود.

(۲) فهرستی که بدین نحو تائید شود، به مجلس ملی تسلیم خواهد شد. ولی مجلس مزبور در مورد آن بطور علنی بحث یا رای‌گیری نخواهد نمود.

(۳) با رعایت قانون اساسی، هر هزینه‌ای از محل صندوق تلفیقی فدرال تنهائنگامی بطور صحیح مجاز می‌گردد که در فهرست تائید شده فوق، تصریح گردیده و فهرست مزبور طبق ماده (۲) در صورت نیاز به مجلس ملی تقدیم شده باشد.

اصل هشتاد و چهارم

اعتبارات اضافی و تکمیلی: اگر با توجه به هر سال مالی معلوم شود که:

الف) مبلغ اختصاص یافته برای خدمت بخصوصی در آن سال جاری مالی کافی نیست و یا اینکه برای هزینه یک خدمت جدید که در صورت وضعیّت بودجه سالانه سال مزبور منظور نگردیده، نیاز احساس شود، یا اینکه

ب) برای خدمتی در طول سال مالی مبلغی بیشتر از مقدار تخصیص یافته صرف شده باشد.

دولت فدرال برای تخصیص هزینه از محل صندوق تلفیقی فدرال اختیار خواهد داشت، اعم از اینکه هزینه مزبور به موجب قانون اساسی به عهده صندوق باشد یا نباشد. و همچنین ترتیبی خواهد داد که یک صورت وضعیّت بودجه تکمیلی یا بنا بر مورد یک صورت وضعیّت بودجه اضافی که تعیین کننده مقدار هزینه مزبور باشد به مجلس ملی تقدیم شود و مفاد اصول هشتاد الی هشتاد و سوم در مورد آن صورت وضعیّتها و صورت وضعیّت بودجه سالانه بطور یکسان اعمال خواهد شد.

اصل هشتاد و پنجم

تعویق رأی گیری: علیرغم هر آنچه در مفاد فوق در زمینه مسائل مالی آمده، مجلس ملی این اختیار را خواهد داشت که جهت هزینه‌های تقریبی برای بخشی از هر سال مالی که از چهار ماه تجاوز ننماید هر گونه اعتباری را بطور علی‌الحساب واگذار نماید و تکمیل رویه مذکور در اصل هشتاد و دوم را برای رأی گیری در مورد اعتبار مزبور و تائید فهرست هزینه‌های مجاز براساس مفاد اصل هشتاد و سوم در زمینه هزینه‌ها به تعویق اندازد.

اصل هشتاد و ششم

اختیار تخصیص هزینه‌ها بهنگام انحلال مجلس ملی: علیرغم هر آنچه در مفاد فوق در زمینه مسائل مالی آمده، در هر زمانی که مجلس ملی منحل باشد، دولت فدرال می‌تواند از محل صندوق تلفیقی کشور، وجوهی را جهت یک‌مدت حداکثر چهار ماهه در هر سال مالی برای هزینه‌های تقریبی تخصیص داده و تکمیل رویه مذکور در اصل هشتاد و دوم را برای رأی گیری در مورد اعتبارات و تائید صورت هزینه‌های مجاز براساس اصل هشتاد و سوم در زمینه هزینه‌ها به تعویق اندازد.

اصل هشتاد و هفتم

دبیرخانه مجلس شورا (پارلمان): (۱) هر یک از مجلسین دبیرخانه مستقلی خواهد داشت.

مع هذا، مفاد این ماده مانع ایجاد سمت‌های مشترک برای هر دو مجلس نمی‌شود.

(۲) مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند از طریق قانون شرایط استخدام و اشتغال کارکنان دبیرخانه هر یک از مجلسین را تعیین نماید.

(۳) تا زمانی که مجلس شورا (پارلمان) به موجب ماده (۲) بالا مقرراتی را وضع نماید، رئیس مجلس ملی یا بنا بر مورد رئیس سنا می‌تواند با تأیید رئیس جمهور ضوابطی را برای تعیین شرایط استخدام و اشتغال کارکنان دبیرخانه‌های مجلسین تدوین کند.

اصل هشتاد و هشتم

کمیته‌های مالی: (۱) هزینه‌های مجلس ملی و سنا در حدود موارد تخصیص یافته توسط مجلسین مزبور با نظارت کمیته مالی مجلس ذیربط کنترل خواهد شد.

(۲) ترکیب کمیته مالی عبارت خواهد بود از رئیس مجلس ملی یا بنا بر مورد سنا، وزیر دارائی، و اعضای دیگری که هر یک از مجلسین می‌تواند انتخاب کند.

(۳) کمیته مالی می‌تواند مقرراتی را برای دستور کار خود تعیین نماید.

دستورالعمل‌ها

اصل هشتاد و نهم

اختیار رئیس‌جمهور برای صدور دستورالعمل: (۱) هر گاه مجلس ملی دایر نباشد، رئیس‌جمهور اگر متقاعد گردد که وجود موقعیت خاصی لزوم انجام اقدامی فوری را ایجاب می‌نماید، می‌تواند متناسب با موقعیت مزبور دستورالعملی را وضع و صادر نماید.

(۲) دستورالعملی که براساس این اصل صادر می‌شود همان قدرت و نفوذ قانون‌پارلمانی مجلس (شورا) را داشته و تابع همان محدودیت‌هایی خواهد بود که برای قدرت پارلمان جهت وضع قانون وجود دارد مع هذا، دستورالعمل فرمان‌مزبور:

الف) ۱- اگر مفاد آن در باب موضوعات مندرج در ماده (۲) اصل هفتاد و سوم باشد، به مجلس ملی تقدیم خواهد شد، و هنگام انقضای مدت چهار ماه از تاریخ صدور آن یا در صورت تصویب

قانونی قبل از خاتمه مدت مزبور مبنی بر عدم موافقت با آن از سوی مجلس ملی، فرمان فوق ملغی می‌گردد.

۲- اگر مفاد آن در باب موضوعات مذکور در قسمت ۱ نباشد، به مجلسین تقدیم خواهد شد، و هنگام انقضای مدت چهار ماه از تاریخ صدور آن و یا در صورت تصویب قانونی مبنی بر عدم موافقت با آن از سوی مجلسین، ملغی می‌گردد.

ب) می‌تواند در هر زمانی توسط رئیس‌جمهور باز پس گرفته شود.

(۳) بدون اینکه خدشه‌ای به مفاد ماده (۲) بالا وارد آید، دستورالعملی که تقدیم مجلس قانونگذار ملی می‌گردد در حکم لایحه‌ای خواهد بود که در مجلس ملی مطرح می‌شود.

فصل سوم- دولت فدرال

اصل نود

اعمال قوه مجریه کشور: (۱) قوه مجریه کشور به رئیس‌جمهور تفویض و به موجب قانون اساسی توسط شخص او یا مقامات تابع او اعمال خواهد شد.

(۲) در ماده (۱) بالا، هیچ چیز موجب موارد ذیل نخواهد شد:

الف) موجب نخواهد شد که وظایف قانونی محوله به حکومت ایالات یا مراجع دیگر، به رئیس جمهور انتقال یابد.

ب) مانع از این نمی شود که مجلس شورا (پارلمان) طبق قانون وظایفی را به مراجعی غیر از رئیس جمهور تفویض نماید.

اصل نود و یکم

هیأت وزیران: (۱) هیأت وزیران با سرپرستی نخست وزیر تشکیل خواهد شد تا رئیس جمهور را در اجرای وظایفش مشاوره و مساعدت نمایند.

(۲) رئیس جمهور بنا به تشخیص خود از میان اعضای مجلس ملی فردی را که به عقیده وی بتواند حتماً رأی اعتماد اکثریت اعضای مجلس ملی را کسب نماید، به عنوان نخست وزیر تعیین خواهد کرد.

(۲-الف) علیرغم هر آنچه در ماده (۲) آمده، بعد از

روز بیستم ماه مارس سال یکهزار و نهصد و نود[۹] رئیس‌جمهور از عضو مورد نظر مجلس ملی دعوت خواهد نمود که به عنوان نخست وزیر رأی اعتماد اکثریت‌اعضای مجلس ملی را به نحو معین شده، در جلسه مجلس مزبور که طبق مقررات قانون اساسی به همین منظور تشکیل می‌شود بدست آورد.

(۳) شخصی که به موجب ماده (۲) تعیین و [یا بنا بر مورد طبق ماده (۲-الف) دعوت می‌شود،] قبل از تصدی سمت خود، به شرحی که در پیوست سوم آمده در برابر رئیس‌جمهور سوگند به جای آورده و ظرف مدت شصت روز از آن اعتماد مجلس ملی را بدست خواهد آورد.

(۴) هیأت وزیران همراه با وزرای کشور به اتفاق هم در برابر مجلس ملی مسؤول خواهند بود.

(۵) نخست وزیر تا زمان مورد نظر رئیس‌جمهور سمت خود را حفظ خواهد کرد. مع الوصف رئیس‌جمهور هم از اختیارات خود به موجب این اصل تنها زمانی استفاده خواهد کرد که برای وی محرز شود که نخست وزیر نمی‌تواند رأی اعتماد اکثریت‌اعضای مجلس ملی را کسب نماید در این صورت مجلس مزبور را فرا خوانده و از نخست وزیر خواهد خواست که رأی اعتماد آن را جلب نماید.

(۶) نخست وزیر می‌تواند طی دست نوشته خود خطاب به رئیس‌جمهور از سمت خود استعفا دهد.

(۷) وزیری که به مدت شش ماه متوالی از عضویت مجلس ملی خارج شود، درخاتمه مدت مزبور از سمت وزارت عزل شده و نمی‌تواند پیش از انحلال مجلس مزبور به عنوان وزیر منصوب شود، مگر اینکه مجدداً به عضویت مجلس فوق انتخاب شده باشد. مع هذا مفاد این اصل برای وزیری که به عضویت مجلس سنا است اعمال نمی‌شود.

(۸) هیچ چیز در این اصل صلاحیت نخست وزیر یا وزیر دیگر و یا وزرای دولت را برای ابقا شدن در سمت خود در دوران فترت مجلس ملی سلب ننموده و مانع انتصاب فردی به عنوان نخست وزیر یا وزیر دیگر و یا وزیر دولت در طول هردوره مزبور نخواهد شد.

اصل نود و دوم

وزرای کشور و وزرای دولت: (۱) با رعایت مواد (۷) و (۸) اصل نود و یکم رییس جمهور وزرای کشور و وزرای دولت را از میان اعضای مجلس شورا (پارلمان) و براساس مشورت با نخست وزیر تعیین خواهد نمود:

مع هذا، تعداد وزرای کشور و وزرای دولت که از اعضای سنا می‌باشند هیچگاه از یک چهارم تعداد وزرای کشور تجاوز نخواهد کرد.

(۲) وزیر کشور یا وزیر دولت پیش از تصدی سمت، به شرحی که در پیوست سوم آمده در برابر رئیس جمهور سوگند به جای خواهند آورد.

(۳) یک وزیر کشور یا وزیر دولت می تواند طی دست نوشته خود خطاب به رئیس جمهور از سمت خود استعفا دهد. و یا رئیس جمهور می تواند بنا به نظر مشورتی نخست وزیر وی را معزول نماید.

اصل نود و سوم

مشاوران: (۱) رئیس جمهور می تواند بنا به نظر مشورتی نخست وزیر حداکثر پنج نفر را با شرایط و شروطی که خود تعیین نماید به عنوان مشاور خود منصوب کند.

(۲) مشاوران مزبور نیز مشمول مفاد اصل پنجاه و هفتم می گردند.

اصل نود و چهارم

ابقای نخست وزیر: رئیس جمهور می تواند از نخست وزیر بخواهد تا زمانی که جانشین وی تصدی سمت وزارت را عهده دار گردد، در سمت خود باقی بماند.

اصل نود و پنجم

رای عدم اعتماد به نخست وزیر: (۱) پیشنهاد رأی عدم اعتماد که توسط بیش از بیست درصد کل اعضای مجلس ملی ارائه شود، می تواند بوسیله مجلس مزبور علیه نخست وزیر به تصویب برسد.

(۲) پیشنهاد مذکور در ماده (۱) قبل از انقضای سه روز و بعد از هفت روز از روزی که پیشنهاد مزبور به مجلس ملی ارائه می شود، به رأی گذاشته نخواهد شد.

(۳) پیشنهاد مزبور در ماده (۱) در مدتی که مجلس ملی در حال بررسی تقاضاهای هزینه که در صورت وضعیت بودجه سالانه به آن تقدیم شده است، باشد، به مجلس مزبور ارائه نخواهد شد.

(۴) اگر پیشنهاد مذکور در ماده (۱) توسط اکثریت کل اعضای مجلس ملی به تصویب برسد نخست وزیر از مقام خود برکنار خواهد شد.

اصل نود و ششم

«محذوف»

اصل نود و ششم- الف

«محذوف»

اصل نود و هفتم

حدود اختیارات اجرایی حکومت مرکزی: با رعایت قانون اساسی، اختیار اجرایی حکومت مرکزی در حدود و حوزه موضوعاتی است که مجلس شورا (پارلمان) دارای قدرت وضع قانون در مورد

آنها می‌باشد از جمله اعمال حقوق، قدرت و صلاحیت قضایی در نواحی داخلی و یا در مورد نواحی خارج از پاکستان،

مع هذا، اختیار مزبور در هیچ ایالتی شامل موضوعی که مجلس ایالتی نیز قدرت قانونگذاری در مورد آن را داشته باشد، نخواهد شد مگر اینکه در قانون اساسی یا هر قانون دیگری که مجلس شورا (پارلمان) تدوین می‌کند، صریحاً تبیین شده باشد.

اصل نود و هشتم

تفویض وظایف به مسئولین تابع: مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند بنا به توصیه حکومت فدرال وظایفی را طبق قانون به مقامات یا مسئولین تابع دولت مزبور تفویض نماید.

اصل نود و نهم

اداره امور دولت فدرال: (۱) انجام کلیه اقدامات اجرایی دولت فدرال به نام و از طرف رئیس‌جمهور تلقی خواهد شد.

(۲) رئیس‌جمهور چگونگی رسمیت یافتن فرمانها و دستورالعملهایی را که از طرف وی وضع و اجرا می‌شوند، طی ضوابطی معین خواهد نمود، اعتبار هر فرمان یا دستورالعمل رسمی مزبور، به سبب اینکه توسط رئیس‌جمهور وضع یا اجرانشده در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(۳) رئیس‌جمهور ضوابطی را نیز برای تعیین و انتقال امور دولت فدرال وضع خواهد کرد.

اصل یک‌صدم

دادستان کل پاکستان: (۱) رئیس‌جمهور شخصی را که صلاحیت تصدی سمت قضاوت در دیوان عالی کشور را داشته باشد، به عنوان دادستان کل پاکستان منصوب خواهد نمود.

(۲) دادستان کل تا زمان مورد نظر رئیس‌جمهور سمت خود را حفظ خواهد کرد.

(۳) دادستان کل وظیفه دارد در مورد مسائل حقوقی به دولت فدرال مشورت داده ووظایف حقوقی دیگری را که ممکن است از سوی دولت فدرال به وی ارجاع شود، انجام دهد و برای اجرای وظایف خویش حق حضور در همه دادگاهها ومحاكم پاکستان را خواهد داشت.

(۴) دادستان کل می‌تواند طی دست‌نوشته خود خطاب به رئیس‌جمهور از سمت خویش استعفا بدهد.

بخش چهارم

ایالات

فصل اول - فرمانداران

اصل یکصد و یکم

انتصاب فرماندار: (۱) هر ایالت دارای فرمانداری خواهد بود که رئیس‌جمهور بنابه صلاحدید خود و مشورت با نخست‌وزیر منصوب می‌نماید.

(۲) یک شخص جهت انتصاب به سمت فرمانداری باید واجد شرایط عضویت درمجلس ملی و دارای حداقل سی و پنج سال سن باشد.

(۳) فرماندار تا زمان مورد نظر رئیس‌جمهور سمت خود را حفظ نموده و از حقوق و مزایا و امتیازاتی که رئیس‌جمهور تعیین می‌نماید برخوردار خواهد شد.

(۴) فرماندار می‌تواند طی دست‌نوشته خود خطاب به رئیس‌جمهور از سمت‌خویش استعفا دهد.

(۵) رئیس‌جمهور می‌تواند ضوابطی را که به نظرش برای انجام وظایف فرماندار مناسب باشد و احتمالاً در این بخش پیش‌بینی نشده وضع نماید.

اصل یکصد و دوم

سوگند تصدی سمت: فرماندار قبل از تصدی سمت در برابر رئیس دادگاه عالی به شرحی که در پیوست سوم آمده سوگند به جای خواهد آورد.

اصل یکصد و سوم

شرایط سمت فرمانداری: (۱) فرماندار نباید سمتی انتفاعی یا منصبی را که موجد حق دریافت حقوق در ازای خدمت باشد، تصدی نماید.

(۲) فرماندار نباید داوطلب عضویت در مجلس شورا (پارلمان) و یا مجلس قانونگذار ایالتی گردد و اگر عضوی از مجلس شورا (پارلمان) و یا مجلس قانونگذار ایالتی به عنوان فرماندار منصوب شود، کرسی وی در مجلس شورا (پارلمان) یا بنا بر مورد مجلس ایالتی، از روزی که تصدی سمت را عهده‌دار می‌شود، خالی خواهد شد.

اصل یکصد و چهارم

کفیل فرماندار: هر گاه فرماندار در پاکستان حضور نداشته باشد، یا بنا به دلایلی از انجام وظایف سمت خویش ناتوان باشد، رئیس‌جمهور شخص دیگری را به عنوان کفیل فرماندار تعیین خواهد نمود.

اصل یکصد و پنجم

اعمال فرماندار براساس مشورت: (۱) فرماندار، با رعایت قانون اساسی، در انجام وظایفش طبق نظر مشورتی هیأت وزیران یا رئیس‌الوزرا عمل خواهد کرد.

مع هذا، فرماندار می تواند از هیأت وزیران و یا بنا بر مورد رییس الوزرا بخواهد که تمام یا بخشی از نظر مشورتی خود را مورد بررسی مجدد قرار دهد و خودبراساس نظری که مجدداً بررسی شده اقدام خواهد نمود.

(۲) این مسأله که آیا رییس الوزرا یا هیأت وزیران نظر مشورتی به فرماندار ارائه داده اند و اینکه ماهیت آن چگونه بوده است، در هیچ دادگاه یا محکمه و یا مرجع دیگری مطرح نشده و مورد تفحص قرار نخواهد گرفت.

(۳) هر گاه فرماندار، مجلس ایالتی را منحل نماید، با صلاحدید خود، و در صورت تائید قبلی رییس جمهور یک هیأت ناظر تعیین خواهد کرد.

(۴) اختیاراتی که به موجب اصل حاضر به رییس جمهور تفویض می شود توسط خود وی و با صلاحدید خودش اعمال خواهد شد.

(۵) مفاد ماده (۲) از اصل چهل و هشتم همان گونه که در مورد رییس جمهور اعمال می شود در مورد فرماندار نیز صادق است.

فصل ۲- مجالس ایالتی

اصل یکصد و ششم

تأسیس مجالس ایالتی: (۱) هر یک از ایالات به ترتیب ذیل دارای مجلس ایالتی خواهند بود که تعداد اعضای آن با رأی مستقیم و آزاد مطابق قوانین پاکستان انتخاب خواهند شد:

بلوچستان ۴۰ نفر

ایالت مرزی شمال غربی ۸۰ نفر

پنجاب ۲۴۰ نفر

سند ۱۰۰ نفر

(۲) هر شخص زمانی حق رأی خواهد داشت که:

الف) تبعه پاکستان باشد.

ب) دارای حداقل بیست و یکسال سن باشد.

ج) نام وی در فهرست انتخاباتی ناحیه‌ای در ایالت آمده باشد.

(د) از سوی هیچ دادگاه صالحی محجور اعلام نشده باشد.

(۳) علاوه بر کرسیهای مجالس ایالتی که در ماده (۱) برای ایالات بلوچستان، پنجاب، سرحدات شمال غربی و سند اختصاص یافته، تعداد کرسیهایی نیز در مجالس مزبور جهت غیر مسلمانان به شرح ذیل وجود خواهد داشت:

نام ایالت	مسیحیان	هندوها و سیکها	افراد وابسته به گروه قوادیان یا گروه	بوداییها، جوامع فارسی و
-----------	---------	----------------	--------------------------------------	-------------------------

نام ایالت	مسیحیان	هندوها و سیکها	افراد وابسته به گروه قوادیان یا گروه	بوداییها، جوامع فارسی و
لاهور (که خود را احمدیان می نامند)				

نام ایالت	مسیحیان	هندوها و سیکها	افراد وابسته به گروه قوادیان یا گروه	بوداییها، جوامع فارسی و
لاهور (که خود را احمدیان می نامند)				

نام ایالت	مسیحیان	هندوها و سیکها	افراد وابسته به گروه قوادیان یا گروه	بوداییها، جوامع فارسی و
بلوچستان	۱	۱	۱	-

نام ایالت	مسیحیان	هندوها و سیکها	افراد وابسته به گروه قوادیان یا گروه	بوداییها، جوامع فارسی و
ایالت سرحدات شمال غربی	۱	-	۱	۱

نام ایالت	مسیحیان	هندوها و سیکها	افراد وابسته به گروه قوادیان یا گروه	بوداییها، جوامع فارسی و
پنجاب	۵	۱	۱	۱

تبصره: هر گاه به خاطر به حد نصاب نرسیدن تعداد افراد، اقلیتی در یک ایالت نتواند کرسی مستقلی برای خود اختصاص دهد، جزو کرسی که بطور مشترک به سایر غیر مسلمانان تخصیص یافته خواهد شد.

(۴) تا خاتمه مدت ده سال از روز آغاز و یا برگزاری سومین انتخابات عمومی مجلس ایالتی، هر کدام مسبوق باشد، تعدادی کرسی اضافی در مجلس مزبور معادل پنج درصد از تعداد اعضای آن مجلس که در ماده (۱) معین شده، برای زنان اختصاص خواهد یافت.

(۵) اعضای مورد نظر برای تکمیل کرسیهای مذکور در ماده (۳)، همزمان با اعضای مورد نظر برای تصدی کرسیهای مذکور در ماده (۱) با رأی مستقیم و آزاد رأی دهندگان بطور جداگانه و طبق قانون انتخاب خواهند شد.

(۶) اعضای مورد نظر برای تکمیل کرسیهای اختصاصی زنان در اولین فرصت بعد از انتخابات عمومی مجلس قانونگذار ایالتی مطابق قانون و براساس سیستم انتخابات نسبی با یک رأی قابل انتقال توسط مجمع انتخابات مرکب از افراد منتخب برای مجلس مزبور، برگزیده خواهند شد.

اصل یکصد و هفتم

مدت دوره مجلس ایالتی: مدت دوره مجلس ایالتی، در صورت عدم انحلال در حین دوره از اولین روز جلسه، پنج سال خواهد بود و در پایان مدت مزبور مجلس منحل می گردد.

اصل یکصد و هشتم

رییس و نایب رییس مجلس: مجلس ایالتی متعاقب انتخابات عمومی در جلسه نخست و بدون پرداختن به سایر مسائل، از میان اعضای خود یک رییس و نایب رییس تعیین و هر گاه که سمت ایشان بلا تصدی گردد، شخصی را به عنوان رییس و یا بنا بر مورد نایب رییس انتخاب خواهد نمود.

اصل یکصد و نهم

فراخوانی و تعطیل مجلس ایالتی: فرماندار می تواند در هر زمانی:

الف) مجلس ایالتی را جهت تشکیل جلسه در زمان و مکانی که مناسب بداند، فراخواند و

ب) مجلس ایالتی را تعطیل نماید.

اصل یکصد و دهم

حق سخنرانی فرماندار در مجلس ایالتی: فرماندار می‌تواند برای مجلس ایالتی سخنرانی نماید و به همین منظور خواستار حضور اعضا گردد.

اصل یکصد و یازدهم

حق نطق در مجلس ایالتی: دادیار کل حق ایراد نطق و همچنین شرکت در مذاکرات مجلس ایالتی و یا هر یک از کمیته‌های آن را که وی به عنوان عضو در آن تلقی می‌شود، خواهد داشت. لیکن به استناد اصل حاضر دارای حق رأی نخواهد بود.

اصل یکصد و دوازدهم

انحلال مجلس ایالتی: (۱) فرماندار می‌تواند، بنا به نظر مشورتی رئیس‌الوزرا، مجلس ایالتی را منحل نماید، و مجلس ایالتی در خاتمه چهل و هشت ساعت بعد از اعلام نظر مشورتی از سوی رئیس‌الوزرا منحل خواهد شد، مگر اینکه زودتر از موعد مزبور منحل شده باشد.

تبصره: «رئیس‌الوزرای» که در مجلس ایالتی اعلامیه یا پیشنهاد رأی عدم اعتماد علیه وی مطرح گردیده ولی هنوز به رأی نگذاشته شده و یا اینکه به تصویب رسیده و یا به استناد ماده (۲) اصل یکصد و سی و چهارم در سمت خود ابقاشده، و یا یک وزیر ایالتی که وظایف رئیس‌الوزرا را به موجب ماده (۱) یا (۳) اصل یکصد و سی و پنجم انجام می‌دهد، مشمول این اصل نخواهد شد.

(۲) در موارد ذیل فرماندار می‌تواند مجلس ایالتی را بنا به صلاح دید خود ولی منوط به تأیید قبلی رئیس‌جمهور منحل نماید:

الف) رأی عدم اعتماد مجلس ایالتی علیه رئیس‌الوزرا در جلسه‌ای که به همین منظور تشکیل شده به تصویب رسیده و هیچیک از اعضای دیگر مجلس ایالتی احتمالاً نتواند رأی اعتماد اکثریت اعضای مجلس ایالتی را مطابق مقررات قانون اساسی کسب نماید،

ب) وضعی پیش بیاید که اداره ایالت توسط حکومت نتواند براساس مقررات قانون اساسی تداوم یابد و توسل به انتخابات یک ضرورت است.

اصل یکصد و سیزدهم

شرایط صلاحیت و عدم صلاحیت عضویت در مجلس ایالتی: شرایط مزبور همان مواردی است که در اصول شصت و دوم و شصت و سوم جهت عضویت در مجلس ملی ذکر گردیده است، لذا در اصول فوق به جای «مجلس ملی»، «مجلس ایالتی» لحاظ خواهد شد.

اصل یکصد و چهاردهم

محدودیت بحث‌های مجلس ایالتی: در مجلس ایالتی هیچ بحثی راجع به عملکرد قاضی دیوان عالی یا دادگاه در زمینه انجام وظایف وی مطرح نخواهد شد.

اصل یکصد و پانزدهم

لزوم موافقت حکومت ایالتی برای تدابیر مالی: (۱) یک لایحه مالی یا لایحه عادی یا اصلاحیه‌ای که در صورت عملی شدن یا به اجرا درآمدن متضمن صرف هزینه از محل صندوق تلفیقی

ایالتی یا برداشت از حساب عمومی ایالت باشد، در مجلس ایالتی مطرح یا پیشنهاد نخواهد شد، مگر اینکه حکومت ایالتی رضایت خود را برای این کار اعلام نماید.

(۲) در مورد این اصل یک لایحه یا اصلاحیه زمانی لایحه مالی محسوب می شود که حاوی مفادی راجع به تمام یا بخشی از موضوعات ذیل باشد، برای مثال:

الف) وضع، لغو، بخشودگی، تغییر یا تنظیم هر نوع مالیات

ب) استقراض، اعطای ضمانت توسط حکومت ایالتی و یا اصلاح قانون مربوط به تعهدات مالی حکومت مزبور

ج) تولیت صندوق تلفیقی ایالتی، پرداخت پول به صندوق مزبور و یا برداشت از آن

د) واگذاری هزینه ویژه بر صندوق تلفیقی ایالتی و لغو یا تغییر هزینه مزبور

ه) دریافت وجوه به حساب «حساب عمومی ایالت» تولیت یا برداشت وجوه مزبور

و) موضوعات مربوطه تابع موارد مذکور در بندهای فوق

(۳) لایحه‌ای که صرفاً موارد ذیل را موجب شود، لایحه مالی محسوب نخواهد شد:

الف) موجب وضع یا تغییر هر گونه جریمه یا سایر مجازات نقدی، مطالبه یا پرداخت هزینه جواز شغل، حق الزحمه یا حق دیگری در ازای خدمات ارائه شده، شود.

ب) موجب وضع، لغو، بخشودگی تغییر یا تنظیم هر نوع مالیات توسط هر مرجع یا مقام محلی برای اهداف محلی باشد.

(۴) اگر مسأله‌ای مبنی بر مالی یا غیر مالی بودن لایحه‌ای مطرح شود تصمیم نهایی را رییس مجلس ایالتی اتخاذ خواهد کرد.

(۵) هر لایحه مالی که جهت توشیح به فرماندار تقدیم می‌گردد منضم به گواهی رییس مجلس ایالتی مبنی بر مالی بودن آن خواهد بود و گواهی مزبور از هر لحاظ نهایی بوده و مورد سؤال قرار نخواهد گرفت.

اصل یکصد و شانزدهم

توشیح لوایح توسط فرماندار: (۱) وقتی لایحه‌ای به تصویب مجلس ایالتی برسد، جهت توشیح به فرماندار تقدیم خواهد شد.

(۲) هر گاه لایحه‌ای جهت توشیح به فرماندار تقدیم شود، وی ظرف سی روز

الف) لایحه را توشیح خواهد نمود، یا

ب) در مورد لوایح غیر مالی، آن را همراه با پیامی به مجلس ایالتی عودت داده و خواهد خواست که لایحه یا مفاد معینی از آن مجدداً مورد بررسی قرار گرفته و هر اصلاحی که در پیام مطرح شده مد نظر قرار گیرد.

(۳) وقتی که فرماندار لایحه‌ای را به مجلس ایالتی عودت می‌دهد، مجلس ایالتی آن را مورد بررسی مجدد قرار خواهد داد و اگر با اصلاح و یا بدون اصلاح توسط مجلس مزبور و با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی دهنده مورد تصویب قرار گیرد، دوباره جهت توشیح به فرماندار تقدیم خواهد شد و وی نباید از توشیح آن امتناع ورزد.

(۴) هر گاه فرماندار لایحه‌ای را توشیح نماید، لایحه مزبور به صورت یک قانون درآمده و عنوان قانون مجلس ایالتی را بخود می‌گیرد.

(۵) هیچیک از قوانین مجلس ایالتی یا مفادی از آنها تنها به دلیل اینکه اگر مطابق قانون اساسی تصویب می‌شد، توصیه، تائید اسبق یا موافقت قانون اساسی را کسب نمی‌کرد، فاقد اعتبار نمی‌گردد.

اصل یکصد و هفدهم

عدم تأثیر تعطیلی مجلس بر اعتبار لوایح: (۱) لایحه معوقه در مجلس ایالتی، به دلیل تعطیل شدن مجلس از اعتبار ساقط نمی‌گردد.

(۲) لایحه معوقه در مجلس ایالتی در صورت انحلال مجلس مزبور از اعتبار ساقط می‌گردد.

مالیه

اصل یکصد و هیجدهم

صندوق تلفیقی ایالتی و حساب عمومی: (۱) کلیه درآمدهای دریافتی از حکومت ایالتی، کلیه وامهای اعطایی بوسیله این حکومت و کلیه وجوهی که در بازپرداخت هر وام توسط حکومت

مزبور دریافت می‌شود، بخشی از یک صندوق تلفیقی، موسوم به «صندوق تلفیقی ایالتی» را تشکیل خواهد داد.

(۲) سایر وجوهی که

الف) توسط حکومت ایالتی و یا از طرف آن دریافت می‌شوند، یا

ب) توسط دادگاه عالی یا هر دادگاه دیگری که تحت نظر ایالت تشکیل گردیده، دریافت و یا نزد آن به ودیعه نهاده می‌شود،

به حساب عمومی ایالت واریز خواهد شد.

اصل یکصد و نوزدهم

تولیت و سایر، امور صندوق تلفیقی ایالتی و حساب عمومی: تولیت صندوق تلفیقی ایالتی، پرداخت پول به صندوق مزبور، برداشت پول از آن تولیت سایر وجوهی که توسط حکومت ایالتی و یا از طرف آن دریافت می‌شود، پرداخت و برداشت آنها از حساب عمومی ایالت و کلیه امور

تابعه مربوط به موضوعات مذکور، براساس قانون مجلس ایالتی و تا زمان وضع مقرراتی از سوی مجلس ایالتی بر مبنای مقرراتی که فرماندار وضع می نماید تنظیم خواهد شد.

اصل یکصد و بیست

صورت وضعیت بودجه سالانه: (۱) حکومت ایالتی صورت وضعیت دریافتها و هزینههای تقریبی خود را با توجه به هر سال مالی که در این بخش تحت عنوان «صورت وضعیت بودجه سالانه» به آن اشاره می شود، به مجلس ایالتی ارائه خواهد داد.

(۲) صورت وضعیت بودجه سالانه به تفکیک موارد ذیل را نشان می دهد:

الف) وجوه لازم جهت پرداخت هزینههای مطرح شده در قانون اساسی به عنوان هزینههای محوله به صندوق تلفیقی ایالتی.

ب) وجوه لازم جهت پرداخت سایر هزینههای پیشنهادی که از صندوق تلفیقی ایالتی فراهم می شود و همچنین هزینههای حساب درآمدی را از سایر هزینهها جدا می کند.

اصل یکصد و بیست و یکم

هزینه‌های تأمینی از صندوق تلفیقی ایالت: هزینه‌های ذیل از محل صندوق تلفیقی ایالت تأمین خواهد شد:

الف) حقوق فرماندار و سایر هزینه‌های مربوط به سمت او، به علاوه حقوق پرداختی به:

۱- قضات دادگاه عالی

۲- رئیس و نایب رئیس مجلس ایالتی

ب) هزینه‌های اداری شامل حقوق پرداختی به مقامات و کارمندان دادگاه عالی و دبیرخانه مجلس ایالتی

ج) کلیه دیونی که به عهده حکومت ایالتی بوده و شامل سود، وجوه استهلاکی، بازپرداخت یا استهلاک سرمایه و سایر هزینه‌های مربوط به دریافت وامها و خدمات و فک دین با وثیقه صندوق تلفیقی ایالتی می‌شود.

د) هر گونه وجهی که برای پرداخت مبلغ حکم، رأی و قراری که توسط هر دادگاه یا محکمه‌ای علیه پاکستان صادر شده، لازم باشد.

ه) سایر وجوهی که در قانون اساسی یا قانون مجلس ایالتی برای این قبیل موارد در نظر گرفته شود.

اصل یکصد و بیست و دوم

امور مربوط به صورت وضعیت بودجه سالانه: (۱) آن بخش از صورت وضعیت بودجه سالانه که به هزینه‌های تأمین از صندوق تلفیقی ایالت مربوط می‌شود، می‌تواند در مجلس قانونگذار ایالتی مطرح گردد، ولی به رأی مجلس مزبور گذاشته نخواهد شد.

(۲) آن بخش از صورت وضعیت بودجه سالانه که به سایر هزینه‌ها مربوط می‌شود، به شکل درخواست اعتبار به مجلس ایالتی ارائه خواهد شد، و مجلس مزبور اختیار تصویب یا رد هر درخواست یا تصویب آن را منوط به کاهش میزان مبلغ تعیین شده در آن خواهد داشت.

مع هذا، برای یک دوره ده ساله از روز آغاز یا برگزاری دومین انتخابات همگانی مجلس ایالتی، هر کدام که مسبوق باشد هر درخواستی قابل تصویب خواهد بود، مگر اینکه با آرا

اکثریت کل اعضای مجلس مزبور مشروط به کاهش در مبلغ معین شده در آن، رد یا تصویب شود.

(۳) هر گونه درخواست اعتبار فقط بنا به توصیه حکومت ایالتی ارائه خواهد شد.

اصل یکصد و بیست و سوم

تائید فهرست هزینه‌های مجاز: (۱) رئیس‌الوزرا فهرستی حاوی موارد ذیل را باامضای خود تائید خواهد نمود:

الف) اعتبارات واگذار شده یا در حین واگذاری توسط مجلس ایالتی به موجب اصل یکصد و بیست و دوم

ب) مبالغ اختصاصی لازم برای پرداخت هزینه‌های محوله به صندوق تلفیقی ایالتی که میزان هر مبلغ از مقدار مصرحه در صورت وضعیت از پیش ارائه شده به مجلس ایالتی تجاوز نخواهد نمود.

(۲) فهرستی که بدین نحو تایید شود، به مجلس ایالتی تسلیم خواهد شد ولی مجلس مزبور در مورد آن بحث یا رای‌گیری نخواهد نمود.

(۳) با رعایت قانون اساسی، هر هزینه‌ای از محل صندوق تلفیقی ایالت تنها زمانی مجاز می‌گردد که در فهرست تایید شده فوق تصریح گردیده و فهرست مزبور طبق ماده (۲) بالا به مجلس ایالتی تقدیم شده باشد.

اصل یکصد و بیست و چهارم

اعتبارات اضافی و تکمیلی: اگر در هر سال مالی معلوم شود که:

الف) مبلغ اختصاص یافته برای خدمتی در آن سال جاری مالی کافی نیست و یا اینکه برای هزینه یک خدمت جدید که در صورت وضعیت بودجه سالانه برای سال مزبور منظور نگردیده، نیاز احساس شود، یا

ب) برای خدمتی در طول سال مالی مبلغی بیشتر از مقدار تخصیص یافته صرف شده است،

حکومت ایالتی برای تخصیص هزینه از محل صندوق تلفیقی ایالتی اختیار خواهد داشت، اعم از اینکه هزینه مزبور طبق قانون اساسی به عهده صندوق باشد یا نباشد و همچنین ترتیبی خواهد داد که یک صورت وضعیت بودجه تکمیلی یا بنا بر مورد اضافی که تعیین کننده مقدار هزینه مزبور باشد، به مجلس ایالتی تقدیم شود. مفاد اصول یکصد و بیست و سوم و سوم در مورد این صورت وضعیت و صورت وضعیت بودجه سالانه بطور یکسان اعمال خواهد شد.

اصل یکصد و بیست و پنجم

رای گیری در مورد حسابها: علیرغم هر آنچه در مفاد فوق در زمینه مسائل مالی آمده مجلس ایالتی این اختیار را خواهد داشت که جهت هزینه های تقریبی برای بخشی از هر سال مالی که از سه ماه تجاوز ننماید، هر گونه اعتباری را بطور علی الحساب واگذار نماید و تکمیل فرایند مذکور در اصل یکصد و بیست و دوم را برای رای گیری در مورد اعتبار مزبور و تایید فهرست هزینه ها براساس مفاد اصل یکصد و بیست و سوم در زمینه هزینه ها را به تعویق اندازد.

اصل یکصد و بیست و ششم

اختیار تخصیص هزینه ها بهنگام انحلال مجلس ایالتی: علیرغم هر آنچه در مفاد فوق در زمینه مسائل مالی آمده، در هر زمانی که مجلس ایالتی منحل باشد، حکومت ایالتی می تواند از محل صندوق تلفیقی ایالت وجوهی را برای یک مدت حداکثر چهارماهه در هر سال مالی جهت هزینه های تقریبی تخصیص داده و تکمیل فرایند مذکور در اصل یکصد و بیست و دوم را برای رای گیری در مورد اعتبارات مزبور و تایید صورت هزینه های مجاز براساس مفاد اصل یکصد و بیست و سوم در زمینه هزینه ها را به تعویق اندازد.

اصل یکصد و بیست و هفتم

مقررات مربوط به مجلس ملی و غیره که در مورد مجلس ایالتی نیز اعمال می‌گردد: با رعایت قانون اساسی مفاد مواد (۲) الی (۸) اصل پنجاه و سوم، مواد (۲) و (۳) اصل پنجاه و چهارم، اصل پنجاه و پنجم، اصول شصت و سوم الی شصت و هفتم، اصل شصت و نهم، اصل هفتاد و هفتم، اصل هشتاد و هفتم و اصل هشتاد و هشتم در مورد مجلس ایالتی، اعضا یا کمیته‌های وابسته به آن، یا حکومت ایالتی نیز اعمال خواهد شد. و در این صورت.

الف) در مفاد مزبور هر گونه اشاره به مجلس شورا (پارلمان)، مجلس، مجلس ملی به عنوان اشاره به مجلس ایالتی محسوب خواهد شد.

ب) در مفاد مزبور هر گونه اشاره به رئیس‌جمهور به عنوان اشاره به فرماندار ایالت محسوب خواهد شد.

ج) در مفاد مزبور هر گونه اشاره به حکومت مرکزی به عنوان اشاره به حکومت ایالتی محسوب خواهد شد.

د) در مفاد مزبور هر گونه اشاره به نخست وزیر به عنوان اشاره به رئیس‌الوزرا خواهد بود.

ه) در مفاد مزبور هر گونه اشاره به وزیر کشور به عنوان اشاره به وزیر ایالت خواهد بود.

و) در مفاد مزبور هر گونه اشاره به مجلس ملی پاکستان به عنوان اشاره به مجلس ایالتی موجود بلافاصله قبل از روز آغاز خواهد بود.

ز) ماده (۲) اصل پنجاه و چهار به نحوی تنفیذ خواهد شد که در بند شرطیه آن کلمه «هفتاد» جایگزین کلمات «یکصد و سی» شود.

دستورالعمل‌ها

اصل یکصد و بیست و هشتم

اختیار فرماندار برای صدور دستورالعمل‌ها: (۱) هر گاه مجلس ایالتی دایر نباشد، فرماندار اگر متقاعد گردد که وجود موقعیت خاصی لزوم انجام اقدامی فوری را ایجاب می‌نماید، می‌تواند متناسب با موقعیت مزبور دستورالعملی را وضع و صادر نماید.

(۲) دستورالعملی که براساس این اصل صادر می‌شود، قدرت و نفوذ قانون مجلس ایالتی را داشته و تابع همان محدودیت‌هایی خواهد بود که برای قدرت مجلس ایالتی جهت وضع قانون وجود دارد.

مع هذا، هر يك از دستورالعمل‌های مزبور،

الف) به مجلس ایالتی تسلیم خواهد شد و هنگام انقضای سه ماه از تاریخ صدور آن یا اگر پیش از انقضای مدت مزبور قانونی برای رد آن از سوی این مجلس تصویب گردد، از اعتبار ساقط می‌شود

ب) می‌تواند در هر زمانی توسط فرماندار باز پس گرفته شود.

۳) بدون آنکه خدشه‌ای به مفاد ماده (۲) بالا وارد آید، دستورالعملی که تقدیم مجلس ایالتی می‌گردد در حکم لایحه‌ای خواهد بود که در مجلس مزبور مطرح می‌شود.

فصل سوم: حکومت‌های ایالتی

اصل یکصد و بیست و نهم

اعمال قدرت اجرایی ایالت: قدرت اجرایی ایالت به فرماندار تفویض و طبق قانون اساسی مستقیماً توسط شخص او یا مقامات تابع او اعمال خواهد شد.

اصل یکصد و سی

هیأت وزیران: (۱) هیأت وزیران با سرپرستی رئیس‌الوزرا تشکیل خواهد شد تا فرماندار را در اجرای وظایفش مشاوره و مساعدت نمایند.

(۲) فرماندار بنا به تشخیص خود از میان اعضای مجلس ایالتی فردی را که بتواند حتماً رأی اعتماد اکثریت اعضای مجلس ایالتی را کسب نماید به عنوان رئیس‌الوزرا انتخاب خواهد کرد.

(۲-الف) علیرغم هر آنچه در ماده (۲) آمده، بعد از بیستم ماه مارس سال یکهزار و نهصد و هشتاد و هشت ([۱۰]) فرماندار از عضو مورد نظر در مجلس ایالتی دعوت خواهد نمود که به عنوان رئیس‌الوزرا رأی اعتماد اکثریت اعضای مجلس ایالتی را به نحو معین شده، در جلسه مجلس مزبور که طبق مقررات قانون اساسی به‌همین منظور تشکیل می‌شود بدست آورد.

مع هذا، این اصل در مورد رئیس‌الوزرایی که در روز بیستم ماه مارس سال یکهزار و نهصد و هشتاد و هشت ([۱۱]) طبق موازین قانون اساسی عهده‌دار این سمت باشد، اعمال نخواهد شد.

(۳) شخصی که به موجب ماده (۲) تعیین و یا بنا بر مورد طبق ماده (۲-الف) دعوت می‌شود، قبل از تصدی سمت خود به شرحی که در پیوست سوم آمده، در برابر فرماندار ادای سوگند نموده و ظرف مدت شصت روز باید رأی اعتماد مجلس ایالتی را بدست آورد.

(۴) هیأت وزیران به اتفاق هم در برابر مجلس ایالتی مسؤول خواهند بود.

(۵) رئیس‌الوزرا تا زمان مورد نظر فرماندار سمت خود را حفظ خواهد کرد. مع‌الوصف فرماندار هم از اختیارات خود به موجب این اصل تنها زمانی استفاده خواهد کرد که برای وی محرز شود که، رئیس‌الوزرا نمی‌تواند رأی اعتماد اکثریت‌اعضای مجلس ایالتی را کسب نماید، و در این صورت مجلس مزبور را فراخوانده و از رئیس‌الوزرا خواهد خواست که رأی اعتماد آن را بدست آورد.

(۶) رئیس‌الوزرا می‌تواند طی دست نوشته خود خطاب به فرماندار از سمت خود استعفا دهد.

(۷) وزیری که شش ماه متوالی از عضویت مجلس ایالتی خارج شود، در خاتمه مدت مزبور از سمت وزارت عزل شده و نمی‌تواند پیش از انحلال مجلس مزبور به سمت وزارت منصوب شود، مگر اینکه مجدداً به عضویت مجلس فوق انتخاب شده باشد.

(۸) این اصل صلاحیت رئیس‌الوزرا یا هر وزیر دیگر را برای ابقا شدن در سمت خود در دوران فترت مجلس ایالتی سلب ننموده و یا مانع انتصاب فردی به عنوان رئیس‌الوزرا یا وزیر دیگر در طول دوره مزبور نخواهد بود.

اصل یکصد و سی و یکم

وظایف رئیس‌الوزرا در برابر فرماندار: رئیس‌الوزرا موظف است

الف) کلیه تصمیمات هیأت وزیران در مورد اداره امور ایالت و طرحهای پیشنهادی برای قانونگذاری را به آگاهی فرماندار برساند.

ب) اطلاعات مربوط به اداره امور ایالت و پیشنهادات قانونگذاری را که فرماندار می‌تواند درخواست نماید، تهیه کند.

ج) در صورت انجام چنین درخواستی از سوی فرماندار، هر مسأله‌ای را که رئیس‌الوزرا یا وزیر دیگری در مورد آن تصمیم گرفته اما توسط هیأت‌وزیران بررسی نگردیده جهت بررسی به هیأت مزبور تقدیم نماید.

اصل یکصد و سی و دوم

وزرای ایالتی: با رعایت مواد (۷) و (۸) اصل یکصد و سی، فرماندار وزرای ایالتی را از میان اعضای مجلس ایالتی و براساس مشورت با رئیس‌الوزرا تعیین خواهند نمود.

(۲) وزرای ایالتی قبل از تصدی سمت، به شرحی که در پیوست سوم آمده، در برابر فرماندار سوگند به جای خواهند آورد.

(۳) وزیر ایالتی می تواند طی دست نوشته خود خطاب به فرماندار، از سمت خود استعفا دهد. و یا فرماندار بنا به نظر مشورتی رئیس الوزرا وی را معزول نماید.

اصل یکصد و سی و سوم

ابقای رئیس الوزرا: فرماندار می تواند از رئیس الوزرا بخواهد تا زمانی که جانشین وی تصدی سمت وزارت را عهده دار گردد، در سمت خود باقی بماند.

اصل یکصد و سی و چهارم

استعفای رئیس الوزرا: به موجب قانون پارلمانی - شماره ۱۴ - سال ۱۹۸۵ - اصل دوم و پیوست شماره ۲۹ (لازم الاجرا از دوم مارس ۱۹۸۵) [۱۲] حذف گردید.

اصل یکصد و سی و پنجم

وزیر ایالتی به عنوان کفیل رئیس‌الوزرا: به موجب قانون پارلمانی شماره ۱۴ سال ۱۹۸۵، اصل دوم و پیوست شماره ۲۹ (لازم‌الاجرا از دوم مارس ۱۹۸۵) (۱) حذف گردید.

اصل یکصد و سی و ششم

رای عدم اعتماد به رئیس‌الوزرا: (۱) پیشنهاد رأی عدم اعتماد که توسط بیش از بیست درصد کل اعضای مجلس ایالتی ارائه شود، می‌تواند بوسیله مجلس مزبور علیه رئیس‌الوزرا به تصویب برسد.

(۲) پیشنهاد مذکور در ماده (۱) پس از انقضای سه روز و بعد از هفت روز از روزی که به مجلس ایالتی ارائه شود، به رأی گذاشته خواهد شد.

(۳) اگر پیشنهاد مذکور در ماده (۱) توسط اکثریت کل اعضای مجلس ایالتی به تصویب برسد، رئیس‌الوزرا از مقام خود برکنار خواهد شد.

اصل یکصد و سی و هفت

حدود اختیارات اجرایی ایالت: با رعایت قانون اساسی، اختیارات اجرایی ایالت در حدود و حوزه موضوعاتی است که مجلس ایالتی نسبت به آنها دارای قدرت وضع قانون می باشد.

مع هذا، قدرت اجرایی ایالت در مسأله ای که هم مجلس شورا (پارلمان) و هم مجلس ایالتی دارای قدرت وضع قانون در مورد آن باشند، تابع و محدود به اختیارات اجرایی خواهد بود که صریحاً از سوی قانون اساسی یا قانون مصوب مجلس شورا (پارلمان) به حکومت فدرال یا مقامات آن اعطا شده است.

اصل یکصد و سی و هشتم

تفویض وظایف به مسئولین تابع: مجلس ایالتی می تواند بنا به توصیه حکومت ایالتی وظایفی را طبق قانون به مقامات و مسئولین تابع حکومت مزبور تفویض نماید.

اصل یکصد و سی و نهم

اداره امور حکومت ایالتی: (۱) انجام کلیه اقدامات اجرایی حکومت ایالتی به نام و از طرف فرماندار تلقی خواهد شد.

(۲) فرماندار چگونگی رسمیت یافتن فرمانها و دستورالعملهایی را که از طرف وی وضع و اجرا می‌شوند طی ضوابطی معین خواهد نمود، اعتبار فرمان یا دستور رسمی مزبور به سبب اینکه توسط فرماندار وضع یا اجرا نشده، در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(۳) فرماندار مقرراتی را نیز برای تعیین و انتقال امور حکومت ایالتی وضع خواهد کرد.

اصل یکصد و چهارم

دادیار کل ایالت: (۱) فرماندار هر ایالت شخصی را که صلاحیت تصدی سمت قضاوت در دادگاه عالی را داشته، به عنوان دادیار کل ایالت منصوب خواهد نمود.

(۲) دادیار کل وظیفه دارد در مورد مسائل حقوقی به حکومت ایالتی مشورت داده و وظایف حقوقی دیگری را که ممکن است از سوی حکومت ایالتی به وی ارجاع یا واگذار شود، انجام دهد.

(۳) دادیار کل تا زمان مورد نظر فرماندار سمت خود را حفظ خواهد کرد.

(۴) دادیار کل می‌تواند طی دست نوشته خود خطاب به فرماندار از سمت خویش استعفا دهد.

بخش پنجم

روابط حکومت مرکزی و ایالات

فصل اول: تقسیم اختیارات قانونگذاری

اصل یکصد و چهل و یکم

حدود قوانین کشوری و ایالتی: مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند با رعایت قانون اساسی، قوانینی (شامل قوانین مربوط به امور برون مرزی) را برای کل یا بخشی از پاکستان وضع نماید. یک مجلس ایالتی هم می‌تواند قوانینی را برای آن ایالت یا هر یک از بخشهای وابسته به آن وضع نماید.

اصل یکصد و چهل و دوم

موضوع اصلی قوانین کشوری و ایالتی: با رعایت قانون اساسی:

الف) مجلس شورا (پارلمان) جهت وضع قوانین در مورد هر موضوعی که در فهرست قانونگذاری فدرال وجود دارد، دارای اختیار انحصاری خواهد بود.

ب) مجلس شورا (پارلمان) و مجلس ایالتی نیز برای وضع قوانین در مورد هر موضوعی که در فهرست قانونگذاری مشترک وجود دارد، دارای اختیار خواهند بود.

ج) مجلس ایالتی برای وضع قوانین در مورد هر موضوعی که در فهرست قانونگذاری کشوری یا فهرست قانونگذاری مشترک ذکر گردیده دارای اختیار خواهد بود، ولی مجلس شورا (پارلمان) فاقد چنین اختیاری می‌باشد، و

د) مجلس شورا (پارلمان) برای وضع قوانین در مورد هر موضوعی راجع به مناطقی از کشور که جزو هیچ یک از ایالات نبوده و در هیچ یک از فهرست‌های مزبور نام برده نشده، دارای اختیار انحصاری خواهد بود.

اصل یکصد و چهل و سوم

تباین قوانین کشوری و ایالتی: اگر مفادی از قانون مجلس ایالتی مغایر مفادی از قانون مجلس شورا (پارلمان) باشد که این مجلس صلاحیت وضع آن را دارد، و یا اگر مغایر مفاد قانون موجود در زمینه موضوعات مندرج در فهرست قانونگذاری مشترک باشد، قانون مجلس شورا (پارلمان) اعم از اینکه بعد یا قبل از قانون مجلس ایالتی یا بنا بر مورد قانون موجود تصویب شده باشد، تقدم داشته و قانون مجلس ایالتی به نسبت حدود مغایرتش فاقد اعتبار خواهد شد.

اصل یکصد و چهل و چهارم

اختیار مجلس شورا (پارلمان) برای قانونگذاری در دو یا چند ایالت بارضایت آنان: (۱) در صورتی که دو یا چند مجلس ایالتی تصویب نمایند که مجلس شورا (پارلمان) می تواند بطور قانونی در مورد هر موضوعی که در هیچ یک از فهرست های پیوست چهارم درج نگردیده مقرراتی وضع نماید، مجلس مزبور برای تصویب یک قانون جهت وضع مقرراتی در مورد آن موضوع دارای اختیار خواهد بود. ولی قانونی که بدین صورت تصویب شود، با توجه به ایالت محل اجرای آن می تواند از طریق قانون مجلس ایالت مزبور اصلاح یا ملغی گردد.

اصل یکصد و چهل و پنجم

فصل ۲- روابط اداری بین حکومت مرکزی و ایالات

اختیار رئیس‌جمهور برای هدایت فرماندار در اجرای برخی وظایف به‌عنوان نماینده او: (۱)
رئیس‌جمهور می‌تواند بطور کلی یا در موضوعی خاص به فرماندار هر ایالت دستور دهد که به
عنوان نماینده وی در مورد آن مناطق از کشور که جزو هیچیک از ایالات نمی‌باشد، وظایفی را
به شرحی که رئیس‌جمهور در دستورالعملی تصریح می‌نماید، به انجام برساند.

(۲) مفاد اصل یکصد و پنجم در مورد اجرای وظایف فرماندار براساس ماده (۱) بالا اعمال
نخواهد شد.

اصل یکصد و چهل و ششم

قدرت حکومت فدرال در واگذاری اختیارات و ... به ایالات در موارد خاص: (۱) بدون توجه به
آنچه در قانون اساسی آمده، حکومت فدرال می‌تواند با رضایت حکومت ایالتی، وظایفی را در

زمینه اموری که در حیطه اختیارات اجرایی حکومت مرکزی است بطور مشروط یا غیر مشروط به حکومت مزبور یا مقامات آن محول نماید.

(۲) قانون مجلس شورا (پارلمان) بدون توجه به مرتبط بودن یا نبودن آن باموضوعی که مجلس ایالتی در مورد آن دارای قدرت وضع قانون نیست، می تواند اختیاراتی را به حکومت ایالتی یا متصدیان امور و مسئولین آن تفویض و وظایفی را به آنها واگذار نماید.

(۳) هر گاه به موجب این اصل اختیارات و وظایفی به حکومت ایالتی یا متصدیان و یا مسئولین آن تفویض یا محول گردد حکومت فدرال مبلغی را طبق توافق و یا در صورت عدم توافق به نحوی که داور منتصب از سوی رئیس دیوان عالی کشور تعیین می کند، بابت هزینه های اضافی اداری که حکومت ایالتی برای اعمال اختیارات مزبور یا انجام آن وظایف متحمل می گردد، پرداخت خواهد نمود.

اصل یکصد و چهل و هفتم

اختیارات ایالات در واگذاری وظایف به حکومت فدرال: بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، حکومت ایالتی می تواند با رضایت حکومت فدرال وظایفی را در زمینه هر موضوعی که در حیطه قدرت اجرایی ایالت قرار دارد، بطور مشروط یا غیر مشروط به دولت فدرال یا مسئولین آن واگذار نماید.

اصل یکصد و چهل و هشتم

تعهدات ایالات و حکومت فدرال: (۱) اختیارات اجرایی هر ایالت به نحوی اعمال خواهد شد که مطابقت آنها با قوانین جاریه حکومت فدرال در ایالت مزبور محفوظ گردد.

(۲) بدون آنکه خدشه‌ای به سایر مفاد دیگر این اصل وارد آید، در اعمال قدرت اجرایی حکومت فدرال در هر ایالت، منافع ایالت مزبور باید رعایت گردد.

(۳) حکومت فدرال موظف است هر ایالت را در مقابل تجاوزات خارجی و آشوبهای داخلی حمایت کرده و تضمین نماید که اداره حکومت هر ایالت براساس موازین قانون اساسی انجام می‌گیرد.

اصل یکصد و چهل و نهم

دستورات ویژه به ایالات: (۱) اختیارات اجرایی هر ایالت به نحوی اعمال خواهد شد که مانع اعمال اختیارات اجرایی حکومت فدرال نشده و یا به آن خدشه وارد نسازد. اختیار اجرایی حکومت فدرال در حد صدور دستوراتی به ایالت خواهد بود که ممکن است بدان منظور حکومت مزبور آنها را ضروری بداند.

(۲) همچنین میزان اختیارات اجرایی حکومت فدرال در حد صدور دستوراتی به ایالت خواهد بود که براساس آنها قوانین حکومت فدرال که به موضوع مندرج در فهرست قانونگذاری مشترک مربوط بوده و صدور چنین دستوراتی را اجازه می دهد به اجرا درآید.

(۳) میزان اختیارات اجرایی حکومت فدرال در حد صدور دستوراتی به ایالت در زمینه استقرار و نگهداری دستگاههای ارتباطی و مخابراتی خواهد بود که طبق دستور دارای اهمیت استراتژیک و ملی می باشد.

(۴) میزان اختیارات اجرایی حکومت فدرال در حد صدور دستوراتی به ایالت در مورد نحوه اعمال اختیارات اجرایی آن به منظور مقابله با هر گونه تهدید جدی علیه صلح و آرامش و یا حیات اقتصادی پاکستان و یا هر یک از بخشهای متعلق به آن خواهد بود.

اصل یکصد و پنجاهم

اعتبار قوانین ملی و اعتماد کامل به آنها و ... در سرتاسر پاکستان اعتبار و اعتماد کامل نسبت به اسناد و قوانین دولتی و دادرسیهای قضایی هر ایالت تأمین خواهد شد.

اصل یکصد و پنجاه و یکم

تجارت بین‌الایالات: (۱) با رعایت ماده (۲) ذیل، تجارت، بازرگانی و دادوستد در سرتاسر پاکستان آزاد خواهد بود.

(۲) مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند از طریق قانون محدودیت‌هایی را در جهت منافع عامه در مورد آزادی تجارت، بازرگانی و یا دادوستد بین یک ایالت با ایالات دیگر یا در سایر نقاط پاکستان قایل شود.

(۳) مجلس ایالتی یا حکومت ایالتی اختیار انجام موارد ذیل را ندارد:

الف) برای ممانعت از ورود نوع یا گونه خاصی از کالاها به ایالت یا صدور آن از ایالت و یا تعیین محدودیتی نسبت به آن، قانونی وضع یا اقدام اجرایی به عمل آورد.

ب) مالیاتی را وضع نماید که در مورد کالاهای ساخته یا تولید شده در آن ایالت و کالاهای مشابه ساخته یا تولید شده خارج از ایالت، به نفع کالاهای داخلی تبعیض قایل شده و یا در مورد کالاهای مشابه که در خارج از ایالت ساخته یا تولید می‌شود بین کالاهایی که در یک

نقطه از پاکستان ساخته یا تولید می‌شود و کالاهایی که در ناحیه دیگری از پاکستان ساخته یا تولید می‌شوند، تبعیض قایل شود.

(۴) قانون مجلس ایالتی که محدودیت متعارفی را در جهت بهداشت، نظم یا اخلاق عمومی و یا به منظور حمایت از حیوانات یا نباتات در برابر آفات، و کاهش یا جلوگیری از کمبود یک کالای اساسی قایل می‌شود، در صورتی که با رضایت رییس جمهور وضع گردیده باشد، اعتبار خود را حفظ خواهد کرد.

اصل یکصد و پنجاه و دوم

تصاحب زمین برای مقاصد حکومت فدرال: اگر حکومت فدرال لازم بداند که زمینی واقع در ایالتی را برای منظوری در زمینه موضوعی که مجلس شورا (پارلمان) نسبت به آن دارای اختیار وضع قانون می‌باشد بدست آورد، می‌تواند ایالت مزبور را از جانب و با هزینه حکومت فدرال مأمور بدست آوردن آن بنماید، و یا اگر زمین مورد نظر به ایالت مزبور تعلق دارد، حکومت فدرال می‌تواند بر حسب توافق یا در صورت عدم توافق به نحوی که حکم منتصب از سوی رییس دیوان عالی کشور تعیین می‌نماید، ایالت ذیربط را ملزم به واگذاری زمین مزبور به حکومت فدرال بکند.

اصل یکصد و پنجاه و دو-الف

«محذوف»

شورای امنیت ملی: (شورای امنیت ملی) به موجب قانون اساسی (هشتمین اصلاحیه قانون ۱۹۸۵، بخش ۱۸ (از تاریخ نهم نوامبر ۱۹۸۵) حذف گردید.

اصل یکصد و پنجاه و سوم

شورای منافع مشترک: (۱) یک «شورای منافع مشترک» که در این فصل تحت عنوان شورا نام برده می شود بنا به تعیین رئیس جمهور تشکیل خواهد شد.

(۲) اعضای شورا به شرح ذیل خواهند بود:

الف) رئیس الوزراهای ایالات

ب) افرادی بهمان تعداد از طرف حکومت فدرال که هر از چند گاه توسط نخست‌وزیر انتخاب می‌شوند.

(۳) اگر نخست‌وزیر عضو شورا باشد، ریاست شورا را خواهد داشت، اما اگر نخست‌وزیر عضو شورا نباشد، رئیس‌جمهور می‌تواند یکی از وزرای حکومت فدرال را که عضو شورا است به ریاست آن برگزیند.

(۴) شورا در برابر مجلس شورا [پارلمان] مسوؤل خواهد بود.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

وظایف و دستور کاری: (۱) شورای مزبور در مورد موضوعات بخش دوم فهرست قانونگذاری حکومت فدرال و تا حدی که به امور کل کشور مربوط باشد، در مورد موضوع ماده ۳۴ (برق) در فهرست قانونگذاری مشترک، سیاست‌هایی را تهیه و تنظیم نموده و بر مؤسسات ذیربط نظارت و آنها را کنترل خواهد کرد.

(۲) تصمیمات شورا بر حسب نظر اکثریت اتخاذ خواهد شد.

(۳) تا زمانی که مجلس شورا (پارلمان) به موجب قانون مقرراتی را در این زمینه وضع نماید، شورا می‌تواند دستور کاری خود را تعیین کند.

(۴) مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند هر از چند گاهی طی تصمیمی در جلسه مشترک دستوراتی کلی را بواسطه حکومت فدرال به شورا داده یا آن را مجاب‌نماید که در موضوع خاصی بنا به تشخیص و صلاحدید مجلس مزبور عمل نماید. این قبیل دستورات برای شورا لازم‌الاجرا خواهند بود.

(۵) هر گاه حکومت فدرال یا حکومت ایالتی از تصمیم شورا ناراضی باشد، می‌تواند موضوع را در جلسه مشترکی به مجلس شورا (پارلمان) که تصمیمش بطور قطع نهایی خواهد بود ارجاع نماید.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

شکایات مربوط به تداخل منابع و ذخایر آبی: (۱) چنانچه ایالتی یا پایتخت کشور و یا نواحی قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت فدرال و یا هر یک از ساکنین این مناطق منافعشان در آبی که از منابع طبیعی حاصل می‌شود، بطور زیانباری از موارد ذیل متأثر شده یا ممکن است بشود،

الف) در اثر قانون یا مقررات اجرایی که تدوین یا تصویب گردیده و یا اینکه جهت تدوین و تصویب پیشنهاد شده است.

ب) در اثر قصور یک مقام رسمی در استفاده از اختیارات خویش در مورد بهره‌برداری و توزیع یا کنترل آب آن منبع. حکومت فدرال یا حکومت ایالتی ذینفع می‌تواند شکایتی کتبی تسلیم شورا نماید

(۲) شورا با دریافت چنین شکایتی پس از بررسی موضوع تصمیمی اتخاذ می‌نماید یا اینکه از رئیس جمهور می‌خواهد که با صلاحدید خود کمیسیونی مرکب از افراد آگاه و باتجربه و تخصص در زمینه‌های آبیاری، مهندسی، اداری، مالی یا حقوقی را تعیین نماید، از این پس از آنها به عنوان «کمیسیون» نام برده خواهد شد.

(۳) تا زمانی که مجلس شورا (پارلمان) به موجب قانون مقرراتی را در این زمینه وضع نماید، مقررات «قانون کمیسیونهای تحقیق پاکستان» سال (۱۳)[۱۹۵۶] که بلافاصله تا قبل از روز آغاز معتبر خواهد بود، در اختیار شورای مزبور قرار می‌گیرد. و این به مثابه آن است که شورا یا کمیسیون براساس قانون مزبور تعیین و کلیه مقررات بخش پنج قانون به آن محول و قدرت مؤکد براساس بخش ۱۰-الف قانون فوق به آن اعطا گردیده است.

(۴) پس از بررسی گزارش و گزارش تکمیلی کمیسیون، اگر باشد، شورا تصمیم خود را در باب کلیه موضوعاتی که به کمیسیون ارجاع گردیده اعلام خواهد نمود.

(۵) بدون توجه به هر قانونی که بر خلاف این باشد، ولی با رعایت مفاد ماده (۵) اصل یکصد و پنجاه و چهارم، وظیفه حکومت فدرال و حکومت ایالتی ذینفع در مسأله مورد بحث، اجرای صادقانه تصمیم شورا طبق شروط و مفاد آن می باشد.

(۶) هیچ دادرسی براساس درخواست طرفی که در موضوعی ذینفع می باشد و موضوع مزبور توسط شورا مورد بررسی قرار گرفته یا تحت بررسی می باشد، و یا بنا به درخواست هر شخص دیگری در مورد موضوعی که عملاً موضوع مورد شکایت براساس این اصل برای شورا بوده یا ممکن است بوده باشد یا باید باشد، در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

اصل یکصد و پنجاه و ششم

شورای ملی اقتصاد: (۱) رئیس جمهور شورای ملی اقتصاد مرکب از نخست وزیر که رئیس شورا خواهد بود، و اعضای دیگر را بنا به تشخیص و انتخاب خویش تشکیل خواهد داد.

مع هذا، رئیس جمهور از هر ایالت عضوی را بنا به توصیه حکومت آن ایالت منصوب خواهد نمود.

(۲) شورای ملی اقتصاد اوضاع اقتصادی کلی کشور را بررسی نموده و برای راهنمایی حکومت فدرال و حکومت های ایالتی برنامه هایی را در زمینه سیاست های مالی، بازرگانی، اجتماعی و

اقتصادی تهیه و آماده می‌نماید، و در تهیه طرح‌های مزبور از اصول سیاستگذاری مندرج در فصل دوم از بخش دوم استفاده خواهد نمود.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

برق: (۱) حکومت فدرال می‌تواند در هر ایالتی تأسیسات، نیروگاه‌های حرارتی یا شبکه مراکز تولید برق را احداث نموده یا موجبات ایجاد آنها و نصب خطوط انتقال برق بین ایالتی را فراهم آورد.

(۲) هر حکومت ایالتی می‌تواند:

الف) به میزانی که از طریق شبکه ملی برای ایالت مزبور برق تأمین می‌شود، تأمین بیشتر آن را برای انتقال و توزیع در داخل ایالت درخواست نماید.

ب) بر مصرف داخلی برق ایالت مالیات وضع نماید.

ج) نیروگاه‌ها و ایستگاه‌های شبکه نیروی برق را احداث و خطوط انتقالی برای بهره‌برداری در داخل ایالت برقرار نماید.

(د) برای توزیع برق در داخل ایالت تعرفه تعیین نماید.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

اولویت در بهره‌مندی از گاز طبیعی: ایالتی که منبع گاز طبیعی در آن واقع شده در بهره‌مندی از منبع مزبور با رعایت تعهدات و ضوابط در روز شروع، بر سایر نقاط پاکستان تقدم خواهد داشت.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

پخش صدا و سیما: (۱) حکومت فدرال بدون دلیل از واگذاری اختیاراتی در زمینه پخش صدا و سیما به حکومت ایالتی که جهت انجام امور ذیل ضروری می‌باشند خودداری نخواهد نمود:

الف) نصب و راه‌اندازی فرستنده‌های رادیویی در ایالت.

ب) وضع و اخذ عوارض در خصوص نصب و راه اندازی فرستنده های رادیویی و استفاده از دستگاه های گیرنده در داخل ایالت.

مع هذا، مقصود ماده (۱) این نیست که حکومت فدرال ملزم می باشد در زمینه بهره برداری از فرستنده های رادیویی که توسط حکومت مزبور یا اشخاص مجاز از سوی آن ساخت و راه اندازی می شوند و یا برای بهره برداری از دستگاه های گیرنده توسط اشخاص مجاز مزبور قدرت کنترل را به حکومت ایالتی واگذار نماید.

(۲) هر اختیاری که بدین نحو به حکومت ایالتی واگذار گردد، براساس شرایطی که از سوی حکومت فدرال تعیین می شود به مرحله اجرا در خواهد آمد، از جمله، بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، شرایط مربوط به امور مالی، البته حکومت فدرال برای تعیین شرایطی در مورد محتوای برنامه های صدا و سیما توسط حکومت ایالتی یا مسئولین آن مجاز نمی باشد.

(۳) هر قانون کشوری در زمینه پخش برنامه های صدا و سیما به گونه ای خواهد بود که امکان اجرای مفاد این اصل را فراهم سازد.

(۴) اگر مسأله ای مبنی بر قانونی بودن یا نبودن شرایط معین شده برای حکومت ایالتی و یا موجه بودن اجتناب حکومت مرکزی از واگذاری اختیارات مطرح گردد، قضاوت براساس حکمی که از سوی رییس دیوان عالی پاکستان تعیین می شود، خواهد بود.

(۵) مفاد این اصل به مفهوم محدود ساختن اختیارات حکومت فدرال ناشی از قانون اساسی برای ممانعت از هر گونه تهدید جدی علیه صلح و آرامش پاکستان یا بخشهای وابسته به آن نخواهد بود.

بخش ششم

مالیه، اموال، قراردادهای و دعاوی

فصل یکم - مالیه

تقسیم درآمدهای بین حکومت فدرال و ایالات

اصل یکصد و شصت

کمیسیون مالی ملی: (۱) ظرف شش ماه، پس از روز آغاز و بعد از آن در فواصلی که از پنج سال تجاوز ننماید، رئیس جمهور یک کمیسیون مالی ملی را مرکب از وزیر دارایی فدرال، وزیر دارایی حکومت های ایالتی و افراد دیگری که وی می تواند پس از مشورت با فرمانداران ایالات تعیین نماید تشکیل خواهد داد.

(۲) وظیفه کمیسیون مالی ملی ارائه توصیه به رئیس جمهور در زمینه‌های ذیل خواهد بود:

الف) تقسیم عواید خالص مالیات‌های مذکور در ماده (۳) بین حکومت فدرال و ایالات.

ب) اعطای کمک‌های بلاعوض حکومت فدرال به حکومت‌های ایالتی.

ج) استفاده حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی از اختیارات استقراض که به موجب قانون اساسی اعطا شده.

د) سایر موضوعات مربوط به امور مالی که رئیس جمهور به کمیسیون ارجاع می‌کند.

(۳) مالیات‌های مندرج در بند (الف) از ماده (۲) که توسط مقامات مجلس شورا (پارلمان) وضع می‌شوند به شرح ذیل می‌باشند:

(۱) مالیات بر درآمد، شامل مالیات شرکت، غیر از مالیات بر درآمدی که دربرگیرنده پاداشی است که از صندوق تلفیقی فدرال پرداخت می‌شود.

(۲) مالیات بر خرید و فروش کالاهای وارداتی، صادراتی، تولیدی، و مصرفی

(۳) عوارض گمرکی بر کتان و سایر عوارض گمرکی توسط رئیس جمهور تعیین می شود

(۴) برخی عوارض بر مالیاتهای داخلی توسط رئیس جمهور تعیین می شود.

(۵) همچنین سایر مالیاتها نیز توسط رئیس جمهور تعیین می شود. (۴) به محض دریافت پیشنهادات کمیسیون مالی ملی، رئیس جمهور طی فرمانی مطابق پیشنهادات کمیسیون به موجب قسمت (الف) از ماده (۲) سهم عواید خالص مالیاتهای مذکور در ماده (۳) را جهت واگذاری به هر ایالت مشخص خواهد نمود و سهم مزبور به حکومت ایالت ذینفع پرداخت خواهد شد و علیرغم مفاد اصل هفتاد و هشتم، به عنوان بخشی از صندوق تلفیقی فدرال درنخواهد آمد.

(۵) پیشنهادات کمیسیون مالی ملی به همراه یک یادداشت توضیح راجع به اقدام انجام شده در مورد آن به مجلسین و مجالس ایالتی ارائه خواهد شد.

(۶) رئیس جمهور می تواند در هر زمانی قبل از صدور فرمان مذکور در ماده (۴) در صورتی که ضروری یا مصلحت بداند طی فرمانی اصلاحات یا تعدیلاتی را در قانون مربوط به تقسیم درآمدها بین حکومت فدرال و حکومت های ایالتی به وجود آورد.

(۷) رئیس جمهور می تواند طی فرمانی، به درآمد ایالاتی که نیازمندترند کمکهای بلاعوض بنماید و این کمکها از محل صندوق تلفیقی کشور پرداخت خواهد شد.

اصل یکصد و شصت و یکم

گاز طبیعی و برق آبی: (۱) بدون توجه به مفاد اصل هفتاد و هشتم عواید خالص عوارض کشوری مربوط به مالیات غیرمستقیم گاز طبیعی که بر روی منبع آن وضع و توسط حکومت فدرال اخذ می گردد، و حق الامتیازی که بوسیله حکومت مزبور دریافت می شود، به عنوان بخشی از صندوق تلفیقی کشور محسوب نشده و به ایالتی پرداخت خواهد شد که منبع گاز طبیعی در آنجا واقع شده است.

(۲) سود خالصی که توسط حکومت فدرال یا هر سازمان و تشکیلات تحت کنترل یا اداره آن بابت تولید مازاد نیرو در یک نیروگاه برق آبی حاصل می شود، به ایالتی پرداخت خواهد شد که نیروگاه مزبور در آنجا واقع شده است.

تبصره: از لحاظ این ماده، «سود خالص» با کسر از درآمدهای حاصله از عرضه اضافی نیرو از سیستم هدایت جریان برق یک نیروگاه، محاسبه خواهد شد و براساس نرخ که توسط «شورای منافع مشترک» یعنی هزینه های عملیات نیروگاه تعیین می شود، خواهد بود و این هزینه ها شامل مبالغ پرداختی از قبیل مالیات، عوارض، سود یا عواید سرمایه گذاری و هزینه های استهلاک و فرسودگی و هزینه های انباشتگی و پیش بینی ذخیره می باشد.

اصل یکصد و شصت و دوم

لزوم تائید مقدماتی رییس جمهور جهت لوایحی که مالیات‌های مشترک بین‌الایالات ذینفع را تحت تأثیر قرار می‌دهد: هیچ لایحه یا اصلاحیه‌ای که مالیات یا عوارضی را وضع یا تغییر دهد که کل یا بخشی از عواید خالص آن برای هر ایالت وضع شود، و یا مفهوم عبارت «درآمد کشاورزی» را طبق تعریفی که در مورد قوانین مربوط به مالیات بر درآمد، شده، تغییر دهد، و یا اصولی را که به موجب مفاد گذشته این فصل، بر پایه آنها و جوهی بین‌الایالات تقسیم می‌شود یا می‌تواند بشود، تغییر دهد، در مجلس ملی جز با تائید قبلی رییس جمهور مطرح یا پیشنهاد نخواهد شد.

اصل یکصد و شصت و سوم

مالیات ایالات بر مشاغل و ...: یک مجلس ایالتی می‌تواند بوسیله قانون مالیات‌هایی را که از حدود مشخص شده توسط قانون مجلس شورا (پارلمان) - که هر از چند گاه ممکن است معین کند - تجاوز ننماید برای اشخاصی که دست‌اندرکار کسب، تجارت، کار یا اشتغال هستند وضع کند، و این نوع قوانین مجلس ایالتی به معنای وضع مالیات بر درآمد محسوب نخواهد شد.

مقررات مالی متفرقه

اصل یکصد و شصت و چهارم

اعتبارات خارج از صندوق تلفیقی: حکومت فدرال یا ایالت می تواند جهت هر مقصودی بدون توجه به اینکه مجلس شورا (پارلمان) یا بنا بر مورد مجلس ایالتی دارای قدرت وضع قانون در مورد آن نمی باشد، اعتبار واگذار نماید.

اصل یکصد و شصت و پنجم

معافیت برخی از دارایی های دولتی از مالیات: (۱) حکومت فدرال به موجب هیچ یک از قوانین مجلس ایالتی مشمول پرداخت مالیات بابت، دارایی یا عواید خود نخواهد شد. همچنین با رعایت ماده (۲) ذیل دارایی یا درآمد یک حکومت ایالتی به موجب هیچ یک از قوانین مجلس شورا (پارلمان) یا هر ایالت دیگر مشمول مالیات نمی گردد.

(۲) اگر هر نوع تجارت یا دادوستدی توسط حکومت ایالتی یا از جانب آن در خارج از ایالت انجام پذیرد، حکومت مزبور از بابت مالی که مورد معامله تجارت یا دادوستد مذکور باشد و یا هر گونه درآمدی که از این تجارت یا دادوستد حاصل شود، به موجب قانون مجلس شورا (پارلمان)

یا به موجب قانون مجلس آن ایالت که تجارت و یا دادوستد در آنجا انجام گرفته، مشمول پرداخت مالیات خواهد گردید.

(۳) مفاد این اصل مانع اخذ عوارض برای خدمات انجام شده نمی شود.

اصل یکصد و شصت و پنجم- الف

اختیار مجلس شورا (پارلمان) جهت وضع مالیات بر روی درآمد برخی شرکت ها و ...: (۱) جهت رفع هر گونه شبهه بدین وسیله اعلام می گردد که مجلس شورا (پارلمان) اختیار دارد و همیشه خواهد داشت که برای وضع یا لغو مالیات بر درآمد شرکت، مؤسسه سازمان یا تشکیلات دیگری که به موجب قوانین فدرال یا ایالتی و یا قانون موجود تشکیل شده و یا شرکت، مؤسسه، سازمان یا تشکیلات دیگری که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا کنترل حکومت فدرال یا حکومت ایالتی می باشد، بدون توجه به مقصد نهایی درآمد مزبور قوانینی وضع نماید.

(۲) کلیه فرمانهای صادره و دادرسیها و اعمال انجام گرفته توسط هر مقام یا هر شخصی که قبل از روز آغاز اجرای فرمان (اصلاح) قانون اساسی، سال ۱۹۸۵ در اجرای اختیارات مذکور ناشی از قانون در ماده (۱) یا در اجرای فرمانهای صادره توسط مقامی در اجرا یا اجرای وانمودی اختیارات مزبور صادر یا انجام گرفته اند، بدون توجه به هر گونه رأی دادگاه یا محکمه ای اعم از دیوان عالی و دادگاه عالی، صدور یا انجام آنها معتبر محسوب شده و در هیچ زمینه ای در هیچ دادگاهی حتی دیوان عالی و دادگاههای عالی مطرح نخواهند شد.

(۳) احکام و آرای دادگاهها و محاکم از جمله دیوان عالی و دادگاه عالی که مغایر مفاد ماده (۱) یا ماده (۲) باشد پیوسته ملغی و فاقد اعتبار خواهد بود.

فصل دوم- استقراض و حسابرسی

اصل یکصد و شصت و ششم

استقراض حکومت فدرال: حدود اختیارات اجرایی حکومت فدرال برای استقراض با وثیقه صندوق تلفیقی کشور در حد محدودیت‌های احتمالی، که گاهی ممکن است بواسطه قانون مجلس شورا (پارلمان) تعیین شود، و همچنین در حد اعطای ضمانت‌هایی در حیطه محدودیت‌های مزبور می‌باشد.

اصل یکصد و شصت و هفتم

استقراض حکومت ایالتی: (۱) با رعایت مفاد این اصل حدود اختیارات اجرایی ایالت برای استقراض با وثیقه صندوق تلفیقی ایالت در حد محدودیت‌های احتمالی که گاهی ممکن است بواسطه قانون مجلس ایالتی تعیین شوند، و همچنین در حد اعطای ضمانت‌هایی در حیطه محدودیت‌های مزبور می‌باشد.

(۲) حکومت فدرال می‌تواند با رعایت شرایطی که خود صلاح بداند به هر ایالتی وام اعطا و یا تا آنجا که حدود معین شده طبق اصل یکصد و شصت و ششم نقض نگردد وام‌های دریافتی توسط هر ایالت را تضمین نماید. هر مبلغی که جهت پرداخت وام به ایالتی مورد نیاز باشد از صندوق تلفیقی کشور تأمین خواهد شد.

(۳) اگر بخشی از وامی که توسط حکومت فدرال به ایالتی پرداخت شده معوق مانده یا حکومت فدرال ضمانت آن را نموده است، ایالت مزبور نمی‌تواند بدون رضایت حکومت فدرال وام دریافت نماید، و رضایت مزبور می‌تواند به موجب این بند با رعایت شرایطی که حکومت فدرال ممکن است با صلاح دید خود تعیین کند، حاصل گردد.

حسابرسی و حسابها

اصل یکصد و شصت و هشتم

حسابرس کل پاکستان: (۱) رئیس جمهور یک نفر را به عنوان حسابرس کل پاکستان تعیین خواهد کرد.

(۲) حسابرس کل قبل از شروع به کار در حضور رئیس دیوان عالی پاکستان به شرحی که در پیوست سوم قانون اساسی آمده سوگند یاد خواهد کرد.

(۳) شرایط و مدت خدمت حسابرس کل را قانون مجلس شورا (پارلمان) تعیین خواهد کرد ولی تا قبل از آن زمان بوسیله فرمان رئیس جمهور مشخص می گردد.

(۴) شخصی که در سمت حسابرس کل باشد، تا قبل از انقضای دو سال پس از کناره گیری از سمت مزبور صلاحیت انتصاب در دستگاههای دولتی پاکستان را نخواهد داشت.

(۵) شرایط و دلایل عزل حسابرس کل همان شرایط عزل قاضی دیوان عالی خواهد بود.

(۶) هر گاه سمت حسابرس کل بلا تصدی شود یا حسابرس کل حضور نداشته و یا به هر دلیلی ناتوان از اجرای وظایف مربوط به سمت خویش باشد، شخص دیگری به دستور رئیس جمهور، کفیل حسابرس کل شده و وظایف مربوط به سمت وی را انجام خواهد داد.

اصل یکصد و شصت و نهم

وظایف و اختیارات حسابرس کل: حسابرس کل در زمینه موارد ذیل:

الف) حسابهای حکومت فدرال و ایالات

ب) حسابهای هر مقام یا سازمانی که توسط حکومت مرکزی یا ایالت تأسیس شده است.

وظایفی را انجام داده و دارای اختیاراتی است که توسط یا براساس قانون مجلس شورا (پارلمان) تعیین می‌شود، و وظایف و اختیارات مزبور تا زمانی که بدین نحو تعیین شوند توسط فرمان رئیس جمهور مشخص خواهند گردید.

اصل یکصد و هفتاد

اختیار حسابرس کل در ارائه رهنمود در مورد حسابها: حسابهای حکومت فدرال و ایالات طبق اصول و روش‌هایی که حسابرس کل با تأیید رئیس جمهور معین می‌نماید نگهداری می‌شوند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

گزارش‌های حسابرس کل: گزارش‌های حسابرس کل در مورد حسابهای حکومت فدرال به رییس‌جمهور که آنها را به مجلس ملی ارائه می‌کند تسلیم خواهد شد. گزارش‌های حسابرس کل در مورد حسابهای ایالت به فرماندار که آنها را به مجلس ایالتی ارائه می‌کند تسلیم خواهد شد.

فصل سوم - دارایی‌ها، قراردادهای، دیون و دعاوی

اصل یکصد و هفتاد و دوم

اموال بلا صاحب: (۱) هر نوع مال بدون مالک ذیحق، در هر ایالتی که باشد به تصرف ایالت مزبور و در غیر این صورت به تصرف حکومت فدرال درخواهد آمد.

(۲) کلیه املاک، معادن، و سایر اشیای قیمتی که در داخل شبه قاره قرار دارند و یا در زیر آبهای اقیانوسی داخل قلمرو پاکستان می‌باشند به تصرف حکومت فدرال درخواهند آمد.

اصل یکصد و هفتاد و سوم

قدرت تملک اموال و انعقاد قراردادها و غیره: (۱) قدرت اجرایی حکومت فدرال و حکومت ایالت با رعایت قانون مصوب قوه مقننه ذیربط، مواردبخشش، فروش، انتقال، یا به رهن گذاشتن اموال تحت اختیار حکومت فدرال و نیز خرید یا تملک اموال از طرف حکومت فدرال یا بنا بر مورد حکومت ایالتی، و نیز انعقاد قراردادها را شامل می‌شود.

(۲) کلیه اموالی که به نام کشور یا ایالت بدست می‌آیند باید در اختیار حکومت فدرال یا بنا بر مورد حکومت ایالتی قرار گیرند.

(۳) کلیه قراردادهایی که با استفاده از اختیارات اجرایی کشور یا ایالت منعقد می‌گردند، به نام رئیس‌جمهور یا بنا بر مورد به نام فرماندار ایالت خواهند بود و همه قراردادهای مزبور و تمامی بیمه‌های اموال که با استفاده از اختیار مزبور منعقد می‌گردند، باید از سوی رئیس‌جمهور یا فرماندار توسط اشخاص و به نحوی که او تعیین یا مجاز می‌نماید اجرا گردند.

(۴) رئیس‌جمهور و فرماندار ایالتی شخصاً نسبت به قرارداد یا بیمه‌ای که با استفاده از اختیارات اجرایی کشور یا بنا بر مورد ایالت منعقد می‌نماید مسؤول نخواهد بود. همچنین هر شخصی که قرارداد یا بیمه مزبور را از سوی هر کدام از نامبردگان اجرا کند شخصاً مسؤول آن نخواهد بود.

(۵) انتقال زمین توسط حکومت فدرال یا حکومت ایالتی از طریق قانون انجام خواهد گرفت.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

دعاوی و جریانهای قضایی: کشور به نام پاکستان و یک ایالت به نام ایالت اقامه دعوی نموده یا مورد بازخواست و پیگرد قرار خواهد گرفت.

بخش هفتم

قوه قضاییه

فصل اول: دادگاهها

اصل یکصد و هفتاد و پنجم

صلاحیت و نحوه تشکیل دادگاهها: (۱) دیوان عالی پاکستان و همچنین یک دادگاه عالی برای هر ایالت و دادگاههای دیگری از این قبیل که به موجب قانون می‌توانند تشکیل شوند وجود خواهند داشت.

(۲) هیچ دادگاهی صلاحیت نخواهد داشت مگر اینکه به موجب قانون اساسی یا براساس قانون دیگری چنین صلاحیتی به آن تفویض گردد.

(۳) قوه قضاییه ظرف چهارده سال از روز آغاز بتدریج از قوه مجریه منفک خواهد شد.

فصل دوم: دیوان عالی پاکستان

اصل یکصد و هفتاد و ششم

ترکیب دیوان عالی: دیوان عالی مرکب است از رئیس دیوان که تحت عنوان رئیس دیوان عالی پاکستان شناخته می‌شود و بسیاری از قضات دیگر که طبق قانون مجلس شورا (پارلمان) تعیین یا تا تصویب قانون مجلس شورا (پارلمان) از سوی رئیس جمهور منصوب می‌گردند.

اصل یکصد و هفتاد و هفت

انتصاب قضات دیوان عالی: (۱) رئیس دیوان عالی پاکستان توسط رئیس جمهور تعیین خواهد شد و سپس رئیس جمهور پس از مشورت با وی قضات دیگر را منصوب خواهد کرد.

(۲) شخصی که می خواهد به عنوان قاضی دیوان عالی منصوب شود باید تبعه پاکستان بوده و:

الف) برای مدت حداقل پنج سال متوالی یا متناوب قاضی یک دادگاه عالی (شامل دادگاه عالی که زمانی قبل از روز آغاز در پاکستان وجود داشته) بوده باشد.

ب) برای مدت حداقل پانزده سال متوالی یا متناوب دادستان یک دادگاه عالی (شامل دادگاه عالی که زمانی قبل از روز آغاز در پاکستان وجود داشته) بوده باشد.

اصل یکصد و هفتاد و هشت

سوگند تصدی سمت: پیش از تصدی سمت رئیس دیوان عالی پاکستان در حضور رئیس جمهور؛ و سایر قضات دیوان عالی در حضور رئیس دیوان عالی به شرحی که در پیوست سوم آمده سوگند به جای خواهند آورد.

اصل یکصد و هفتاد و نه

سن بازنشستگی: یک قاضی دیوان عالی تا رسیدن به سن شصت و پنج سالگی در مقام خود باقی خواهد ماند، مگر اینکه زودتر از این موعد استعفا دهد یا براساس قانون اساسی از آن سمت عزل گردد.

اصل یکصد و هشتادم

کفیل رییس دیوان عالی: هر گاه:

الف) سمت ریاست دیوان عالی بلا تصدی باشد،

ب) رییس دیوان عالی غایب بوده و یا بنا به هر دلیلی قادر به انجام وظایف محوله سمت خود نباشد، رییس جمهور یکی از قضات دیوان عالی را که قبلاً در سمت ریاست دیوان عالی پاکستان نبوده (مگر در شرایطی که طبق این اصل کفیل رییس دیوان عالی پاکستان شده باشد) به سمت مزبور منصوب خواهد نمود.

اصل یکصد و هشتاد و یکم

قضات کفیل: (۱) هر گاه:

الف) سمت یک قاضی دیوان عالی بلاتصدی باشد، یا

ب) یک قاضی دیوان عالی غایب بوده و یا بنا به هر دلیلی قادر به انجام وظایف محوله سمت خود نباشد،

رئیس جمهور به نحوی که در بند (۱) اصل یکصد و هفتاد و هفتم آمده یکی از قضات دادگاه عالی را که صلاحیت انتصاب به سمت قضاوت دیوان عالی را داشته باشد، به عنوان کفیل موقت قاضی دیوان عالی تعیین خواهد نمود.

(۲) انتصاب مزبور تا مادامی که رئیس جمهور آن را لغو نساخته به قوت خود باقی خواهد ماند.

تبصره: در این بند «قاضی دادگاه عالی» شامل قاضی بازنشسته دادگاه مزبور نیز می شود.

اصل یکصد و هشتاد و دوم

انتصاب قضات موقت: هر گاه به دلیل به حد نصاب نرسیدن تعداد قضات دیوان عالی برای تشکیل یا ادامه جلسه دادگاه یا به هر دلیل دیگر لازم باشد که تعدادقضات دیوان عالی موقتاً افزایش یابد، رئیس دیوان عالی کشور می تواند به شرح ذیل عمل نماید:

الف) با تایید رئیس جمهور، شخصی را که در سمت قاضی دادگاه بوده و از زمان برکناری وی از سمت مزبور سه سال گذشته باشد به صورت کتبی دعوت نماید یا

ب) با تایید رئیس جمهور و با رضایت رئیس دادگاه عالی، یک نفر قاضی واجد شرایط از دادگاه مزبور جهت انتصاب به عنوان قاضی دیوان عالی را برای شرکت در جلسات دیوان عالی به عنوان قاضی موقت برای مدتی که ضروری باشد احضار نماید. قاضی موقت در طول مدتی که در جلسات شرکت می کند، اختیارات و صلاحیت قضایی یک قاضی دیوان عالی را خواهد داشت.

اصل یکصد و هشتاد و سوم

مقر دیوان عالی: (۱) مقر دائمی دیوان عالی با رعایت بند (۳) ذیل در اسلام آباد خواهد بود.

(۲) دیوان عالی با تعیین رئیس دیوان عالی پاکستان و با تصویب و تائید رئیس جمهور می تواند گاهی در محل های دیگری تشکیل جلسه دهد.

(۳) تا زمان تصویب قانون استقرار دیوان عالی در اسلام آباد مقر دیوان عالی را در محل دیگر رئیس جمهور تعیین خواهد کرد (۱۴).

اصل یکصد و هشتاد و چهارم

صلاحیت رسیدگی نخستین دیوان عالی: (۱) دیوان عالی مستثنی از سایر دادگاهها در رسیدگی به اختلاف دو یا چند حکومت دارای صلاحیت رسیدگی نخستین خواهد بود.

تبصره: در این بند منظور از «حکومت ها» عبارت از حکومت مرکزی و حکومت های ایالتی می باشد.

(۲) دیوان عالی در استفاده از صلاحیت قضایی که به موجب ماده (۱) به آن واگذار می شود، فقط آرای احکام اعلامی صادر خواهد کرد.

(۳) بدون آنکه خدشه‌ای به مفاد اصل یکصد و نود و نهم وارد آید، اگر برای دیوان‌عالی محرز گردد که مسأله مورد نظر براساس اعمال هر یک از حقوق اساسی تفویضی به موجب فصل اول بخش دوم دارای اهمیت عمومی است دیوان اختیار صدور حکمی را با ماهیتی که در اصل مذکور گفته شده خواهد داشت.

اصل یکصد و هشتاد و پنجم

صلاحیت استینافی دیوان عالی: (۱) دیوان عالی با رعایت این اصل، صلاحیت استماع و تشخیص استیناف در مورد آراء، احکام، قرارها یا قضاوت‌های نهایی دادگاه عالی را دارد.

(۲) در موارد ذیل نسبت به هر رأی حکم قرار یا قضاوت نهایی دادگاه عالی از دیوان عالی استیناف خواهد شد:

الف) اگر دادگاه عالی به موجب استینافی حکم تبرئه شخص متهمی را تغییر داده و او را به مرگ یا تبعید دائم‌العمر یا حبس ابد محکوم کرده باشد، یا باتجدیدنظر حکمی را به حکم مذکور افزوده باشد، یا

ب) اگر دادگاه عالی موردی را از یکی از دادگاههای تابعه خود برای بررسی قضایی گرفته و در آن شخص متهم را مجرم دانسته و او را به نحو فوق محکوم کرده باشد

ج) اگر دادگاه عالی مجازاتی را برای کسی به جرم توهین به دادگاه عالی وضع کرده باشد، یا

د) اگر میزان یا ارزش موضوع اصلی اختلاف در دادگاه نخست و نیز اختلاف مورد استیناف از پنجاه هزار روپیه یا مبلغی که قانون مجلس شورا (پارلمان) بابت آن تعیین می کند کمتر نبوده و رأی، حکم و قرار نهایی استینافی تغییر کرده و یا اینکه رأی حکم یا قرار نهایی دادگاه بلافاصله پایین تر از خود را کنار گذاشته باشد، یا

ه) اگر حکم، قرار، یا رأی نهایی بطور مستقیم یا غیر مستقیم شامل دعوی یا مسأله ای در خصوص مال با همان میزان و ارزش باشد و حکم قرار یا رأی نهایی استینافی، حکم و قرار یا رأی نهایی دادگاه بلاواسطه پایین تر از خود را تغییر داده و کنار گذاشته باشد، یا

و) اگر دادگاه عالی تأیید کند که قضیه مورد بررسی مشمول مسأله اساسی قانون در مورد تفسیر قانون اساسی است.

۳) استیناف دیوان عالی از رأی، حکم، قرار یا رأی محکومیت صادره از سوی یک دادگاه عالی، در باب قضیه ای که مشمول ماده (۲) نمی شود فقط زمانی می تواند انجام شود، که دیوان عالی اجازه استیناف را به آن داده باشد.

صلاحیت استشاره: (۱) هر گاه رئیس‌جمهور تشخیص دهد که اطلاع از نظرات دیوان عالی در باب یک مسأله حقوقی که حائز اهمیت عمومی است، لازم می‌باشد، می‌تواند مسأله مزبور را جهت بررسی به دیوان عالی ارجاع دهد.

(۲) دیوان عالی مسأله‌ای را که بدین نحو ارجاع شود مورد بررسی قرار داده و نظر خود را در مورد آن به رئیس‌جمهور گزارش خواهد نمود.

اصل یکصد و هشتاد و ششم - الف

اختیار دیوان عالی برای انتقال پرونده‌ها: دیوان عالی در صورتی که برای اجرای عدالت مصلحت بداند، می‌تواند هر نوع پرونده، دعوی یا جریان قضایی دیگر را که در یک دادگاه عالی معوق مانده باشد به دادگاه عالی دیگری منتقل نماید.

اصل یکصد و هشتاد و هفتم

صدور و اجرای ابلاغیه‌های دیوان عالی: (۱) با رعایت ماده (۲) اصل یکصد و هفتاد و پنجم دیوان عالی مختار است دستورات و احکام و قرارهایی را صادر نماید که برای اجرای کامل عدالت در هر قضیه یا موضوعی که در دیوان اقامه شده ضروری می‌باشند. اختیار مزبور شامل حکم تأمین امنیت هر کس یا کشف و افشای مدارک می‌شود.

(۲) دستور، فرمان یا حکم مزبور در سر تا سر پاکستان قابل اجرا بوده و اگر قرار باشد در ایالتی یا در ناحیه‌ای که بخشی از ایالت نیست ولی در حوزه قضایی آن قرارداد اجرا گردد، اجرای آن همانند اجرای آرای صادره توسط دادگاه عالی ایالت فوق خواهد بود.

(۳) اگر مسأله‌ای پیش آید که دادگاه عالی باید در مورد آن به رأی، حکم یا قرار دیوان عالی مراجعه نماید، تصمیم دیوان عالی در مورد مسأله مزبور نهایی خواهد بود.

اصل یکصد و هشتاد و هشتم

تجدیدنظر در احکام و آرا توسط دیوان عالی: دیوان عالی اختیار تجدیدنظر در آرا و احکام صادره خود را با توجه به مقررات مصوب مجلس شورا (پارلمان) یا هر قانونی که خود وضع می‌کند، دارد.

اصل یکصد و هشتاد و نهم

لازم‌الاجرا بودن تصمیمات دیوان عالی برای سایر دادگاهها: هر گونه تصمیم دیوان عالی که در حد تصمیم‌گیری در باب یک مسأله قانونی و بر پایه اصلی از قانون بوده یا آن را تصریح نماید، برای دیگر دادگاههای پاکستان لازم‌الاجرا خواهد بود.

اصل یکصد و نودم

همکاری با دیوان عالی: کلیه مسئولان قضایی و اجرایی در سر تا سر پاکستان بادیوان عالی همکاری خواهند نمود.

اصل یکصد و نود و یکم

ضوابط دادرسی: دیوان عالی با رعایت قانون اساسی و شرع می‌تواند ضوابطی را برای تنظیم شیوه کار و آیین دادرسی خود وضع نماید.

فصل سوم: دادگاههای عالی

اصل یکصد و نود و دوم

تشکیل دادگاه عالی: (۱) دادگاه عالی از یک نفر رئیس دادگاه و چند قاضی دیگر که قانون تعیین می‌کند و تا قبل از این کار، توسط رئیس‌جمهور تعیین و منصوب می‌گردند، تشکیل می‌شود.

(۲) دادگاه عالی سند و بلوچستان، من بعد به عنوان دادگاه عالی مشترک برای ایالات سند و بلوچستان عمل نخواهد کرد.

(۳) رئیس‌جمهور به موجب فرمانی، برای هر یک از ایالات بلوچستان و سند یک دادگاه عالی تعیین و مقرراتی که در آن فرمان مربوط به مقرهای اصلی دو دادگاه عالی، نقل و انتقالات قضات دادگاه عالی مشترک بلافاصله قبل از تأسیس دادگاههای عالی، در دست اقدام بوده‌اند، و بطور کلی برای موضوعات مهم یا فرعی جهت تعطیل دادگاه عالی مشترک و تأسیس دو دادگاه عالی با صلاحدید خود تعیین خواهد نمود.

(۴) حوزه قضایی یک دادگاه عالی، از طریق قانون مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند به کلیه نواحی پاکستان که جزء یک ایالت نیستند گسترش یابد.

اصل یکصد و نود و سوم

انتصاب قضات دادگاه عالی: (۱) قاضی دادگاه عالی را رئیس جمهور پس از مشورت با افراد ذیل منصوب می نماید:

الف) رئیس دیوان عالی پاکستان

ب) فرماندار ایالت مربوطه، و

ج) رئیس دادگاه عالی، به غیر از مواردی که انتصاب خود رئیس دادگاه مطرح باشد.

(۲) قاضی دادگاه باید تبعه پاکستان بوده و کمتر از پنجاه سال سن نداشته و

الف) برای مدت حداقل ده سال متوالی یا متناوب دادستان یک دادگاه عالی (شامل دادگاه عالی که زمانی قبل از روز آغاز در پاکستان وجود داشته) بوده باشد، یا

ب) برای مدت حداقل ۱۰ سال عضو یکی از دستگاههای دولتی بوده که به موجب قانون از لحاظ این بند تشکیل شده باشد؛ همچنین مدت حداقل سه سال به عنوان قاضی ناحیه در پاکستان خدمت کرده یا وظایف وی را انجام داده باشد، یا

(ج) به مدت حداقل ۱۰ سال در سمت قضاوت بوده باشد.

تبصره: در محاسبه مدتی که شخص طی آن دادستان یک دادگاه عالی بوده یا سمت قضاوت را داشته است، مدتی که طی آن وی سمت قضایی را بعد از اینکه دادستان گردیده و یا بنا بر مورد مدتی که طی آن بعد از انتصاب به سمت قضایی مقام دادستانی را نیز داشته است مشمول و محاسبه خواهد شد.

(۳) در این اصل منظور از «قاضی ناحیه» قاضی دادگاه مدنی اصلی با صلاحیت رسیدگی نخستین است.

اصل یکصد و نود و چهارم

سوگند تصدی سمت: پیش از تصدی سمت، رئیس دادگاه عالی در برابر فرماندار، و قضات دیگر دادگاه در برابر رئیس دادگاه به شرحی که در پیوست سوم قانون آمده سوگند به جای خواهند آورد.

اصل یکصد و نود و پنجم

سن بازنشستگی: قاضی دادگاه عالی تا رسیدن به سن شصت و دو سالگی در مقام خود باقی خواهد ماند مگر اینکه زودتر استعفا دهد یا به موجب قانون اساسی از سمت مزبور عزل گردد.

اصل یکصد و نود و ششم

کفیل رییس دادگاه: هر گاه

الف) سمت ریاست دادگاه عالی بلا تصدی باشد، یا

ب) رییس دادگاه عالی غایب و یا به هر دلیل دیگری قادر به انجام وظایف خویش نباشد، رییس جمهور یکی از قضات دیگر دادگاه عالی را به عنوان کفیل تعیین و یا از یکی از قضات دیوان عالی خواهد خواست که در سمت کفیل رییس دادگاه عمل نماید.

اصل یکصد و نود و هفتم

افزایش قضات: هر گاه

الف) سمت قاضی دادگاه عالی بلامتصدی باشد، یا

ب) قاضی دادگاه عالی غایب بوده یا بنا به هر دلیلی قادر به انجام وظایف محوله خویش نباشد،
یا

ج) بنا به دلایلی افزایش تعداد قضات یک دادگاه عالی ضروری باشد.

رئیس جمهور می تواند به نحوی که در ماده (۱) اصل یکصد و نود و سوم تصریح شده، شخص
صلاحیت دار جهت انتصاب به عنوان قاضی دادگاه عالی را برای مدتی، به عنوان قاضی کمکی
دادگاه منصوب نماید. مدتی که تعیین می شود، نباید بیشتر از مدتی باشد که قانون معین
می کند.

اصل یکصد و نود و هشتم

مقر دادگاه عالی: (۱) هر دادگاه عالی موجود بلافاصله قبل از روز آغاز مقر اصلی آن، در همان محلی که قبل از روز مزبور باشد، باقی خواهد ماند.

(۲) هر دادگاه عالی، قضات و دادگاههای تابعه آن در مقرهای اصلی خود باقی خواهد ماند، و می‌تواند در هر محلی در داخل حوزه قضایی خود، دادگاههای منطقه‌ای مرکب از چنین قضاتی به تعیین رییس دادگاه، تشکیل دهد.

(۳) دادگاه عالی لاهور شعبه‌ای در بهاول‌پور ([۱۵])، مولتان ([۱۶]) و راولپندی ([۱۷])، و همچنین دادگاه عالی سند شعبه‌ای در ساکور ([۱۸])، و دادگاه عالی پیشاور شعبه‌ای در عباس‌آباد ([۱۹]) و درّه اسماعیل خان ([۲۰])، و دادگاه عالی بلوچستان شعبه‌ای در سیبی ([۲۱]) خواهند داشت.

(۴) هر یک از دادگاههای عالی می‌تواند شعباتی در محل‌های دیگری که فرماندار بنابه نظر مشورتی هیأت وزیران و با مشورت رییس دادگاه عالی تعیین می‌کند داشته باشد.

(۵) شعبه مذکور در ماده (۳) یا شعبه‌ای که به موجب ماده ماده (۴) تشکیل می‌گردد، دارای چند قاضی از دادگاه عالی است که توسط رییس دادگاه هر از چند گاه برای مدتی بیش از یک سال منصوب خواهند شد.

(۶) فرماندار با مشورت رییس دادگاه عالی ضوابطی را در زمینه‌های ذیل وضع خواهد کرد:

الف) تعیین نواحی هر شعبه که رسیدگی قضایی آن به دادگاه عالی واگذار شده است.

ب) سایر موضوعات تبعی، تکمیلی و جنبی

اصل یکصد و نود و نهم

صلاحیت دادگاه عالی: (۱) با رعایت قانون اساسی هر گاه برای دادگاه عالی محرز گردد که قانون راه دیگری برای جبران خسارت کافی پیش‌بینی ننموده:

الف) بنا به درخواست طرف متضرر می‌تواند طی حکمی:

((۱)) شخصی را که در داخل حوزه قضایی دادگاه در زمینه امور کشوری، ایالت، یا یک دستگاه محلی انجام وظیفه می‌کند، راهنمایی نماید که از انجام عملی که قانون اجازه آن را نمی‌دهد اجتناب و مطابق قانون عمل کند.

((۲)) اعلام نماید که عمل یا دادرسی که در داخل حوزه قضایی دادگاه توسط شخصی انجام گرفته که وظایفی را در زمینه امور کشوری، ایالتی یا دستگاه محلی انجام می‌دهد، بدون اجازه قانونی بوده و فاقد اعتبار قانونی می‌باشد.

ب) بنا به درخواست هر شخصی می‌تواند طی حکمی:

((۱)) دستور دهد شخصی که در حوزه قضایی دادگاه در بازداشت به سر می‌برد، در برابر آن حاضر گردد تا برای دادگاه محرز شود که نامبرده بدون مجوز قانونی و یا به طرز غیر قانونی در توقیف نگهداشته نمی‌شود.

((۲)) از شخصی که در حوزه قضایی دادگاه متصدی سمتی دولتی یا مدعی تصدی آن می‌باشد، بخواهد که ادعای خود را جهت تصدی سمت مزبور با مجوز قانونی اثبات نماید.

ج) بنا به درخواست یک شخص متضرر طی حکمی می‌تواند، شخص یا مقام اعم از حکومتی که در بخشی از حوزه قضایی دادگاه اختیاراتی را اعمال یا وظایفی را انجام می‌دهد، به نحو مقتضی در تنفیذ هر یک از «حقوق اساسی» اعطا شده به موجب فصل یکم از بخش دوم راهنمایی نماید.

(۲) با رعایت قانون اساسی حق تقاضا از دادگاه عالی برای تنفیذ هر یک از حقوق اساسی اعطا شده به موجب فصل یکم از بخش دوم محدود نخواهد شد.

(۳) بنا به درخواستی که توسط، یا در مورد یکی از اعضای نیروهای مسلح پاکستان، که موقتاً مشمول قوانین نیروهای مسلح می‌باشد، اقامه شود، هیچ حکمی، به موجب بند (۱) در زمینه شرایط خدمت یا موضوعات مربوط به آن و یا به خاطر عملی که نسبت به وی به عنوان عضو نیروهای مسلح پاکستان یا به عنوان فردی که مشمول قوانین نیروهای مزبور انجام گرفته باشد، صادر نخواهد شد.

(۴) هر گاه

الف) دادخواستی جهت صدور حکمی به موجب بند (ج) از ماده (۱) به دادگاه عالی ارائه شود، و

ب) صدور یک حکم موقت انجام امری عمومی را تحت تأثیر یا نفوذ قرار داده یا بدان خدشه وارد سازد و یا به نحو دیگری برای منافع عامه یا دارایی‌های دولتی زیان‌آور باشد، یا مانع ارزیابی یا جمع‌آوری عواید مالیات‌های دولتی گردد، دادگاه حکم مزبور را صادر نخواهد کرد، مگر اینکه مقام قانونی موردنظر طی اعلامیه‌ای از درخواست مطلع گردیده و دادگاه اظهارات خود او یا نماینده قانونی وی را استماع نموده و با تکیه بر دلایل مکتوب و مضبوط متقاعد شود که حکم موقت

((۱)) اثر مذکور در بالا را نخواهد داشت، یا

((۲)) باعث تعلیق حکم یا دادرسی خواهد شد که با توجه به سوابق فاقد صلاحیت قضایی می‌باشد.

(۴-الف) حکم موقتی که توسط دادگاه عالی براساس درخواستی صادر شده تااعتبار یا اثر قانونی هر نوع حکم صادره، دعوی اقامه شده یا عمل انجام گرفته توسط هر مرجع یا شخصی به موجب قوانین مصرحه در بخش اول پیوست اول، صادر، اقامه یا انجام شده یا وانمود به صدور انجام یا اقامه گردیده است و یا اینکه در مورد اموال دولتی یا ارزیابی و جمع آوری عواید مالیات های دولتی یا مرتبط با آنها باشد، مورد تردید قرار دهد، در خاتمه مدت شش ماه بعد از روز صدور فاقد اعتبار می گردد، مگر اینکه زودتر از آن موعد دادگاه درباره پرونده تصمیم گرفته یا حکم موقت را ابطال نموده باشد.

(۴-ب) هر پرونده ای که دادگاه عالی براساس درخواستی به موجب ماده (۱) درمورد آن حکم موقت صادر کرده ظرف شش ماه از روز صدور حکم موقت، به نحو مقتضی تعیین تکلیف خواهد شد، مگر اینکه دادگاه عالی بنا به دلایل کافی و مضبوط از این کار بازداشته شود.

(۵) در این اصل به جز در مواردی که متن معنای دیگری اقتضا کند:

منظور از «شخص» عبارت از هر سازمان سیاسی یا شخصیت حقوقی، مقامات حکومت فدرال یا حکومت ایالتی و یا اشخاص تحت کنترل آنها، دادگاه یا محاکم غیر از دیوان عالی، دادگاه عالی یا دادگاه یا محکمه ای که به موجب قوانین نیروهای مسلح پاکستان تشکیل شده می باشد.

و منظور از «مقام قانونی مورد نظر»

الف) در مورد درخواستی که حکومت فدرال یا مقام وابسته یا تحت کنترل آن راتحت تأثیر قرار می‌دهد، عبارت است از دادستان کل، و

ب) در سایر موارد، منظور دادیار کل ایالتی است که درخواست در آنجا ارائه می‌شود.

اصل دویست

جا به جای قضات دادگاه عالی: (۱) رئیس‌جمهور می‌تواند قاضی دادگاه عالی را به دادگاه عالی دیگر منتقل نماید. ولی انتقال مزبور فقط با رضایت خودقاضی و بعد از مشورت رئیس‌جمهور با رئیس دیوان عالی پاکستان و رؤسای دو دادگاه عالی انجام خواهد گرفت.

مع هذا، اگر انتقال فقط برای یک مدت حداکثر ۲ سال متوالی باشد، رضایت‌قاضی یا مشورت با رؤسای دادگاههای عالی ضروری نخواهد بود.

تبصره: در این اصل «قاضی» شامل رئیس دادگاه نمی‌شود. ولی کفیل وی مشمول آن می‌گردد، البته غیر از کفیلی که قاضی دیوان عالی است و بنا به درخواستی به موجب بند (ب) اصل یکصد و نود و ششم به عنوان کفیل رئیس دادگاه عالی عمل می‌کند.

(۲) هر گاه یک قاضی به نحو مذکور منتقل، و یا به سمتی غیر از سمت قضاوت در محلی غیر از مقر اصلی دادگاه عالی منصوب شود، در طول مدتی که به عنوان قاضی دادگاه عالی به محلی منتقل شده یا به عنوان متصدی سمت دیگر عمل می نماید از پاداش و مزایایی علاوه بر حقوقش به شرحی که رییس جمهور طی فرمانی تعیین می کند برخوردار خواهد شد.

(۳) هر گاه بنا به هر دلیلی ضرورت ایجاب کند که تعداد قضات دادگاه عالی موقتاً افزایش یابد، رییس دادگاه مزبور می تواند از یکی از قضات دادگاه عالی دیگر بخواهد که در جلسات دادگاه مزبور تا مدتی که لازم باشد شرکت جوید. قاضی فوق در طول مدت شرکت در جلسات این دادگاه از اختیارات و صلاحیت قضات آن دادگاه برخوردار خواهد بود.

مع هذا، مأمور ساختن یک قاضی به شرح بالا، فقط با رضایت خود وی، تائید رییس جمهور و پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و رییس دادگاه عالی متبوع وی خواهد بود.

تبصره: در این اصل «دادگاه عالی» شعبات آن را نیز شامل می شود.

(۴) قاضی دادگاه عالی که انتقال به دادگاه عالی دیگر به شرح ماده (۱) را نپذیرد، از شغل خود بازنشست خواهد شد. و در این صورت از مستمری که بر حسب مدت خدمت او به عنوان قاضی و نیز کل خدمت او - اگر باشد - در دستگاه دولتی پاکستان محاسبه خواهد شد، برخوردار می گردد.

اصل دویست و یکم

لازم‌الاجرا بودن تصمیم دادگاه عالی برای دادگاههای تابعه: با رعایت اصل یکصد و هشتاد و نهم تصمیمات دادگاه عالی در حدی که در مورد یک‌مسأله قانونی تصمیم بگیرد، و یا بر یک اصل قانونی بنا شده یا آن را تصریح‌نماید برای همه دادگاههای تابعه لازم‌الاجرا خواهد بود.

اصل دویست و دوم

ضوابط دادرسی: دادگاه عالی با رعایت قانون اساسی و قوانین می‌تواند ضوابطی را برای تنظیم تشریفات دادرسی خود یا دادگاههای تابعه وضع نماید.

اصل دویست و سوم

نظارت دادگاه عالی بر دادگاههای تابعه: هر دادگاه عالی، دادگاههای تابعه خود را کنترل و بر آنها نظارت خواهد کرد.

فصل سوم (الف): دادگاه شریعت فدرال

اصل دویست و سوم (الف)

ارجحیت مقررات این فصل بر سایر مفاد و مقررات قانون اساسی: مقررات این فصل بدون توجه به هر چیز دیگری که در قانون اساسی آمده تنفیذ خواهد شد.

اصل دویست و سوم (ب)

تعاریف: در این فصل به استثنای مواردی که موضوع یا متن معنی دیگری را اقتضابکند:

الف) منظور از «رییس» رییس دادگاه است.

ب) منظور از «دادگاه» دادگاه شریعت فدرال است که براساس اصل دویست و سوم بند (ج) تشکیل می شود.

ب ب) منظور از قاضی، قاضی دادگاه مزبور می باشد.

ج) «قانون» شامل هر نوع سنت یا عرفی است که قدرت قانونی دارد اما شامل قانون اساسی، قوانین خصوصی مسلمین و قوانین مربوط به آیین دادرسی دادگاهها یا محاکم و یا تا خاتمه ده سال از آغاز اجرای این فصل، هر قانون مالیاتی یا قوانین مربوط به وضع و وصول عوارض و حق الزحمه ها یا آیین و روش بیمه بانکداری نمی شود.

اصل دویست و سوم (ج)

دادگاه شریعت فدرال: (۱) به موجب این فصل دادگاهی تحت عنوان دادگاه شریعت فدرال تأسیس خواهد شد.

(۲) این دادگاه حداکثر از هشت قاضی مسلمان شامل رییس دادگاه تشکیل می شود که توسط رییس جمهور تعیین می گردند.

(۳) رییس دادگاه باید شخصی باشد که قاضی دیوان عالی هست و یا قبلاً بوده و یا صلاحیت آن را دارد و یا این که قاضی دائمی دادگاه عالی هست و یا قبلاً بوده است.

(۳-الف) از قضات دادگاه حداکثر چهار نفر افرادی هستند که هر کدام قاضی دادگاه عالی هستند یا بوده‌اند و یا صلاحیت آن را دارند، همچنین حداکثر سه نفر از علمای اعلم حقوق اسلامی خواهند بود.

(۴) رئیس و قضات دادگاه نمی‌توانند بیش از سه سال سمت‌های مزبور را داشته‌باشند ولی می‌توانند برای دوره یا دوره‌های دیگر بنا به تشخیص رئیس‌جمهور مجدداً منصوب گردند

مع هذا، یک قاضی دادگاه عالی برای مدتی بیش از دو سال منصوب نخواهد شد، مگر با رضایت خودش و به استثنای مواردی که وی رئیس دادگاه است، پس از مشورت رئیس‌جمهور با رئیس دادگاه عالی.

(۴-الف) رئیس دادگاه در صورتی که قاضی دیوان عالی نباشد، و یک قاضی که قاضی دادگاه عالی نباشد، می‌تواند طی دست نوشته خود خطاب به رئیس‌جمهور از سمت خویش استعفا دهد،

(۴-ب) رئیس‌جمهور می‌تواند در هر زمانی طی فرمانی کتبی:

الف « مدت انتصاب یک قاضی را تغییر دهد،

ب « قاضی را به سمت دیگری منصوب کند.

ج « از قاضی بخواهد که وظایف دیگری را با صلاحدید رییس جمهور انجام دهد، رییس جمهور همچنین می تواند فرمانهای دیگری را که مقتضی بداند صادر نماید.

تبصره: در این ماده و ماده (۴-ج)، کلمه «قاضی» رییس دادگاه را هم شامل می شود.

(۴-ج) قاضی در زمان انجام وظایفی که به موجب ماده (۴-ب) ملزم به اجرای آنها می باشد، و یا در زمان تصدی هر سمت دیگری که به موجب بند مذکور به وی محول شده از حقوق، پاداش و مزایای رییس دادگاه و یا بنا بر مورد قاضی دادگاه برخوردار خواهد شد.

(۵) قاضی دادگاه عالی که انتصاب به عنوان عضو را نپذیرد الزاماً از سمت خود بازنشسته شده و براساس این بازنشستگی می تواند مستمری را که بر حسب طول مدت خدمت او به عنوان قاضی و کل سنوات خدمتی او (اگر داشته باشد) در دستگاه دولتی پاکستان محاسبه می گردد، دریافت نماید.

(۶) مقر مرکزی دادگاه در اسلام آباد خواهد بود. مع هذا دادگاه می تواند هر از چند گاه با تعیین رییس دادگاه و تائید رییس جمهور در محل دیگری تشکیل جلسه دهد.

(۷) رییس و قاضی دادگاه قبل از تصدی سمت در حضور رییس جمهور یا شخصی که او تعیین می کند به شرحی که در پیوست سوم قانون آمده سوگند به جای خواهند آورد.

(۸) هر گاه رییس یا قاضی دادگاه غایب باشد یا نتواند وظایف سمت خود را انجام دهد، رییس جمهور شخص صلاحیت دار دیگری را به منظور انجام وظیفه به عنوان کفیل رییس یا بر حسب مورد به عنوان کفیل قاضی تعیین می کند.

(۹) ریسی که قاضی دیوان عالی و یک قاضی که قاضی دادگاه عالی نباشند به ترتیب از حقوق، مزایا و امتیازاتی یک قاضی دیوان عالی و دادگاه عالی برخوردار خواهند شد.

اصل دویست و سوم - ج - ج

هیأت علما و اعضای عالم: «محذوف».

اصل دویست و سوم .د

اختیارات، صلاحیت و وظایف دادگاه: (۱) دادگاه بنا به تشخیص خود و یادادخواست یک شهروند پاکستانی یا دولت فدرال و یا حکومت ایالتی می تواند مسأله ای را مورد بررسی قرار داده

و مغایرت یا عدم مغایرت قانون یا مفادی از قانون را با احکام اسلامی که در قرآن کریم و سنت پیامبر - که از این به بعد به عنوان احکام اسلامی نام برده می شوند - بیان شده تعیین نماید.

(۱- الف) هر گاه دادگاه قانون یا مفادی از آن را به موجب ماده (۱) مورد بررسی قرار داده و آن را مغایر احکام اسلامی تشخیص دهد، در مورد قانونی که به موضوعی مندرج در فهرست قانونگذاری کشور یا فهرست قانونگذاری مشترک یا به حکومت ایالتی مربوط می شود اعلامیه ای به رئیس جمهور، و در مورد قانونی که در هیچ یک از فهرست های مزبور ذکر نگردید، اعلامیه ای به فرماندار ارسال نموده و مفاد خاصی را که به نظر دادگاه مغایر می باشند، مشخص خواهد نمود و فرصتی را نیز برای حکومت ذیربط خواهد داد که دیدگاه و نقطه نظرات خود را به دادگاه ارائه دهد.

(۲) اگر دادگاه قانون یا مفادی از قانون را مغایر احکام اسلامی تشخیص دهد باید در اعلام نظر خود موارد ذیل را تصریح نماید:

الف) دلایل ابراز نظر مزبور

ب) حدود مغایرت قانون یا مفادی از آن

دادگاه همچنین روزی را که تصمیم مزبور به اجرا در می آید معین کند.

مع هذا، تصمیم مزبور قبل از خاتمه مدتی که در آن دادخواستی در مورد آن به دیوان عالی اقامه شود و یا در صورت ارائه دادخواست، قبل از تعیین تکلیف دادخواست مزبور، تنفیذ نخواهد شد.

(۳) اگر قانون یا مفادی از آن از سوی دادگاه مغایر احکام اسلامی شناخته شود:

الف) رئیس جمهور در مورد قانونی که به موضوع مندرج در فهرست قانونگذاری کشور یا فهرست قانونگذاری مشترک مربوط است، و یا فرماندار در مورد قانونی که با توجه به موضوعی که در هیچ یک از فهرست های مزبور ذکر نشده است به منظور انطباق قانون فوق یا مفادی از آن با احکام اسلامی اقداماتی را نسبت به اصلاح آن به عمل خواهد آورد.

ب) قانون مزبور یا مفادی از آن در حدی که مغایر شناخته شده در روز اجرای تصمیم دادگاه از اعتبار ساقط می شود.

(۴) محذوف.

اصل دویست و سوم. د.د.

صلاحیت تجدیدنظر و دیگر صلاحیت‌های دادگاه: (۱) دادگاه می‌تواند در مورد هر پرونده‌ای که توسط یک دادگاه کیفری براساس قوانین مربوط به اجرای حدود مورد بررسی قرار گرفته، پرونده را طلبیده و قانونی بودن شیوه رسیدگی آن برای دادگاه محرز گردد؛ دادگاه به هنگام درخواست پرونده مزبور می‌تواند دستور دهد که اجرای حکم به تعویق افتد و شخص متهم در صورت بازداشت بودن به قید ضمانت کسی یا با دادن تعهد توسط خود در طی مدت بررسی پرونده آزاد گردد.

(۲) در هر مورد که دادگاه پرونده‌ای را طلبیده، دادگاه می‌تواند حکم متناسب با آن را صادر و یا محکومیت را افزایش دهد:

مع هذا، این اصل به دادگاه اجازه نمی‌دهد که یک حکم برائت ذمه را به یک حکم محکومیت تبدیل و به موجب این اصل نمی‌تواند رأیی علیه متهم صادر نماید مگر اینکه به نامبرده فرصت دفاع از خود در برابر دادگاه را داده باشد.

(۳) دادگاه می‌تواند صلاحیت‌های دیگری را که قانون تعیین کند، داشته باشد.

اصل دویست و سوم. هـ.

اختیارات و رویه کاری دادگاه: (۱) دادگاه به منظور انجام وظایف خود، دارای اختیارات یک دادگاه مدنی می‌باشد که براساس آیین دادرسی مدنی سال ۱۹۰۸ (۲۲) (قانون شماره پنج ۱۹۰۸) در مورد دعاوی مربوط به موضوعات ذیل رسیدگی می‌نماید:

الف) احضار و فراخوانی اجباری هر شخص و بازجویی از وی با ادای سوگند

ب) درخواست کشف و ارائه مدارک

ج) دریافت مدارک براساس سوگندنامه‌ها

د) تشکیل کمیسیونهایی برای بررسی و بازجویی شهود و اسناد

(۲) دادگاه اختیار اداره دادرسیها و تدوین رویه کاری خود را از هر لحاظ که صلاح بداند دارد.

(۳) دادگاه دارای قدرت یک دادگاه عالی برای مجازات هر گونه سرپیچی در حکم قانون خواهد بود.

(۴) هر یک از طرفین دعوای مطروحه در دادگاه مطابق ماده (۱) اصل دویست و سه-ه می‌تواند به عنوان نماینده خود یک وکیل حقوقی را که مسلمان بوده و مدت حداقل پنج سال وکیل

دادگاه عالی یا وکیل دیوان عالی بوده باشد، و یا حقوقدانی را از میان هیأت حقوقدانان ویژه دادگاه برای این منظور، معرفی نماید.

(۵) هر شخصی که بخواهد برای عضویت در هیأت حقوقدانان مذکور در ماده (۴) حائز شرایط گردد، باید از نظر دادگاه عالم و آگاه به شریعت اسلام باشد.

(۶) وکیل یا حقوقدانی که نماینده طرفی در برابر دادگاه است، نباید از طرف وی دادخواست نماید، بلکه باید احکام اسلامی مربوط به آیین دادرسی را تا آنجا که برای او معلوم شوند، تفسیر و تشریح نموده و اظهار نامه‌ای کتبی از تفاسیر خود از آن احکام اسلامی را تسلیم دادگاه کند.

(۷) دادگاه می‌تواند هر فردی را که از نظر دادگاه عالم به حقوق اسلامی باشد اعم از اینکه در داخل یا خارج از پاکستان باشد دعوت نماید که در دادگاه حاضر شده و در مواردی که از وی خواسته می‌شود با دادگاه همکاری نماید.

(۸) اموال دادگاه در خصوص دادخواست یا درخواستی که به موجب اصل دویست و سه به دادگاه ارائه شده قابل پرداخت نخواهد بود.

(۹) دادگاه قدرت تجدیدنظر در مورد هر نوع تصمیم یا حکم صادره خود را خواهد داشت.

اصل دویست و سوم.و.

فرجام خواهی از دیوان عالی کشور: (۱) هر طرفی که در دادرسیهای دادگاه به موجب اصل دویست و سوم د. بر اثر حکم نهایی دادگاه در دادرسیهای مزبور متضرر گردد می تواند ظرف شصت روز از صدور حکم مزبور از دیوان عالی درخواست پژوهش نماید.

مع هذا، استیناف از طرف حکومت فدرال یا یک ایالت باید ظرف شش ماه از تصمیم مزبور ارائه شود.

(۲) مفاد مواد (۲) و (۳) اصل دویست و سوم د. و مواد (۴) تا (۸) اصل دویست و سوم ه در مورد دیوان عالی کشور به نحوی اعمال خواهد شد که اشاره به دادگاه در آن مفاد به مثابه اشاره به دیوان عالی کشور باشد.

(۲-الف) استیناف از دیوان عالی به خاطر حکم، رأی نهایی یا قرار صادره توسط دادگاه شریعت کشوری در موارد ذیل انجام خواهد گرفت:

((الف)) هر گاه دادگاه شریعت کشوری براساس استینافی، حکم برائت ذمه شخص متهمی را تغییر داده و او را به مرگ یا حبس ابد یا زندان بیش از پانزده سال محکوم کرده باشد و یا اینکه پس از تجدیدنظر، محکومیتی را به شرحی که گذشت افزایش داده باشد.

((ب)) هر گاه دادگاه شریعت کشوری مجازاتی را برای فردی به دلیل توهین به دادگاه در نظر گرفته باشد.

(۲- ب) استیناف از دیوان عالی به خاطر رای، حکم، تصمیم، دستور یا قرار صادره توسط دادگاه شریعت کشوری در مواردی که مشمول بندهای فوق نمی‌شود، تنها زمانی ارائه خواهد شد که دیوان عالی اجازه فرجام‌خواهی به آن را بدهد.

(۳) به منظور اعمال صلاحیت تفویضی به موجب این اصل «در دیوان عالی دادگاهی به نام «دادگاه استینافی شریعت» مرکب از اعضای ذیل تشکیل خواهد شد:

الف) سه قاضی مسلمان از دیوان عالی کشور، و

ب) حداکثر دو نفر عالم که توسط رئیس‌جمهور برای شرکت در جلسات دادگاه مزبور به عنوان اعضای کمکی آن از بین قضات دادگاه شریعت کشوری یا از میان هیأت علما و با مشورت با رئیس دیوان عالی انتخاب می‌شوند.

(۴) شخصی که به موجب بند (ب) از ماده (۳) منصوب می‌شود تا زمانی که موردنظر رئیس‌جمهور باشد، در سمت مزبور باقی خواهد ماند.

(۵) در مواد (۱) و (۲) اشاره به «دیوان عالی» به عنوان اشاره به دادگاه استینافی شریعت تعبیر خواهد شد.

(۶) شخصی که به موجب بند (ب) از ماده (۳) منصوب می‌شود، در طول شرکت در جلسات دادگاه استینافی شریعت، اختیارات و صلاحیت قاضی دیوان عالی را داشته و از مزایای وی برخوردار شده و حقوقی را که رئیس‌جمهور تعیین می‌کند دریافت خواهد کرد.

اصل دویست و سوم.ز.

مصونیت دادگاه صالح: هیچ دادگاه یا محکمه‌ای از جمله دیوان عالی کشور و دادگاه عالی، در مورد هر موضوعی که در حوزه قدرت و صلاحیت این دادگاه قرار دارد، هیچ دادرسی را انجام نداده و قدرت و صلاحیت خود را اعمال نخواهد نمود مگر به نحوی که در اصل دویست و سوم و. آمده است.

اصل دویست و سوم.ز.

لازم‌الاجرا بودن تصمیم دادگاه شریعت برای دادگاه عالی و دادگاههای تابعه: با رعایت اصل دویست و سوم- د- و اصل دویست و سوم- و- تصمیماتی که دادگاه شریعت به موجب صلاحیت محوله در این فصل، اتخاذ می‌نماید، برای دادگاه عالی و کلیه دادگاههای تابعه آن لازم‌الاجرا خواهد بود.

اصل دویست و سوم .ح.

ادامه دادرسیهای بلا تکلیف و غیره: (۱) با رعایت به ماده (۲)، هیچ چیز در این فصل دادرسی بلا تکلیف دادگاه یا محکمه‌ای را که بلافاصله قبل از روز آغاز اجرای این فصل جریان داشته یا بعد از آن مطرح شده به تعویق نینداخته، یا فقط بر اثر دادخواستی در مورد مغایرت یا عدم مغایرت قانون یا مفادی از قانون مربوط به حکم مسأله مورد بررسی احکام اسلامی، به حال تعلیق در نخواهد آمد کلیه دادرسیها ادامه یافته و در مورد مسأله مطروحه طبق قانون جاری وقت تصمیم‌گیری خواهد شد.

(۲) کلیه دادرسیهای مشمول ماده (۱) اصل دویست و سوم - ب- قانون اساسی که ممکن است بلافاصله قبل از روز آغاز اجرای این فصل در دادگاه عالی معلق مانده باشند، به این دادگاه منتقل شده و دادگاه رسیدگی به آنها را از مرحله‌ای که منتقل می‌شوند دنبال خواهد کرد.

(۳) دادگاه عالی و دیوان عالی در اعمال صلاحیت خود براساس این فصل قدرت صدور قرار منع یا قرار موقت در مورد دادرسیهای معلق در دادگاه یا محکمه دیگر را نخواهند داشت.

اصل دویست و سوم ط

امور اداری: «محذوف».

اصل دویست و سوم. ی

قدرت وضع ضوابط: (۱) دادگاه به منظور اجرای این فصل می تواند ضوابطی را از طریق اعلانیه در روزنامه رسمی تعیین نماید.

(۲) از طریق ضوابط مزبور بطور خاص و بدون اینکه خدشه ای به کلیت قدرت مذکور وارد آید می توان در مورد همه یا هر یک از موضوعات ذیل مقرراتی وضع نمود:

الف) میزان حق الزحمه خدمات حقوقدانان، کارشناسان و شهود احضار شده به دادگاه که احتمالاً هزینه هایی را برای شرکت در جلسات دادگاه متحمل شده اند.

ب) آیین سوگندی که یک کارشناس یا حقوقدان یا شاهی که در برابر دادگاه حاضر می شود، به جای می آورد.

ج) اختیارات و وظایف دادگاه که توسط مجمع قضات مرکب از یک یا چند عضو انجام یافته و اعمال می گردند مجمع فوق را رؤسای دادگاهها تشکیل می دهند.

(د) رأی دادگاه که براساس نظر اکثریت اعضای آن یا بنا بر مورد اعضای تشکیل دهنده مجمع قضاات صادر می‌گردد.

(ه) تصمیم‌گیری در مواردی که آرای اعضا تشکیل دهنده مجمع قضاات مساوی باشد.

(۳) تا زمان وضع ضوابطی به موجب ماده (۱) «مقررات دادگاههای شریعت‌دادگاههای پژوهش ۱۹۷۹» [۲۳] با تغییرات لازم و تا میزان انطباق با مفاد این فصل به قوت خود باقی خواهند ماند.

فصل چهارم

مقررات عمومی مربوط به قوه قضاییه

اصل دویست و چهارم

اخلال در نظم دادگاه: (۱) در این اصل منظور از «دادگاه» عبارت است از دیوان عالی کشور یا یک دادگاه عالی.

(۲) دادگاه قدرت مجازات هر شخصی را در موارد ذیل خواهد داشت:

الف) هر گاه شخصی در جریان کار دادگاه به نحوی اخلاف، مداخله و سوءاستفاده نموده یا از دستورات دادگاه سرپیچی نماید.

ب) هر گاه شخصی به دادگاه تهمت ناروا زده یا اقدامی کند که دادگاه یا قاضی دادگاه را مورد تنفر و تمسخر قرار داده و به وی توهین شود.

ج) هر گاه شخصی عملی انجام دهد که به رسیدگی و تعیین تکلیف موضوع مطروحه در دادگاه خلل وارد سازد.

د) هر گاه شخصی هر عمل دیگری را که از نظر قانون توهین به دادگاه باشد، انجام دهد.

(۳) نحوه اعمال اختیارات محوله به دادگاه به موجب این اصل را با رعایت مقررات موضوعه توسط دادگاه، قانون تعیین می کند.

اصل دویست و پنجم

حقوق و ... قضات: حقوق و دیگر مسائل و شرایط خدمت قاضی دیوان عالی یادادگاه عالی به شرح پیوست پنجم خواهد بود.

اصل دویست و ششم

استعفا: (۱) قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی می تواند طی دست نوشته خود خطاب به رئیس جمهور از مقام خود استعفا دهد.

(۲) قاضی دادگاه عالی که انتصاب به سمت قاضی دیوان عالی را نپذیرد الزاماً از سمت خود بازنشست شده و بعد از این بازنشستگی مستمری را که بر حسب طول مدت خدمت او به عنوان قاضی و کل خدمت احتمالی او در دستگاههای دولتی پاکستان محاسبه می شود، دریافت خواهد نمود.

اصل دویست و هفتم

ممنوعیت مشاغل انتفاعی برای قضات: (۱) قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی نمی تواند:

الف) شغل انتفاعی دیگری را که موجب افزایش حقوق او شود، در دستگاه دولتی پاکستان عهده‌دار گردد.

ب) سمت دیگری را که دارای حقوق در ازای ارائه خدمات شود، عهده‌دار شود.

(۲) شخصی که در سمت قاضی دیوان عالی کشور یا دادگاه عالی باشد، نمی‌تواند هیچ نوع سمت انتفاعی را در دستگاه دولتی پاکستان غیر از سمت قضایی یا شبه‌قضایی یا سمت مأمور عالی انتخابات، ریاست یا عضویت کمیسیون حقوقی، ریاست یا عضویت شورای عقیدتی اسلامی قبل از انقضای دو سال از کناره‌گیری از سمت مزبور داشته باشد.

(۳) کسی که

الف) سمت قاضی دائمی دیوان عالی را عهده‌دار باشد، در هیچ دادگاه یا در برابر هیچ مرجعی در پاکستان اقدام یا دفاع نخواهد کرد.

ب) قاضی دائمی یک دادگاه عالی باشد در هیچ دادگاه یا در برابر هیچ مرجعی در حوزه قضایی خود اقدام یا دفاع نخواهد کرد.

پ) دادگاه عالی پاکستان غربی باشد که بلافاصله قبل از اجرای «فرمان ۱۹۷۰ (۲۴)» (انحلال) ایالت پاکستان غربی وجود داشته در دادگاه یا برابر هیچ مرجعی در حوزه قضایی مقرر اصلی

دادگاه عالی مزبور و یا بنا بر مورد احتمالی، مجمع دائمی دادگاهی که وی به آن مأمور شده اقدام یا دفاع نخواهد نمود.

اصل دویست و هشتم

کارکنان و مستخدمین دادگاهها: دیوان عالی کشور [و دادگاه شریعت کشوری] با تایید رئیس جمهور و دادگاه عالی، با تصویب فرماندار ذیربط می تواند ضوابطی را برای انتصاب کارکنان و مستخدمین دادگاه توسط دادگاه و شرایط و مدت استخدام آنها تدوین نماید.

اصل دویست و نهم

شورای عالی قضایی: (۱) شورایی به نام شورای عالی قضایی پاکستان وجود خواهد داشت که در این فصل به عنوان شورا به آن اشاره می شود.

(۲) شورای مزبور مرکب است از:

الف) رئیس دیوان عالی پاکستان

ب) دو نفر از قضات ارشد دیوان عالی

پ) دو نفر از رؤسای ارشد دادگاههای عالی

تبصره: از لحاظ این بند، تعیین ارشدیت رؤسای دادگاههای عالی براساس تاریخ انتصاب آنان به عنوان رییس دادگاه و نه به عنوان کفیل رییس دادگاه، و در مواردی که تاریخهای انتصاب یکسان باشد، براساس تاریخ انتصاب آنان به عنوان قضات دادگاههای عالی انجام می گیرد.

(۳) اگر شورا زمانی در مورد صلاحیت و قابلیت یکی از قضاتی که عضو شورا است تحقیق نماید یا عضوی از شورا غایب باشد یا به علت بیماری یا هر دلیل دیگر قادر به کار نباشد:

الف) در صورتی که عضو مزبور قاضی دیوان عالی کشور باشد یکی از قضات دیوان عالی کشور که از نظر ارشدیت بعد از قضات مذکور در بند (ب) ماده (۲) باشد،

ب) در صورتی که عضو مزبور رییس یک دادگاه عالی باشد رییس یک دادگاه عالی دیگر که از نظر ارشدیت از سایر رؤسای دادگاههای عالی ارشدتر باشد، به جای وی به عنوان کفیل عضو شورا عمل خواهد کرد.

(۴) اگر در باب مسأله‌ای که شورا مورد رسیدگی قرار داده بین اعضا اختلاف نظر وجود داشته باشد نظر اکثریت تقدم داشته و گزارش شورا به رییس جمهور براساس نظر اکثریت اعلام خواهد شد.

(۵) اگر بنا به اطلاعاتی که از شورا یا هر منبع دیگر دریافت می گردد نظریه رییس جمهور این باشد که یک قاضی دیوان عالی کشور یا دادگاه عالی:

الف) به دلیل ناتوانی جسمی یا روحی قادر به انجام وظایف خود به نحو احسن نیست، یا

ب) مرتکب خلافی گردیده است، رییس جمهور از رییس شورا خواهد خواست که موضوع را مورد رسیدگی و بررسی قرار دهد.

(۶) اگر بعد از بررسی و رسیدگی، شورا به رییس جمهور اعلام نماید که به نظر آنها:

الف) قاضی قادر به انجام وظایف خود نبوده یا مرتکب خلاف گردیده است،

ب) قاضی باید از سمت خود عزل گردد، رییس جمهور می تواند قاضی را از سمت خود معزول نماید.

(۷) قاضی دیوان عالی کشور یا دادگاه عالی را نمی توان عزل کرد مگر به شرح مصرحه در این اصل

(۸) شورا یک آیین‌نامه اجرایی تدوین خواهد کرد که قضات دیوان عالی یادادگاههای عالی از آن تبعیت خواهند نمود.

اصل دویست و دهم

قدرت شورا برای احضار اشخاص و...: (۱) به منظور بررسی و رسیدگی به هر موضوعی شورا همان قدرت دیوان عالی کشور را برای صدور امریه‌ها یا احکام احضار اشخاص یا افشا و ارائه هر سندی دارد و اجرای امریه یا حکم مزبور به گونه‌ای خواهد بود که گویی از سوی دیوان عالی صادر گردیده است.

(۲) مفاد اصل دویست و چهارم در مورد دیوان عالی، دادگاههای عالی و شورای عالی قضایی بطور یکسان اجرا خواهد شد.

اصل دویست و یازدهم

مصونیت دادگاه صالح: دادرسیهای شورا، گزارش آن به رئیس جمهور و عزل قاضی به موجب ماده (۶) اصل دویست و نهم در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

اصل دویست و دوازدهم

دادگاهها و محاکم اداری: (۱) صرفنظر از آنچه تا به حال آمده قوه مقننه ذیربط می تواند بر حسب قانون امکان تشکیل یک یا چند دادگاه یا محکمه اداری را برای اعمال صلاحیت قضایی انحصاری در مورد افراد موضوعات ذیل فراهم سازد:

الف) موضوعات مربوط به موقعیت و شرایط افراد از جمله مسائل انضباطی کسانی که در دستگاه دولتی پاکستان بوده یا هستند.

ب) موضوعات مربوط به دعاوی علیه اعمال زیانبار حکومت یا هر کسی که در دستگاه دولتی پاکستان است یا هر دستگاه محلی دیگر که به موجب قانون قدرت وضع یا تعیین مالیات را دارد. و نیز مستخدمین دستگاه مزبور که وظایف محوله خود را در سمتی که دارند انجام می دهند.

ج) موضوعات مربوط به تصاحب، اداره و تعیین تکلیف اموالی که طبق قانون به عنوان اموال دشمن شناخته می شوند.

(۲) بدون توجه به هر آنچه تا به حال ذکر شده هر جا که دادگاه یا محکمه اداری به موجب ماده (۱) تشکیل شود، هیچ دادگاه دیگری در مورد مسأله‌ای که در صلاحیت دادگاه یا محکمه اداری مزبور قرار دارد رأی یا حکمی صادر و به هیچ دادرسی مشمول صلاحیت مزبور رسیدگی نخواهد نمود. کلیه دادرسیهای مربوط به موضوعاتی که ممکن است بلافاصله قبل از تشکیل دادگاه یا محکمه اداری به دادگاه دیگری ارجاع شود، البته غیر از استیناف از دیوان عالی کشور، باتشکیل محکمه یا دادگاه اداری ملغی خواهد گردید.

مع هذا، مقررات این ماده در مورد محکمه یا دادگاه اداری که براساس «قانون» مجلس ایالتی تشکیل شده باشد صدق نمی‌کند مگر اینکه بنا به درخواست مجلس مزبور آنهم به صورت تصمیم، مجلس شورا (پارلمان) بطریق قانونی مقررات فوق را به چنین دادگاه یا محکمه‌ای تفویض نماید.

(۳) استیناف از دیوان عالی کشور در مورد رأی، حکم، قرار یا حد صادره یک دادگاه یا محکمه اداری تنها زمانی قابل طرح است که دیوان عالی کشور در صورت حصول اطمینان از اینکه پرونده مربوط به یک مسأله اساسی قانون با اهمیت عمومی است، اجازه آن را بدهد.

تشکیل دادگاهها یا محاکم نظامی: «محدوف».

بخش هشتم

انتخابات

فصل اول - مأمور عالی انتخابات و کمیسیونهای انتخاباتی

اصل دویست و سیزدهم

مأمور عالی انتخابات: (۱) یک نفر «مأمور عالی انتخابات» که در این بخش تحت عنوان «مأمور عالی» از وی نام برده می شود، توسط رئیس جمهور و باصلاحدید وی منصوب خواهد شد.

(۲) یک شخص تنها زمانی می تواند به عنوان مأمور عالی انتخاب شود که قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی باشد یا قبلاً بوده است و به موجب بند الف) از ماده (۲) اصل یکصد و هفتاد و هفت واجد شرایط انتخاب به عنوان قاضی دیوان عالی باشد.

(۳) مأمور عالی از اختیارات و وظایفی که قانون اساسی و مقررات تعیین می‌کند، برخوردار خواهد بود.

اصل دویست و چهاردهم

سوگند مأمور عالی: مأمور عالی قبل از تصدی سمت به شکلی که در پیوست سوم آمده در حضور رئیس دیوان عالی پاکستان سوگند به جای خواهد آورد.

اصل دویست و پانزدهم

مدت خدمت مأمور عالی: (۱) مأمور عالی، با رعایت این اصل از روزی که به این سمت منصوب می‌شود، به مدت سه سال تصدی آن را به عهده خواهد داشت.

مع هذا، مجلس ملی می‌تواند طی تصمیمی مدت خدمت مأمور عالی را حداکثر یک سال افزایش دهد.

(۲) مأمور عالی تنها به نحوی که در اصل دویست و نهم برای عزل یک قاضی پیش‌بینی شده برکنار خواهد شد و بنا بر این در اعمال مفاد اصل مزبور در این ماده، اشاره به قاضی به عنوان اشاره به مأمور عالی خواهد بود.

(۳) مأمور عالی می‌تواند طی دست نوشته خود خطاب به رئیس‌جمهور از سمت خود استعفا دهد.

اصل دویست و شانزدهم

ممنوعیت شغل انتفاعی برای مأمور عالی: (۱) مأمور عالی نباید:

الف) یک شغل انتفاعی دیگری را در دستگاه دولتی پاکستان داشته باشد.

ب) سمتی را که حق دریافت حقوق و مزایا در ازای ارائه خدمات ایجاد می‌نماید، اشغال نماید.

(۲) شخصی که در مقام مأمور عالی باشد، نباید قبل از خاتمه دو سال از برکناری از سمت مزبور یک سمت انتفاعی را در دستگاه دولتی پاکستان تصدی کند.

مع هذا،

الف) این ماده مانع از این نمی شود که شخصی که بلافاصله قبل از انتصاب به سمت مأمور عالی قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی بوده، در خاتمه دوران خدمتش به عنوان مأمور عالی وظایف سمت قضاوت خود را مجدداً عهده دار گردد.

ب) شخصی که در سمت مأمور عالی باشد، می تواند با توافق مجلسین، قبل از خاتمه دو سال از برکناری از سمت مزبور مجدداً منصوب شود.

اصل دویست و هفدهم

کفیل مأمور عالی: هر گاه:

الف) سمت مأمور عالی بلا تصدی باشد، یا

ب) مأمور عالی غایب بوده و یا بنا به هر دلیلی قادر به انجام وظایف خویش نباشد، یکی از قضات دیوان عالی با معرفی رییس دیوان عالی کشور به عنوان کفیل مأمور عالی عمل خواهد کرد.

اصل دویست و هیجدهم

کمیسیون انتخابات: (۱) جهت هر یک از انتخابات عمومی مجلس ملی و مجلس ایالتی، یک کمیسیون انتخاباتی به موجب این اصل تشکیل خواهد گردید.

(۲) ترکیب کمیسیون انتخابات به شرح ذیل خواهد بود:

الف) مأمور عالی که رئیس کمیسیون خواهد بود،

ب) دو نفر عضو که قاضی دادگاه عالی باشد و توسط رئیس جمهور پس از مشورت با رئیس دادگاه عالی مزبور و مأمور عالی انتخاب خواهند شد.

(۳) وظیفه کمیسیونی که برای انتخابات تشکیل می شود، عبارت است از سازماندهی و هدایت انتخابات و اتخاذ ترتیبات لازم برای حصول اطمینان از اینکه انتخابات با درستی، صداقت و مطابق قانون برگزار و از اعمال خلاف جلوگیری می گردد.

اصل دویست و نوزدهم

وظایف مأمور عالی: وظایف مأمور عالی عبارت است از:

الف) تهیه فهرست‌های انتخاباتی برای انتخابات مجلس ملی و مجالس ایالتی و همچنین بازنگری سالانه فهرست‌های مزبور.

ب) سازماندهی و هدایت انتخابات سنا و یا تکمیل کرسیهای خالی هر یک از مجلسین و مجالس ایالتی.

ج) تعیین محاکم انتخاباتی.

اصل دویست و بیست

همکاری دستگاههای اجرایی با کمیسیون ...: تمام دستگاههای اجرایی کشور و ایالات موظف می‌باشند که با مأمور عالی و کمیسیون انتخابات درانجام وظایفشان همکاری نمایند.

اصل دویست و بیست و یکم

مقامات و کارکنان: تا زمانی که مجلس شورا (پارلمان) به موجب قانون نحوه دیگری تعیین نماید، مأمور عالی با تایید رئیس جمهور می تواند، مقرراتی را وضع کند که خود وی، مقامات و کارکنانی جهت اشتغال برای انجام وظایف مأمور عالی یا کمیسیون انتخابات و همچنین مدت شرایط اشتغال آنان منصوب نماید.

فصل دوم: قوانین انتخاباتی و برگزاری انتخابات

اصل دویست و بیست و دوم

قوانین انتخاباتی: با رعایت قانون اساسی، مجلس شورا (پارلمان) می تواند از طریق قانون، امکان اقدامات ذیل را فراهم سازد:

الف) تخصیص و تعیین کرسیها در مجلس ملی به موجب مواد (۳) و (۴) اصل پنجاه و یکم

ب) تعیین حوزه های انتخاباتی توسط کمیسیون انتخابات

ج) تهیه فهرست‌های انتخاباتی، شرایط لازم سکونت در حوزه انتخاباتی، تعیین اعتراضات مربوط به شروع فهرست‌های انتخاباتی

د) برگزاری انتخابات و اقامه دعاوی انتخاباتی، رفع ابهامات و اختلافات مربوط به انتخابات

ه) موضوعات مربوط به اعمال خلاف و سایر تخلفات در مورد انتخابات

و) کلیه موضوعات ضروری دیگر برای تشکیل مجلسین و مجالس ایالتی.

مع هذا قانون مزبور هیچ یک از اختیارات مأمور عالی یا کمیسیون انتخاباتی را که به موجب این فصل محول گردیده سلب یا محدود نمی‌نماید.

اصل دویست و بیست و سوم

ممنوعیت عضویت مضاعف: (۱) هیچ کس نمی‌تواند در آن واحد عضو

الف) مجلسین

ب) یکی از مجلسین و مجلس ایالتی

ج) مجالس یک یا چند ایالت

د) یکی از مجلسین یا مجلس ایالتی برای بیش از یک کرسی باشد.

(۲) هیچ چیز در ماده (۱) مانع از این نمی‌شود که شخص همزمان نامزد یک یا چند کرسی در یک دستگاه و در چند دستگاه مختلف باشد. اما اگر برای بیش از یک کرسی انتخاب شود، باید ظرف سی روز بعد از اعلام نتایج آخرین کرسی، از همه کرسیها غیر از یک کرسی استعفا دهد. در غیر این صورت، در خاتمه موعده سی روزه، آخرین کرسی که وی برای آن انتخاب شده، و اگر برای بیش از یک کرسی در همان روز انتخاب شود، آخرین کرسی انتخاباتی که به نام وی پر شده باشد خالی خواهد شد.

تبصره: در این ماده «دستگاه» به معنی هر یک از مجلسین یا مجلس ایالتی می‌باشد.

(۳) شخص مذکور در ماده (۲) تا زمانی که از همه کرسیها به جز یک کرسی استعفا نداده، در هیچ یک از مجلسین و یا مجلس ایالتی که وی برای آن انتخاب شده نمی‌تواند کرسی را اشغال نماید.

(۴) با رعایت ماده (۲) اگر عضوی از مجلسین یا مجلس ایالتی برای کرسی دوم انتخاب شود و به موجب ماده (۱) نتواند آن را همزمان با کرسی اول اشغال نماید، کرسی نخستین به محض انتخاب وی برای کرسی دوم، خالی خواهد شد.

اصل دویست و بیست و چهارم

زمان انتخابات اصلی و انتخابات میاندوره‌ای: (۱) انتخابات عمومی مجلس ملی یا مجلس ایالتی ظرف شصت روز بلافاصله قبل از روزی که دوره مجلس خاتمه می‌یابد، برگزار می‌شود، مگر اینکه مجلس زودتر از آن منحل گردد. نتایج انتخابات حداکثر تا چهارده روز پیش از آن روز اعلام خواهد شد.

(۲) وقتی که مجلس ملی یا مجلس ایالتی منحل گردد، انتخابات عمومی آن مجلس ظرف نود روز بعد از انحلال برگزار و نتایج انتخابات حداکثر چهارده روز بعد از خاتمه شمارش آرا اعلام خواهد شد.

(۳) انتخابات جایگزینی کرسیهای مجلس سنا که با خاتمه دوره نمایندگی اعضای سنا خالی می‌شود حداکثر سی روز بلافاصله قبل از روزی که خلاء مزبور ایجاد شود، انجام خواهد شد.

(۴) غیر از مواردی که مجلس ملی یا مجلس ایالتی منحل گردد، هر گاه یک کرسی در هر یک از مجالس حداکثر تا یکصد و بیست روز قبل از خاتمه دوره آن مجلس خالی شود، انتخابات جایگزینی آن کرسی باید ظرف شصت روز از ایجاد خلاء برگزار شود.

(۵) هر گاه یک کرسی در سنا خالی شود، انتخابات جایگزینی آن کرسی ظرف سی روز از خالی شدن آن برگزار خواهد شد.

اصل دویست و بیست و پنج

اختلافات انتخاباتی: انتخابات هر یک از مجلسین یا مجلس ایالتی در دادگاهی مطرح نخواهد شد مگر اینکه طی دادخواست انتخاباتی که به نحو مقرر از سوی مجلس شورا (پارلمان) و به دادگاهی که مجلس مزبور تعیین می کند، تسلیم شود.

اصل دویست و بیست و شش

انتخابات با رأی مخفی: تمام انتخابات به موجب قانون اساسی با رأی مخفی خواهد بود.

بخش نهم

قوانین اسلامی

اصل دویست و بیست و هفت

مقررات مربوط به قرآن مجید و سنت: (۱) کلیه قوانین حاضر باید مطابق احکام اسلامی باشند که در قرآن مجید و سنت آمده و در این بخش تحت عنوان «احکام اسلامی» به آنها اشاره می‌شود. هیچ قانونی در صورت مغایرت با احکام مزبور نباید اجرا شود.

تبصره: در اعمال این ماده در مورد قوانین خصوصی هر مذهب اسلامی عبارت «قرآن و سنت» به معنی قرآن و سنت به تفسیر آن مذهب خواهد بود.

(۲) مقررات ماده (۱) تنها به نحوی که در این بخش مقرر شده است قابل اجرا خواهند بود.

(۳) این بخش قوانین فردی شهروندان غیر مسلمان یا موقعیت آنان به عنوان یک شهروند را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

اصل دویست و بیست و هشتم

تشکیل شورای اسلامی: (۱) ظرف نود روز از روز آغاز، یک شورای عقیدتی اسلامی که در این بخش تحت عنوان «شورای اسلامی» بدان اشاره می شود تشکیل خواهد شد.

(۲) شورای اسلامی از حداقل ۸ و حداکثر ۲۰ عضو تشکیل می شود که رئیس جمهور آنها را از بین کسانی که عالم به اصول و فلسفه اسلامی به تعبیر قرآن مجید و سنت، و یا آگاه به مسائل اداری، حقوقی و سیاسی و اقتصادی پاکستان باشند، انتخاب می نماید.

(۳) به هنگام انتصاب اعضای شورای اسلامی، رئیس جمهور باید اطمینان یابد که:

الف) تا حد امکان مکاتب فکری متعدد در شورا نماینده داشته باشند،

ب) بیش از دو نفر از اعضا کسانی باشند که قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی هستند یا بوده اند.

ج) بیش از چهار نفر از اعضا کسانی باشند که هر کدام بیش از پانزده سال به تحقیق یا تعلیم اسلامی مشغول بوده اند.

د) حداقل یک عضو زن باشد.

(۴) رئیس‌جمهور یکی از اعضای مذکور در بند (ب) ماده (۳) را به عنوان رئیس‌شورای اسلامی
برخواهد گزید.

(۵) با توجه به ماده (۶) یک عضو شورای اسلامی به مدت سه سال در این سمت خواهد بود.

(۶) هر عضو می‌تواند طی دست‌نوشته خود خطاب به رئیس‌جمهور از سمت خود استعفا داده،
یا با تصویب تصمیمی توسط اکثریت کل اعضای شورای اسلامی برای عزل وی توسط
رئیس‌جمهور برکنار گردد.

اصل دویست و بیست و نهم

کسب نظر مجلس شورا (پارلمان) ... از شورای اسلامی: رئیس‌جمهور یا فرماندار ایالت یا مجلس
شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی بشرط درخواست دوپنجم کل اعضا می‌تواند در مورد مغایرت یا
عدم مغایرت مسأله مربوط به قانون‌پیشنهادی، با احکام اسلامی، از شورای اسلامی کسب نظر
نماید.

اصل دویست و سی‌ام

وظایف شورای اسلامی: (۱) وظایف شورای اسلامی عبارتند از:

الف) ارائه پیشنهاد به مجلس شورا (پارلمان) و مجالس ایالتی در مورد طرق و شیوه‌های تواناسازی و تشویق مسلمانان پاکستان برای تنظیم زندگی فردی و اجتماعی خود در همه جوانب بر طبق اصول و مفاهیم اسلام، به نحوی که در قرآن مجید و سنت رسول بیان شده است.

ب) راهنمایی مجلس شورا (پارلمان)، مجلس ایالتی، رئیس‌جمهور یا فرماندار، در مورد هر مسأله ارجاعی به شورا در باب مغایرت یا عدم مغایرت یک قانون پیشنهادی با احکام اسلامی.

ج) ارائه پیشنهاد درباره انجام اقداماتی به منظور تطبیق قوانین موجود با احکام اسلامی و مراحلی که چنین اقداماتی طی خواهند نمود.

د) تدوین و تنظیم درست آن بخش از احکام اسلامی برای راهنمایی مجلس شورا (پارلمان) و مجالس ایالتی که در قانونگذاری بکار می‌روند.

(۲) هر گاه به موجب اصل دویست و بیست و نهم مسأله‌ای توسط مجلس شورا (پارلمان) مجلس ایالتی، رئیس‌جمهور یا فرماندار به شورای اسلامی ارجاع شود، شورا ظرف پانزده روز به مجلس شورا (پارلمان) مجلس ایالتی یا بنا بر مورد به رئیس‌جمهور یا فرماندار مدتی را که در عرض آن می‌تواند رهنمود مزبور را تهیه کند، اعلام خواهد نمود.

(۳) هر گاه مجلس شورا (پارلمان) مجلس ایالتی یا بنا بر مورد رئیس‌جمهور یا فرماندار، تشخیص دهند که با توجه به منافع عامه تصویب یک قانون پیشنهادی که در مورد آن مسأله‌ای حادث شده نباید تا تهیه راهنمایی شورای اسلامی به تعویق افتد، قانون مزبور می‌تواند قبل از اعلام نظر شورا تصویب شود:

مع هذا، هر گاه قانونی برای کسب نظر شورا به آن ارجاع شود و شورا نظر دهد که قانون مزبور مغایر احکام اسلامی است، مجلس شورا (پارلمان) یا بنا بر مورد، مجلس ایالتی، رئیس‌جمهور، یا فرماندار، قانونی را که به این صورت تصویب شده باشد، مورد تجدیدنظر قرار خواهد داد.

(۴) شورای اسلامی ظرف هفت سال از تشکیل شورا گزارش نهایی خود را علاوه بر گزارش ضمنی سالانه ارائه خواهد نمود. گزارش مزبور اعم از نهایی و یا ضمنی برای بحث و بررسی ظرف شش ماه از دریافت آن تقدیم مجلسین و مجلس ایالتی خواهد شد. مجلس شورا (پارلمان) و مجلس ایالتی بعد از بررسی گزارش، طی دو سال بعد از گزارش نهایی قوانین مربوط به آن را وضع خواهند نمود.

اصل دویست و سی و یکم

رویه کاری: روش کار شورای اسلامی براساس مقرراتی که توسط شورا وضع و به تصویب رئیس جمهور می‌رسد تنظیم خواهد شد.

بخش دهم

مقررات وضع فوق‌العاده

اصل دویست و سی و دوم

اعلام وضع فوق‌العاده به هنگام جنگ یا اغتشاشات داخلی و ...: (۱) اگر برای رئیس جمهور محرز گردد که یک وضعیت فوق‌العاده جدی به وجود آمده که امنیت پاکستان یا بخشی از آن مورد تهدید جنگ و تجاوز بیگانه و اغتشاش داخلی بوده و برای حکومت ایالتی خارج از کنترل می‌باشد، می‌تواند وضع فوق‌العاده اعلام نماید.

(۲) بدون توجه به آنچه در قانون اساسی آمده به هنگام اعلام وضع فوق‌العاده:

الف) مجلس شورا (پارلمان) اختیار این را خواهد داشت که برای یک ایالت یا بخشهای وابسته به آن در مورد هر موضوعی که در فصل دوم فهرست قانونگذاری حکومت فدرال، یا فهرست قانونگذاری مشترک بیان نشده است، قوانینی وضع نماید.

ب) اختیارات اجرایی حکومت فدرال در حد صدور دستوراتی به ایالت در سطح اعمال اختیارات اجرایی ایالت خواهد بود.

ج) حکومت فدرال می تواند بواسطه فرمان خود یا اینکه به فرماندار ایالت دستور دهد که از طرف وی تمام یا بخشی از وظایف حکومت ایالتی و تمام یا بخشی از اختیارات محوله یا قابل اعمال توسط هر مرجع یا مسئول دیگری در ایالت غیر از مجلس ایالتی، را به عهده گرفته و ترتیبی دهد که مقررات بعدی و تبعی به منظور نیل به اهداف اعلام وضع فوق العاده که شامل مقرراتی برای تعلیق همه یا بخشی از فرایند اجرای مفاد قانون اساسی است که به مرجع یا مسئولی در ایالت مربوط می شود، برای حکومت مرکزی ضروری و مطلوب باشد.

مع هذا، بند (ج) به حکومت فدرال اجازه نمی دهد که اختیارات محوله یا مورد استفاده یک دادگاه عالی را به عهده گرفته یا به فرماندار ایالت دستور دهد که از طرف آن چنین اقدامی را بنماید. حکومت مزبور همچنین نمی تواند همه یا بخشی از کار اجرای هر یک از مفاد قانون اساسی در مورد دادگاههای عالی را به حالت تعلیق درآورد.

(۳) اختیار مجلس شورا (پارلمان) جهت وضع قوانین برای ایالت در مورد هر موضوعی عبارت از قدرت وضع قوانین تفویض اختیارات و تعیین وظایف یا اجازه تفویض اختیارات و تعیین وظایف در مورد موضوع مزبور برای حکومت فدرال یا مقامات و مسئولین حکومت می باشد.

(۴) این اصل اختیار مجلس ایالتی را برای وضع قانونی که به موجب قانون اساسی اختیار وضع آن را دارد، محدود نمی کند. لیکن اگر مفادی از قانون ایالتی مغایر مفادی از قانون مجلس شورا (پارلمان) باشد که مجلس شورا (پارلمان) به موجب اصل مزبور قدرت وضع آن را دارد، قانون مجلس شورا (پارلمان) صرف نظر از اینکه بعد یا قبل از قانون ایالتی وضع گردد ارجحیت داشته و قانون ایالتی تا حدی که مغایرت دارد و فقط تا زمانی که قانون مجلس شورا (پارلمان) به قوت خود باقی است، فاقد اعتبار خواهد بود.

(۵) قانونی که توسط مجلس شورا (پارلمان) وضع می شود و مجلس مزبور صرفاً به خاطر اعلام وضع فوق العاده صلاحیت وضع آن را یافته باشد بعد از انقضای مدت شش ماه از خاتمه اعلام وضع فوق العاده، از اعتبار ساقط می شود، به استثنای موارد مربوط به اموری که قبل از انقضای مدت مذکور انجام پذیرفته یا انجام آنها لغو گردیده باشد.

(۶) در زمان برقراری وضع فوق العاده مجلس شورا (پارلمان) می تواند از طریق قانون دوره مجلس ملی را برای مدت حداکثر یکسال به نحوی که از شش ماه بعد از خاتمه اعلام وضع فوق العاده تجاوز ننماید، افزایش دهد.

(۷) اعلام وضع فوق العاده قبل از یک جلسه مشترک مطرح خواهد شد که بنا به درخواست رئیس جمهور ظرف سی روز از صدور اعلامیه، تشکیل می شود. اعلامیه مزبور:

الف) پس از انقضای دو ماه فاقد اعتبار می‌گردد مگر اینکه قبل از خاتمه مدت مزبور براساس تصمیمی در جلسه مشترک تصویب شود.

ب) با رعایت مفاد بند (الف) با رأی اکثریت کل اعضای مجلسین در جلسه مشترک مبنی بر عدم تایید این اعلامیه از اعتبار ساقط می‌گردد.

(۸) بدون توجه به آنچه در ماده (۷) آمده اگر مجلس ملی به هنگام اعلام وضع فوق‌العاده منحل باشد، اعلامیه مزبور برای مدت ۴ ماه به قوت خود باقی خواهد ماند. لیکن اگر قبل از خاتمه این مدت انتخاباتی همگانی برای مجلس برگزار نگردد، اعلامیه بعد از خاتمه آن مدت از اعتبار ساقط می‌شود، مگر اینکه مجلس سنا پیشاپیش طی تصمیمی آن را تایید نماید.

اصل دویست و سی و سوم

قدرت تعلیق حقوق اساسی ... در طول مدت اعلام وضع فوق‌العاده: (۱) هیچ چیز از آنچه در اصول پانزدهم، شانزدهم، هفدهم، هیجدهم، نوزدهم، بیست و چهارم آمده در زمان برقراری وضع فوق‌العاده قدرت مصرحه دولت در اصل هفتم را برای وضع قانون یا انجام اقدامی که صلاحیت آن را دارد، به جز در موارد مربوط به اصول مزبور نباید محدود سازد. ولی هر قانونی که بدین نحو وضع شود، به هنگام لغو یا خاتمه وضع اضطراری به میزانی که خارج از صلاحیت دولت باشد از اعتبار ساقط و ملغی خواهد شد.

(۲) در زمان برقراری وضع فوق‌العاده، رئیس‌جمهور می‌تواند طی فرمانی اعلام‌نماید که حق اقامه دعوی در دادگاه در مورد اعمال حقوق اساسی تفویضی به‌موجب فصل یکم از بخش دوم به نحوی که در فرمان بیان می‌گردد لازم‌الاجراست و نیز هر گونه دادرسی در هر دادگاه که به لحاظ اعمال حقوق مزبور و یا در زمینه تعیین تکلیف هر نوع مسأله مربوط به تخلفات باشد، در مدت برقراری وضع فوق‌العاده معلق خواهد ماند. فرمان مزبور می‌تواند در مورد کل یا بخشی از پاکستان صادر شود.

(۳) فرمانی که به موجب اصل حاضر صادر شود بلافاصله در جلسه مشترک جهت تصویب مطرح خواهد شد و مفاد مواد (۷) و (۸) اصل دویست و سی و دوم همانند اعلام وضع فوق‌العاده برای فرمان مزبور نیز اعمال می‌شود.

اصل دویست و سی و چهارم

اختیار اعلام وضع فوق‌العاده به‌هنگام ناتوانی دستگاه‌های تابع قانون اساسی در یک ایالت: (۱) اگر رئیس‌جمهور با دریافت گزارش از فرماندار ایالت یا غیره متقاعد شود که وضعی به وجود آمده که حکومت ایالت دیگر نمی‌تواند به موجب مفاد قانون اساسی دوام یابد، رئیس‌جمهور می‌تواند و یا اگر تصمیمی در این زمینه در یک جلسه مشترک اتخاذ و صادر شود باید، طی اعلامیه وضع فوق‌العاده:

الف) تمام یا بخشی از وظایف حکومت ایالت و تمام یا بخشی از اختیارات محوله یا مورد استفاده هر مرجع یا مسئولی در ایالت، غیر از مجلس ایالتی را به عهده گرفته یا به فرماندار ایالت دستور دهد که از طرف وی آنها را عهده دار گردد.

ب) اعلام نماید که اختیارات مجلس ایالتی توسط یا تحت نظارت مجلس شورا (پارلمان) اعمال خواهند شد.

ج) ترتیبی دهد که مقررات بعدی و تبعی به منظور نیل به اهداف اعلام وضع فوق العاده که شامل مقرراتی برای تعلیق همه یا بخشی از اجرای مفادی از قانون اساسی می شود که مربوط به هر مرجع یا مسئولی در ایالت است برای رئیس جمهور ضروری و مطلوب باشد.

مع هذا، این اصل به رئیس جمهور اجازه نمی دهد که هیچیک از اختیارات محوله یا مورد استفاده دادگاه عالی را به عهده گرفته یا به فرماندار ایالت دستور دهد که از طرف وی چنین کاری را انجام دهد، و یا اینکه همه یا بخشی از اجرای هر یک از مقررات مربوط به دادگاههای عالی، در قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد.

(۲) فرماندار برای انجام وظایف خویش به موجب ماده (۱)، از مفاد اصل یکصد و پنجم استفاده نخواهد نمود.

(۳) اعلامیه وضع فوق العاده که به موجب این اصل صادر می گردد در جلسه مشترکی طرح و پس از گذشت دو ماه از اعتبار ساقط می شود، مگر اینکه قبل از انقضای این مدت با تصمیم

جلسه مشترک تأیید، و به موجب تصمیم مزبور برای مدت بیشتری، حداکثر دو ماه متوالی تجدید شود. مع هذا، اعلامیه فوق به هیچ وجه بیش از ۶ ماه اعتبار نخواهد داشت.

(۴) بدون توجه به آنچه در ماده (۳) آمده اگر مجلس به هنگام اعلام وضع فوق العاده به موجب اصل حاضر منحل باشد اعلامیه مزبور برای مدت ۳ ماه به قوت خود باقی می ماند. لیکن اگر قبل از خاتمه این مدت انتخاباتی همگانی برای مجلس برگزار نگردد، اعلامیه بعد از خاتمه آن مدت از اعتبار ساقط می شود مگر اینکه مجلس سنا پیشاپیش طی تصمیمی آن را تأیید نماید.

(۵) هر گاه در اعلامیه وضع فوق العاده که به موجب این اصل صادر شده، مقرر گردد که اختیارات مجلس ایالتی توسط یا با اجازه پارلمان قابل اجرا باشند:

الف) مجلس شورا (پارلمان) صلاحیت دارد که در جلسه مشترک قدرت وضع قوانین در مورد هر موضوعی در حیطه صلاحیت قانونگذاری مجلس ایالتی را به رئیس جمهور اعطا نماید.

ب) مجلس شورا (پارلمان) صلاحیت دارد در نشست مشترکی، و یارئیس جمهور هر گاه که به موجب بخش (الف) صاحب اختیاراتی شود، قوانینی را برای تفویض اختیارات و تعیین تکلیف یا اجازه تفویض اختیارات و تعیین تکلیف برای حکومت فدرال یا مقامات و مسئولین آن وضع نماید.

ج) رئیس جمهور صلاحیت دارد که وقتی مجلس شورا (پارلمان) جلسه نداشته باشد، اجازه تأمین هزینه ها را از محل صندوق تلفیقی ایالتی بدهد، اعم از اینکه این هزینه ها براساس قانون

اساسی به عهده آن صندوق باشد یا نباشد، و همچنین تأیید هزینه‌های مزبور توسط مجلس شورا (پارلمان) را به جلسه مشترک موکول نماید.

(د) مجلس شورا (پارلمان) صلاحیت دارد که در یک جلسه مشترک طی تصمیمی هزینه‌های مجاز شده توسط رئیس جمهور طبق بند (ج) را تأیید نماید.

(۶) هر قانونی که توسط مجلس شورا (پارلمان) یا رئیس جمهور وضع شود و به موجب اصل حاضر آنها فقط به خاطر اعلام وضع فوق العاده صلاحیت وضع آن را یافته باشند پس از انقضای شش ماه از خاتمه اعلام وضع فوق العاده به موجب این اصل، به میزانی که خارج از صلاحیت باشد از اعتبار ساقط می‌شود، مگر در مورد اموری که قبل از انقضای مدت مذکور انجام پذیرفته یا انجام آنها لغو گردیده باشد.

اصل دویست و سی و پنجم

اعلام وضع فوق العاده به هنگام بحران مالی: (۱) اگر برای رئیس جمهور محرز گردد، وضعی پیش آمده که در اثر آن حیات اقتصادی و ثبات یا اعتبار مالی پاکستان یا بخشی از آن در معرض تهدید قرار دارد، بعد از مشورت با فرمانداران ایالات یا بنا بر مورد فرماندار ایالت مربوطه، با اعلام وضع فوق العاده می‌تواند وضع پیش آمده را اعلام نماید، و تا زمانی که این اعلان برقرار باشد، اختیارات اجرایی حکومت فدرال تا حد صدور دستورالعمل‌هایی به ایالات برای رعایت آن دسته از اصول عرف مالی که در دستورالعمل‌ها مشخص می‌شوند، و صدور سایر

دستورالعمل‌های که رئیس‌جمهور به صلاح حیات اقتصادی، ثبات یا اعتبار مالی پاکستان یا هر بخشی از آن بداند، گسترش می‌یابد.

(۲) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده هر یک از این دستورالعمل‌ها می‌تواند حاوی مقرراتی باشد که حقوق و مستمری همه یا طبقه‌ای از افراد را که در زمینه امور مملکت خدمت می‌کنند کاهش دهد.

(۳) زمانی که وضع فوق‌العاده به موجب این اصل برقرار باشد، رئیس‌جمهور می‌تواند دستورالعمل‌هایی را برای کاهش حقوق و مستمری‌های همه یا طبقه‌ای از افراد که در زمینه با امور مملکت کار می‌کنند، صادر نماید.

(۴) مفاد مواد (۳) و (۴) اصل دویست و سی و چهارم، همان گونه که در مورد اعلام وضع فوق‌العاده به موجب اصل مزبور اعمال می‌شوند، در مورد اعلام وضع فوق‌العاده به موجب اصل حاضر نیز اعمال خواهد شد.

اصل دویست و سی و ششم

لغو اعلام وضع فوق‌العاده، ...: (۱) اعلامیه وضع فوق‌العاده براساس این اصل، می‌تواند با اعلامیه متعاقب آن تغییر یافته یا لغو گردد.

(۲) اعتبار هر اعلامیه یا فرمان صادره براساس این بخش در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

اصل دویست و سی و هفتم

وضع قوانین توسط مجلس شورا (پارلمان) برای جبران خسارت،...:هیچ چیز در قانون اساسی مانع از این نخواهد شد که مجلس شورا (پارلمان) قانونی را برای جبران خسارت وارده به هر کس که در خدمت حکومت مرکزی یا حکومت ایالتی بوده یا هر کس دیگر که از اقدامات انجام یافته جهت برقراری یا اعاده نظم در هر بخشی پاکستان تحت تأثیر قرار گرفته وضع بنماید.

بخش یازدهم

اصلاح قانون اساسی

اصل دویست و سی و هشتم

اصلاح قانون اساسی: با رعایت این بخش، قانون اساسی می‌تواند از طریق قانون مجلس شورا (پارلمان) اصلاح گردد.

اصل دویست و سی و نهم

لایحه اصلاح قانون اساسی: (۱) لایحه اصلاح قانون اساسی می‌تواند توسط هر یک از مجالس ارائه شود. هر گاه لایحه مزبور با رأی حداقل دو سوم کل اعضای آن مجلس به تصویب برسد، به مجلس دیگر ارسال خواهد شد.

(۲) اگر لایحه مزبور بدون اصلاح و با رأی حداقل دو سوم کل اعضای مجلس که به موجب ماده (۱) به آن ارسال شده تصویب شود، با رعایت مفاد ماده (۴) جهت توشیح به رئیس جمهور تقدیم خواهد شد.

(۳) اگر لایحه پس از انجام اصلاحاتی با رأی حداقل دو سوم کل اعضای مجلس که به موجب ماده (۱) به آن ارسال شده است، تصویب شود مجلسی که آن را طرح نموده لایحه را دوباره بررسی خواهد کرد و اگر لایحه‌ای که مجلس قبلی آن را اصلاح نموده با رأی حداقل دو سوم کل اعضای مجلس طرح کننده به تصویب برسد با رعایت مفاد ماده (۴) جهت توشیح تقدیم رئیس جمهور خواهد شد.

(۴) لایحه اصلاح قانون اساسی که بر حدود و ثغور ایالتی تأثیر بگذارد، تا زمانی که با رأی حداقل دو سوم کل اعضای مجلس آن ایالت به تصویب نرسیده جهت توشیح به رئیس‌جمهور تقدیم نخواهد شد.

(۵) اصلاحیه قانون اساسی به هیچ عنوان در دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(۶) جهت رفع هر گونه شبهه، بدین وسیله اعلام می‌گردد که هیچگونه محدودیتی برای اختیارات مجلس شورا (پارلمان) جهت اصلاح هر یک از مفاد قانون اساسی وجود ندارد.

بخش دوازدهم

متفرقه

فصل اول - دستگاههای دولتی

اصل دویست و چهارم

انتصاب‌ها و شرایط خدمت در دستگاه دولتی پاکستان: با رعایت قانون اساسی انتصاب و شرایط خدمت افراد در دستگاه‌های دولتی پاکستان به شرح‌ذیل معین می‌گردد:

الف) در مورد خدمت در دستگاه حکومت فدرال، سمت‌های مربوط به امورحکومت فدرال و خدمات سراسری پاکستان، بوسیله یا به موجب قانون مجلس شورا (پارلمان) خواهد بود.

ب) در مورد خدمات ایالتی و سمت‌های مربوط به امور ایالتی، بوسیله یا به موجب قانون مجلس ایالتی خواهد بود.

تبصره: در این اصل «خدمات سراسری پاکستان»، به معنی خدمت مشترک به کشور و ایالات است که بلافاصله قبل از روز آغاز وجود داشته یا توسط قانون مجلس شورا (پارلمان) ایجاد شده است.

اصل دویست و چهل و یکم

تداوم اجرای مقررات جاری، ... تا زمانی که قوه مقننه ذیربط قانونی را به موجب اصل دویست و چهلم وضع نماید، کلیه مقررات و دستوراتی که بلافاصله قبل از روز آغاز لازم‌الاجرا بوده‌اند، در حدودی که منطبق با مقررات قانون اساسی باشند، به قوت خود باقی مانده و حکومت فدرال و یا بنا بر مورد حکومت ایالتی می‌تواند در هر زمانی آنها را اصلاح نماید.

اصل دویست و چهل و دوم

کمیسیون خدمات دولتی: (۱) مجلس شورا (پارلمان) در مورد امور کل کشور، و مجلس هر ایالت، در مورد امور آن ایالت می‌تواند طبق قانون امکان تأسیس یک کمیسیون خدمات دولتی را فراهم آورد.

(۲) کمیسیون خدمات دولتی وظایفی را که قانون برای آن تعیین می‌کند انجام خواهد داد.

فصل دوم- نیروهای مسلح

اصل دویست و چهل و سوم

فرماندهی نیروهای مسلح: (۱) حکومت مرکزی کنترل و فرماندهی نیروهای مسلح را در دست خواهد داشت.

(۱-الف) بدون هیچ خدشه‌ای به کلیت بند فوق، فرماندهی عالی نیروهای مسلح به‌رییس‌جمهور واگذار می‌شود.

(۲) با رعایت قانون رییس جمهور می تواند

الف) نیروهای هوایی، دریایی و زمینی پاکستان و ذخیره های این نیروها را تشکیل و سازمان بدهد.

ب) به این نیروها مأموریت واگذار نماید.

ج) با تشخیص خود، رییس و فرماندهان ستاد مشترک، رییس ستاد نیروهای زمینی، فرمانده نیروی دریایی و فرمانده نیروی هوایی را منصوب و حقوق و مزایای آنها را تعیین نماید.

اصل دویست و چهل و چهارم

سوگند نیروهای مسلح: هر یک از پرسنل نیروهای مسلح باید به شکلی که در پیوست سوم آمده سوگند به جای آورد.

اصل دویست و چهل و پنجم

وظایف نیروهای مسلح: (۱) نیروهای مسلح باید براساس دستورالعمل‌های حکومت فدرال در برابر تجاوزات خارجی یا خطر جنگ، از پاکستان دفاع نموده و با رعایت قانون هر گاه از آنها خواسته شود، نیروهای غیر نظامی را یاری نمایند.

(۲) اعتبار هر دستورالعملی که از سوی حکومت فدرال براساس ماده (۱) صادر می‌شود در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(۳) دادگاه عالی از صلاحیت قضایی خود به موجب اصل یکصد و نود و نهم، در زمینه مناطقی که نیروهای مسلح پاکستان موقتاً جهت کمک به نیروی انتظامی براساس اصل دویست و چهل و پنجم به اجرای عملیات پردازند استفاده نخواهد نمود.

مع هذا، این بند تأثیری بر صلاحیت قضایی دادگاه عالی در مورد دادرسیهایی که بلافاصله قبل از روز آغاز عملیات نیروهای مسلح در حمایت از نیروی انتظامی معلق بماند، نخواهد داشت.

(۴) هر نوع دادرسی قضایی مربوط به ناحیه‌ای که در ماده (۳) بدان اشاره گردید، اگر در روز آغاز عملیات نیروهای مسلح برای حمایت از نیروی انتظامی یا بعد از آن شروع شده و در دادگاه

عالی به حال تعلیق درآید تا مدتی که نیروهای مسلح عملیات کمکی خود را انجام می‌دهند، معلق خواهد ماند.

فصل سوم - مناطق قبیله‌ای

اصل دویست و چهل و ششم

مناطق قبیله‌ای: در قانون اساسی:

الف) منظور از «مناطق قبیله‌ای» مناطقی است در پاکستان که بلافاصله قبل از روز آغاز مناطق قبیله‌ای به شمار می‌رفته‌اند و عبارتند از:

(۱) مناطق قبیله‌ای بلوچستان و ایالت مرزی شمال غرب

(۲) ایالات سابق آمب [۲۵]، شیترا [۲۶]، دیر [۲۷] و سوات [۲۸].

ب) منظور از «مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت ایالت» عبارت است از:

(۱) نواحی شیترا، دیر و سوات (که شامل کالام [۲۹] می‌شود) (منطقه قبیله‌ای در ناحیه کوهستان)، منطقه حفاظت شده ملک‌اند [۳۰]، منطقه قبیله‌ای مجاور ناحیه مانصحر [۳۱] و ایالت سابق آمب،

(۲) ناحیه زهوب [۳۲]، ناحیه لورالای [۳۳] (به غیر از دوکی تهسیل [۳۴]) دالبندین تهسیل ناحیه شقای [۳۵] و سرزمین‌های قبیله‌ای باگتی و ماری [۳۶] در ناحیه سیبی [۳۷].

ج) «مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت فدرال» عبارتند از:

«۱» مناطق قبیله‌ای مجاور ناحیه پیشاور

«۲» مناطق قبیله‌ای مجاور ناحیه کوهات [۳۸]

«۳» مناطق قبیله‌ای مجاور ناحیه بانو [۳۹]

«۴» مناطق قبیله‌ای مجاور ناحیه دره اسماعیل خان [۴۰]

«۵» نمایندگی باجور [۴۱]

«۵-الف» نمایندگی اوراکزای ([۴۲])

«۶» نمایندگی محمد

«۷» نمایندگی خیبر

«۸» نمایندگی خرم ([۴۳])

«۹» نمایندگی وزیرستان شمالی ([۴۴])، و

«۱۰» نمایندگی وزیرستان جنوبی ([۴۵])

اصل دویست و چهل و هفتم

اداره مناطق قبیله‌ای: (۱) با رعایت قانون اساسی، اختیارات اجرایی حکومت فدرال شامل مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت فدرال؛ و اختیارات اجرایی ایالت، شامل مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت ایالتی واقع در قلمرو آن می‌شود.

(۲) رئیس‌جمهور می‌تواند هر از چند گاه به هر نحو که ضروری بداند، دستورالعمل‌هایی را در مورد کل یا بخشی از مناطق قبیله‌ای واقع در یک ایالت به فرماندار آن ایالت ابلاغ نماید. فرماندار مزبور در انجام وظایفش به موجب این اصل از دستورالعمل‌های فوق پیروی خواهد نمود.

(۳) هیچ یک از قوانین مجلس شورا (پارلمان) در مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت فدرال یا بخشهای وابسته به آن، اعمال نخواهد شد، مگر به دستور رئیس‌جمهور و هیچ یک از قوانین مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی در مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت ایالتی و یا بخشهای وابسته به آن اعمال نخواهد شد مگر اینکه فرماندار ایالتی که منطقه مزبور در آنجا قرار دارد با تأیید رئیس‌جمهور دستور آن را داده باشد و در صدور چنین دستوری در مورد هر قانونی، رئیس‌جمهور یا بنا بر مورد فرماندار می‌تواند مقرر دارد که قانون مزبور به هنگامی که در یک منطقه قبیله‌ای یا بخشی از آن اجرا می‌شود با توجه به استثنائات و تغییراتی که در دستورالعمل مشخص می‌گردد، اعمال شود.

(۴) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، رئیس‌جمهور در مورد هر موضوعی که در صلاحیت قانونگذاری مجلس شورا (پارلمان) است و فرماندار ایالت با تأیید قبلی رئیس‌جمهور و با توجه به هر موضوع که در صلاحیت قانونگذاری مجلس ایالتی است، می‌تواند برای آرامش و اداره مطلوب یک منطقه قبیله‌ای تحت مدیریت ایالتی و یا هر بخشی از آن که در ایالت مزبور واقع شده مقرراتی را وضع نماید.

(۵) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، رئیس‌جمهور می‌تواند در مورد هر موضوعی مقرراتی را جهت آرامش و اداره مطلوب کل یا بخشی از منطقه‌قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت فدرال وضع نماید.

(۶) رئیس‌جمهور می‌تواند در هر زمانی طی فرمانی مقرر دارد که کل یا بخشی از یک منطقه قبیله‌ای از حالت قبیله‌ای خارج شود فرمان مزبور می‌تواند حاوی مقررات تبعی و جنبی باشد که به نظر رئیس‌جمهور ضروری و مناسب هستند.

مع هذا، پیش از صدور فرمانی به موجب این ماده رئیس‌جمهور به هر نحوی که مقتضی بداند باید عقیده مردم منطقه قبیله‌ای مورد نظر را که در مجلس قبیله‌ای جیرگا نماینده دارند، جلب نماید.

(۷) دیوان عالی و دادگاه عالی نباید از صلاحیت قضایی خود براساس قانون اساسی در مورد مناطق قبیله‌ای استفاده کنند، مگر اینکه مجلس شورا (پارلمان) براساس قانون اجازه این کار را بدهد.

مع هذا، این ماده بر صلاحیت دیوان عالی یا دادگاه عالی که بلافاصله قبل از روز آغاز برخوردار بوده‌اند، تأثیری نمی‌گذارد.

اصل دویست و چهل و هشتم

مصونیت رییس جمهور، فرماندار، وزیر و ...: (۱) رییس جمهور، فرماندار، نخست وزیر، وزرای کشور، وزرای دولت، رییس الوزرا و وزرای ایالتی به خاطر استفاده از اختیارات و انجام وظایفشان در سمت‌های مربوطه و یا به خاطر هر عملی که انجام یافته یا ادعا می‌شود که در استفاده از آن اختیارات و انجام آن وظایف توسط آنان انجام پذیرفته باشد، از سوی هیچ دادگاهی مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت.

مع هذا، نباید چیزی در این ماده به معنای محدود نمودن حق هر شخص برای اقامه دعوی علیه حکومت مرکزی یا ایالتی تعبیر گردد.

(۲) در دورانی که رییس جمهور یا فرماندار در سمت‌های مزبور باشند، هیچگونه دادخواست کیفری در هر زمینه که باشد در هیچ دادگاهی علیه آنان مطرح نشده یا ادامه نخواهد یافت.

(۳) در دورانی که رییس جمهور یا فرماندار در سمت‌های مزبور باشند نباید هیچگونه حکم جلب یا حبس آنها از سوی هیچ دادگاهی صادر شود.

(۴) هیچگونه دعوای مدنی که در آن ادعای خسارتی از رییس جمهور یا فرماندار گردیده و در مورد هر گونه عملی که در زندگی شخصی او اعم از اینکه قبل و یا بعد از تصدی سمت فعلی توسط وی انجام گرفته یا نگرفته باشد، اقامه نخواهد شد، مگر اینکه حداقل ۶۰ روز قبل از اقامه

دعوی، اخطاری کتبی به وی تحویل یا بطوریکه قانون تعیین می کند ارسال گردیده و حاوی ماهیت دعوی دلیل آن، نام و نشان و محل اقامت مدعی و میزان خسارت باشد.

اصل دویست و چهل و نهم

دعای حقوقی: (۱) کلیه دعای حقوقی به جز (موارد مربوط به) قانون اساسی که می توانستند توسط یا علیه حکومت فدرال در مورد هر موضوعی اقامه شوند که بلافاصله قبل از روز آغاز به عهده حکومت مرکزی بوده و اینک به موجب قانون اساسی به ایالتی واگذار گردیده است، توسط یا علیه ایالت ذیربط مطرح خواهند شد. و اگر دعای مزبور در هر دادگاهی بلافاصله قبل از روز آغاز معلق مانده باشند، در آنها ایالت ذیربط از روز آغاز جانشین حکومت مرکزی خواهد گردید.

(۲) کلیه دعای حقوقی به جز (موارد مربوط به) قانون اساسی که می توانستند توسط یا علیه ایالتی در مورد هر موضوعی اقامه شوند که بلافاصله قبل از روز آغاز به عهده ایالت بوده و به موجب قانون اساسی به حکومت مرکزی واگذار گردیده، توسط یا علیه حکومت مرکزی مطرح خواهند شد. و اگر دعای مزبور در دادگاهی بلافاصله قبل از روز آغاز معلق مانده باشند، در آنها حکومت مرکزی از روز آغاز جانشین ایالت خواهد شد.

اصل دویست و پنجاهم

حقوق، مقرری و ... رئیس‌جمهور و ... (۱) ظرف دو سال از روز آغاز مقرراتی توسط قانون برای تعیین حقوق و پاداش‌ها و مزایای رئیس‌جمهور، رئیس‌ونایب رئیس و اعضای مجلس ملی و مجلس ایالتی، رئیس، نایب رئیس و اعضای مجلس سنا، نخست‌وزیر، وزیر، وزیر کشور، وزیر دولت، رئیس‌الوزرا، وزیر ایالتی و رئیس هیأت عالی انتخابات وضع خواهد شد.

(۲) تا وضع مقررات مزبور از سوی قانون:

الف) حقوق مقرری و مزایای رئیس‌جمهور، رئیس، نایب رئیس و اعضای مجلس ملی یا مجلس ایالتی وزیر کشور، وزیر دولت، رئیس‌الوزرا، وزیر ایالتی و رئیس هیأت عالی انتخابات، در سطح حقوق، مستمری و مزایایی خواهد بود که رئیس‌جمهور، رئیس، نایب رئیس یا اعضای مجلس ملی پاکستان و یا مجلس ایالتی، وزیر کشور، وزیر دولت یا رئیس‌الوزرا و وزیر ایالتی یا بنا بر مورد رئیس هیأت عالی انتخابات بلافاصله قبل از روز آغاز دریافت می‌نموده‌اند.

ب) حقوق، مقرری و مزایای رئیس و نایب رئیس، نخست‌وزیر و اعضای مجلس سنا به میزانی که رئیس‌جمهور طی فرمانی تعیین می‌کند خواهد بود.

(۳) حقوق، مستمری و مزایای افراد در سمت‌های ذیل تا مدتی که تصدی سمت‌ها را به عهده داشته باشند، به ضرر آنها تغییر نخواهد کرد:

الف) رئیس جمهور

ب) رئیس و نایب رئیس مجلس سنا

پ) رئیس و نایب رئیس مجلس ملی یا مجلس ایالتی.

ج) فرماندار

د) رئیس هیأت عالی انتخابات

ز) حسابرس کل

(۴) هر گاه رئیس سنا یا رئیس مجلس ملی به عنوان کفیل رئیس جمهور انجام وظیفه نماید، همان حقوق و مقرری و مزایای رئیس جمهور را دریافت خواهد کرد و در این صورت وظایف سمت ریاست سنا یا ریاست مجلس ملی یا عضو مجلس شورا (پارلمان) را انجام نداده و حقوق و مستمری و مزایای رئیس یا اعضای مجالس مزبور را دریافت نخواهد نمود.

اصل دویست و پنجاه و یکم

زبان ملی: (۱) زبان ملی پاکستان اردو است و ترتیباتی اتخاذ خواهد شد که ظرف پانزده سال از روز آغاز به عنوان زبان رسمی و سایر مقاصد استفاده گردد.

(۲) با رعایت ماده (۱) زبان انگلیسی می‌تواند تا زمان اتخاذ ترتیباتی برای جایگزینی آن با زبان اردو به عنوان زبان رسمی و اداری مورد استفاده قرار گیرد.

(۳) مشروط به اینکه لطمه‌ای به وضع زبان ملی وارد نیاید مجالس ایالتی می‌توانند از طریق قانونی مقرراتی را برای تدریس، ترویج و استفاده از زبان محلی در کنار زبان ملی وضع نمایند.

اصل دویست و پنجاه و دوم

مقررات ویژه در مورد بنادر و فرودگاههای اصلی: (۱) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی یا هر قانون دیگر آمده، رئیس‌جمهور می‌تواند طی یک اعلامیه عمومی مقرر نماید که برای مدتی حداکثر سه ماه از یک تاریخ مشخص، برخی مقررات ویژه کشوری یا ایالتی در بندر یا فرودگاهی معین اجرا نشود و یا اجرای آن در بندر یا فرودگاه معین با رعایت برخی استثنائات و تغییراتی باشد.

(۲) صدور دستور به موجب این اصل در مورد هر قانونی، عملیات آن قانون را قبل از تاریخ معین شده در دستورالعمل تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

اصل دویست و پنجاه و سوم

حد مجاز دارایی و ...: (۱) مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند از طریق قانون

الف) حد مجاز دارایی و یا انواع آن را که شخصی می‌تواند تصاحب، نگهداری یا تملک و یا اداره نماید تعیین کند.

ب) اعلام نماید که هر نوع تجارت، کسب، صنعت یا خدمت مصرحه در قانون مزبور با مستثنی ساختن کلی یا جزئی سایر اشخاص توسط حکومت مرکزی یا ایالتی و یا شرکتی که توسط حکومت مزبور کنترل می‌شود اداره یا تصاحب گردد.

(۲) هر قانونی که به شخص اجازه می‌دهد تا ملکی بیشتر از آن مقدار را که بلافاصله قبل از روز آغاز می‌توانسته قانوناً و بطور ذینفعی داشته باشد یا مالک گردد، هم‌اینک نیز مالک بوده یا تصاحب نماید فاقد اعتبار می‌باشد.

اصل دویست و پنجاه و چهارم

عدم انجام به موقع هیچ عملی آن را از اعتبار ساقط نمی‌کند: هر گاه اقدام یا عملی لازم است که به موجب قانون اساسی ظرف مدت معینی انجام پذیرد، ولی طی آن مدت انجام نیابد، انجام یا اقدام آن عمل ساقط نمی‌شود و یا تنها به دلیل اینکه ظرف آن مدت انجام نگرفته است بی اعتبار نخواهد شد.

اصل دویست و پنجاه و پنجم

سوگند تصدی سمت: (۱) سوگندی که به موجب قانون اساسی از شخصی خواسته می‌شود تا به جای آورد ترجیحاً به زبان اردو ایراد می‌شود به زبانی خواهد بود که آن شخص آن را بفهمد.

(۲) هر گاه به موجب قانون اساسی سوگند باید در برابر مقام معینی به جای آورده شود، و بنا به دلایلی ادای سوگند در برابر وی امکان پذیر نباشد، سوگند می‌تواند در برابر شخص دیگری که مقام مزبور تعیین می‌کند به جای آورده شود.

(۳) هر گاه به موجب قانون اساسی شخص ملزم است که سوگند را قبل از تصدی سمت به جای آورد، باید تصدی آن سمت را در روزی که سوگند را ادا می کند، بدست گیرد.

اصل دویست و پنجاه و ششم

ممنوعیت ارتش های خصوصی: هیچ نوع سازمان خصوصی که قادر باشد به عنوان یک تشکیلات نظامی فعالیت نماید، تشکیل نخواهد شد و چنین سازمانی غیرقانونی می باشد.

اصل دویست و پنجاه و هفتم

مقررات مربوط به ایالت جامو و کشمیر: هر گاه مردم ایالت جامو و کشمیر تصمیم بگیرند که به پاکستان ملحق گردند، روابط بین پاکستان و آن ایالت براساس خواسته های مردم ایالت مزبور تعیین خواهد شد.

اصل دویست و پنجاه و هشتم

حکومت سرزمینهای خارج از ایالات: با رعایت قانون اساسی تا زمانی که مجلس شورا (پارلمان) روش دیگری تعیین نماید، رئیس جمهور می تواند بوسیله فرمان مقرراتی را برای آرامش و اداره صحیح هر بخشی از پاکستان که بخشی از یک ایالت نیست وضع کند.

اصل دویست و پنجاه و نهم

جوابی: (۱) هیچ شهروند، هیچگونه لقب، عنوان یا نشان افتخار را از هیچ حکومت خارجی نخواهد پذیرفت مگر اینکه حکومت فدرال آن را تائید نماید.

(۲) هیچ لقب، عنوان یا نشان افتخاری توسط حکومت فدرال یا یک حکومت ایالتی به شهروندی اعطا نخواهد شد ولی رئیس جمهور می تواند نشانهای افتخار به پاس شجاعت و خدمات ارزنده در نیروهای مسلح و یا مدارج علمی یا افتخاراتی در زمینه ورزشی و پرستاری را اعطا نماید.

(۳) تمام القاب، عناوین و نشانهای اعطایی به شهروندان توسط مقامات پاکستان درقبل از روز آغاز، به استثنای موارد مربوط به شجاعت و خدمات ارزنده درنیروهای مسلح و یا مدارج علمی، از اعتبار ساقط می گردند.

فصل پنجم: تعابیر

اصل دویست و شصت

تعاریف: (۱) در قانون اساسی، به غیر از مواردی که متن معنای دیگری ایجاب نماید اصطلاحات ذیل معانی را که در اینجا تعریف می شود خواهند داشت؛ یعنی:

«قانون مجلس شورا (پارلمان)» به معنی قانونی است که توسط مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ملی تصویب شده و به تأیید رئیس جمهور رسیده یا خواهد رسید.

«قانون مجلس ایالتی» به معنی قانونی است که توسط مجلس یک ایالت تصویب شده و به تأیید فرماندار رسیده یا خواهد رسید.

«درآمد زراعی» عبارت است از درآمد زراعی بنا به تعریفی که در قانون مربوط به درآمدهای مالیاتی از آن شده است.

«اصل» منظور اصل قانون اساسی است.

«استقراض» عبارت است از تأمین اعتبار از طریق اقساط سالانه و

«وامها» نیز بر همان اساس تفسیر خواهند شد.

«رییس (سنا)» به استثنای اصل چهل و نهم به معنی رییس سنا و کفیل رییس سنا می‌باشند.

«رییس دادگاه» در مورد دیوان عالی یا دادگاه عالی شامل قاضی است که موقتاً به‌عنوان کفیل رییس آن دادگاه کار می‌کند.

«شهروند» عبارت از هر تبعه در پاکستان بنا به تعریفی که قانون از آن نموده است.

«ماده» عبارت است از هر ماده‌ای که در اصلی می‌آید.

«مالیات شرکتی» به معنی هر نوع مالیات بر درآمدی است که از سوی شرکت‌ها قابل پرداخت بوده و شروط ذیل در مورد آنها اعمال می‌گردند:

الف) این مالیات برای درآمدهای کشاورزی وضع نمی‌گردد.

ب) در مورد مالیاتی که شرکت‌ها می‌پردازند، هیچ قانونی که بتواند در مورد مالیات اعمال شود، مجاز به کسر از سود سهامی که شرکت‌ها به افراد پرداخت می‌کنند، نمی‌باشد.

ج) در محاسبه مالیات بر درآمد و یا محاسبه مالیات بر درآمد پرداختی توسط افراد یا بازپرداختی به آنها مقرراتی وجود ندارد که مالیات پرداختی بدین‌نحو را به عنوان کل درآمد افراد که چنین سود سهامی را دریافت می‌نمایند، به حساب آورد.

«بدهی» عبارت است از هر نوع بدهی از بابت هر تعهدی برای بازپرداخت مبالغ سرمایه‌ای از طریق اقساط سالانه و هر نوع بدهی براساس هر نوع تعهد (ضمانت)، و «هزینه‌های بدهی» نیز بر همان مبنا تعبیر خواهد شد.

«مالیات بر ارث» منظور مالیاتی است که با محاسبه و یا بر مبنای ارزش ارث بعد از مرگ بر روی آن وضع می‌شود.

«قانون موجود» به همان معنی مذکور در ماده (۷) از اصل دویست و شصت و هفت می‌باشد.

«قانون کشوری» عبارت از قانونی است که توسط یا با مسئولیت مجلس شورا (پارلمان) وضع می‌گردد.

«سال مالی» منظور سالی است که از اولین روز ماه ژوئیه [۴۶] آغاز می‌شود.

«کالاها» عبارتند از کلیه اقلام و اجناس و مواد.

«فرماندار» عبارت از فرماندار ایالت و همچنین کسی که موقتاً به عنوان کفیل فرماندار یک ایالت عمل نماید.

«تضمین» عبارت از هر گونه تعهدی که قبل از روز آغاز برای پرداخت‌های جبرانی در صورت کاهش سود یک فعالیت از مبلغ مشخصی الزامی می‌گردد.

«مجلس» منظور مجلس سنا یا مجلس ملی است.

«جلسه مشترک» منظور جلسه مشترک مجلسین است.

«قاضی» در مورد دیوان عالی یا دادگاه عالی عبارت از رییس دادگاه و نیز

الف) در مورد دیوان عالی شخصی است که به عنوان کفیل قاضی دادگاه عمل کند.

ب) در مورد دادگاه عالی شخصی است که به عنوان قاضی اضافی دادگاه می‌باشد.

«اعضای نیروهای مسلح» افرادی را که موقتاً مشمول قانون مربوط به اعضای نیروهای مسلح نیستند شامل نمی‌شود.

«درآمد خالص» عبارت از درآمد یا هر نوع مالیات یا عوارض که با هزینه جمع‌آوری به نحوی که حسابرس کل تعیین و تأیید نماید کسر می‌گردند.

«سوگند» شامل سوگند به شرافت می‌شود.

«فصل» منظور فصل قانون اساسی است.

«مستمری» عبارت از هر نوع مستمری قابل پرداخت، اعم از مساعده‌ای یا غیر آن، به‌و یا در وجه هر شخص، و نیز حقوق بازنشستگی و حق سنواتی که بدین نحو پرداخت شود؛ همچنین هر نوع مبلغ یا وجهی که بدین صورت و از طریق بازگشت مساعده‌ها به یک صندوق احتیاط، و یا بدون بهره یا افزوده بر روی آنها، پرداخت گردد.

«شخص» شامل هر شخص سیاسی یا شرکتی می‌شود.

«رئیس‌جمهور» منظور رئیس‌جمهور پاکستان و نیز هر شخصی است که موقتاً کفیل‌رئیس‌جمهور باشد و یا وظایف رئیس‌جمهور را انجام دهد، و با توجه به اموری که طبق

قانون اساسی باید قبل از روز آغاز انجام گیرند، به موجب قانون اساسی موقت جمهوری اسلامی پاکستان، رئیس جمهور باشد.

«مالکیت» عبارت از هر گونه حق، یا عنوان مالکیت و یا نفع در اموال منقول یا غیرمنقول و هر نوع وسیله و ابزار تولید است.

«قانون ایالتی» عبارت است از قانونی که توسط و یا با مسؤولیت مجلس ایالتی وضع می گردد.

«پاداش» عبارت است از حقوق و مستمری.

«پیوست» عبارت است از پیوست‌های قانون اساسی.

«امنیت پاکستان» عبارت است از ایمنی، رفاه، ثبات و یکپارچگی پاکستان و تمام بخش‌های آن ولی شامل امنیت عمومی در این معنا نمی‌شود.

«خدمت پاکستان» عبارت است از هر نوع خدمت، سمت یا منصب در مورد امور کشور یا ایالت، و شامل خدمت کل پاکستان، خدمت نیروهای مسلح و هر نوع خدمت دیگری می‌گردد که به موجب قانون مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی به عنوان خدمت پاکستان شناخته شود. با این حال، شامل خدمت درسمت‌های ذیل نمی‌شود: رئیس و نایب رئیس مجلس ملی، رئیس و نایب رئیس مجلس سنا، نخست وزیر، وزیر کشور، وزیر دولت، رئیس الوزرا، وزیر ایالتی، دادستان کل کشور، دادیار قضایی کل، دبیر پارلمانی یا رئیس یا عضو کمیسیون حقوقی، رئیس یا عضو

شورای عقیدتی اسلامی، دستیار ویژه نخست‌وزیر، مشاور نخست‌وزیر، دستیار ویژه رئیس‌الوزرا، مشاور رئیس‌الوزرا یا عضو مجلس ملی یا مجلس ایالتی.

«رئیس مجلس» منظور رئیس مجلس ملی یا مجلس ایالتی و نیز هر کس دیگری است که به عنوان کفیل رئیس مجلس عمل کند.

«وضع مالیات» عبارت از وضع هر نوع مالیات یا عوارض به صورت سراسری، محلی یا ویژه و «مالیات» نیز بر همان مبنا تعبیر می‌شود.

«مالیات بر درآمد» عبارت است از هر نوع مالیات با ماهیت مالیات بهره اضافی یا مالیات بهره شغلی.

(۲) در قانون اساسی «مجلس شورا (پارلمان)» یا «قانون کشوری» یا «قانون مجلس ایالتی» یا «قانون ایالتی» شامل فرمانی نیز خواهد بود که توسط رئیس‌جمهور یا بنا بر مورد فرماندار صادر می‌شود.

(۳) در قانون اساسی و تمام قوانین و سایر اسناد قانونی در صورتی که موضوع یا متن مفهوم دیگری ایجاب نکند:

الف) «مسلمان» عبارت از شخصی است که به وحدانیت و یگانگی خداوند قادر، به نبوت حضرت محمد(ص) به عنوان خاتم انبیاء و آخرین پیامبر خدا معتقد بوده و یک پیامبر یا مصلح دینی یعنی کسی که به هر نحوی ادعای پیامبری بعد از حضرت محمد(ص) بنماید، باور نداشته باشد.

ب) «غیرمسلمان» عبارت از شخصی است که مسلمان نباشد، از جمله پیروان مسیحیت، هندو، سیک‌ها بودایی‌ها یا جامعه پارسی، اعضای گروه قوادی یا گروه لاهوری که خود را «احمدیان» یا با هر عنوان دیگر می‌خوانند، یا بهایی و افرادی که متعلق به طبقات کاست‌ها می‌باشند.

اصل دویست و شصت و یکم

عدم تلقی کفیل به عنوان جانشین: از نظر قانون اساسی شخصی که در سمتی به عنوان کفیل عمل می‌کند، به عنوان جانشین شخصی که قبل از او متصدی آن سمت بوده و یا به عنوان سلف (یا متصدی سابق بر) کسی که بعد از وی متصدی آن سمت خواهد شد، تلقی نخواهد گردید.

اصل دویست و شصت و دوم

استفاده از تقویم گرگوری (۴۷): به موجب قانون اساسی اوقات زمانی بر مبنای تقویم گرگوری محاسبه خواهند شد.

اصل دویست و شصت و سوم

جنس و تعداد: در قانون اساسی:

(۱) کلماتی که بر جنس مذکر دلالت می‌کنند شامل جنس مؤنث نیز می‌شوند.

(۲) کلمات مفرد در برگیرنده جمع‌ها و کلمات جمع در برگیرنده مفردها نیز می‌باشند.

اصل دویست و شصت و چهارم

اثر لغو قوانین: هر گاه قانونی به وسیله یا براساس و یا به موجب قانون اساسی لغو گردد یا بنا باشد لغو شود به استثنای مواردی که در قانون پیش‌بینی شده این الغا

الف) هیچ چیزی را که در زمان اجرای الغا در جریان نبوده یا وجود نداشته احیاناً نمی‌نماید،

ب) بر عملکردهای سابق قانون یا هر چیزی که براساس قانون به شکل مطلوب و به نحو احسن انجام پذیرفته، و یا اینکه لطمه دیده تأثیری نخواهد گذاشت.

ج) بر هیچ نوع حق، مزیت، تعهد و مسؤولیتی که طبق آن قانون لازم است ایجاد و یا تقبل شود، تأثیری نخواهد گذاشت.

د) بر هیچ نوع مجازات، جریمه یا قراری که در مورد هر گونه تخلفی از قانون صادر گردیده تأثیر نخواهد گذاشت.

ه) بر هیچگونه تحقیق، دادرسی یا دعوی حقوقی در مورد حق، امتیاز، تعهد، مسؤولیت، مجازات، جریمه یا قرار تأثیر نمی گذارد.

تحقیق، دادرسی یا دعوی حقوقی مزبور می تواند، اقامه و اعمال گردیده و تداوم یابد. همچنین مجازات، جریمه یا قرار مذکور می تواند به گونه ای اجرا گردد که گویی قانون ملغی نگردیده است.

اصل دویست و شصت و پنجم

عنوان قانون اساسی و آغاز آن: (۱) این قانون اساسی تحت عنوان «قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان» شناخته خواهد شد.

(۲) با رعایت مواد (۳) و (۴) ذیل، این قانون اساسی از چهاردهم اوت سال یکهزار و نهصد و هفتاد و سه (۱۹۷۳) یا در موعدی زودتر از آن، که رئیس جمهور به وسیله اعلامیه‌ای در یک روزنامه رسمی تعیین می‌نماید لازم‌الاجرا می‌گردد. در قانون اساسی به آن روز به عنوان «روز آغاز» اشاره شده است.

(۳) قانون اساسی بعد از تدوین بنا به ضرورت برای موارد ذیل لازم‌الاجرا می‌گردد:

الف) برای تشکیل اولین مجلس سنا

ب) برای تشکیل نخستین جلسه یکی از مجلسین یا جلسه مشترک آنها

ج) برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و نخست وزیری

د) برای انجام هر چیزی که لازم است در مورد قانون اساسی، قبل از روز آغاز انجام پذیرد.

با این حال شخصی که به عنوان رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر برگزیده می‌شود، قبل از روز آغاز، کار خود را شروع نخواهد کرد.

(۴) هر جا که قانون اساسی برای وضع مقررات یا صدور دستورات، یا در مورد اعمال مفاد آن، یا نسبت به تشکیل دادگاه یا اداره‌ای، یا انتصاب قاضی یا مقام مسئولی براساس آن، یا در مورد عامل و یا زمان و مکان و طریقه انجام عملی براساس مقررات مزبور اختیاری را تفویض نماید، اختیار مزبور می‌تواند در هر زمان در فاصله تصویب قانون اساسی و آغاز اجرای آن مورد استفاده قرار گیرد.

اصل دویست و شصت و ششم

الغای بدین وسیله «قانون اساسی موقت جمهوری اسلامی پاکستان»، همراه با قوانین و فرمانهای رئیس‌جمهور که محذوفات و اضافات و تعدیلات و یا اصلاحاتی را بدین وسیله در آن انجام داده‌اند، ملغی می‌گردد.

اصل دویست و شصت و هفتم

اختیار رییس جمهور برای رفع مشکلات: (۱) در هر زمانی قبل از روز آغاز یا پیش از خاتمه سه ماه بعد از روز آغاز رییس جمهور می تواند به منظور رفع هرگونه مشکلی و یا برای اجرای مؤثر مفاد قانون اساسی، طی فرمانی مقرر دارد که مفاد قانون مزبور، با رعایت تغییراتی که به صورت تعدیل، اضافه یا حذف، ضروری یا مصلحت بداند، در مدتی که فرمان تعیین می کند به اجرا درآید.

(۲) فرمانی که به موجب ماده (۱) صادر شود، باید بدون هیچگونه تعللی تقدیم مجلسین گردد، و مادامی که تصمیمی مبنی بر مخالفت با آن در هیچ یک از مجلسین و یا در صورت اختلاف مجلسین، در جلسه مشترک به تصویب نرسد، لازم الاجرا باقی خواهد ماند.

اصل دویست و شصت و هشتم

تداوم اجرا و منطبق سازی برخی قوانین: (۱) به استثنای موارد مصرحه در این اصل کلیه قوانین موجود با رعایت قانون اساسی با هماهنگ سازی های لازم تا زمانی که توسط قوه مقننه ذیربط تغییر نیافته و لغو یا اصلاح نشوند به میزانی که قابل اجرا باشند به قوت خود باقی خواهند ماند.

(۲) قوانین مصرحه در پیوست ششم بدون تأیید قبلی رییس جمهور تغییر نیافته و لغو یا اصلاح نخواهند شد.

(۳) به منظور هماهنگ سازی مفاد کلیه قوانین موجود با مفاد قانون اساسی (غیر از بخش ۲ قانون اساسی) رئیس جمهور می تواند طی فرمانی ظرف مدت ۲ سال از روز آغاز هماهنگی های لازم را از طریق تعدیل، افزودن یا حذف و یا به هرنحوی که ضروری یا صلاح بداند به عمل آورد. فرمان مزبور می تواند در روزی که در آن مشخص می شود و زودتر از روز آغاز نخواهد بود، لازم الاجرا گردد.

(۴) رئیس جمهور می تواند به فرماندار ایالتی اجازه دهد که در مورد ایالت از اختیارات محوله به رئیس جمهور به موجب ماده (۳) راجع به قوانین مربوط به موضوعاتی که در صلاحیت قانونگذاری مجلس ایالتی قرار دارد، استفاده نماید.

(۵) اختیارات مذکور در مواد (۳) و (۴) باید با رعایت مقررات قانونی موضوعه توسط قوه مقننه ذیربط اعمال شود.

(۶) هر دادگاه، محکمه یا مرجعی که اختیار داشته باشد یا از آن درخواست شود که قانون موجود را اجرا نماید بدون توجه به اینکه هیچ نوع هماهنگ سازی در قانون مزبور براساس فرمان مذکور در مواد (۳) و (۴) انجام نگرفته است، از آن قانون با کلیه انطباق هایی که برای هماهنگ سازی آن با مقررات قانون اساسی ضروری هستند، استنباط خواهد نمود.

(۷) در این اصل منظور از «قوانین موجود» کلیه قوانین (اعم از فرمانها، احکام شورائی، دستورات، مقررات، آیین نامه ها، ضوابط و اسناد اجازه تشکیل دادگاه عالی و هر نوع اطلاعیه و

سند حقوقی که قدرت قانونی دارد) می‌باشد که در پاکستان یا هر بخشی از آن و یا به لحاظ اعتبار برون مرزی، بلافاصله قبل از روز آغاز معتبر باشند

تبصره: در این اصل منظور از «معتبر بودن» در مورد هر قانونی به معنی دارا بودن اعتبار به عنوان یک قانون است اعم از اینکه آن قانون در مرحله اجرا باشد یا نباشد.

اصل دویست و شصت و نهم

اعتبار قوانین، فرمانها، ...: (۱) کلیه اعلامیه‌ها، فرمانهای رئیس‌جمهور، مقررات حکومت نظامی، دستورات حکومت نظامی و کلیه قوانین دیگری که در فاصله تاریخهای بیستم دسامبر سال یکهزارو نهصدو هفتاد و یک [۴۹] و بیستم آوریل یکهزارو نهصدو هفتادو دو [۵۰] (شامل خود هر دو روز) وضع گردیده‌اند، بدین‌وسیله بدون توجه به رأی هر دادگاهی، به عنوان قوانین موضوعه توسط مقام صالح محسوب شده و در هیچ زمینه‌ای در دادگاهی مطرح نخواهند شد.

(۲) کلیه احکام صادره، دعاوی اقامه شده و اعمال انجام یافته توسط هر مقام و یا هر شخصی که در فاصله تاریخهای بیستم دسامبر سال یکهزارو نهصدو هفتادو یک و بیستم آوریل سال یکهزارو نهصدو هفتادو دو (شامل خود هر دو روز) در اجرای اختیارات ناشی از فرمانهای رئیس‌جمهور، مقررات حکومت نظامی، دستورات حکومت نظامی، قوانین، اعلامیه‌ها، ضوابط، احکام، یا آیین‌نامه‌ها یا در اجرای کلیه دستورات صادره یا مجازات مقرره توسط مقامی، در اجرا یا اجرای وانمودی اختیارات مزبور، صادر، اقامه، انجام و یا وانمود به صادر، اقامه یا انجام شده‌اند بدون توجه به رأی هر دادگاهی دارای اعتبار صدور، اقامه و انجام محسوب شده و در هیچ زمینه‌ای در دادگاهی مطرح نخواهند شد.

(۳) هیچ نوع دادخواست یا دعاوی حقوقی دیگر، علیه هیچ مقام یا شخصی، به‌خاطر یا در مورد فرمان صادره، دعوی اقامه شده یا عمل انجام یافته، اعم از اینکه در اجرا یا اجرای وانمودی اختیارات مذکور در ماده (۲) و یا در اجرا و یاشکایت از احکام صادره یا مجازات وضع شده ناشی از اجرا یا اجرای وانمودی چنین اختیاراتی باشد، در هیچ دادگاهی مطرح نخواهند شد.

اصل دویست و هفتاد

تنفیذ موقت برخی قوانین، ...: (۱) مجلس شورا (پارلمان) می‌تواند طی قانونی که به نحو مقرر برای وضع قانون در مورد موضوعات مندرج در بخش اول فهرست قانونگذاری کشوری، تدوین می‌شود، کلیه اعلامیه‌ها، فرمانهای ریاست جمهوری، مقررات حکومت نظامی، فرمانهای حکومت نظامی و سایر قوانینی را که در فاصله روزهای بیست و پنجم مارس یکهزارو نهصدو شصت و نه [۵۱] و نوزدهم دسامبر سال یکهزارو نهصدو هفتاد و یک [۵۲] (شامل خود هر دو روز) وضع شده‌اند، تنفیذ نماید.

(۲) بدون توجه به حکم هر دادگاهی قانونی که مجلس شورا (پارلمان) به موجب ماده (۱) وضع می‌نماید در هیچ زمینه‌ای در دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(۳) بدون توجه به مفاد ماده (۱) و رأی مخالف هر دادگاهی، اعتبار کلیه اسنادی که در ماده (۱) به آنها اشاره شد، تا مدت دو سال بعد از روز آغاز در هیچ زمینه‌ای در دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(۴) کلیه فرمانهای صادره، دعاوی حقوقی و اعمال انجام شده توسط هر مقام و شخصی، که در فاصله روزهای بیست و پنجم مارس یکهزار و نهصد و شصت و نه (۱) و نوزدهم دسامبر سال یکهزار و نهصد و هفتاد و یک (۲) (شامل خود هر دوروز) به موجب فرمانهای رییس‌جمهور، مقررات حکومت نظامی، دستورات حکومت نظامی، مصوبات، اطلاعیه‌ها، ضوابط، امریه‌ها، آیین‌نامه‌ها یا در اجرای حکم یا قراری که توسط هر مقامی در اجرا یا اجرای وانمودی اختیارات مزبور وضع شود، صادر، اقامه، انجام یا وانمود به اینها گردد، بدون توجه به حکم هر دادگاهی که صدور، اقامه یا انجام آنها، تا حدودی معتبر خواهد بود که توسط مجلس شورا (پارلمان) در هر زمانی ظرف دو سال از روز آغاز طی تصمیم مجلسین و یا در صورت اختلاف نظر بین آنها با تصمیم متخذه در جلسه مشترک، فاقد اعتبار اعلام گردند، و نباید از قبل در هیچ زمینه‌ای در دادگاهی مطرح شوند.

اصل دویست و هفتاد - الف

تنفیذ فرمانها و ... رییس‌جمهور: (۱) اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ ([۵۳])، کلیه فرمانهای رییس‌جمهور، مقررات حکومت نظامی، دستورات حکومت نظامی، شامل فرمان همه پرسی سال ۱۹۸۴ (فرمان مجلس شورا (پارلمان) - شماره ۱۱ سال ۱۹۸۴) که به موجب آن، براساس نتایج

همه پرسی که در نوزدهم دسامبر ۱۹۸۴ [۵۴] برگزار شد، ژنرال محمد ضیاءالحق در نخستین جلسه مشترک مجلس شورا (پارلمان) از همان روز برای مدت مقرر طبق ماده (۷) اصل چهل و یکم رییس جمهور پاکستان گردید، و همچنین فرمان احیای قانون اساسی سال ۱۹۷۳ [۵۵] به تاریخ ۱۹۸۵ [۵۶] (فرمان مجلس شورا (پارلمان) شماره ۱۴ - سال ۱۹۸۵) و فرمان (اصلاحیه دوم) قانون اساسی، به تاریخ ۱۹۸۵ (فرمان مجلس شورا (پارلمان) شماره ۲۴ - سال ۱۹۸۵) و سایر قوانینی که در فاصله پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ و تاریخی که این اصل لازم الاجرا می شود، بدین وسیله بدون توجه به حکم هر دادگاهی، تایید، تصویب شده و اعلام می گردد که موارد فوق توسط مقامات صالح وضع شده اند و بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده است، در هیچ زمینه ای در دادگاهی مطرح نخواهند شد.

مع هذا، فرمان رییس جمهور، مقررات حکومت نظامی یا فرمان حکومت نظامی که بعد از سیزدهم سپتامبر سال ۱۹۸۵ [۵۷] وضع شده اند فقط به تدوین مقررات تسهیلی یا لازم برای الغای اعلامیه پنجم ژوئیه ۱۹۷۷ محدود خواهند بود.

(۲) کلیه فرمانهای صادره، دعاوی قضایی و اعمال انجام یافته توسط هر مقام یا هر شخصی بین پنجم ژوئیه ۱۹۷۷ [۵۸] و تاریخی که این اصل لازم الاجرا می گردد وضع، اقامه انجام و یا وانمود به وضع، اقامه یا انجام شده اند، و این امر با تکیه بر اعمال اختیارات ناشی از هر نوع اعلامیه، فرمان رییس جمهور، ضوابط، مقررات حکومت نظامی، فرمانهای حکومت نظامی، قوانین، اطلاعیه ها، مقررات، دستورات یا آیین نامه ها و یا در اجرا یا پیروی از هر دستور یا حکم صادره توسط هر مرجعی در اعمال یا اعمال وانمودی اختیارات مزبور، بوده باشد بدون توجه به رأی هر دادگاهی وضع، طرح یا انجام آنها قانونی محسوب شده و در هیچ زمینه ای در دادگاهی مطرح نخواهند شد.

(۳) کلیه فرمانها و امریه‌های رییس‌جمهور، مقررات حکومت نظامی، فرمانهای حکومت نظامی، قوانین، اطلاعیه‌ها، مقررات، دستورات یا آیین‌نامه‌هایی که بلافاصله پیش از روزی که این اصل لازم‌الاجرا می‌گردد، نافذ باشند، تا موقعی که توسط مراجع ذیصلاح تغییر نیابند و لغو یا اصلاح نشوند، همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند.

تبصره: در این ماده منظور از مقامات ذیصلاح:

(۱) در مورد فرمانهای رییس‌جمهور، مقررات حکومت نظامی، دستورات حکومت نظامی، قوانین و قوه مقننه

(۲) و در مورد اطلاعیه‌ها، ضوابط، امریه‌ها، آیین‌نامه، مقاماتی هستند که براساس قانون دارای اختیار وضع، تغییر، الغاء یا اصلاح می‌باشند.

(۴) هیچ نوع دعوی، پیگرد یا جریان قضایی دیگر علیه مقام یا شخصی که در اثر یا براساس و یا در مورد فرمانی که صادر یا دعوایی که اقامه نموده و یا به خاطر عملی که در اعمال یا اعمال وانمودی اختیارات مذکور در ماده (۲) و یا در اجرا یا پیروی از دستورات یا احکام صادره ناشی از اجرا یا اجرای وانمودی اختیارات مزبور انجام داده باشد، اقامه نخواهد شد.

(۵) از لحاظ مواد (۱)، (۲) و (۴) کلیه فرمانهایی که صادر، دعوای که اقامه و اعمالی که انجام یا وانمود به صدور، اقامه یا انجام توسط مقام یا شخصی می‌شوند، وضع، اقامه یا انجام آنها از روی حسن نیت و برای منظوری که برای آنها در مدنظر بوده، تلقی خواهد شد.

(۶) اصلاح فرمانها و امریه‌های رییس‌جمهور که در ماده (۱) تصریح شده، به شرحی خواهد بود که در پیوست هفتم برای اصلاح قانون اساسی پیش‌بینی شده است. و سایر قوانین مذکور در ماده مزبور، توسط قوه مقننه ذیربط به نحوی که برای اصلاح آنها پیش‌بینی می‌شود، اصلاح خواهد شد.

تبصره: در این اصل «فرمانهای رییس‌جمهور» شامل «فرمانهای رییس‌جمهور و فرمانهای رییس ستاد حکومت نظامی» می‌شود.

اصل دویست و هفتاد - ب

مطابقت برگزاری انتخابات با قانون اساسی: بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، انتخاباتی که به موجب «فرمان انتخاباتی سال ۱۹۷۷ (۵۹)» مجلسین (پارلمان) و مجالس ایالتی» برگزار گردید، منطبق با قانون اساسی محسوب شده و به موجب آن دارای اعتبار می‌باشد.

اصل دویست و هفتاد و یکم

نخستین مجلس ملی: (۱) بدون توجه به آنچه در قانون اساسی آمده، ولیکن بارعایت اصل شصت و چهارم و اصل دویست و بیست و سوم

الف) نخستین مجلس ملی از افراد ذیل تشکیل خواهد شد:

«۱» افرادی که در مجلس ملی پاکستان که بلافاصله قبل از روز آغاز تشکیل می شود سوگند به جای آورده باشند.

«۲» افرادی که طبق قانون توسط اعضای مجلس برای تکمیل کرسیهای مذکور در ماده (۲) - الف) از اصل پنجاه و یکم انتخاب شده باشند.

مجلس مزبور تا چهاردهم اوت سال یکهزار و نهصد و هفتاد و هفت (۱۹۶۰) دایر خواهد بود مگر اینکه زودتر از موعد فوق منحل گردد، اشاره به «کل اعضای مجلس ملی» در قانون اساسی به همان معنا تعبیر خواهد شد.

ب) شرایط صلاحیت و عدم صلاحیت انتخاب و عضویت در نخستین مجلس ملی به جز در مورد اعضای که بعد از روز آغاز، کرسیهای خالی اتفاقی را تکمیل می کنند و یا برای کرسیهای اضافی مذکور در ماده (۲-الف) اصل پنجاه و یکم انتخاب می گردند، به همان نحو مصرحه در «قانون اساسی موقت جمهوری اسلامی پاکستان» خواهد بود.

مع هذا، شخصی که متصدی یک سمت انتفاعی در دستگاه دولتی پاکستان باشد، نمی‌تواند بعد از انقضای سه ماه از روز آغاز در عضویت مجلس ملی باقی بماند.

(۲) اگر شخص مورد اشاره در بند (الف) ماده (۱) بلافاصله قبل از روز آغاز عضویت مجلس ایالتی نیز باشد نمی‌تواند در مجلس ملی یا مجلس ایالتی کرسی اشغال نماید، مگر اینکه از یکی از کرسیهای مزبور استعفا داده باشد.

(۳) خالی شدن اتفاقی یک کرسی در نخستین مجلس ملی، از جمله خالی شدن کرسی در مجلس ملی پاکستان را که بلافاصله قبل از روز آغاز وجود داشته و قبل از آن روز تکمیل نشده و علت آن فوت یا استعفای عضو و یا بی‌صلاحیتی وی و یا سلب عضویت از وی بواسطه تصمیم نهایی یک دادخواست انتخاباتی باشد، می‌توان به نحو معمول در قبل از روز آغاز تکمیل نمود.

(۴) شخص مورد اشاره در بند (الف) ماده (۱) تا وقتی که به شرح مذکور در اصل شصت و پنجم سوگند به جای نیاورد، نمی‌تواند در مجلس ملی شرکت نموده و یا رأی بدهد و اگر بدون اجازه رئیس مجلس ملی و بدون ارائه دلیل موجه ظرف بیست و یک روز از تشکیل نخستین جلسه مجلس سوگند به جای نیاورد، کرسی وی در خاتمه مدت مزبور از وی سلب و خالی خواهد شد.

اصل دویست و هفتاد و دوم

تشکیل نخستین مجلس سنا: بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده ولیکن با رعایت اصل شصت و سوم و اصل دویست و بیست و سوم

الف) تا زمانی که نخستین مجلس ملی به موجب قانون اساسی وجود داشته باشد، سنا از چهل و پنج عضو تشکیل شده و مفاد اصل پنجاه و نهم به نحوی اعمال خواهد شد که در بند (الف) ماده (۱) اصل مزبور، به جای کلمه «چهارده» کلمه «ده» و در بند (ب) همان ماده به جای کلمه «پنج» کلمه «سه» جایگزین گردد. اشاره به «کل اعضای سنا» در قانون اساسی بر همان مبنای تعبیر خواهد شد.

ب) اعضای که جهت عضویت مجلس سنا انتخاب می شوند به قید قرعه به دو گروه تقسیم شده و گروه اول از پنج عضو از هر ایالت، دو عضو از مناطق قبیله ای تحت مدیریت حکومت مرکزی و یک عضو از پایتخت کشور، و گروه دوم از پنج عضو از هر ایالت و یک عضو از مناطق مذکور و یک عضو از پایتخت کشور خواهد بود.

ج) مدت عضویت اعضای گروه اول و گروه دوم به ترتیب دو و چهار سال خواهد بود.

د) مدت عضویت اشخاصی که برای جانشینی اعضای سنا در خاتمه مواعدهای مربوط خود انتخاب یا برگزیده می شوند چهار سال خواهد بود.

ه) مدت عضویت شخصی که جهت تکمیل کرسی خالی اتفاقی انتخاب یا برگزیده می‌شود، برای مدت باقی مانده از دوره عضویت شخصی خواهد بود که وی برای تکمیل کرسی خالی شده او انتخاب یا برگزیده می‌شود.

و) به محض برگزاری نخستین انتخابات مجلس ملی چهار عضو دیگر از مناطق قبیله‌ای تحت مدیریت حکومت مرکزی برای سنا انتخاب خواهند شد.

ز) مدت عضویت اعضای مزبور که به موجب بند (و) انتخاب می‌شوند و می‌تواند به قید قرعه تعیین شود برابر مدت باقی مانده از دوره عضویت اعضای گروه اول می‌باشد و مدت عضویت نصف دیگر اعضا همان مدت باقی مانده دوره عضویت اعضای گروه دوم خواهد بود.

اصل دویست و هفتاد و سوم

نخستین مجلس ایالتی: (۱) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، ولیکن با رعایت اصل شصت و سوم و اصل شصت و چهارم و اصل دویست و بیست و سوم

الف) نخستین مجلس هر ایالت به موجب قانون اساسی، از اعضای ذیل تشکیل خواهد شد:

«۱» اعضای مجلس ایالتی که بلافاصله قبل از روز آغاز در ایالت مزبور وجود داشته است.

«۲» اعضای دیگری که به موجب قانون توسط اعضای مجلس برای تکمیل کرسیهای مذکور در ماده (۳) اصل یکصد و ششم، انتخاب می‌شوند.

مجلس فوق تا زمانی که زودتر از چهاردهم اوت سال یکهزار و نهصد و هفتاد و هفت (۱۹۶۷) منحل نشود، تا موعد مزبور دایر خواهد بود، و اشاره به «کل اعضای مجلس ایالتی» در قانون اساسی بر همان مبنا تعبیر خواهد شد.

ب) شرایط صلاحیت و عدم صلاحیت جهت عضویت در نخستین مجلس ایالتی به جز در مورد اعضای که بعد از روز آغاز، کرسیهای خالی اتفاقی را تکمیل می‌کنند و یا برای کرسیهای اضافی مذکور در ماده (۳) اصل یکصد و ششم انتخاب می‌گردند، به همان نحو مصرحه در «قانون اساسی موقت جمهوری اسلامی پاکستان» خواهد بود.

مع هذا، شخصی که متصدی یک سمت انتفاعی در دستگاه دولتی پاکستان باشد، نمی‌تواند بعد از انقضای سه ماه از روز آغاز در عضویت مجلس باقی‌بماند.

(۲) خالی شدن اتفاقی یک کرسی در نخستین مجلس ایالتی از جمله خالی شدن کرسی در مجلس ایالتی را که قبل از روز آغاز وجود داشته و قبل از آن روز تکمیل نشده و علت آن فوت یا استعفای عضو و یا عدم صلاحیت وی و یا سلب عضویت از وی بواسطه تصمیم نهایی یک دادخواست انتخاباتی باشد، می‌توان به روش معمول در قبل از روز آغاز تکمیل نمود.

(۳) شخص مورد اشاره در بند (الف) ماده (۱) تا وقتی که به شرح مذکور در اصل شصت و پنجم مطابق اصل یکصد و بیست و هفتم سوگند به جای نیاورد، نمی‌تواند در مجلس ایالتی شرکت نموده و یا رأی دهد و اگر بدون اجازه رئیس مجلس ایالتی، و بدون ارائه دلیل موجه ظرف بیست و یک روز از تشکیل نخستین جلسه مجلس سوگند به جای نیاورد، کرسی وی در خاتمه مدت مزبور از وی سلب و خالی خواهد شد.

اصل دویست و هفتاد و چهارم

واگذاری اموال، دارایی‌ها، حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات: (۱) کلیه اموال و دارایی‌هایی که بلافاصله قبل از روز آغاز در اختیار رئیس جمهور یا حکومت فدرال قرار داشته‌اند همچنان در اختیار حکومت فدرال خواهند بود مگر اینکه برای اهدافی که در آن روز اهداف حکومت ایالتی می‌شود، استفاده گردد که در این صورت به حکومت ایالتی واگذار خواهد گردید.

(۲) کلیه اموال و دارایی‌هایی که بلافاصله قبل از روز آغاز در اختیار حکومت ایالتی قرار داشته‌اند از همان روز همچنان به حکومت ایالتی تعلق خواهند داشت مگر اینکه برای اهدافی که در آن روز اهداف حکومت فدرال می‌گردد استفاده شود که در این صورت به حکومت فدرال تعلق می‌یابند.

(۳) کلیه حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های حکومت فدرال یا حکومت ایالتی اعم از اینکه به موجب قرارداد و یا به هر نحو دیگر باشد، از روز آغاز همچنان به عنوان حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های حکومت فدرال یا حکومت ایالتی باقی خواهد ماند به استثنای موارد ذیل:

الف) کلیه حقوق، تعهدات و مسؤولیت‌های مربوط به موضوعی که بلافاصله قبل از روز آغاز به عهده حکومت فدرال بوده، اما به موجب قانون اساسی به حکومت ایالت واگذار می‌شود، به حکومت ایالت مزبور انتقال می‌یابد.

ب) کلیه حقوق، تعهدات و مسؤولیت‌های مربوط به موضوعی که بلافاصله قبل از روز آغاز به عهده حکومت ایالتی بوده اما به موجب قانون اساسی به حکومت فدرال واگذار می‌شود به حکومت فدرال انتقال می‌یابد.

اصل دویست و هفتاد و پنجم

استمرار خدمت افراد در دستگاه‌های دولتی پاکستان و ...: (۱) با رعایت قانون اساسی، و مادامی که قانونی به موجب اصل دویست و چهلم وضع گردد، هر شخصی که بلافاصله قبل از روز آغاز در دستگاه دولتی پاکستان باشد، همچنان به کار در همان واحد دولتی پاکستان و با همان شرایط و ضوابطی که به موجب «قانون اساسی موقت جمهوری اسلامی پاکستان» بلافاصله قبل از آن روز در مورد وی اعمال می‌گردد، ادامه خواهد داد.

(۲) ماده (۱) همچنین در مورد اشخاصی که بلافاصله قبل از روز آغاز در سمت‌های ذیل خدمت می‌کرده‌اند اعمال خواهد شد:

الف) رئیس دیوان عالی پاکستان یا دیگر قضات دیوان عالی و رئیس یا قاضی دادگاه عالی

ب) فرماندار ایالت

ج) رئیس الوزرای ایالت

د) رئیس یا نایب رئیس مجلس ملی یا مجلس ایالتی

ه) رئیس کمیسیون انتخابات

و) دادستان کل کشور یا دادیار کل ایالت

ز) حسابرس کل پاکستان

(۳) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده برای مدت شش ماه از روز آغاز شخصی می‌تواند وزیر کشور یا وزیر دولت یا رئیس الوزرای ایالت یا وزیرایالت شود که عضو مجلس شورا (پارلمان) یا بنا بر مورد عضو مجلس ایالت مزبور نباشد. رئیس الوزرا یا وزیر ایالتی حق صحبت و شرکت در جلسات مجلس ایالتی یا کمیته‌های آن را که وی عضو آن محسوب می‌شود، دارد ولی با اتکای به این اصل حق رأی نخواهد داشت.

(۴) هر شخصی که بواسطه این اصل در سمتی اشتغال دارد که در پیوست شماره سوم سوگندی برای آن تدوین شده، به محض امکان بعد از روز آغاز در حضورشخص ذیربط به نحو مقرر سوگند به جای خواهد آورد.

(۵) با رعایت قانون اساسی و مقررات

الف) کلیه دادگاههای مدنی، کیفری و دادگاههای مالیاتی که دارای صلاحیت ووظایفی بلافاصله قبل از روز آغاز باشند همچنان به استفاده از صلاحیت خود و انجام وظایفشان ادامه خواهند داد.

ب) کلیه مراجع و دفاتر (اعم از قضایی، اجرایی و مالیاتی یا وزارتی) که درسرتاسر پاکستان وظایفی را بلافاصله قبل از روز آغاز انجام دهند همچنان به انجام وظایفشان ادامه خواهند داد.

اصل دویست و هفتاد و ششم

سوگند اولین رئیس جمهور: بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده اولین رئیس جمهور در غیاب رئیس دیوان عالی کشور، به شرح مندرج در اصل چهل و دوم در برابر رئیس مجلس ملی سوگند به جای خواهد آورد.

اصل دویست و هفتاد و هفتم

مقررات مالی موقت: (۱) برنامه هزینه‌های مجاز مورد تأیید رئیس جمهور برای سال مالی که در سی‌ام ژوئن سال یک‌هزار و نهصد و هفتاد و چهار [۶۲] پایان می‌یابد، به منظور تأمین از صندوق تلفیقی کشور برای آن سال همچنان معتبر و مجاز خواهد بود.

(۲) رئیس جمهور می‌تواند در مورد هزینه‌های حکومت فدرال برای سال مالی قبل از سال مالی که از اول ژوئن سال یک‌هزار و نهصد و هفتاد و سه [۶۳] آغاز می‌شود (اگر هزینه بیشتر از هزینه مجاز برای آن سال باشد) اجازه استرداد وجوه را از صندوق تلفیقی کشور بدهد.

(۳) مواد (۱) و (۲) در مورد ایالات نیز اعمال می‌شود، و بدین لحاظ

الف) هر گونه اشاره در مقررات مزبور به رئیس جمهور به عنوان اشاره به فرماندار ایالت خواهد بود.

ب) هر گونه اشاره در مقررات مزبور به حکومت فدرال به عنوان اشاره به حکومت ایالتی خواهد بود.

ج) هر گونه اشاره در مقررات مزبور به صندوق تلفیقی کشور به عنوان اشاره به صندوق تلفیقی ایالتی یک ایالت خواهد بود.

اصل دویست و هفتاد و هشتم

حسابهایی که قبل از روز آغاز مورد رسیدگی قرار نگرفته‌اند: (۱) در مورد حسابهایی که قبل از روز آغاز تکمیل یا محاسبه نشده‌اند، حسابرس کل وظایفی را انجام داده و از اختیاراتی استفاده خواهد کرد که بواسطه قانون اساسی وی اختیار انجام یا استفاده از آنها را در مورد سایر حسابها دارد. اصل یکصد و هفتاد و یکم با اصلاحات لازم در همین زمینه اعمال خواهد شد.

اصل دویست و هفتاد و نهم

وضع مالیاتها: بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، کلیه مالیاتها و عوارض وضع شده براساس قانونی است که بلافاصله قبل از روز آغاز، اجرا شده و مادامی که بوسیله قانون قوه مقننه ذیربط تغییر نیابد یا ملغی نگردد همچنان برقرار خواهد ماند.

اصل دویست و هشتادم

استمرار اعلام وضع فوق العاده: اعلامیه وضع فوق العاده صادره در بیست و سوم نوامبر سال یک هزار و نه صد و هفتاد و یک (۱۶۴) به عنوان اعلامیه ای محسوب خواهد شد که به موجب اصل دویست و سی و دوم و به لحاظ مواد (۷) و (۸) اصل مزبور در روز آغاز صادر گردیده است. و هر نوع قانون، مقررات یا حکمی که پیرو اعلامیه فوق صادر یا وانمود به صدور شده، معتبر خواهد بود، و به لحاظ عدم انطباق با هر یک از حقوق مذکور در فصل اول بخش دوم در هیچ دادگاهی مطرح نخواهد شد.

(اصل دوم - الف)

«قطعنامه اهداف»

نظر به اینکه حاکمیت کل هستی تنها از آن پروردگار متعال بوده و قدرتی که بواسطه ملت به مملکت پاکستان اعطا نموده تا در حدود تعیین شده از سوی او اعمال شود، امانتی مقدس است؛

مجلس مؤسسان، به نمایندگی از سوی ملت پاکستان قانون اساسی را برای مملکت مستقل و مقتدر پاکستان تدوین می نماید؛

تا دولت قدرت و اختیارات خویش را بواسطه نمایندگان منتخب مردم اعمال کند،

تا اصول دموکراسی، آزادی، برابری، برابری و عدالت اجتماعی، بدانگونه که در اسلام بیان گردیده کاملاً رعایت شود،

تا مسلمانان بتوانند زندگی خویش را از لحاظ فردی و جمعی طبق تعالیم و مقررات اسلامی بدانگونه که در قرآن کریم و سنت بیان گردیده انتظام بخشند،

تا قوانین مناسبی در مورد اقلیت‌ها وضع شود، که آزادانه به تبلیغ و اجرای شعائر دینی‌شان پرداخته و فرهنگ خود را گسترش دهند،

تا مناطق واقع در قلمرو پاکستان یا الحاقی به آن و سایر مناطقی که ممکن است از این پس در محدوده پاکستان قرار گرفته یا به آن ملحق گردند، بتوانند بخشی از کشوری را تشکیل دهند که واحدهای مزبور با حدود و ثغوری که برای قدرت و اختیارات آن تعیین خواهد شد، خودمختار باشند،

تا حقوق اساسی، از جمله تساوی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز آزادی اندیشه، بیان، عقیده، اعتقاد، عبادت، معاشرت، بر اساس قانون و اخلاق عمومی تضمین شود،

تا قوانین مناسبی برای حفظ منافع مشروع اقلیت‌ها و طبقات عقب مانده و محروم وضع شود،

تا تمامیت ارضی مناطق کشور، استقلال و کلیه حقوق آن از جمله حق حاکمیت ارضی، دریایی و هوایی، محفوظ بماند،

تا این که ملت پاکستان، همانا به سعادت رسیده و جایگاه به حق و افتخار آمیز خویش را در میان ملل دنیا یافته و در مسیر صلح و ترقی بین‌المللی و سعادت‌مندی بشریت مشارکت کامل داشته باشند.

اصل هشتم ماده (۳) بند ب و ماده (۴)

قوانینی که مشمول مواد (۱) و (۲) اصل هشتم نمی‌شوند

بخش اول

۱- فرمانهای رئیس جمهور

(۱) فرمان ثبت (دارایی) کشور، سال ۱۹۶۱ (P.O.No.12 of 1961)

(۲) فرمان اصلاحات اقتصادی، سال ۱۹۷۲ (P.O.No.1 of 1972)

۲- مقررات

(۱) مقررات اصلاحات ارضی، سال ۱۹۷۶

(۲) مقررات اصلاحات ارضی (کانال رود فرعی پات بلوچستان) [۶۵] سال ۱۹۷۲

(۳) مقررات اصلاحات اقتصادی (حمایت از صنایع) سال ۱۹۷۲

(۴) مقررات توزیع اموال (شیترا) [۶۶] سال ۱۹۷۴ (II of 1974)

(۵) مقررات صورت وضعیت دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول (شیترا) سال ۱۹۷۴ (III of 1974)

(۶) مقررات دیر [۶۷] و سوات [۶۸] (واگذاری و توزیع اموال و حل دعاوی مربوط اموال غیر منقول) (متمم) سال ۱۹۷۵ (II of 1975)

(۷) مقررات حل دعاوی اموال غیرمنقول (شتیرال) (متمم) سال ۱۹۷۶ (II of 1976)

۳- قوانین کشوری

(۱) قانون اصلاحات ارضی (متمم) سال ۱۹۷۴ (XXX of 1974)

(۲) قانون اصلاحات ارضی (متمم) سال ۱۹۷۵ (**XXXIX of 1975**)

(۳) قانون کنترل و توسعه کارخانجات آردسازی سال ۱۹۷۶ (**LVII of 1976**)

(۴) قانون کنترل و توسعه کارخانجات شالی کوبی سال ۱۹۷۶ (**VIII of 1976**)

(۵) قانون کنترل و توسعه کارخانجات پنبه پاک کنی سال ۱۹۷۶ (**LIX of 1976**)

۴- دستورالعمل‌های صادره توسط رییس جمهور

دستورالعمل (متمم) اصلاحات ارضی، سال ۱۹۷۵ (**XXI of 1975**) و قانون کشوری که جهت جایگزین ساختن دستورالعمل مزبور وضع گردید.

۵- قوانین ایالتی

(۱) قانون اصلاحات ارضی (اصلاحیه بلوچستان) ۱۹۷۴ (قانون بلوچستان

XI of 1974)

(۲) قانون اصلاحات ارضی (مقررات کانال رود فرعی پات) (متمم) سال ۱۹۷۵ (قانون بلوچستان

(VII of 1975)

[۶- دستورالعمل ایالتی

دستورالعمل اصلاحات ارضی (کانال رود فرعی پات) (متمم) سال ۱۹۷۶]

بخش دوم

۱- فرمانهای رییس جمهور

(۱) فرمان (کشف و انتقال) مواد کانی سال ۱۹۶۱ (P.O.NO.8. of 1961)

(۲) فرمان (مدیریت نمایندگی‌ها و انتخاب مدیران) شرکت‌ها سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.2 of 1972)

(۳) فرمان انجمنهای تعاونی (اصلاحات) سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.9 of 1972)

(۴) فرمان (ملی سازی) بیمه عمر، سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.10 of 1972)

(۵) فرمان (دعاوی بلاتکلیف) حکومت نظامی، سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.14 of 1972)

(۶) فرمان رؤسای ایالات الحاقی (لغو مزایا و هزینه‌های خصوصی) سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.15 of 1972)

(۷) فرمان (لغو) پروانه‌ها و جوازهای صنعتی سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.16 of 1972)

(۸) فرمان اصلاح حقوق جزائی (دادگاه خاص) سال ۱۹۷۲ (P.O.NO.20 of 1972)

۲- مقررات

(۱) مقررات (مصادره اموال) راولپنڈی، سال ۱۹۵۹

(۲) مقررات پایتخت پاکستان، سال ۱۹۶۰

(۳) مقررات رسیدگی به دعاوی (اموال متروکه)، سال ۱۹۶۱

(۴) مقررات (تصحیح برگشت‌ها و اظهارنامه‌های نادرست) مالیات بر درآمد، سال ۱۹۶۹

(۵) مقررات تملک غیرقانونی اموال، سال ۱۹۶۹

(۶) مقررات انفصال از خدمت (مقررات ویژه)، سال ۱۹۶۹

(۷) مقررات (مجازات) اسراف و تبذیر، سال ۱۹۶۹

(۸) مقررات (مالکیت غیرقانونی) املاک زراعی دولتی، سال ۱۹۶۹

(۹) مقررات استرداد اوراق ارزی (واحدهای بزرگ)، سال ۱۹۷۱

(۱۰) مقررات (اخذ) بهای اموال متروکه و حقوق دولتی، سال ۱۹۷۱

(۱۱) مقررات (حل و فصل اختلافات) منطقه پیشاور و مناطق قبیله‌ای، سال ۱۹۷۱

(۱۲) مقررات (تدقیق سرمایه‌ها) حزب «مسلم لیگ» و «حزبی عوامی لیگ»، سال ۱۹۷۱

(۱۳) مقررات مربوط به استرداد ارز خارجی به کشور، سال ۱۹۷۲

(۱۴) مقررات (اعلامیه) سرمایه‌های خارجی، سال ۱۹۷۲

(۱۵) مقررات (درخواست تجدیدنظر) انفصال از خدمت، سال ۱۹۷۲

(۱۶) مقررات (کنترل) مدارس و دانشکده‌ها با مدیریت خصوصی، سال ۱۹۷۲

(۱۷) مقررات (لغو فروش) اموال دشمن، سال ۱۹۷۲

(۱۸) مقررات (انتقال و توزیع اموال) دیر [۶۹] و سوات [۷۰]، سال ۱۹۷۲

(۱۹) مقررات (لغو فروش یا انتقال) اتحادیه توسعه صنعتی پاکستان غربی، سال ۱۹۷۲

(۲۰) مقررات واگذاری مطبوعات ملی (تعليق هیأت امناء و مدیران)، سال ۱۹۷۲

(۲۱) مقررات (بازپرداخت دیون) بانکهای تعاونی (پنجاب)، سال ۱۹۷۲

(۲۲) مقررات (بازپرداخت دیون) انجمنهای تعاونی (سند)، سال ۱۹۷۲

۳- دستورالعمل‌های صادره توسط رئیس جمهور

(۱) دستورالعمل کنترل کشتیرانی، سال ۱۹۵۹ (XIII of 1959)

(۲) دستورالعمل (اداره اموال) جامو و کشمیر، سال ۱۹۶۱ (III of 1961)

(۳) دستورالعمل حقوق خانواده‌های مسلمان، سال ۱۹۶۱ (VIII of 1961)

(۴) دستورالعمل (اصلاحیه) امنیت پاکستان، سال ۱۹۶۱ (**XIV of 1961**)

(۵) دستورالعمل (کنترل) رسانه‌های گروهی پاکستان، سال ۱۹۶۱ (**XX of 1961**)

(۶) دستورالعمل سازمانهای تجاری، سال ۱۹۶۱ (**XLV of 1961**)

۴- قوانین کشوری

قانون سانسور فیلم‌ها، سال ۱۹۶۳ (**XVIII of 1963**)

۵- دستورالعمل‌های صادره توسط فرماندار ایالت سابق

پاکستان غربی

(۱) دستورالعمل مؤسسات آموزشی و تربیتی، سال ۱۹۶۰ دولت پاکستان

غربی (**W.P. Ordinance NO. XI**)

(۲) دستورالعمل اموال وقفی پاکستان غربی، سال
(W.P.Ordinance,NO.XXVIIIof1961) ۱۹۶۱

(۳) دستورالعمل انجمنها (اصلاحیه پاکستان غربی)، سال
(W.P.Ordinance.NO.IX.Of1962) ۱۹۶۲

(۴) دستورالعمل (کنترل تأسیس و توسعه) صنایع پاکستان غربی سال
(W.P.OrdinanceNO.IV of 1963) ۱۹۶۳

۶- دستورالعمل‌های صادره توسط فرماندار ایالت

مرزی شمال غرب

(۱) دستورالعمل حکومت ایالت مرزی شمال غرب در مورد مؤسسات آموزشی و تربیتی، سال
(No-.W.F.P.Ordinance NO.III of 1971) ۱۹۷۱

(۲) دستورالعمل ایالت مرزی شمال غرب در مورد پروژه کانال ساحل دست راست کاشما (۷۱)
(کنترل و جلوگیری از تقلب در معاملات ملکی)، سال ۱۹۷۱ (No.-W.F.P.Ordinance
(No.V of 1971

(۳) دستورالعمل پروژه گومال زام، ایالت مرزی شمال غرب (کنترل و جلوگیری از تقلب در
معاملات ملکی)، سال ۱۹۷۱

of NO.VIII (No.-W.F.P.Ordinance (۱۹۷۱

پیوست دوم

انتخاب رییس جمهور

[اصل چهل و یکم ماده (۳)]

۱- مأمور عالی انتخابات، مراسم انتخابات ریاست جمهوری را کنترل و برگزار نموده و مقام
مسئول انتخابات مزبور خواهد بود.

۲- مأمور عالی انتخابات، رییس جلسات اعضای مجلس شورا (پارلمان) و همچنین رییس
جلسات اعضای مجلس ایالتی را تعیین خواهد نمود.

۳- مأمور عالی انتخابات زمان و مکان تحویل اسناد اعلام داوطلبی، تدقیق، اعلام انصراف- اگر باشد- و در صورت نیاز محل دریافت سیاهه مشخصات داوطلبان انتخاباتی را اعلام خواهد نمود.

۴- در هر زمانی قبل از ظهر روزی که برای اعلام داوطلبی تعیین شده هر عضوی از مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی می تواند برای سمت ریاست جمهوری داوطلب شود، بدین منظور وی باید سند اعلام نامزدی را با امضای خود به عنوان داوطلب و نیز امضای عضو تایید کننده از مجلس شورا (پارلمان) و یا بنابر مورد مجلس ایالتی منضم به برگ اعلام رضایت از داوطلبی خود به رییس جلسه تحویل دهد.

مع هذا، هیچکس اعم از اینکه به عنوان داوطلب باشد یا تایید کننده نباید بیش از یک برگ اعلام داوطلبی در هر یک از انتخابات ارائه نماید.

۵- رسیدگی به درخواستها توسط مأمور عالی انتخابات در مکان و زمانی که وی تعیین می کند انجام خواهد گرفت و اگر بعد از بررسی تنها یک نفر داوطلب واجد شرایط باقی بماند مأمور عالی انتخابات وی را برای انتخاب معرفی خواهد نمود، و اگر بیش از یک نفر داوطلب واجد شرایط باقی بماند وی اسامی آنها را که از این پس نامزد خوانده می شوند، طی اعلامیه ای به اطلاع عموم خواهد رساند.

۶- هر نامزدی می تواند در هر زمانی تا پیش از ظهر روزی که برای همین منظور تعیین شده طی دست نوشته خود خطاب به رییس جلسه که برگ داوطلبی به وی تودیع شده از نامزدی

خود اعلام انصراف کند، و نامزدی که بر اساس اصل حاضر اعلام انصراف نماید، حق لغو اعلام انصراف مزبور را نخواهد داشت.

۷- در صورتی که تمام نامزدها به استثنای یک نفر از آنها اعلام انصراف نمایند، مأمور عالی انتخابات، شخص مزبور را برای انتخاب معرفی خواهد کرد.

۸- در صورتی که اعلام انصرافی وجود نداشته باشد، و یا اینکه بعد از ارائه اعلام انصرافها دو یا چند نامزد باقی بمانند، مأمور عالی انتخابات اسامی نامزدها و معرفیها و تایید کنندگان آنها را طی اعلامیه‌ای به اطلاع عموم خواهد رساند، و یک نظر سنجی را با رأی مخفی بر اساس مفاد بندهای ذیل به عمل خواهد آورد.

۹- اگر نامزدی که تقاضای وی تایید شده بعد از زمان اعلام داوطلبی فوت نماید، و گزارش فوت وی پیش از شروع رای‌گیری بدست رییس جلسه برسد، وی به محض حصول یقین از صحت خبر فوت نامزد مزبور، رای‌گیری را ملغی نموده و مراتب را به مأمور عالی انتخابات گزارش خواهد نمود. تمام تشریفات برای انتخابات از هر لحاظ، به عنوان یک انتخابات جدید، از اول شروع خواهد شد.

مع هذا، در مورد نامزدی که تقاضای وی در زمان الغای رای‌گیری معتبر بوده‌نیازی به تقاضای جدید نخواهد داشت.

و همچنین کسی که به موجب ماده (۶) پیوست حاضر پیش از الغای رای گیری از نامزدی خود اعلام انصراف نموده باشد، برای داوطلبی جهت نامزدی انتخابات بعد از الغای مزبور فاقد صلاحیت نخواهد بود.

۱۰- رای گیری در جلسات مجلس شورا (پارلمان) و هر یک از مجالس ایالتی انجام خواهد شد و رؤسا با همکاری مقاماتی که می توانند با تایید مأمور عالی انتخابات، تعیین نمایند، رای گیری را کنترل خواهند کرد.

۱۱- برای هر یک از اعضای مجلس شورا (پارلمان) و یا مجلس ایالتی که برای شرکت در رای گیری در جلسات اعضای مجلس مربوطه یا بنابر مورد مجلس ایالتی که وی عضو آن می باشد حاضر می شود (و از این پس تحت عنوان «رای دهنده» خوانده خواهد شد)، یک برگ رأی صادر خواهد شد که وی شخصاً با گذاشتن علامت روی آن مطابق مفاد بندهای ذیل رأی خود را اعلام می نماید.

۱۲- رای گیری با رأی مخفی و با استفاده از برگه های رأی خواهد بود که روی آنها اسمی تمام نامزدهایی که اعلام انصراف ننموده اند به ترتیب الفبا قید شده و شخص رأی دهنده با گذاشتن علامت مقابل اسم نامزد مورد نظر خود، رأی خواهد داد.

۱۳- برگه های رأی از یک دفترچه رأی با ته برگ شماره دار صادر می شود. هر گاه برگه برای شخص رأی دهنده صادر شود نام وی در ته برگ قید شده و برگ رأی با حروف اول نام رئیس مربوطه سندیت می یابد.

۱۴- برگ رأی که توسط شخص رأی دهنده علامت گذاری می‌شود، توسط خود وی نیز به صندوقی که در مقابل رییس قرار دارد انداخته خواهد شد.

۱۵- اگر برگ رأی توسط شخص رأی دهنده دچار قلم‌خوردگی شود او می‌تواند آن را به رییس تحویل دهد و وی برگ رأی جدید صادر و برگ نخست را باطل و آن را در ته برگ مربوط مشخص خواهد نمود.

۱۶- در موارد ذیل برگ رأی از اعتبار ساقط می‌شود:

(۱) اگر بر روی آن نام، کلمه یا علامتی باشد که موجب شناخته شدن رأی دهنده شود.

(۲) حروف اول نام رییس بر روی آن درج نشده باشد.

(۳) علامت گذاری نشده باشد.

(۴) در برابر نامهای دو یا چند نامزد علامت گذاشته شده باشد.

(۵) مشخص نباشد که علامت در برابر نام کدامیک از نامزدها گذاشته شده است.

۱۷- پس از پایان رای گیری، هر یک از رؤسا در حضور نامزدها یا نمایندگان مجاز آنها، که در صورت تمایل آنان می توانند حاضر باشند، صندوقهای رأی را باز و تخلیه و برگه های داخل آنها را بررسی نموده و آرای فاقد اعتبار را تفکیک، و تعداد آرای را که برای هر نامزد بر روی برگ آرای معتبر ثبت شده، شمارش کرده و تعداد آرای را که بدین نحو ثبت می شود به مأمور عالی انتخابات اعلام خواهند نمود.

۱۸- (۱) مأمور عالی انتخابات نتایج رای گیری را به شرح ذیل مشخص خواهد کرد:

الف) تعداد آرای که در مجلس شورا (پارلمان) برای هر یک از نامزدها داده شده است، شمرده خواهد شد.

ب) تعداد آرای که در مجلس ایالتی برای هر نامزد داده شده در تعداد کل کرسیهای مجلس ایالتی که موقتاً کمترین تعداد کرسیها را داشته ضرب و بر تعداد کل کرسیهای مجلس ایالتی که آرا در آن داده شده اند تقسیم خواهد شد.

ج) تعداد آرای که به شرح بند (ب) محاسبه شوند، به تعداد آرای شمارش شده در بند (الف) اضافه خواهد شد.

تبصره: در این ماده «تعداد کل کرسیها» شامل کرسیهای ذخیره برای غیر مسلمانان و زنان می شود.

(۲) اعداد کسری با تبدیل به نزدیکترین عدد کامل گرد خواهد شد.

۱۹- نامزدی که بیشترین تعداد آرای جمع‌بندی شده به شرح ماده (۱۸) را کسب‌نماید، توسط مأمور عالی انتخابات به عنوان فرد منتخب اعلام خواهد شد.

۲۰- هر گاه در رای‌گیری دو یا چند نامزد دارای تعداد رأی برابر باشند فرد منتخب به‌قید قرعه مشخص خواهد شد.

۲۱- وقتی که بعد از انجام رای‌گیری، شمارش آرا کامل و نتایج مشخص شود، مأمور عالی انتخابات بلافاصله نتیجه را برای کسانی که حاضر باشند اعلام و به‌حکومت فدرال گزارش خواهد نمود تا در اسرع وقت آن را به اطلاع عموم برساند.

۲۲- مأمور عالی انتخابات می‌تواند طی اعلامیه عمومی با تایید رئیس جمهور ضوابطی را برای انجام امور مشروحه در پیوست حاضر وضع نماید.

پیوست سوم

سوگند رئیس جمهور

[اصل چهل و دوم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که فردی هستم مسلمان و معتقد به وحدانیت و یگانگی پروردگار متعال، کتب الهی و قرآن کریم به عنوان آخرین آنها و نبوت حضرت محمد(ص) به عنوان خاتم الانبیا و اینکه پس از او پیامبری نخواهد آمد، وهمچنین به روز قیامت و تمام احکام و تعالیم قرآن کریم و سنت؛

با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار بمانم؛

به عنوان رئیس جمهور پاکستان، وظایف و مسئولیت‌های خویش را صادقانه و با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین کشور پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روز افزون پاکستان به انجام برسانم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

تحت هر شرایطی، بر اساس قانون و بی هیچ واژه‌ای و بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی، در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم؛

و هر موضوعی را که به عنوان رئیس جمهور تنها به شخص من مربوط می شود و یا به اطلاع من می رسد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم به احدالناسی اطلاع نداده و یا افشا ننمایم، مگر آنکه برای انجام وظایفم به عنوان رئیس جمهور لازم باشد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

متن سوگند نخست وزیر

[اصل نود و یکم - ماده (۴)]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می کنم که فردی هستم مسلمان و معتقد به وحدانیت و یگانگی پروردگار متعال، کتب الهی و قرآن کریم به عنوان آخرین آنها، و نبوت حضرت محمد(ص) به عنوان خاتم الانبیا و اینکه پس از او پیامبری نخواهد آمد، و همچنین به روز قیامت، و تمام احکام و تعالیم قرآن کریم و سنت؛

با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار بمانم؛

به عنوان نخست وزیر پاکستان، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین کشور پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان می‌باشد، بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

تحت هر شرایطی بر اساس قانون، و بی هیچ واهمه‌ای بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی، در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم؛

و هر موضوعی را که به عنوان نخست وزیر تنها به شخص من مربوط می‌شود و یا به اطلاع من می‌رسد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم به احوال‌ناسی اطلاع نداده و یا افشا ننمایم، مگر آنکه برای انجام وظایفم به عنوان نخست وزیر لازم باشد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند وزیر کشور یا وزیر دولت

اصل نود و دوم - ماده (۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان وزیر کشور (یا وزیر دولت)، وظایف و مسئولیت‌های خویش را صادقانه و با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین کشور پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روز افزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان می‌باشد، بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

تحت هر شرایطی، بر اساس قانون و بی‌هیچ واهمه‌ای و بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی، در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم؛

و هر موضوعی را که به عنوان وزیر کشور (یا وزیر دولت) تنها به شخص من مربوط می‌شود و یا به اطلاع من می‌رسد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم به احدالناسی اطلاع نداده و یا افشا ننمایم، مگر آنکه برای انجام وظایفم به عنوان وزیر کشور (یا وزیر دولت) لازم باشد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند رییس مجلس ملی یا رییس سنا

[اصل پنجاه و سوم و اصل شصت و یکم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان رییس مجلس ملی (یا رییس سنا) و هر گاه که مکلف گردم به عنوان کفیل رییس جمهور پاکستان، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه و با خلوص نیت و با نهایت توانائیم بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین کشور، و در مقام ریاست مجلس ملی، طبق مقررات مجلس (یا در مقام رییس سنا طبق مقررات مجلس سنا) پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

و تحت هر شرایطی، بر اساس قانون و بی هیچ واژه‌ای و بدون تبعیض و به دور از احساسات و
یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند نایب رییس مجلس ملی یا سنا

[اصل پنجاه و سوم ماده (۲) و اصل شصت و یکم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

و هر گاه که مکلف گردم به عنوان نایب رئیس مجلس ملی (یا سنا) انجام وظیفه‌نمایم، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه و با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین مجلس ملی (یا سنا) پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی‌روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

و تحت هر شرایطی، بر اساس قانون و بی‌هیچ‌واهمه‌ای و بدون تبعیض و به‌دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند عضو مجلس ملی یا مجلس سنا

[اصل شصت و پنجم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان عضو مجلس ملی (یا سنا) وظایف خویش را صادقانه و با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین مجلس ملی (یا سنا) پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است بکوشم؛

و از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند فرماندار ایالت

[اصل یکصد و دوم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان فرماندار ایالت ...، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین کشور پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است، بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

تحت هر شرایطی بر اساس قانون، و بی هیچ واژه‌ای بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم؛

و هر موضوعی را که به عنوان فرماندار ایالت ... تنها به شخص من مربوط می‌شود و یا به اطلاع من می‌رسد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم به احدالناسی اطلاع‌ن داده و یا افشا ننمایم، مگر آنکه برای انجام وظایفم به عنوان فرماندار لازم باشد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند رییس‌الوزرا یا وزیر ایالتی

[اصل یکصد و سی و یکم- ماده (۴)]

[و اصل یکصد و سی و دوم ماده (۲)]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان رئیس‌الوزرا (یا وزیر) حکومت ایالتی ...، وظایف و مسئولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین کشور پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است، بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

تحت هر شرایطی بر اساس قانون، و بی هیچ واهمه‌ای بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم؛

و هر موضوعی را که به عنوان رئیس‌الوزرا (یا وزیر) تنها به شخص من مربوط می‌شود و یا به اطلاع من می‌رسد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم به احدالناسی اطلاع‌نداده و یا افشا ننمایم، مگر آنکه برای انجام وظایفم به عنوان رئیس‌الوزرا (یا وزیر) لازم یا علی‌الخصوص توسط رئیس‌الوزرا اجازه داده شده باشد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند رییس مجلس ایالتی

[اصل پنجاه و سوم ماده (۲) و اصل یکصد و بیست و هفتم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان رییس مجلس ایالت ...، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین مجلس پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است، بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

و تحت هر شرایطی بر اساس قانون، و بی هیچ واژه‌ای بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند نایب رییس مجلس ایالتی

[اصل پنجاه و سوم ماده (۲) و اصل یکصد و بیست و هفتم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

و هر گاه که مکلف کردم به عنوان نایب رئیس مجلس ایالت ...، انجام وظیفه‌نمایم، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت‌توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین مجلس پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است، بکوشم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

تحت هر شرایطی بر اساس قانون، و بی هیچ‌واهمه‌ای بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند عضو مجلس ایالتی

[اصل شصت و پنجم و اصل یکصد و بیست و هفتم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان عضو مجلس ایالتی ...، وظایف خویش را صادقانه، با خلوص نیت و بانهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین مجلس پیوسته در جهت حفظ حاکمیت، یکپارچگی، ثبات، رفاه و ترقی روزافزون پاکستان به انجام برسانم؛

در راه حفظ معتقدات اسلامی که اساس ایجاد کشور پاکستان است، بکوشم؛

و از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند حسابرس کل پاکستان

[اصل یکصد و شصت و هشت ماده (۲)]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

و به عنوان حسابرس کل پاکستان، وظایف و مسئولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و با تمام دانش و توانایی و قضاوت خالصانه بی‌هیچ‌واهمه‌ای و بدون تبعیض و به دور از احساسات یا هر گونه اغراضی به انجام رسانده و اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند رییس دیوان عالی، رییس دادگاه عالی، قاضی دیوان عالی یا قاضی دادگاه عالی

[اصول یکصد و هفتاد و هشت و یکصد و نود و چهار]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

به عنوان رئیس دیوان عالی پاکستان (یا قاضی دیوان عالی پاکستان و یا رئیس دادگاه عالی یا قاضی دادگاه عالی ایالت . ایالات ...) وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی پاکستان به انجام برسانم؛

آیین‌نامه‌های صادره از سوی شورای عالی قضایی را رعایت نمایم؛

اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد؛

از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان پاسداری، صیانت و دفاع نمایم؛

و تحت هر شرایطی بر اساس قانون، و بی هیچ واهمه‌ای بدون تبعیض و به دور از احساسات و یا هر گونه اغراضی در حق آحاد ملت به نیکی عمل نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند رییس یا قاضی دادگاه شریعت کشور

[اصل دویست و سوم-ج-ماده (۷)]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که به عنوان رییس (یا قاضی) دادگاه شریعت کشور، وظایف و مسؤولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق با قانون به انجام برسانم؛

و اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بر وظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند مأمور عالی انتخابات

[اصل دویست و چهاردهم]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که به عنوان مأمور عالی انتخابات، وظایف ومسئولیت‌های خویش را صادقانه، با خلوص نیت و با نهایت توانائیم مطابق باقانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان و سایر قوانین و بی‌هیچ‌واهمه‌ای و بدون تبعیض و به دور از هر گونه اغراضی انجام داده، و اجازه ندهم که منافع شخصی‌ام بروظایف و تصمیمات اداری من تأثیری بگذارد.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

سوگند پرسنل نیروهای مسلح

[اصل دویست و چهل و چهار]

بسم الله الرحمن الرحيم

من، ... رسماً سوگند یاد می‌کنم که با نهایت اخلاص خویش به پاکستان مؤمن و وفادار باشم؛

و از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان که تجلی‌گر آرمانهای ملت است پاسداری نموده و از هر نوع فعالیت سیاسی اجتناب، و صادقانه با وفاداری کامل، در نیروی زمینی (یا نیروی دریایی یا هوایی) پاکستان مطابق با قانون و به هر نحوی که مؤظف گردم به کشور خدمت نمایم.

خداوند متعال مرا یار و راهنما باد! آمین!

پیوست چهارم

[اصل هفتم - ماده (۴)]

فهرست‌های قانونگذاری

فهرست قانونگذاری کشوری

بخش یکم

۱- دفاع از کشور یا هر بخشی از آن در زمان جنگ و صلح؛ نیروهای زمینی، دریایی و هوایی کشور و سایر نیروهای مسلح که در کشور تشکیل یافته و تربیت شده‌اند؛ هر یک از واحدهای نیروهای مسلحی که متعلق به کشور نیستند ولی به نیروهای مسلح کشور وابسته بوده یا با آنها عمل می‌کنند، از جمله نیروهای مسلح مردمی؛ وزارت اطلاعات کشور؛ بازداشت احتیاطی بنا به دلایل امنیتی در کشور و امور خارجه؛ امنیت پاکستان یا هر بخشی از آن؛ افراد تحت بازداشت احتیاطی؛ صنایعی اعلام می‌دارند که طبق قوانین کشور برای دفاع یا تداوم جنگ ضروری باشند؛

۲- امور نیروهای زمینی، دریایی و هوایی؛ حکومت‌های خودگردان محلی در نواحی اردوگاهی؛ تشکیل و تعیین اختیارات مسئولان اردوگاه در نواحی مزبور، تنظیم تهیه مسکن در آن نواحی و تحدید نواحی مزبور.

۳- امور خارجه؛ اجرای معاهده‌ها، موافقتنامه‌ها شامل میثاقها و موافقتنامه‌های فرهنگی و آموزشی با سایر کشورها؛ استرداد مجرمین شامل تحویل جنایتکاران و محکومین به حکومت‌های خارج از پاکستان.

۴- ملیت، تابعیت و اعطای حق تابعیت.

۵- مهاجرت و یا سکونت در ایالات و یا پایتخت کشور.

۶- ورود به پاکستان یا مهاجرت و تبعید از آن، که در این زمینه شامل تنظیم جابه‌جایی افراد غیر بومی در پاکستان می‌شود؛ سفرهای زیارتی به خارج.

۷- پست و تلگراف، شامل تلفن، بی‌سیم، رادیو و تلویزیون و سایر روش‌های ارتباطی؛ «بانک پسانداز وزارت پست».

۸- پول رایج، مسکوکات و پول قانونی.

۹- ارز خارجی، چکها، حواله‌های ارزی، سفته‌ها و سایر اسناد مشابه.

۱۰- بدهی‌های دولتی کشور شامل استقراض با ضمانت صندوق تلفیقی کشور؛ وامها و کمکهای خارجی.

۱۱- دستگاههای دولتی کشور و کمیسیون دستگاههای دولتی کشور.

۱۲- مستمری‌های کشوری، یعنی آن دسته از مستمری‌ها که توسط حکومت مرکزی یا صندوق تلفیقی کشوری قابل پرداخت می‌باشد،

۱۳- بازرسان کشور.

۱۴- دادگاهها و محاکم اداری برای موضوعات کشوری.

۱۵- کتابخانه‌ها، موزه‌ها، و مؤسسات مشابه که توسط حکومت فدرال کنترل یا تأمین مالی می‌شوند.

۱۶- سازمانها و مؤسسات کشوری جهت انجام تحقیق، آموزش فنی و حرفه‌ای و یا گسترش مطالعات تخصصی.

۱۷- تحصیل دانشجویان پاکستانی در ممالک خارجی و دانشجویان خارجی در پاکستان.

۱۸- انرژی هسته‌ای، شامل موارد ذیل:

الف) منابع معدنی مورد نیاز برای تولید انرژی هسته‌ای.

ب) تولید سوخت هسته‌ای و تولید و بکارگیری انرژی هسته‌ای.

ج) یونیزه سازی تشعشعات.

۱۹- قرنطینه بنادر، فرودگاهها، بیمارستانهای دریایی و دریانوردان و بیمارستانهای مرتبط با قرنطینه بنادر و فرودگاهها.

۲۰- حمل و نقل دریایی و کشتیرانی، شامل حمل و نقل و کشتیرانی در آبهای جزر و مدی، قلمرو نیروی دریائی.

۲۱- بنادر بزرگ، یعنی تعیین و اعلام حدود بنادر مزبور و قوانین آنها و اختیارات مسئولین بنادر ذیربط.

۲۲- حمل و نقل هوایی و هوانوردی؛ احداث فرودگاه؛ سازماندهی و تنظیم حمل و نقل هوایی و همچنین فرودگاههای کوچک.

۲۳- فانوس دریایی شامل کشتیهایی مجهز به فانوس؛ برج دیده‌بانی و سایر پیش‌بینی‌های لازم برای ایمنی دریانوردی و هوانوردی.

۲۴- حمل و نقل دریایی و هوایی مسافر و کالا.

۲۵- حق طبع و نشر، اختراعات، طرحها، علائم تجاری و بازرگانی.

۲۶- فروش صادراتی تریاک.

۲۷- صادرات و واردات از طریق گمرکات مرزی مشخص شده توسط حکومت فدرال؛ تجارت و بازرگانی بین‌ایالتی، تجارت و بازرگانی خارجی، تعیین استاندارد کیفیت کالاها برای صدور به خارج از پاکستان.

۲۸- بانک دولتی پاکستان؛ بانکداری به معنای کنترل امور بانکی توسط تعاونیها، غیر از مواردی که تحت کنترل یا در مالکیت یک ایالت هستند و فقط در محدوده ایالت مزبور اموری را به انجام می‌رسانند.

۲۹- قانون بیمه، غیر از بیمه‌هایی که به عهده ایالات است، و تنظیم نحوه انجام امور صنعت بیمه، غیر از بیمه‌های ایالتی مزبور؛ بیمه دولتی به استثنای بیمه‌های ایالتی در مورد موضوعی که در صلاحیت قانونگذاری مجلس ایالتی قرار دارد.

۳۰- بورس سهام و اوراق بهادار و بازارهای سلف خری کالا و معاملاتی که محدود به یک ایالت نباشد.

۳۱- تعاونیها، یعنی تأسیس، تشکیل و انحلال تعاونیهای تجاری، از جمله تعاونیهای بانکداری، بیمه و مالی، یا شرکت‌های تعاونی که البته تعاونیهایی را که تحت کنترل یا در مالکیت یک ایالت بوده و فقط در محدوده ایالت مزبور فعالیت می‌نمایند، شامل نمی‌شود و نیز انجام امور فوق در مورد تعاونیها اعم از تجاری یا غیر تجاری که اهدافشان به یک ایالت محدود نباشد، دانشگاهها از این حیث مستثنی هستند.

۳۲- برنامه‌ریزی ملی و همیاری ملی اقتصادی شامل برنامه‌ریزی و همکاری در تحقیقات تکنولوژیکی و علمی.

۳۳- بخت‌آزمایی‌های دولتی.

۳۴- بزرگراههای ملی و راههای سوق‌الجیشی.

۳۵- مطالعات کشوری شامل مطالعات زمین‌شناسی و سازمانهای هواشناسی کشور.

۳۶- ماهیگیری و شیلات در خارج از آبهای سرزمینی.

۳۷- کارخانجات، املاک، و ساختمانهای متعلق یا واگذار شده به دولت در جهت مقاصد کشوری، (غیر از امور مربوط به نیروی زمینی، دریایی، هوایی و نظامی) ولی در مورد اموال موجود در یک ایالت با رعایت دائمی اختیارات قانونگذاری ایالت، به استثنای مواردی که قوانین کشوری به گونه دیگری مقرر نماید.

۳۸- سرشماری جمعیت.

۳۹- تعیین مقیاس‌های وزن و اندازه‌گیری.

۴۰- گسترش اختیارات و حوزه قضایی پرسنل نیروی انتظامی یک ایالت به نواحی واقع در ایالات دیگر فقط در حدی که به نیروهای انتظامی یک ایالت امکان دهد که اختیارات و صلاحیت خود را در ایالت دیگر و با رضایت حکومت ایالت مزبور، اعمال نمایند؛ گسترش اختیارات و حوزه قضایی پرسنل نیروهای انتظامی یک ایالت به نواحی راه آهن در خارج از آن ایالت.

۴۱- انتخابات ریاست جمهوری، مجلس ملی، مجلس سنا و مجالس ایالتی، مأمور عالی انتخابات و کمیسیونهای انتخاباتی.

۴۲- حقوق، مزایا و امتیازات شغلی رئیس جمهور، رئیس و نایب رئیس مجلس ملی رئیس و نایب رئیس مجلس سنا، نخست وزیر، وزیر کشور، وزیر دولت؛ حقوق، مزایا و امتیازات شغلی اعضای مجلس سنا و مجلس ملی؛ مجازات افرادی که از ادای شهادت یا ارائه مدارک به کمیته‌های مجلس خودداری نماید.

۴۳- عوارض گمرکی از جمله عوارض صادرات.

۴۴- عوارض کالاهای مصرفی از جمله نمک، و مانند آن، غیر از مشروبات الکلی، تریاک و مواد مخدر دیگر.

۴۵- عوارض مربوط به وراثت اموال.

۴۶- مالیات بر ارزش افزوده.

۴۷- مالیات بر درآمدهای غیر کشاورزی.

۴۸- مالیات تعاونیه‌ها.

۴۹- مالیات بر خرید و فروش کالاهای وارداتی و صادراتی، تولیدی، مصرفی یا ساخته شده.

۵۱- مالیات بر ارزش سرمایه‌ای دارایی‌ها، به استثنای مالیات بر سود سرمایه‌ای اموال غیرمنقول.

۵۱- مالیات نفت معدنی، گاز طبیعی و مواد معدنی، برای استفاده در تولید انرژی هسته‌ای.

۵۲- مالیات و عوارض ظرفیت تولیدی کارخانجات، کارگاه‌ها، مراکز صنعتی، مؤسسات یا تأسیسات، به جای یک یا چند مورد از آنها.

۵۳- مالیات پایانه‌ای بر کالاها و یا مسافرانی که از طریق راه آهن، دریا یا هوا جابجایی شوند؛ مالیات بر کرایه مسافر و کالا.

۵۴- حق الزحمه‌های مربوط به هر یک از موضوعات مذکور در این بخش به‌استثنای حق الزحمه‌ای که دادگاه دریافت می‌نماید.

۵۵- صلاحیت و اختیارات دادگاهها، غیر از دیوان عالی، در مورد هر یک از موضوعات فهرست حاضر و افزایش صلاحیت دیوان عالی و تفویض اختیارات تکمیلی به آن در حدودی که بطور مشخص بواسطه قانون اساسی و یابه موجب آن تعیین شود.

۵۶- تخلف از قوانین مربوط به هر یک از موضوعات این بخش.

۵۷- تحقیق و تهیه آمار مورد نیاز در زمینه هر یک از موضوعات این بخش.

۵۸- موضوعاتی که به موجب قانون اساسی در صلاحیت قانونگذاری مجلس شورا(پارلمان) قرار دارد و یا به کل کشور مربوط می‌شود.

۵۹- مسائل تبعی یا جانبی موضوعات مندرج در این بخش.

بخش دوم

۱- راه آهن.

۲- نفت معدنی و گاز طبیعی، مایعات و موادی که در قوانین کشوری تحت عنوان «مشتعل خطرناک» نام برده شده‌اند.

۳- توسعه صنایع، هر گاه که در قوانین کشوری گسترش صنعت با نظارت حکومت فدرال در جهت منافع عامه مقتضی باشد؛ مؤسسات، تشکیلات، نهادها یا تعاونیهایی که بلافاصله قبل از روز آغاز توسط حکومت مرکزی اداره یا کنترل می‌شدند، از جمله سازمان توسعه آب و برق پاکستان و شرکت توسعه صنعتی پاکستان، کلیه سرمایه‌گذاریها، پروژه‌ها و طرحهای مؤسسات، تشکیلات نهادها یا تعاونیهای مزبور، صنایع، پروژه‌ها و سرمایه‌گذاریهایی که بطور کلی و یابخشی از آن در تملک حکومت فدرال و یا تعاونی وابسته به حکومت فدرال باشند.

۴- شورای منافع مشترک.

۵- حق الزحمه‌های مربوط به هر یک از موضوعات مندرج در این بخش به استثنای حق الزحمه‌ای که دادگاهها دریافت می‌نمایند.

۶- تخلف از قوانین مربوط به هر یک از موضوعات این بخش.

۷- تحقیق و تهیه آمار مورد نیاز در زمینه هر یک از موضوعات این بخش.

۸- مسائل تبعی یا جانبی موضوعات مندرج در این بخش.

فهرست قانونگذاری مشترک

۱- قانون جنایی، شامل کلیه موضوعات مندرج در «قانون جزای»، پاکستان موجود در روز آغاز، به استثنای تخلف از قوانین مربوط به هر یک از موضوعات مذکور در فهرست قانونگذاری کشوری، و نیز استفاده از نیروهای زمینی، دریایی و هوایی برای یاری رسانی به نیروهای انتظامی.

۲- دادرسی جنایی شامل موضوعات مندرج در «آیین دادرسی جنایی»، موجود در روز آغاز.

۳- دادرسی مدنی شامل قانون محدودیت‌ها و کلیه موضوعات مندرج در «آیین نامه دادرسی مدنی» موجود در روز آغاز؛ وصول مطالبات مربوط به مالیات‌ها و سایر مطالبات دولتی در یک ایالت یا پایتخت کشور، از جمله آن بخش از دیون معوقه درآمدها و مبالغ ارضی که بدین نحو قابل وصول بوده و در خارج از ایالت مزبور حاصل می‌شود.

۴- ادای شهادت؛ سوگند؛ تصدیق رسمیت قوانین، مقررات دولتی و سوابق دادرسیهای قضایی.

۵- ازدواج و طلاق، ایتم و صغار؛ فرزندخواندگی.

۶- وصیت‌نامه، فوت بدون وصیت و مسائل مربوط به ارث به استثنای موارد مرتبط با اراضی زراعی.

۷- ورشکستگی و اعسار، امنا و مدیران تصفیه.

۸- حکمیت.

۹- قراردادهای شامل شراکت، نمایندگی، قراردادهای حمل و نقل و سایر قراردادهای ویژه به استثنای قراردادهای اراضی زراعی.

۱۰- تولیت و متولیان.

۱۱- انتقال اموال به غیر از اراضی زراعی، ثبت اسناد و قباله‌ها.

۱۲- تخلفات قابل طرح در دادگاهها، به استثنای مواردی که با توجه به هر یک از موضوعات مصرحه در فهرست قانونگذاری کشوری، در قوانین قید شده باشد.

۱۳- جابه جایی زندانیان و مجرمین از ایالتی به ایالت دیگر.

۱۴- بازداشت احتیاطی، بنا به دلایل مربوط به برقراری نظم عمومی، ارائه خدمات و تدارکات مورد نیاز جامعه؛ افراد تحت بازداشت احتیاطی.

۱۵- افراد تحت بازداشت احتیاطی به موجب اختیارات حکومت مرکزی.

۱۶- مبارزه با تخلفات در مورد موضوعات مربوط به حکومت‌های ایالتی یا حکومت مرکزی؛ تشکیل نیروی پلیس برای این منظور.

۱۷- سلاح‌های سرد و گرم و مهمات.

۱۸- مواد منفجره.

۱۹- کشت و تولید تریاک.

۲۰- داروها و دواها.

۲۱- سموم و داروهای خطرناک.

۲۲- مبارزه با گسترش امراض یا آفات واگیردار یا مسری از ایالتی به ایالت دیگر.

۲۳- امراض روانی و معلولیتهای ذهنی؛ تأسیس مراکز پذیرش و درمان بیماران روانی و معلولان ذهنی.

۲۴- آلودگی محیط زیست و بوم شناسی.

۲۵- کنترل جمعیت و رفاه اجتماعی.

۲۶- تأمین شغلی؛ شرایط کار، صندوقهای رفاه؛ مسؤولیت کارفرمایان، دستمزدها و بیمه درمانی کارگران شامل مستمری پیری و از کارافتادگی.

۲۷- اتحادیههای کارگری؛ اختلافات بین کارگر و کارفرما.

۲۸- ایجاد تبادل کاری، تأسیس دفاتر کاریابی و مؤسسات آموزشی.

۲۹- مخازن آب گرم.

۳۰- مقررات کار و ایمنی در معادن، کارخانجات و میادین نفتی.

۳۱- بیمه بیکاری.

۳۲- کشتیرانی و حمل و نقل دریایی در آبراههای داخلی بوسیله کشتیهای موتوری و مقررات تردد در آبراههای مزبور؛ حمل و نقل مسافر و کالا در آبراههای داخلی.

۳۳- وسائط نقلیه موتوری.

۳۴- برق.

۳۵- روزنامه، کتاب، مطبوعات.

۳۶- اموال متروکه در جنگ.

۳۷- ابنیه تاریخی و قدیمی، و آثار و اماکن باستانی.

۳۸- برنامه‌های درسی و آموزشی، برنامه‌ریزی، تعیین خط مشی، مراکز آموزش کودکان تیزهوش، و استانداردهای آموزشی و پرورشی.

۳۹- آموزش و پرورش اسلامی.

۴۰- زکات.

۴۱- ساخت، نظارت و نمایش فیلمهای سینمایی.

۴۲- صنعت سیاحت و جهانگردی.

۴۳- مشاغل پزشکی، حقوقی و غیره.

(۴۳-الف) اوقاف.

۴۴- هزینه‌های مربوط به موضوعات مندرج در فهرست حاضر به استثنای هزینه‌هایی که دادگاهها دریافت می‌نمایند.

۴۵- تحقیق و تهیه آمار مورد نیاز در زمینه هر یک از موضوعات این فهرست.

۴۶- تخلف از قوانین مربوط به هر یک از موضوعات مندرج در این فهرست؛ صلاحیت و اختیارات دادگاهها، غیر از دیوان عالی در مورد هر یک از موضوعات این فهرست.

۴۷- مسائل تبعی یا جانبی موضوعات مندرج در این فهرست.

پیوست پنجم

[اصل دویست و پنجم]

حقوق، شرایط و مدت خدمت قضات

دیوان عالی

۱- حقوق رییس دیوان عالی پاکستان مبلغ ۷۹۰۰ روپیه، و حقوق سایر قضات دیوان عالی مبلغ ۷۴۰۰ روپیه در ماه خواهد بود.

۲- هر یک از قضات دیوان عالی از حقوق، مزایا و امتیازات مربوط به مرخصی و بازنشستگی که رییس جمهور تعیین می کند برخوردار خواهند شد با این حال تازمانی که رییس جمهور در این زمینه تصمیمی بگیرد، آنها از حقوق، مزایا و امتیازاتی که قضات دیوان عالی پاکستان بلافاصله قبل از روز آغاز بهره مند بوده اند، برخوردار خواهند شد.

۳- مستمری قاضی بازنشسته دیوان عالی بر اساس طول خدمت وی به عنوان قاضی دیوان یا یک دادگاه عالی کمتر از ۳۶۰۰ و بیشتر ۴۶۰۰ روپیه در ماه خواهد بود.

مع هذا، ارزش مستمری قاضی دیوان عالی نباید کمتر از مقداری باشد که بلافاصله قبل از روز آغاز به عنوان یک قاضی به وی پرداخت می شده است.

۴- میزان مستمری بیوه قاضی دیوان عالی به شرح ذیل خواهد بود:

الف) اگر قاضی پس از بازنشستگی فوت نماید، پنجاه در صد از مستمری خالص به وی، یا

ب) اگر قاضی بعد از اینکه بیش از سه سال به عنوان قاضی خدمت کرده و یا در طول خدمت، در مدت مزبور فوت نماید پنجاه درصد از حداقل مستمری قانونی وی قابل پرداخت خواهد بود.

۵- پرداخت مستمری به بیوه مزبور به صورت مادام العمر و در صورت ازدواج مجدد وی تا زمان ازدواج خواهد بود،

۶- در صورت فوت بیوه مزبور مستمری فوق به افراد ذیل پرداخت خواهد شد:

الف) فرزندان ذکور قاضی تا وقتی که به سن بیست و یک سالگی برسند.

ب) فرزندان اناث مجرد قاضی تا وقتی که به سن ۲۱ سالگی برسند و یا ازدواج نمایند، به هر حال هر کدام که زودتر واقع شود.

دادگاه عالی

۱- حقوق رییس دادگاه عالی ۷۲۰۰ روپیه و سایر قضات دادگاه مزبور هر کدام ۶۵۰۰ روپیه در ماه خواهد بود.

۲- هر یک از قضات دادگاه عالی از حقوق، مزایا و امتیازات مربوط به مرخصی و بازنشستگی که رییس جمهور تعیین می کند برخوردار خواهند شد، با این حال تازمانی که رییس جمهور در این زمینه تصمیمی بگیرد، آنها از حقوق، مزایا و امتیازاتی که قضات دادگاه عالی بلافاصله قبل از روز آغاز بهره مند بوده اند، برخوردار خواهند شد.

۳- مستمری قاضی دادگاه عالی که با بیش از پنج سال خدمت در سمت قضاوت بازنشسته می‌شود، بر اساس طول خدمت وی به عنوان قاضی و کل خدمت وی - اگر باشد - در دستگاه دولتی پاکستان، کمتر از ۲۴۰۰ و بیشتر از ۴۲۰۰ روپیه در ماه نخواهد بود.

۴- میزان مستمری بیوه قاضی دادگاه عالی به شرح ذیل خواهد بود:

الف) اگر قاضی پس از بازنشستگی فوت نماید، پنجاه درصد از مستمری خالص به وی، یا

ب) اگر قاضی بعد از اینکه بیش از پنج سال به عنوان قاضی خدمت کرده و یا در طول خدمت، در مدت مزبور فوت نماید، پنجاه درصد حداقل مستمری قانونی وی قابل پرداخت خواهد بود.

۵- پرداخت مستمری به بیوه مزبور به صورت مادام‌العمر، و در صورت ازدواج مجدد وی تا زمان ازدواج خواهد بود.

۶- در صورت فوت بیوه مزبور مستمری فوق به افراد ذیل پرداخت خواهد شد:

الف) فرزندان ذکور قاضی تا زمانی که به سن ۲۱ سالگی برسند.

ب) به فرزندان اناث مجرد قاضی تا وقتی که به سن ۲۱ سالگی برسند و یا ازدواج نمایند، به هر حال هر کدام که زودتر واقع شود.

پیوست ششم

[اصل دویست و شصت و هشت- ماده (۲)]

قوانینی که بدون اجازه قبلی رییس جمهور نمی‌توانند لغو، نسخ یا اصلاح گردند.

ردیف عنوان قانون

- ۱- مقررات تملک غیرقانونی املاک، سال ۱۹۶۹
- ۲- مقررات عزل از خدمت (مقررات ویژه) سال ۱۹۶۹
- ۳- مقررات (مجازات) اسراف و تبذیر، سال ۱۹۶۹
- ۴- مقررات (مالکیت غیرقانونی) املاک زراعی دولتی سال ۱۹۶۹

- ۵- مقررات اموال دشمن (پرداخت دیون به دشمن) سال ۱۹۷۱
- ۶- مقررات استرداد اوراق ارزی (واحد‌های بزرگ) سال ۱۹۷۱
- ۷- مقررات املاک متروکه و عوارض دولتی (استرداد) سال ۱۹۷۱
- ۸- مقررات (حل اختلافات) ناحیه پیشاور و نواحی قبیله‌ای سال ۱۹۷۱
- ۹- مقررات (تدقیق سرمایه‌ها)، توافق حزب «مسلم لیگ» و «حزب عوامی لیگ» سال ۱۹۷۱
- ۱۰- مقررات مربوط به استرداد ارز خارجی سال ۱۹۷۲
- ۱۱- مقررات (اعلامیه) سرمایه‌های خارجی، سال ۱۹۷۲
- ۱۲- مقررات عزل از خدمت (مقررات ویژه) سال ۱۹۷۲
- ۱۳- مقررات اصلاحات ارضی سال ۱۹۷۲

- ۱۴- مقررات (درخواست تجدیدنظر) عزل از خدمت، سال ۱۹۷۲
- ۱۵- مقررات اصلاحات ارضی (کانال رود فرعی پات بلوچستان) سال ۱۹۷۲
- ۱۶- مقررات (اداره) مدارس و دانشکده‌های با مدیریت خصوصی سال ۱۹۷۲
- ۱۷- مقررات (لغو فروش) اموال دشمن سال ۱۹۷۲
- ۱۸- مقررات (انتقال و توزیع اموال) دیر [۷۲] و سوات [۷۳] سال ۱۹۷۲
- ۱۹- مقررات (حل اختلافات اموال غیرمنقول) دیر (۱) و سوات (۲) سال ۱۹۷۲
- ۲۰- مقررات (بازنگری در فروش یا انتقال) تعاونی توسعه صنعتی پاکستان غربی سال ۱۹۷۲
- ۲۱- مقررات اصلاحات اقتصادی (حمایت از صنایع) سال ۱۹۷۲
- ۲۲- مقررات واگذاری مطبوعات ملی (تعلیق هیأت امناء و مدیران) سال ۱۹۷۲

۲۳- مقررات (بازپرداخت دیون) بانکهای تعاونی (پنجاب) سال ۱۹۷۲

۲۴- مقررات (بازپرداخت دیون) انجمنهای تعاونی (سند) سال ۱۹۷۲

پیوست هفتم

[اصل دویست و هفتاد-الف-ماده (۶)]

قوانینی که همانند قانون اساسی اصلاح می‌شوند.

فرمانهای رییس جمهور

۱- فرمان بنیاد ذوالفقار علی بوتو و انجمن بنیاد خلق، (نامگذاری مجدد و مدیریت)، سال ۱۹۷۸
(P.O.No. 4 of 1978)

۲- فرمان اردوگاههای نظامی (مالیات اموال غیرمنقول شهری و عوارض تفریحی)، سال ۱۹۷۹
(P.O.No. 13 of 1979)

۳- فرمان سازمان مسکن افسران ارتش پاکستان، سال ۱۹۸۰ (P.O.No.7 of 1980)

۴- فرمان وامهای ارز خارجی (نرخ ارز)، سال ۱۹۸۲ (P.O.No.3 of 1982)

۵- فرمان تأسیس دفتر وفاقی محتسب، سال ۱۹۸۳ (P.O.No.1 of 1983)

۶- فرمان دانشگاه آقاخان، سال ۱۹۸۳ (P.O.No.3 of 1983)

۷- فرمان دانشکده ملی مهندسی بافندگی (هیأت مدیره و مالیات)، سال ۱۹۸۳ (P.O.No.11 of 1983)

۸- فرمان دانشگاه علوم مدیریت لاهور، سال ۱۹۸۵ (P.O.No.25 of 1985)

دستورالعمل‌ها

۱- دستورالعمل دانشگاه بین‌المللی اسلامی، سال ۱۹۸۵ (XXX of 1985)

ضمیمه یک

اعلام حکومت نظامی

[روزنامه رسمی پاکستان، شماره فوق العاده، بخش اول - پنجم ژوئیه سال یکہزارو نہصدو ہفتادو ہفت (۷۴)]

نظر به اینکه من، ژنرال محمد ضیاء الحق رییس ستاد ارتش در سراسر پاکستان حکومت نظامی اعلام نموده‌ام و مسؤولیت اداره ستاد حکومت نظامی را عہدہ دار گردیدہ‌ام، به این وسیلہ مقرر و اعلام می‌دارم کہ:

الف) قانون اساسی جمہوری اسلامی پاکستان بہ حال تعلیق درمی‌آید.

ب) مجلس ملی، مجلس سنا و مجالس ایالتی منحل می‌گردند.

ج) نخست وزیر، وزیرای کشور، وزیرای دولت، مشاوران نخست وزیر، رئیس و نایب رئیس مجلس ملی و مجلس سنا و مجالس ایالتی، فرمانداران، رئیس الوزراها و وزیرای ایالات از سمت خود برکنار می گردند.

د) رئیس جمهور پاکستان در سمت خود باقی می ماند.

ه) در سرتاسر پاکستان حکومت نظامی برقرار می گردد.

ضمیمه دوم

فرمان (استمرار و ابقای) قوانین، سال ۱۹۷۷

فرمان شماره ۱ رئیس ستاد حکومت نظامی

[پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷] [۷۵]

پیرو اعلامیه پنجم ژوئیه، سال ۱۹۷۷ و در اجرای کلیه اختیارات محوله به‌رییس ستاد حکومت نظامی، به موجب اعلامیه مزبور، با کمال خرسندی فرمان‌ذیل را اعلام و صادر می‌نماید:

۱- (۱) فرمان حاضر به عنوان «فرمان (استمرار و ابقای) قوانین» نامیده خواهد شد.

(۲) کل کشور پاکستان را شامل می‌شود.

(۳) بلافاصله لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲- (۱) بدون توجه به تعلیق مفاد «قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان» که از این پس با عنوان «قانون اساسی» از آن نام برده می‌شود، با رعایت فرمان حاضر و هر فرمان صادره دیگر توسط رییس جمهور، و نیز مقررات حکومت نظامی یا فرمان حکومت نظامی که بوسیله رییس ستاد حکومت نظامی صادر شود، کشور پاکستان در حد ممکن بر اساس قانون اساسی اداره خواهد شد.

تبصره: در فرمان حاضر واژه «قانون اساسی» به نحوی تعبیر خواهد شد که:

الف) در ماده (۳) اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، کلمات «پنج سال» جایگزین کلمات «دوازده سال» شوند.

ب) اصول یکصد و هفتاد و نهم، یکصد و نود و پنجم و یکصد و نود و نهم قانون اساسی، مشمول هیچ یک از اصلاحیه‌های آن نشود،[[] به استثنای قانون (نخستین اصلاح) قانون اساسی، سال ۱۹۷۴] (XXXIII of 1974).

(۲) با رعایت آنچه در بالا گفته شد، کلیه دادگاههایی که بلافاصله قبل از روز آغاز اجرای فرمان حاضر وجود داشته‌اند، همچنان به انجام وظیفه و استفاده از اختیارات و صلاحیت‌های مربوطه خود ادامه خواهند داد.

مع هذا، دیوان عالی یا دادگاههای عالی نمی‌توانند حکمی را با ماهیت مذکور در اصل یکصد و نود و نهم قانون اساسی علیه رئیس ستاد حکومت نظامی یا فرماندار نظامی و یا هر کسی که اختیارات یا صلاحیتی را طبق مسؤولیتش، اعمال می‌نماید صادر کنند.

(۳) «حقوق اساسی» تفویض شده به موجب فصل اول از بخش دوم قانون اساسی و کلیه دادرسیهای معوقه در دادگاهها، در حدی که مربوط به اعمال هر یک از حقوق مزبور باشد، همچنان مسکوت خواهد ماند.

۲- الف) صرفنظر از هر آنچه در اصل دوم آمده، حکم موقتی که دادگاه عالی در مورد یک دادخواست مرجوعه به آن صادر می‌نماید، و دادخواست مزبور برای بررسی اعتبار یا تأثیر حقوقی هر نوع حکم صادره، دادرسی یا عمل انجام گرفته توسط مقام یا شخصی باشد که صدور، انجام و یا انجام و انمودی آنها به موجب قانونی بوده که در این پیوست تصریح شده است؛ و یا اینکه در مورد برآورد یا جمع‌آوری وجوه مالیاتی باشد، در خاتمه یک مدت شش ماهه از

روز صدور، از اعتبار ساقط می گردد، مگر اینکه دادگاه رأی نهایی را صادر و یا رأی موقت مزبور را ملغی نماید.

۳- (۱) رئیس جمهور به غیر از مواردی که خود رئیس ستاد حکومت نظامی است، با مشورت رئیس ستاد حکومت نظامی عمل خواهد نمود.

(۲) فرمانداران ایالات به غیر از مواردی که خود فرماندار نظامی ایالت خود باشند با مشورت فرماندار نظامی که توسط رئیس ستاد حکومت نظامی برای هر ایالت تعیین می شود، عمل خواهند نمود.

۴- (۱) هیچ دادگاه، محکمه یا مقام دیگر در مورد «اعلام وضع اضطراری» مورخه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ [۷۶] و یا هر فرمان، دستورالعمل، قوانین فرمان حکومت نظامی که پیرو آن صادر شده تحقیق ننموده و اجازه تحقیق در مورد آن را نخواهد داشت.

(۲) هیچ دادگاه یا محکمه ای، هیچ نوع رأی، حکم، قرار، دستور، ابلاغیه و مانند اینها را علیه رئیس ستاد حکومت نظامی یا هیچ یک از مقامات حکومت نظامی که اختیارات یا صلاحیتی را با نظارت رئیس ستاد مزبور اعمال می نماید وضع یا صادر نخواهد نمود.

۵- (۱) بدون توجه به تعلیق مفاد «قانون اساسی» ولی با رعایت هر نوع فرمان رئیس جمهور، یا مقررات حکومت نظامی و یا فرمان حکومت نظامی صادره از سوی رئیس ستاد حکومت نظامی، کلیه قوانین غیر از قانون اساسی و کلیه دستورات، فرمانهای شورایی، فرمانهای رئیس جمهور، ضوابط، آیین نامه ها، مقررات، اعلامیه ها، و سایر ابزارهای حقوقی معتبر دیگر در پاکستان، یا

هربخشی از آن، که دارای اعتبار برون مرزی باشد، تا حد ممکن و با تغییراتی که رییس جمهور صلاح بداند، تا زمانی که بوسیله مقام ذیصلاحی الغا یا اصلاح شوند و یا تغییر یابند، همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند.

(۲) در بند (۱) منظور از «به قوت خود باقی ماندن» در مورد هر قانونی عبارت است از دارا بودن اعتبار به عنوان قانون، اعم از اینکه اجرا شده یا نشده باشد.

۶- با رعایت ماده (۲) اصل سوم، اختیارات فرماندار در حدی خواهد بود که حکومت مرکزی وی را موظف نماید، تا از طرف حکومت مزبور تمام وظایف حکومت ایالتی ناشی از مفاد اصل دویست و بیست و دو قانون اساسی راعهده دار گردد.

۷- (۱) دستورالعمل صادره از سوی رییس جمهور و یا فرماندار یک ایالت، منوط به محدودیت زمانی که قانون اساسی برای آن تعیین می نماید، نخواهد بود.

(۲) مفاد بند (۱) همچنین در مورد دستورالعمل قانونی که بلافاصله قبل از روز آغاز اجرای فرمان حاضر نافذ بوده، اعمال خواهد شد.

۸- کلیه کسانی که بلافاصله قبل از روز آغاز اجرای فرمان حاضر به نحو مذکور در اصل دویست و شصت قانون اساسی در خدمت دستگاه دولتی پاکستان باشند، و تمام افرادی که بلافاصله قبل از روز مزبور، در سمت قاضی دیوان عالی یا دادگاه عالی و یا حسابرس کل بوده اند، در همان دستگاه و با همان شرایط ابقاشده و از همان مزایا- اگر باشد- برخوردار خواهند شد.

مع هذا، اگر بنا باشد متصدی سمتی در صورت عدم اصلاح قانون اساسی از سمت خود برکنار شود، باید از سمت خود استعفا دهد.

۹- هر نوع ماده یا مفادی از هر نوع قانونی که ارجاع یک حکم توقیف را به هیأت تجدید نظر ایجاب می نماید، از اعتبار ساقط می گردد.

پیوست

(به اصل دوم- الف) نگاه کنید

۱- فرمانهای رییس جمهور

(۱) فرمان ثبت (دارایی) کشور، سال ۱۹۷۱ (P.O.No.12 of 1971)

(۲) فرمان اصلاحات اقتصادی، سال ۱۹۷۲ (P.O.No.1 of 1972)

۲- مقررات

(۱) مقررات اصلاحات ارضی، سال ۱۹۷۲

(۲) مقررات اصلاحات ارضی (کانال رود فرعی پات بلوچستان [۷۷])، سال ۱۹۷۲

(۳) مقررات اصلاحات اقتصادی (حمایت از صنایع) سال ۱۹۷۲

(۴) مقررات توزیع اموال (شیترا) [۷۸] سال ۱۹۷۴ (**II of 1974**)

(۵) مقررات حل اختلافات مربوط به اموال غیرمنقول (شیترا)، سال ۱۹۷۴ (**III of 1974**)

(۶) مقررات دیر [۷۹] و سوات [۸۰] (واگذاری و توزیع اموال و حل دعاوی اموال غیرمنقول)
(متمم)، سال ۱۹۷۵ (**II of 1975**)

(۷) مقررات حل دعاوی اموال غیرمنقول (شیترا) (متمم) سال ۱۹۷۶ (**II of 1976**)

۳- قوانین کشوری

(۱) قانون اصلاحات ارضی (متمم) سال ۱۹۷۴ (**XXX of 1974**)

(۲) قانون اصلاحات ارضی (متمم) سال ۱۹۷۵ (**XXXX of 1975**)

(۳) قانون اصلاحات ارضی (متمم) سال ۱۹۷۵ (**LXXII of 1975**)

(۴) قانون کنترل و توسعه کارخانجات آردسازی، سال ۱۹۷۶ (**LVII of 1976**)

(۵) قانون کنترل و توسعه کارخانجات شالی کوبی سال ۱۹۷۶ (**LVIII of 1976**)

(۶) قانون کنترل و توسعه کارخانجات پنبه پاک کنی سال ۱۹۷۶ (**LIX of 1976**)

(۷) قانون اصلاحات ارضی، سال ۱۹۷۷ (**LII of 1977**)

۴- قوانین ایالتی

(۱) قانون اصلاحات ارضی (اصلاحیہ بلوچستان)، ۱۹۷۴ (قانون بلوچستان (XI of 1974))

(۲) قانون اصلاحات ارضی (مقررات کانال رود فرعی پات) (متمم)، سال ۱۹۷۵ (قانون بلوچستان (VII of 1975))

۵- دستور العمل ایالتی

دستور العمل اصلاحات ارضی (کانال رود فرعی پات) ([۸۱]) (متمم)، سال ۱۹۷۶

ضمیمہ ۳

فرمان تنفیذ قانون اساسی، دهم مارس سال ۱۹۸۵ ([۸۲])

در اجرای اختیارات محوله به موجب ماده چهارم «فرمان احیای قانون اساسی سال ۱۹۷۳، به تاریخ ۱۹۸۵ (P.O.No.14 of 1985)» بدین وسیله رییس جمهور باکمال خرسندی، دهم مارس سال ۱۹۸۵ را به عنوان روز تنفیذ مفاد قانون اساسی مزبور، با انجام اصلاحات فرمان فوق به استثنای مواردی که در ذیل نام برده می‌شوند، تعیین می‌نماید:

اصل ششم و هشتم الی آخر اصل بیست و هشتم؛ مواد (۲) و (۲-الف) اصل یکصد و یکم، اصل یکصد و نود و نهم و دویست و سیزدهم الی آخر اصل دویست و شانزدهم؛ و دویست و هفتاد-الف.

ضمیمه ۴

تنفیذ بیانیه قانون اساسی توسط وزارت دادگستری

بیست و نهم دسامبر سال ۱۹۸۵ ([۸۳])

در اجرای اختیارات محوله به موجب ماده چهارم «فرمان احیای قانون اساسی سال ۱۹۷۳، به تاریخ ۱۹۸۵ (P.O.No.14 of 1985)»، رییس جمهور با کمال خرسندی روزی را که در آن اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ ([۸۴])، ملغی می‌گردد به عنوان روز تنفیذ مفاد ذیل از قانون اساسی با انجام اصلاحات فرمان مزبور تعیین می‌نماید:

اصل ششم و هشتم الی آخر اصل بیست و هشتم؛ مواد (۲) و (۲-الف) از اصل یکصد و یکم، اصول یکصد و نود و نهم؛ و دویست و سیزدهم الی آخر اصل دویست و شانزدهم؛ و اصل دویست و هفتاد-الف.

ضمیمه ۵

حذف اصل دویست و دوازدهم-الف

بیانیه وزارت دادگستری، بیست و نهم دسامبر سال ۱۹۸۵ ([۸۵])

در اجرای اختیارات محوله به موجب ردیف ۴۵ از پیوست «فرمان احیای قانون اساسی» سال ۱۹۷۳، به تاریخ ۱۹۸۵ (**P.O.No.14 of 1985**) «رییس جمهور با کمال خرسندی روزی را که در آن اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ ([۸۶])، ملغی می گردد، به عنوان روز حذف اصل دویست و دوازدهم-الف از قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان تعیین می نماید.

اعلامیه لغو حکومت نظامی

سی‌ام دسامبر سال ۱۹۸۵ ([۸۷])

نظر به اینکه حکومت نظامی طی اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ (۲) در پاکستان برقرار گردید، و از آنجا که رییس ستاد ارتش و رییس ستاد حکومت نظامی قول براین نهاده بودند که حکومت نظامی بعد از احیای دموکراسی و استقرار مجدد نهادهای نمایندگی، برچیده شود؛

و از آنجا که پس از برگزاری انتخابات همگانی به نحوی که وعده داده شده بود، مجلس شورا (پارلمان) و مجالس ایالتی متشکل از نمایندگان منتخب مردم بارعایت تشریفات قانونی تشکیل گردیده و انجام وظیفه می‌نمایند؛

و از آنجا که مجلس شورا (پارلمان) قانون هشتمین اصلاح قانون اساسی را در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسانیده است تا انتقال قانونی قدرت را تسهیل نماید،

اینک، پیرو اعلامیه پنجم ژوئیه ۱۹۷۷ ([۸۸]) و در اجرای کلیه اختیارات محوله به موجب اعلامیه رییس ستاد ارتش و رییس ستاد حکومت نظامی، با کمال خرسندی اعلام می‌گردد که

۱- بدین وسیله فرمان (استمرار اجرای) قوانین، به تاریخ ۱۹۷۷

(C.M.L.A.Order, No.1, of 1977) و فرمان قانون اساسی ایالتی به تاریخ
۱۹۸۱ (C.M.L.A. order No.1 of 1981) ملغی و اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷
باطل اعلام می‌گردد.

۲- سمت ریاست ستاد حکومت نظامی، فرمانداران نظامی و سایر مقامات حکومت مزبور و
دادگاههای نظامی که پیرو اعلامیه مذکور تشکیل شده بودند ملغی و منحل اعلام می‌گردد.

۳- قدرت رییس ستاد حکومت نظامی برای وضع مقررات حکومت نظامی، و صدور فرمانهای
قانون اساسی، و نیز قدرت هر یک از مقامات حکومت نظامی تابع رییس ستاد حکومت مزبور،
جهت صدور فرمانها و اقدام در مورد آنها، ساقط می‌شود.

ضمیمه ۷

فرمان تعلیق دادرسیها

فرمان حکومت نظامی، شماره ۱۰۷، سی‌ام دسامبر سال ۱۹۸۵ ([۸۹])

۱- (۱) فرمان حاضر تحت عنوان «فرمان حکومت نظامی» (تعلیق دادرسیها)، سال ۱۹۸۵ نامیده خواهد شد.

(۲) فرمان حاضر بلافاصله لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲- در این فرمان موارد زیر به شرح ذیل تعریف می‌شوند، مگر آنکه متن یا موضوع معنای دیگری برای آنها ایجاب نماید:

الف) «روز تعیین شده» روزی است که در آن اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ ([۹۰]) ملغی می‌گردد،

ب) «حکومت نظامی» حکومتی است که به موجب اعلامیه پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ (۲) برقرار می‌شود.

ج) «مقام حکومت نظامی» عبارت از هر شخص یا گروهی از اشخاص یا هردادگاهی است که توسط یا به موجب مقررات حکومت نظامی یا فرمان حکومت نظامی مجاز گردد وظایف یا اختیاراتی را به موجب فرمان یا مقررات مزبور انجام داده یا اعمال نماید.

د) «مدت حکومت نظامی» زمانی است که از پنجم ژوئیه ۱۹۷۷ (۲) آغاز و بالغای اعلامیه مزبور خاتمه می‌یابد.

۳- (۱) کلیه مقررات حکومت نظامی، فرمانهای صادره حکومت نظامی توسط رئیس ستاد حکومت نظامی که در پنجم ژوئیه سال ۱۹۷۷ (۲) یا بعد از آن صادر شده‌اند، و نیز کلیه فرمانهای حکومت نظامی - به غیر از موارد مصرحه در پیوست این فرمان - که توسط فرمانداران نظامی نواحی «الف»، «ب»، «ج»، «د» و «ه» به شرح فرمان حکومت نظامی شماره ۳، وضع یا صادر شده‌اند، بدون توجه به الغای فرمان مزبور، در یا بعد از آن روز، در موعد تعیین شده ملغی می‌گردند.

(۲) در فرمانها و مقررات حکومت نظامی که در پیوست این فرمان آمده‌اند، به جای «رئیس ستاد حکومت نظامی» کلمه «رئیس جمهور» به جای «فرماندار نظامی» کلمه «فرماندار مربوطه»، و در مورد فرماندار نظامی ناحیه «ه» عبارت «فرمانده نیروهای مناطق شمال»، و به جای «دادگاه نظامی» یا «دادگاه نظامی خاص» یا «دادگاه نظامی اختصاری» عبارت «دادگاه جنایی ذیصلاح»، در روز تعیین شده، جایگزین گردیده و مقررات و فرمانهای مزبور با تغییرات و اصلاحاتی که شرایط و اجرای آنها ایجاب نماید، اعتبار خواهند یافت.

(۳) بدون توجه به لغو «فرمان شماره ۵ حکومت نظامی» و «مقررات حکومت نظامی، شماره ۱۴»، نقض هر یک از مفاد مقررات یا فرمانهای حکومت نظامی مندرج در این پیوست طبق مجازاتهای مصرحه در «فرمان شماره ۵ حکومت نظامی» و «مقررات حکومت نظامی، شماره ۱۴»، مستوجب کیفر خواهد بود.

۴- الغای مقررات و فرمانهای حکومت نظامی مذکور در بند (۱) از ماده ۳، تأثیری بر اجرای سابق آن ندارد؛ و اعمال انجام شده، اقدامات به عمل آمده، تعهدات، مسؤولیت‌ها، کیفر یا مجازات اعمال شده یا دعاوی اقامه گردیده، بنا بر مورد، صحیح و معتبر محسوب خواهند شد.

۵- (۱) هر پرونده‌ای که بلافاصله قبل از روز تعیین شده در یک دادگاه نظامی ویژه یا «دادگاه نظامی اختصاری» معلق مانده باشد، به دادگاه جنایی انتقال می‌یابد و دادگاه مزبور برای بررسی جرم بر اساس مدارک پرونده، به موجب قوانین عادی دارای صلاحیت خواهد بود.

(۲) پرونده‌ای که به موجب بند (۱) به دادگاه جنایی منتقل می‌شود، توسط دادگاه مزبور با روش‌های معمول رسیدگی و انتقال چنان موردی به موجب قوانین عادی، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

۶- (۱) هر پرونده‌ای که پس از رسیدگی و تعیین تکلیف توسط دادگاه نظامی خاص، بلافاصله قبل از روز تعیین شده جهت تایید نتیجه یا حکم و یا هر دو معوق مانده باشد، و نیز هر دادخواست یا درخواست تجدیدنظر معوقه در مورد آنها، در روز تعیین شده تایید یا بعد از آن، یا بررسی و تعیین تکلیف خواهد شد. بدین لحاظ اگر حکم صادره مجازات اعدام یا قطع ید باشد، توسط رئیس جمهور و در سایر موارد توسط فرماندار مربوطه، و یا بنا بر مورد فرمانده نیروهای نواحی شمال مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

(۲) هر پرونده مختوم بها در یک دادگاه نظامی اختصاری، که بلافاصله قبل از روز تعیین شده جهت تایید یا امضا معوق مانده باشد، و نیز هر دادخواست، درخواست یا تجدیدنظر معوقه

مربوط به آن، در یا بعد از روز تعیین شده، توسط فرماندار مربوطه، و یا بنا بر مورد فرمانده نیروهای نواحی شمال به امضای تأییدی رسیده و بررسی و بسته خواهد شد.

۷- (۱) هر کس که خود را در اثر حکم یک دادگاه نظامی متضرر ببیند، می تواند در صورتی که حکم صادره مجازات اعدام یا قطع ید باشد، دادخواستی را به رییس جمهور و در سایر موارد به فرماندار ایالت مربوطه یا فرمانده نیروهای نواحی شمال - در مورد منطقه «ه» - تسلیم نماید.

(۲) در صورت ارائه دادخواست مزبور، رییس جمهور و یا بنا بر مورد، فرماندار یا فرمانده نیروهای نواحی شمال می تواند، دادرسی را به صورت مشروط یا غیر مشروط منتفی اعلام نماید یا عفو دهد و یا حکم مزبور را لغو، تقلیل، تخفیف یا معلق کند و یا دادخواست را نپذیرد.

مع هذا، فرماندار و یا بنا بر مورد فرمانده نیروهای نواحی شمال، اختیارات محوله خود به موجب این بند را با تایید قبلی رییس جمهور اعمال خواهند نمود.

۸- (۱) «حکم اعدامی» که در زمان حکومت نظامی توسط دادگاه نظامی خاص صادر ولی ظرف مدت مزبور ابلاغ یا اجرا نگردیده باشد، می تواند به موجب فرمان حکومت ایالتی ابلاغ و یا اجرا شود.

(۲) هر نوع قرار زندان که در زمان حکومت نظامی توسط دادگاه نظامی خاص یا دادگاه نظامی اختصاری تعیین شده ولی ظرف مدت مزبور به مرحله اجرا در نیامده باشد، می تواند با مجوز قاضی دادگاه بخشی که شخص متهم در آنجا یافته شود به اجرا در آید. مدت مجازات مزبور از روزی محاسبه خواهد شد که فرد متهم، به زندانی که در مجوز مزبور تعیین گردیده روانه شود.

(۳) هر نوع مجازاتِ جریمه‌ای که در زمان حکومت نظامی توسط دادگاه خاص یا دادگاه نظامی اختصاری تعیین شده ولی ظرف مدت مزبور اجرا نگردیده باشد، می‌تواند توسط دادگاه بخش محل سکونت متهم، به مرحله اجرا درآید. در این صورت حکم فوق به مثابه حکمی خواهد بود که توسط دادگاه مزبور با استناد به «قانون دادرسی جنایی» سال ۱۸۹۸ (شماره پنج سال ۱۸۹۸) صادر شده است، مشروط بر اینکه مفاد فصل بیست و نهم قانون فوق در مورد آن اعمال نگردد.

۹- برای تعیین تکلیف پرونده‌ها بر اساس فرمان حاضر، رئیس جمهور یا بنا بر مورد فرماندار یا فرمانده نیروهای نواحی شمال، از همان اختیارات و روش‌هایی استفاده خواهد نمود که قبل از روز تعیین شده، و با رعایت مفاد این فرمان توسط رئیس ستاد حکومت نظامی و یا فرماندار نظامی استفاده می‌شده است.

۱۰- مفاد فرمان حاضر بدون توجه به الغای مقررات یا فرمانهای حکومت نظامی همچنان نافذ خواهد بود.

پیوست

فرمانهای حکومت نظامی صادره از سوی رئیس ستاد حکومت نظامی

ردیف شماره فرمان موضوع

۱ ۲۱ راجع به شرکت بنیاد خلق

۲ ۲۲ راجع به شرکت ذوالفقار علی بوتو

۳ ۲۳ راجع به تجدیدنظر در پرونده اشخاص شاغل در دستگاه دولتی یا بخش تعاونی
که به موجب «قانون عزل از خدمت (مقررات ویژه) سال ۱۹۷۲»
از خدمت معزول گردیده‌اند.

۴ ۵۸ راجع به کمیسیون تحقیق نخست وزیر

۵ ۶۶ راجع به اختلافات مرزی بین نواحی قبیله‌ای و مناطق مسکونی دائمی -N
W.F.P

۶ ۸۱ راجع به ثبت فیلمهای سینمایی

۷ ۸۵ راجع به ملی سازی REPCO

۸ ۹۴ راجع به تشکیل محاکم اصلاحات ارضی

۹ ۱۰۵ راجع به اعاده اعتبار «فرمان پروژه هتل کراچی، سال ۱۹۸۵»

فرمانهای صادره از سوی فرمانداران نظامی

ناحیه «الف»

۱ ۸۲۱ راجع به مبارزه با تعدیات به اموال عمومی

۲ ۸۵۶ راجع به فرمان (مدیریت و کنترل) انجمن تعاونی شهر نمونه، سال ۱۹۸۲

۳ ۱۳۲۴ راجع به مجموعه یادبود اقبال

۴ ۱۳۳۶ راجع به زمین و احداث عمارت شاهزاده کوتی (۹۱)

۵ ۱۳۷۱ راجع به ممنوعیت اتحادیه‌ها و انجمنهای دانشجویی

ناحیه «ب»

۱ ۳۶۲ راجع به ممنوعیت اتحادیه‌های دانشجویی

۲ ۳۶۳ راجع به فعالیت‌های غیرقانونی در مؤسسات آموزشی

۳ ۴۲۵ راجع به انتقال زمین به بخش پرورش کرم ابریشم

۴ ۴۸۷ راجع به قیمت‌های تنباکو

ناحیه «ج»

۱ ۲۶ راجع به کنترل سوابق شرکت بنیاد خلق

- ۲ ۲۷ راجع به کنترل سوابق بنیاد ذوالفقار علی بوتو
- ۳ ۵۵ راجع به تعیین موقت فرمان انتظام
- ۴ ۶۹ راجع به فرمان اجاره اراضی جنگلی
- ۵ ۱۱۰ راجع به آبادیهای کوچی (اصلاح شده طی فرمان حکومت نظامی شماره ۱۸۳)
- ۶ ۲۰۲ راجع به مبارزه با تعدیات به اموال عمومی
- ۷ ۲۲۷ راجع به ممنوعیت اتحادیه‌ها و انجمنهای دانشجویی
- ۸ ۲۴۷ راجع به آغاز مجدد طرحهای رفاهی (سیاستگذاری)

۱ ۴۶ راجع به تقسیم اراضی دولتی (اصلاح شده طی فرمان حکومت نظامی شماره ۴۹

۲ ۱۳۷ راجع به دیون شورای محلی شامل مالیات‌ها، تعرفه‌ها، عوارض، حق‌الزحمه‌های قابل پرداخت به موجب «دستورالعمل حکومت محلی، سال ۱۹۸۰»

۳ ۱۵۵ راجع به صنایع کشتی‌های اوراق، در مناطق ساحلی

مقررات حکومت نظامی، صادره از سوی

رییس ستاد حکومت نظامی

۱ ۵۶ راجع به اعلام غیرقانونی بودن انجمن فراماسونری

۲ ۵۷ راجع به اعاده مالکیت اموالی که بطور غیرقانونی از راه کلاهبرداری و غبن توسط اشخاص تملک شده باشد، به هیأت رسیدگی به اموال متروکه و غیره

۳ ۶۰ راجع به مؤسسات آموزشی در حوزه پایتختی اسلام آباد

۴ ۶۳ راجع به تفویض برخی اختیارات به «سازمان توسعه پایتخت» برای جلوگیری از تعدیات

ضمیمه ۸

لایحه (اصلاح نهم) قانون اساسی

لایحه نهم اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان:

«از آنجا که بنا به دلایل مذکور در ذیل، مصلحت در اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان می باشد،

به شرح ذیل مقرر می گردد:

۱- عنوان کوتاه و آغاز: (۱) قانون حاضر با عنوان «قانون (اصلاحیه نهم) قانون اساسی، سال ۱۹۸۵» نامیده خواهد شد.

(۲) این قانون بلافاصله لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲- اصلاح اصل دوم قانون اساسی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان که از این پس تحت عنوان «قانون اساسی» از آن نام برده می‌شود، دراصل دوم بعد از کلمه «پاکستان» در آخر اصل، کلمات «و احکام اسلامی به نص قرآن کریم و سنت به عنوان قانون حاکم و منبع راهنمایی برای قانونگذاری رسمی از طریق قوانین مصوب مجلس شورا (پارلمان) و مجالس ایالتی و برای سیاست‌گذاری‌های حکومت خواهند بود» اضافه گردد.

۳- اصلاح اصل «دویست و سوم-ب» قانون اساسی: در قانون اساسی، دراصل دویست و سوم-ب در بند (ج) اصلاحات ذیل انجام گیرد:

الف) به جای علامت ویرگول بعد از کلمه «قانون اساسی» علامت نقطه گذاشته‌شود.

ب) کلمات و علائم نقطه‌گذاری و نگارش ذیل حذف گردد: «قوانین خصوصی مسلمین، قوانین مربوط به آیین دادرسی دادگاهها یا محاکم و یا تا خاتمه ده‌سال از آغاز اجرای این فصل، هر قانون مالیاتی یا قوانین مربوط به وضع ووصول عوارض و حق‌الزحمه‌ها، یا آیین و روش بیمه و بانکداری».

۴- اصلاح اصل دویست و سوم-د، قانون اساسی: در قانون اساسی، در اصل ۲۰۳-د- بعد از ماده (۳) ماده ذیل افزوده شود:

(۳-الف) بدون توجه به هر آنچه در این فصل آمده، در مورد هر قانون مالیاتی یا هر قانون مربوط به وضع و وصول مالیات و عوارض یا شیوه‌ها و شرایط بیمه و بانکداری، دادگاه به منظور جلوگیری از اینکه قانونی که در دادرسی خود به آن استناد می‌کند، با احکام اسلامی مغایرت نداشته باشد، طی مشورت با افرادی که آگاهی خاصی از موضوع دارند، اقدامات ویژه را در یک زمان معقول به عمل آورده و قانون مزبور را به نحوی اصلاح خواهند نمود که با احکام اسلامی منطبق باشد. دادگاه صلاحیه فوق را به دولت پیشنهاد می‌کند.

مع هذا، تصمیمات دادگاه تأثیر «عطف به ماسبق» نداشته و هیچ حق یا ادعایی بر مبنای تأثیر مزبور بطور مستقیم یا غیرمستقیم ایجاد نخواهد شد.

(۳-ب) بدون توجه به هر آنچه در قانون اساسی آمده، از جمله فصل حاضر و ماده (۳-الف) یا هر چیزی که در اثر آن انجام گرفته، یا هر قانون یا حکم هر دادگاهی که مغایر این باشد، و کلیه قوانین مربوط به وضع و وصول مالیات و عوارض، یا بانکداری و یا شیوه‌ها و شرایط بیمه که موضوع تصمیم دادگاه مزبور در ماده (۳-الف) باشند، تا زمانی که قوه مقننه قوانین مناسبی را به شرح ماده (۳-الف) در اثر تصمیم نهایی دادگاه مزبور برای جایگزینی قوانین موجود وضع نماید و تا زمانی که قوانین مذکور لازم‌الاجرا گردند، همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

مع هذا، آنچه در مواد (۳-الف) و (۳-ب) آمده در مورد ارزیابی‌های انجام‌شده، فرمانهای مصوب، دادرسیهای معوق، و مبالغ قابل پرداخت یا وصول‌شده در زمان قبل از اجرای قوانین تصویبی پیرو ماده (۳-الف)، اعمال نخواهد شد.

شرح اهداف و دلایل: در اجرای مفاد اصول دوم و دویست و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان که به موجب آنها، اسلام دین رسمی پاکستان بوده و کلیه قوانین باید منطبق با احکام اسلامی باشند، و نیز به عنوان «قطعنامه اهداف»، لایحه حاضر خواستار اصلاح اصول دوم و دویست و سوم-ب، و دویست و سوم-د، قانون اساسی می‌باشد، تا احکام اسلامی به‌عنوان قوانین حاکم و منبع راهنمایی برای قانونگذاری و سیاستگذاری باشد و برای وضع توصیه‌نامه‌ها جهت تطبیق قوانین مالیاتی و قوانین مربوط به وضع و وصول مالیات با احکام مذکور به «دادگاه شریعت کشور» قدرت و اختیار بدهد.

ضمیمه ۹

قانون احزاب سیاسی، سال ۱۹۶۲

قانون شماره ۳- سال ۱۹۶۲

قانون تعیین چگونگی تشکیل و سازمان احزاب سیاسی مورخ ۱۳۶۲.۷.۱۵ [۹۲]) نظر به اینکه به موجب اصل یکصد و هفتاد و سوم تا زمانی که قوانین «قوه مقننه مرکزی» اجازه ندهد، هیچ کس نباید بدون انتخابات به عضویت احزاب سیاسی درآید،

و از آنجا که مصلحت بر فراهم ساختن امکان تشکیل احزاب سیاسی است تا افراد بتوانند به عضویت آنها درآیند،

و از آنجا که منافع ملی پاکستان در مورد حصول هماهنگی اهداف ماده (۲) از اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی، نیازمند یک «قانونگذاری مرکزی» برای مسأله می باشد،

شرح ذیل مقرر می گردد:

۱- عنوان کوتاه و آغاز: (۱) قانون حاضر تحت عنوان «قانون احزاب سیاسی، ۱۳۶۲» نامیده خواهد شد.

(۲) قانون حاضر بلافاصله لازم الاجرا می گردد.

۲- تعاریف: در قانون حاضر بجز مواردی که متن یا موضوع معنای دیگری ایجاب نماید:

(الف) منظور از «قانون اساسی» قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان می‌باشد.

(ب) «محدوف».

(ج) «حزب سیاسی» عبارت است از گروه یا جمعی از افراد که به منظور ترویج یک عقیده سیاسی، و یا همکاری در یک فعالیت سیاسی دیگر، عمل می‌نمایند.

۳- ممنوعیت تشکیل برخی احزاب سیاسی: (۱) هیچ حزبی نباید با هدف ترویج عقیده یا فعالیتی که ناقض معتقدات اسلامی، حاکمیت، تمامیت ارضی، امنیت کشور، اخلاق عمومی و برقراری نظم باشد، تشکیل شود.

(۲) هیچ کس نباید حزبی تحت حمایت بیگانه را تشکیل، سازماندهی یا ایجاد نماید و یا به هر نحوی با چنان حزبی همکاری کند.

تبصره: در قسمت (۲) بالا منظور از «حزب تحت حمایت بیگانه» حزبی است که:

(الف) بنا به درخواست حکومت یا حزب سیاسی یک کشور بیگانه تشکیل یاسازماندهی شده باشد.

(ب) به حکومت یا حزب سیاسی یک کشور بیگانه پیوسته و یا با آن ارتباط داشته باشد.

(ج) از حکومت یا حزب سیاسی یک کشور بیگانه کمک مالی و غیره و یابخشی از هزینه‌های خود را دریافت نماید.

۳-الف- ارائه گزارش مالی احزاب سیاسی: هر حزب سیاسی در موارد معین و به نحوی که طی مقرراتی توسط حکومت مرکزی مشخص می‌شود، منبع تأمین هزینه‌ها و شرح حسابها و دارایی‌های خود را جهت حسابرسی به مأمور یا مقام مسئولی که از سوی کمیسیون انتخابات برای همین منظور تعیین می‌گردد، ارائه خواهد نمود.

مع هذا، هر حزب سیاسی فعال در زمان آغاز اجرای فرمان (متمم) احزاب سیاسی، سال ۱۹۷۹، باید منبع هزینه‌ها و شرح حسابها و دارایی‌های خود را ظرف پانزده روز از انتشار مقررات موضوعه به موجب این قسمت، جهت حسابرسی ارائه نماید.

تبصره: «محذوف.»

۳- ب) ثبت احزاب سیاسی: (۱) هر حزب سیاسی فعال در آغاز اجرای فرمان (متمم) احزاب سیاسی، سال ۱۹۷۹ باید ظرف یک ماه از موعد مزبور، و هر حزب سیاسی که بعد از موعد فوق تشکیل می‌شود، باید ظرف یک ماه از تشکیل خود، درخواست ثبت حزب را به کمیسیون انتخابات تحویل دهد.

(۲) درخواست مذکور در قسمت (۱) از سوی حزب سیاسی، باید توسط شخص و به نحوی که کمیسیون انتخابات طی اعلامیه‌ای در روزنامه رسمی تعیین می‌کند، ارائه گردد و علاوه بر نسخه‌ای از اساسنامه آن، باید صورت اسامی مسئولان حزب در سطح ملی و فهرست اسامی کل اعضا در هر ایالت نیز به ضمیمه آن باشد.

(۳) کمیسیون انتخابات درخواست هر حزب سیاسی را که به موجب قسمت (۲) جهت ثبت ارائه نموده در صورتی خواهد پذیرفت که اطمینان یابد حزب مزبور:

الف) اعلامیه‌ای رسمی، یا به عبارتی، سند تأسیس حزب یا اساسنامه آن که بیانگر اهداف و مقاصد آن و نحوه برگزاری دوره‌ای انتخابات مقامات حزبی است انتشار داده باشد.

ب) انتشار هر گونه اصلاحیه را برای سند مذکور در قسمت (الف)، در هر زمان و به هر نحوی که اصلاح انجام گیرد، پذیرفته باشد.

ج) به ایدئولوژی، تمامیت ارضی و حاکمیت پاکستان معتقد باشد،

د) گزارش مالی خود را به شرح قسمت (۳-الف) ارائه نموده باشد.

(۴) حزب سیاسی که به موجب بند (۳) بالا به ثبت برسد، اگر:

الف) گزارش مالی خود را ظرف مدت تعیین شده در قسمت (۳-الف) و طبق ضوابط موضوعه به موجب آن ارائه ندهد یا نداده باشد، یا

ب) انتخابات مقامات حزبی را ظرف مدت تعیین شده در قسمت (۳-الف) یا مقررات ناشی از آن برگزار ننماید، یا

ج) به تبلیغ عقاید یا انجام اعمالی بپردازد که مغایر اصول ایدئولوژی، حاکمیت ارضی و امنیت پاکستان و خلاف اخلاق و نظم عمومی و استقلال و انسجام نظام قضایی پاکستان بوده و یا به نظام قضایی یا نیروهای مسلح پاکستان توهین نموده و یا به آن تهمت ناروا بزند، یا

د) کمکهای مالی و غیره، از حکومت یا حزب سیاسی کشور بیگانه دریافت و یابخشی از هزینه‌های خود را از ممالک خارجی تأمین نماید، یا

ه) عملی را انجام داده و یا از انجام عملی امتناع ورزد که موجب رد ثبت حزب در وهله اول باشد.

کمیسیون انتخابات بدون ایجاد خلل در اقدامی که به موجب قسمت (۶) علیه حزب مزبور انجام می‌گیرد، می‌تواند پس از این که به آن حزب فرصتی راجهت ارائه دلایل علیه اقدام پیشنهادی داد، ثبت آن را منتفی نماید.

۵) منتفی نمودن ثبت یک حزب سیاسی به موجب قسمت (۴) توسط کمیسیون انتخابات در روزنامه رسمی اعلام خواهد شد.

۶) حزب سیاسی که به موجب قسمت (۳) ثبت نشده و یا ثبت آنها به موجب قسمت (۴) منتفی شود، اجازه شرکت در انتخابات کرسیهای مجلس شورا (پارلمان) یا مجالس ایالتی و یا اعلام و معرفی نامزد برای انتخابات مزبور رانخواهد داشت.

۳- ج) احزاب سیاسی مجاز برای شرکت در انتخابات آتی: (۱) مفاد این قسمت بدون توجه به هر آنچه در قسمت (۳- ب) آمده نافذ خواهد بود.

(۲) کمیسیون انتخابات طی اعلامیه‌ای در روزنامه رسمی از احزاب سیاسی که واجد شرایط مذکور در قسمت (۳-الف) بوده ولی به موجب قسمت (۳-ب) درخواست ثبت ننموده باشند، خواهد خواست که ظرف مدت مصرحه در اعلامیه مزبور، پاسخ خود را به پرسشنامه‌ای که در روزنامه مزبور منتشر می‌شود تقدیم کمیسیون بنمایند.

(۳) پاسخهای داده شده به پرسشنامه مذکور در قسمت (۲) از سوی حزب سیاسی، توسط شخصی ارائه خواهد شد که در اعلامیه منتشره به موجب قسمت مذکور مشخص می‌شود، و علاوه بر اساسنامه و اعلامیه رسمی آن، فهرست اسامی مقامات حزب در سطح ملی و فهرستی از کل اعضای آن در هر ایالت نیز به ضمیمه خواهد بود.

(۴) اگر به حزبی پس از تقدیم پاسخ پرسشنامه به شرح قسمت (۲) فرصت دفاع داده شود، و برای کمیسیون انتخابات محرز گردد که حزب دارای شرایط مذکور در بند (۳) یا قسمت (۳-ب) می‌باشد، کمیسیون طی اعلامیه‌ای در روزنامه رسمی اعلام خواهد نمود که حزب فوق اجازه شرکت در انتخابات کرسیهای مجلس شورا (پارلمان) یا مجالس ایالتی و یا اعلام و معرفی نامزد برای انتخابات مزبور را خواهد داشت.

۴- فعالیت‌های سیاسی مجاز: با رعایت مفاد بخش (۳) موارد ذیل قانونی اعلام می‌گردد:

(۱) گروه یا جمعی از افراد، حزبی سیاسی ایجاد یا تأسیس نمایند.

(۲) هر شخصی که در دستگاه دولتی پاکستان نباشد:

(الف) عضو، مقام و یا وابسته یک حزب سیاسی باشد،

ب) به خاطر انتخاباتی که به موجب قانون اساسی برگزار می‌شود در حزبی که تشکیل، ایجاد یا تأسیس آن طبق این قانون ممنوع نمی‌باشد، خود یا شخص دیگری را که در دستگاه دولتی کشور نباشد، عضو نموده و از حمایت حزب برخوردار گردد.

۶- انحلال احزاب سیاسی: (۱) هر گاه برای حکومت فدرال محرز گردد که یک حزب سیاسی کمکهای خارجی دریافت می‌نماید و یا به نحوی تشکیل شده و فعالیت می‌کند که ناقض معتقدات اسلامی یا حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت پاکستان و اخلاق و نظم عمومی است و یا از مفاد قسمت (۳-الف) عدول نموده، مراتب را در اعلامیه‌ای مطرح و در روزنامه رسمی منتشر خواهد کرد و با انتشار اعلامیه مزبور، حزب سیاسی مورد نظر با رعایت مفاد بند (۲) منحل و کلیه دارایی‌ها و سرمایه‌های آن توسط حکومت فدرال ضبط خواهد شد.

(۲) ظرف پانزده روز از اعلامیه مذکور در بند (۱) حکومت فدرال موضوع را به دیوان عالی کشور که رأی نهایی را صادر می‌کند، ارجاع خواهد کرد.

۷- مجازات: (۱) «محدوف».

(۲) هر کس که پس از انحلال یک حزب سیاسی به موجب قسمت ۶، به عنوان عضو یا مقام آن حزب معرفی گردد، و یا برای آن حزب فعالیت کند و یا به نحوی با آن ارتباط داشته باشد، به مجازات سه سال زندان یا جریمه و یا هر دو محکوم خواهد شد.

(۲-الف) اگر شخصی که در زمان انحلال حزبی به موجب بند (۲) قسمت ۶، از مقامات آن حزب سیاسی باشد، یا ظرف ۷ سال از انحلال آن، در فعالیتهای سیاسی آزادانه شرکت جوید، به مجازات سه سال زندان یا جریمه و یا هر دو محکوم خواهد شد.

(۳) «محدوف».

۸- شرایط عدم صلاحیت برای عضویت در مجلس شورا (پارلمان) یا مجالس ایالتی: (۱) شخصی که:

(الف) در هر زمانی در روز بیستم دسامبر سال یکهزار و نهصد و هفتاد و سه [۹۳] یاپس از آن عضو مقامات حزب سیاسی منحل به موجب بند (۲) قسمت ۶، باشد و قبل از اینکه اعلامیه‌ای به موجب بند (۱) قسمت مزبور در مورد آن حزب صادر شود، از حزب استعفا دهد یا بطور علنی عدم ارتباط خود را با آن اعلام کند، یا

(ب) به موجب قسمت ۷ محکوم شود،

برای مدت دوازده سال از تاریخ انحلال یا، بنا بر مورد، محکومیت، فاقد صلاحیت عضویت در مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی (یا دستگاه محلی)، و انتخاب برای عضویت مزبور خواهد بود.

مع هذا، در مورد شخصی که در هر زمانی در روز بیستم دسامبر سال یکهزار و نهصد و هفتاد و یک [۹۴] و یا پس از آن، و قبل از پنجم ژوئیه سال یکهزار و نهصد و هفتاد و هفت [۹۵] عضو مقامات حزب سیاسی در شرایط مذکور باشد، بند مزبور با جایگزینی کلمات «پنج سال» به جای «دوازده سال» اعمال خواهد شد.

همچنین، شرایط عدم صلاحیت در این بند در مورد کسی که در هر زمانی تا پنجم ژوئیه سال یکهزار و نهصد و هفتاد و هفت (۲) عضو «شورای کشوری» مجلس شورا (پارلمان)، یا یک «شورای ایالتی» و یا وزیر کشور، وزیر دولت، مشاور و یا وزیر ایالتی بوده باشد، اعمال نخواهد شد.

تبصره: در این قسمت منظور از «مقام یک حزب سیاسی» مقامی در تشکیلات کشوری یا ایالتی یک حزب و شخصی غیر از اعضای عادی کمیته ایالتی، مرکزی، کاری و غیره، حزب می‌باشد.

(۲) شخصی که در هر زمانی در روز پنجم ژوئیه سال یکهزار و نهصد و هفتاد و هفت [۹۶] یا پس از آن عضو یک حزب سیاسی باشد که به موجب بند (۲) از قسمت ۶ منحل شده، و وی قبل از انحلال مزبور، به جرم تخلفی محکوم گردیده و به دو یا چند سال زندان محکوم شده باشد، برای هفت سال از تاریخ انحلال فاقد صلاحیت عضویت در مجلس شورا (پارلمان) یا مجلس ایالتی یا یک دستگاه محلی و نیز انتخاب برای عضویت مزبور خواهد بود.

(۳) «محدوف».

(۴) «محدوف».

(۵) رئیس جمهور در هر زمانی می‌تواند بنا به میل خود و یا درخواست شخصی که به موجب بند (۱) فاقد صلاحیت شناخته شده باشد، طی فرمانی کتبی از وی سلب عدم صلاحیت نماید.

۸- الف - «محدوف».

۸- ب - شرایط عدم صلاحیت ناشی از انفصال از حزب و غیره: (۱) اگر عضو مجلس:

الف) پس از انتخاب به عنوان داوطلب یا نامزد یک حزب سیاسی، یا

ب) پس از انتخاب به عنوانی غیر از داوطلبی یا نامزدی یک حزب سیاسی، وبعد از عضویت در یک حزب سیاسی به دنبال یک انتخابات، از حزب جداشود، یا از آن کناره‌گیری نماید، از تاریخ انفصال یا کناره‌گیری، فاقدصلاحیت عضویت در مجلس برای مدت باقی‌مانده از عضویت مزبور خواهد بود، مگر اینکه در یک انتخابات میان‌دوره‌ای که پس از فاقدصلاحیت شدن وی برگزار گردد، مجدداً انتخاب شده باشد،

(۲) اگر مسأله‌ای پیش بیاید، مبنی بر اینکه عضو مجلسی به موجب بند (۱) فاقدصلاحیت عضویت گردیده است یا خیر، مسأله مزبور توسط رهبر پارلمانی حزب مورد نظر، به کمیسیون انتخابات ارجاع و توسط آن تعیین تکلیف خواهد شد.

(۳) هر گونه اعتراض نسبت به تصمیم کمیسیون انتخابات در بند (۲) باید ظرف سی‌روز از اتخاذ تصمیم به دیوان عالی کشور ارائه شود.

تبصره: در این قسمت منظور از «مجلس» عبارت از مجلس شورا (پارلمان) و نیز مجلس ایالتی می‌باشد.

۹- اجازه اقامه دعوی: هیچ دعویی، به استناد قانون حاضر، بدون اجازه کتبی قبلی حکومت مرکزی علیه هیچ کس اقامه نخواهد شد.

۱۰- الغا: بدین وسیله «فرمان سازمانهای سیاسی (منع فعالیت غیرقانونی) سال ۱۹۶۲، ملغی می‌گردد.

۱۱- اعمال اختیارات کمیسیون انتخابات: در مدتی که «کمیسیون انتخابات» مزبور تشکیل نگردیده باشد، «کمیسیون انتخابات» که به موجب اصل دویست و هیجدهم قانون اساسی و یا «فرمان کمیسیون انتخابات، سال ۱۹۷۷» (P.O.No.4 of 1977) برای انتخابات عمومی مجلس ملی و مجالس ایالتی تشکیل شده است، به اعمال اختیارات و انجام وظایف محوله به «کمیسیون انتخابات» به موجب قانون حاضر ادامه خواهد داد، تا کمیسیون انتخابات عمومی آتی مجلس ملی و مجالس ایالتی تشکیل گردد.

۱۲- قدرت وضع مقررات: حکومت فدرال می‌تواند، طی اعلامیه‌ای درروزنامه رسمی مقرراتی را برای اجرای مفاد قانون حاضر وضع نماید.

ضمیمه ۱۰

مقررات احزاب سیاسی

مقررات سال ۱۹۸۶

۱- عنوان کوتاه و آغاز: (۱) این مقررات تحت عنوان «مقررات احزاب سیاسی سال ۱۹۸۶» نامیده خواهند شد.

(۲) مقررات مزبور بلافاصله لازم‌الاجرا می‌گردند.

۲- تعاریف: در این مقررات به استثنای مواردی که موضوع یا متن معنی دیگری ایجاب نماید:

(الف) منظور از «قانون» قانون احزاب سیاسی سال ۱۹۶۲ (ش ۳-۱۹۶۲) می‌باشد.

(ب) «انتشار» با معانی دستوری مختلف آن، عبارت است از «عرضه چیزی درمحل عمومی»

(ج) «قسمت» به معنی قسمت‌های این قانون می‌باشد.

۳- تشکیل حزب سیاسی: از نظر این قانون تشکیل یک حزب سیاسی در روزی رسمیت می‌یابد که:

(الف) بیانیه، و یا به عبارتی سند یا اساسنامه آن توسط مجمع عمومی حزب تصویب شود، یا

(ب) در مورد حزب سیاسی که قبل از روز مذکور در بند (الف)، فعالیت‌های سیاسی خود را در زمینه‌هایی مانند برگزاری گردهمایی‌های عمومی و کنفرانس‌های مطبوعاتی یا راه انداختن دستجات، در روزی که کمیسیون انتخابات با توجه به موقعیت حزب مزبور تعیین کند، آغاز کرده باشد.

۴- نگهداری حسابها: (۱) هر حزب سیاسی حساب دقیق کل درآمد، هزینه، دارایی و بدهی‌های خود را به شرح فرم ضمیمه این مقررات نگهداری نموده و ظرف شش هفته از خاتمه هر سال مالی (تیر تا خرداد)، گزارش مالی و حسابهای خود را جهت حسابرسی به مأمور یا مقام مسؤول تعیین شده از سوی کمیسیون انتخابات تقدیم خواهد کرد:

مع هذا، هر حزب سياسي گزارش مالي و حسابهای خود را، باید ظرف سی روز از تشکیل حزب جهت حسابرسی ارائه نماید.

(۲) اگر یک حزب سياسي گزارش مالي و حسابهای خود را طبق بند (۱) ارائه ننماید، کمیسیون انتخابات می تواند حکومت مرکزی را در مورد تخلف حزب از مفاد قسمت (۳-الف) آگاه سازد.

۵- عملیات مالی در داخل یک حزب: عملیات مالی در داخل یک حزب، باید در گزارش مالی و حسابهای تهیه شده جهت حسابرسی قید گردد.

۶- ارائه گزارش حسابرسی: مسؤول یا مقام تعیین شده از سوی کمیسیون انتخابات برای محاسبه حسابهای یک حزب سياسي، باید گزارش حسابرسی خود را ظرف پانزده روز از تاریخی که حزب مزبور گزارش مالی و حسابهای خود را به وی تقدیم می کند، به کمیسیون انتخابات ارائه نماید.

۷- محدودیت استفاده از برخی اسامی: (۱) هر حزب سياسي که درخواست ثبت نماید، باید نام مشخص کننده ای را که با نام یک حزب سياسي ثبت شده یکسان نباشد و یا شباهت نزدیک نداشته باشد، انتخاب کند. در صورت یکسان بودن یا وجود شباهتی که ممکن است موجب

اغفال یا به اشتباه افتادن عده‌ای از رأی دهندگان شود، کمیسیون انتخابات می‌تواند از حزب مزبور بخواهد که به‌عنوان پیش شرط ثبت، درخواستی را برای انجام اصلاحات لازم در نام حزب ارائه نماید.

(۲) هر گاه دو یا چند حزب سیاسی با یک نام یا با نامهای مشابه درخواست ثبت‌نمایند، و شباهت مزبور عده‌ای از رأی دهندگان را اغفال یا دچار اشتباه بکند، کمیسیون انتخابات می‌تواند از احزاب سیاسی بخواهد که به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های ثبت، اصلاحات لازم را در نام حزب به عمل آورند.

۸- الغا: بدین وسیله «مقررات احزاب سیاسی، (محاسبه حسابها)، سال ۱۹۷۹» ملغی می‌گردد.

نمونه فرم قسمت ۴-بند (۱)

گزارش مالی و حسابهای حزب در زمینه ... برای سال ۱۹- الی ۱۹-

(نام حزب سیاسی)

۱- حساب سرمایه‌ها: موجودی در آغاز سال مالی. موجودی افتتاحی.

۲- منبع وجوه دریافتی با ذکر تاریخ.

۳- نحوه دریافت: چک، نقد و یا به صورت اموال منقول یا غیرمنقول.

۳- چگونگی واگذاری وجوه با ذکر تاریخ.

۵- اسامی بانکداران

۶- ملاحظات

بدین وسیله صحت اطلاعاتی را که به شرح فوق توسط اینجانب ارائه می‌گردد با آگاهی و یقین خود تأیید می‌نمایم.

امضا

دبیر کل حزب

اعلامیه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۶)

[۹۷] کمیسیون انتخابات راجع به مقررات تکمیل درخواست برای ثبت حزب سیاسی:

NO.F.11 (1) /86-cord: در اجرای بند (۲) از قسمت ۳-ب قانون احزاب سیاسی ۱۹۶۲ ([۹۸]) (ش ۳-۱۹۶۲)، و در توقف اجرای اعلامیه **(OSD, No.F.1(2)/79Els.)** به تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۹ ([۹۹])، کمیسیون انتخابات پاکستان، بدین وسیله نحوه تکمیل فرم درخواست ثبت احزاب سیاسی را اعلام می‌دارد:

(۱) درخواست مزبور باید به زبان اردو یا انگلیسی از سوی حزب بر روی صفحه کاغذی منقوش به نشان حزب، و با امضای عالی‌ترین مقام اجرایی یا رییس حزب، به هر نام یا اسمی که خوانده شود، تنظیم و توسط شخص خود وی و یا شخصی که کتباً و صحیحاً از طرف وی مجاز می‌گردد، تقدیم شود.

(۲) درخواست مزبور باید به کمیسیون انتخابات ارائه و ظرف یک ماه از تشکیل حزب سیاسی توسط دبیر کل، به کمیسیون انتخابات پاکستان، دبیرخانه مرکزی بلوک «S» اسلام آباد تقدیم گردد.

(۳) اسناد ذیل باید ضمیمه درخواست مزبور باشند:

(الف) اعلامیه‌ای مبنی بر اینکه حزب بیانیه رسمی و یا به عبارتی سند تأسیس و یا اساسنامه خود را منتشر و ضمن بیان اهداف و مقاصد خود در آن، نحوه انتخاب دوره‌ای مقامات حزبی را نیز مشخص کرده است.

(ب) اعلامیه تاریخ تشکیل حزب سیاسی.

(ج) اعلامیه‌ای مبنی بر اعتقاد حزب سیاسی به ایدئولوژی پاکستان و تمامیت ارضی کشور و حاکمیت آن.

(د) اعلامیه‌ای مبنی بر اینکه آن حزب بطور مستقیم یا غیرمستقیم هیچ وجهی رانقدی یا جنسی از هیچ منبع خارجی ابداً دریافت ننموده است.

(ه) اعلامیه‌ای مبنی بر اینکه حزب گزارش مالی خود را به موجب قسمت ۳-الف قانون احزاب سیاسی ۱۹۶۲ ارائه داده است.

(و) تعهد نامه‌ای مبنی بر اینکه حزب اصلاحات احتمالی بعدی، سند تأسیس، اساسنامه، بیانیه و غیره ... را منتشر نموده و نسخه‌هایی از آنها را ظرف دوهفته از به اجرا درآمدن آنها به کمیسیون انتخابات ارسال خواهد کرد.

(ز) یک نسخه از آخرین متن به روز شده بیانیه، اساسنامه یا سند تأسیس حزب که بیانگر سازمان، اهداف و مقاصد آن باشد و در آن نحوه انتخاب دوره‌ای مقامات حزب مشخص شود.

(س) یک نسخه تأیید شده از فهرست اسامی مقامات حزب در سطح ملی و تعهدی مبنی بر ارائه فهرست اسامی مقامات جدید- در صورت بودن- به کمیسیون در ظرف دو هفته.

(ع) صورت وضعیت کل اعضای حزب در هر ایالت به همراه تعهدی مبنی بر ارائه تازه‌ترین فهرست اسامی کل اعضا، اگر در هر زمانی از طرف کمیسیون خواسته شود.

(ف) نشانی پستی و تلگرافی ادارات مرکزی حزب در سطوح ملی و ایالتی. کمیسیون می‌تواند از حزب بخواهد تا اسناد دیگری را که به نظر کمیسیون جهت ثبت ضروری باشد، ارائه نماید.

در صورتی که حزبی به ثبت برسد مراتب توسط کمیسیون در روزنامه رسمی اعلام خواهد شد.

بنا به دستور کمیسیون انتخابات

قانون اجرای شریعت، سال ۱۹۹۱)

[۱۰۰]

متن لایحه شریعت، مصوب مجلس ملی: نظر به اینکه حاکمیت کل هستی تنها از آن پروردگار متعال بوده و قدرتی که بوسیله مردم پاکستان از طریق نمایندگان منتخبشان در محدوده معین شده از سوی پروردگار اعمال می‌شود، امانتی مقدس است،

و نظر به اینکه اسلام به عنوان دین رسمی پاکستان اعلام شده و از اینرو بر تمام مسلمین واجب گشته که از احکام قرآن کریم و سنت برای تسلیم در برابر شریعت الهی پیروی نمایند.

و نظر به اینکه «قطعنامه اهداف» در قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان به عنوان بخشی اساسی از آن گنجانده شده است،

و نظر به اینکه از تعهدات اساسی دولت اسلامی حفظ جان و مال و ناموس و آزادی و حقوق اساسی شهروندان و تضمین آرامش و اجرای سریع عدالت و سهل الوصول ساختن آن برای عموم مردم از طریق یک نظام قضایی اسلامی مستقل می‌باشد،

و نظر به اینکه اسلام برقراری نظم اجتماعی را بر اساس ارزشهای اسلامی امر به معروف و نهی از منکر الزامی می‌نماید،

و نظر به اینکه جهت نیل به اهداف و مقاصد فوق ضرورت ایجاب می‌کند که از اقدامات مزبور حمایت قانونی و حقوقی به عمل آید،

به این وسیله به شرح ذیل مقرر می‌شود:

۱- عنوان کوتاه، حدود و آغاز: (۱) این قانون تحت عنوان قانون اجرای شریعت، سال ۱۹۹۱، نامیده خواهد شد.

(۲) این قانون شامل کل پاکستان می‌شود.

(۳) بلافاصله لازم‌الاجرا می‌گردد.

(۴) هیچ چیز در این قانون قوانین خصوصی، آزادی دینی، آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی غیر مسلمانان را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

۲- تعریف: در این قانون «شریعت» به معنی احکام اسلامی به شرحی در قرآن کریم و سنت آمده می‌باشد.

تبصره: ۱- به هنگام تفسیر و تشریح شریعت باید از اصول معتبر تفسیر و تشریح قرآن کریم و سنت پیروی شود و توضیحات و نظرات علمای سرشناس فقه اسلامی که از مکاتب اسلامی حاضر می‌باشند مورد توجه قرار گیرد.

تبصره: ۲- همانگونه که در اصل دویست و بیست و هفتم قانون اساسی پیش بینی شده است، در تفسیر شریعت در مورد قوانین خصوصی هر یک از فرقه‌های مسلمانان، تعبیر اصطلاح «قرآن و سنت» عبارت از «قرآن و سنت» بنا به تفسیر آن فرقه خواهد بود.

۳- اصل حاکمیت شریعت: شریعت، یعنی احکام اسلامی به شرحی که در قرآن کریم و سنت آمده است، قانون حاکم پاکستان خواهد بود. با این حال نظام سیاسی و شکل فعلی حکومت را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

۴- قوانینی که به موجب شریعت تفسیر می‌شوند، به لحاظ این قانون:

(الف) به هنگام تفسیر مجموعه قوانین موضوعه، اگر بیش از یک تفسیر ممکن باشد دادگاه به تفسیری که منطبق با اصول و فقه اسلامی باشد، استناد خواهد کرد.

(ب) هر گاه دو یا چند تفسیر یکسان ممکن باشند، دادگاه به تفسیری که مبین اصول سیاست و مقررات اسلامی در قانون اساسی باشد استناد خواهد کرد.

۵- رعایت شریعت توسط اتباع مسلمان: کلیه اتباع مسلمان پاکستان ملزم به رعایت شریعت و پیروی از آن می‌باشند.

۶- آموزش شریعت: دولت باید ترتیبات مؤثر را برای موارد ذیل به عمل آورد:

(الف) آموزش شریعت، فقه اسلامی و سایر شاخه‌های حقوق اسلامی در سطوح مناسب آموزشی و تربیت تخصصی

(ب) اضافه کردن دروس مربوط به شریعت در برنامه درسی دانشکده‌های حقوق

(ج) آموزش زبان عربی، و

(د) استفاده از خدمات افراد ذیصلاح در شریعت، فقه اسلامی و افتاء در نظام قضایی

۷- اسلامی سازی آموزش و پرورش: (۱) دولت باید اقدامات لازم جهت تضمین اینکه نظام آموزش و پرورش پاکستان مبتنی بر ارزشهای اسلامی تعلیم و تعلم و خودسازی است، به عمل آورد.

(۲) حکومت فدرال ظرف سی روز از آغاز این قانون کمیسیونی مرکب از کارشناسان آموزش و پرورش، حقوقدانان، متخصصان، علما و نمایندگان منتخب را باصلاحدید خود تعیین، و یکی از آنان را به عنوان رییس کمیسیون منصوب خواهد نمود.

(۳) وظایف کمیسیون بررسی نظام آموزش و پرورش پاکستان به منظور نیل به اهداف مذکور در ماده (۱) و ارائه توصیه در این زمینه خواهد بود.

(۴) گزارشی که حاوی توصیه‌های کمیسیون می‌باشد، تقدیم حکومت فدرال خواهد شد تا ترتیب ارائه آن را به مجلسین فراهم آورد.

www.publaw.blogfa.com